

دَارُ وُجَلَه

د کب میاشتی

د ۱۳۵۱ کال



دوولسمه ګڼه

ازدواج فرخندهء والا حضرت شهزاده محمد داؤد پشتونيار ووالا حضرت فاطمه درقصر دلکشا



فهرست این شماره

صفحه	نویسنده یا مترجم	عنوان
۲	اداره	مراسم فرخنده عقد نکاح . . .
۱	جگرن فیض محمد عاطفی	پایان یکسال .
۳	تورن شمس الدین ظریف صدیقی	در جستجوی زندگی بهتر .
۹	جگرتورن ارکان حرب علی احمد جلالی	یک آغاز بزرگ در راه صلح ویتنام .
۱۶	جگرتورن انجنیر عبداللطیف	مانع و پرابلم حرارتی در بوجود آمدن طیارات مافوق صوت .
۲۱	جگرتورن نورالدین آرزوئی	فریو لوژی هوانوردی و غوطه در آب .
۲۶	جگرتورن حبیب الرحمن مزاروال	د فلسطین بی کوره و لس .
۲۹	تورن میرحسام الدین محتشمی	یک موفقیت بزرگ در سپورت هاکی
۳۲	راپورتر مجله	تلفات محاربه ویتنام
۳۳	دیپلوم انجنیر تورن غلام حضرت فردا	سیستم اتومات
۳۶	ف، ع	چکیده های هنر
۳۸	دیپلوم انجنیر لماری بریدمن محمد اکبر	قوتها و مهمات مدافعه
۴۶	آقا محمد بیغرض	رحم، مهربانی او عطاوت
۴۷	جگرن سید شیرین	مارشال بزرگیکه در حرب عمومی دوم
۵۳	بشیر کبیر	بلوکاد (محاصره)
۵۷	جگرن محمد یونس لحمکنی	هغه غه چه یوتن پارتیزان کوی
۶۰	دوکتور محمد داؤد بارکزائی	اسلحه دستجمی
۶۵	دپلوم انجنیر سروری	پرتاب دستگاهاهای کیهانی
۶۸	جگرن مجدجان احمدزی	جنرالهای جرمنی
۷۳	جلالی	اطلاعات دفاعی
۷۸	لماری بریدمن مورگن شنواری	دلارینودل شوی الوتکی - گولی
۸۵	عاطفی	ما و خوانندگان
۹۴	تورن عبدالغیاث بیدار	جهان در یکماه اخیر
۹۷	راپورتر مجله	وفات مرحوم میوند
۹۹	ظریف صدیقی	فهرست ۱۳۵۱



به پیشگاه ذات ملو گانه مراسم عقدنکاح و الاحضرت شهزاده محمد داود پشتونیار و الاحضرت فاطمه در قصر دلکشا برگزار گردید



اعلیحضرت معظم هما یونی و علیاحضرت ملکه معظمه در کنار عروس و داماد

مجلسین شوری، قاضی القضاة، وزیر دربار سلطنتی، اعضای حکومت جترالها، ما مورین عالیرتبه و عدهیی از معاریف پایتخت با خانمهای شان دعوت شده بودند.
اعلیحضرت معظم هما یونی و علیاحضرت ملکه معظمه در اجتماع مدعوین تشریف آورده با هر یک از مدعوین مصافحه فرمودند.

والاحضرت شاهمدخت مریم، والاحضرت شهزاده شاه محمود، والاحضرت محبوب غازی والاحضرت مارشال شاه ولی خان غازی فاتح کابل، والاحضرت جترال سردار عبدالولی وسایر اعضای خاندان جلیل سلطنتی، بناغلی محمد موسی شفیق صدراعظم، روسای

محفل عقد نکاح و الاحضرت شهزاده محمد داود پشتونیار و والاحضرت فاطمه عارف شامکاهان جمعه ۱۳ دلو ۱۳۵۱ در قصر دلکشا باشکوه و جلال کامل برگزار شد.
در آن محفل سرور و شرف والاحضرت شهزاده احمد شاه والاحضرت خاتون ل،



يك صحنه از مراسم عقد نکاح در حضور شهريار معظم ما

کشور ما است صورت گرفت. در محفل عروسی چند تن از صاحبمنصبان قوای هوایی و زمینی مراسم باستانی پلوغوتیه را که خاصه مردم دلیر این کشور است اجرا نمودند.

بعد از ختم مراسم آیینیه و مصحف مدعوین دسته دسته تبریکات خویش را بحضور اعلیحضرتین و والاحضرت گرامی شاهزاده محمد داود پښتونیار و همسر محترمه شان تقدیم داشتند. مدعوین در حالیکه خاطر این شب باشکوه را با خود میبردند محفل به پایان رسید.

مجله اردو بنماینده گی از صاحب منصبان و منسوبین اردوی شاهانه این پیوند فرخنده را به پیشگاه ذات شہریاری سر قومندان اعلی اردوی افغان و عنایاحضرت ملکه معظمه و خاندان جلیل سلطنتی، خصوصاً والاحضرت شہزاده محمد داود پښتونیار و والاحضرت فاطمه صمیمانه تمہیت و تبریک گفته از خداوند متعال سعادت و سلامت شان را تمنا می کند.

بردند و لحظه بعد با تشریف آوری والاحضرت فاطمه مراسم باشکوه آیینیه و مصحف که از مراسم باستانی مردم



والاحضرت شہزاده محمد داود پښتونیار در پایان مراسم عروسی دست پدر تاجدار شان را میبوسند

بعد از صرف طعام شب ساعت یازده شب در حضور اعلیحضرت معظمہ ہمایونی در حالیکه والاحضرت شہزادہ احمدشاه، والاحضرت شہزادہ شاہ محمود، والاحضرت مارشال شاہ ولی خان غازی فاتح کابل، والاحضرت جنرال سردار عبدالولی، ہنای علی محمد موسی شفیق و صدراعظم، روسای مجلسین شوری و قاضی القضاات حضور داشتند مراسم عقد نکاح بجا شد.

داماد گرامی والاحضرت شہزادہ محمد داود پښتونیار بعد از عقد نکاح در حالیکه از طرف اعلیحضرتین والاحضرت شہزادگان گرامی، و والاحضرت فاتح کابل و والاحضرت سردار عبدالولی بدرقہ میشدند بہ سالون بزرگ آیینہ و مصحف تشریف



با نشر این شماره ، طومار عمر یکسال دیگر از حیات نشراتی مجلہ اردو در ہم پیچیده میشود و این مجموعه سابقه دار اردوی افغان در آستانه سال نو قرار می گیرد. ما حاصل مساعی و تلاش های ما و همکاران ارجمند ما در طول هر ماه بصورت مدون و مطبوع از نظر خوانندگان و علاقمندان این نشریه می گذرد و تنها قضاوت منصفانه و استنباط ذهنی همین دوستان است که بر کار و فعالیت ما از دیدگاه عمیقانه خویش یا صحنه می نهند و یا رد می نمایند ، منتها آنچه خواننده از یک نشریه انتظار دارد همانا مطالبی است که بر حجم معلوماتش بیفزاید و ذوق و قریحه او را پرورش دهد و یا بهتر آنکه بگوئیم ، موافق خواسته ها و تمنیاتش باشد .

خواننده عزیز حق دارد که چنین توقعاتی از نشریه مورد نظر خویش داشته باشد و نیز برای خواننده الزامی وجود ندارد که به مشکلات و محدودیت های کار کارکنان نشریه بیندیشد این تنها متصدیان و پرسونل نشریه اند که در جریان فعالیت شبانه روزی خود میدانند که با چه مشکلاتی روبرو هستند و تا چه پیمانہ میتوانند در جهت تنظیم یک نشریه مرغوب و مطلوب خوانندگان قدم بردارند بنابر آن از شما خواننده عزیز تقاضا داریم در عین حال که ثمره کار و زحمت ما را بنگاه انتقادی می نگرید کمی هم به ساحه کار و صلاحیت و حدود فعالیت و امکاناتی که در دسترس ما وجود دارد توجه فرمائید آنوقت خوبتر از

پایان
یکسال ...

ایمان

ایمان بخداوند (ج) و ایمان به حقیقت وسیله ایست که می توان در خوشبختی ما مؤثر واقع شود و زندگی درد آلود را به کام ما شیرین و دوست داشتنی جلوه دهد. کسانی که ایمان دارند رسیدگاری ندارند. این سخنی است که خداوند (ج) بر زبان پیامبر بزرگ اسلام ما رانده است.

درد های زندگی یکی دو تا نیست: فقر، شکست، بیماری و هزاران پدیده دیگر هر کدام زندگی ما را تیره و تاریک جلوه میدهد.

ولی ایمان بخداوند (ج) موجب میشود نوری جاودانی در پناه نگاه وجود ما پدید آید و در پرتو این نور راه های پر پیچ و خم را بسلامت طی کنیم تا بسر منزل مقصود رسیم.

ایمان ما را به پناهگاهی استوار رهنمون می شود پناهگاهی که زایل شدنی نیست و همه دانشگدان را در خود جای میدهد.

ایمان، قدرت توکل را در ما افزایش میدهد و بما تلقین میکند که از حوادث روزگار نهراسیم و برای رسیدن بخوشبختی راه های دور و دراز را طی کنیم.

ایمان، ما را از کج رفتاری و تصورات باطل رهائی می بخشد و نهای امید را در دلهایمان بارور میسازد و نگرانی و بیم را در برابرمان کوچک و ناچیز میگرداند.

یک قضاوت سالم برخوردار خواهید بود سالی که گذشت بارویکار آمدن حکومت جدید، فضای تازه تری در محیط ما آغاز گردید و توأم با این تحول نقش اردوی افغان در خدمت اجتماع بصورت اساسی تبارز نمود اردو با پرسونل و وسایط خویش سهم بارزی در خدمات عام المنفعه و کمک به هموطنان گرامی بعهده داشت و جریان این همکاری ها در جراید دولتی و ملی مشروحاً انتشار یافته و نیاز به تکرار آن نخواهد بود.

اوضاع بین المللی نیز بموازات شناسائی رسمی المان شرقی و آرامش جنگهای ویتنام و راه یافتن چین توده ای بموسسه ملل متحد و غیره تدریجاً براه سالمتری جریان دارد که امیدواریم فرآوانی در حلقه های سیاسی و مجامع صلح پسند جهان ببار آورده است.

می بینیم که دور نمای اوضاع عمومی جهان عموماً و پس منظر سالی که گذشت در داخل کشور ما از لحاظ تحولات نسبی خصوصاً مایه امیدواری و دلگرمی مردم جهان و ملت افغان است و طلیعه سال آینده را نوید بخش تحولات بارز و چشمگیر میسازد.

اکنون تقویم سال موجوده را از صحنه زندگی یکساله خویش برمی چینیم و قدم به عرصه حیات نو و سال نومی گذاریم امید داریم پروردگار بزرگ و توانا بما و مردم ما قدرت فراوان عنایت فرماید تا سرمایه های فکری و ذهنی و توانائی های بازوان راد مردان این سرزمین، برای آبادی و سعادت کشور و ملت افغان بکار افتد و اردوی افغان که مهد کارنامه های دلیران این مرزوبوم است با درک مسؤلیت های ملی و وجدانی خویش مشت آهنین ملت افغان در برابر حوادث ناگوار جهان باشد.

اینک کلسکیون سال موجوده را با نشر این شماره مجله اردو خاتمه داده و امید داریم همکاران و ارباب قلم، خصوصاً افسران دانشمند و جوان اردو با ذهن روشن و مطالعات عمیق خویش دست همکاری را بسوی این نشریه دراز فرمایند و صفحات مجله را با مطالب دلچسپ و ثمر بخش خود ها رنگین و مزین سازند. مجله اردو انعکاس دهنده افکار و آثار شما است و انتظار داریم تا در سال نو دامنه فعالیت های ثقافتی و نشراتی ما وسیعتر و دلپسندتر از همیشه باشد بمنه و کرمه.

در جستجوی زندگی بهتر...

تورن شمس الدین ظریف صدیقی

معاون مجله اردو

روانی مسأله کثرت در برابر انسان قرار دارد مهم نیست، آنچه مهمست زمینه انفعالی و گذشته انسانی است که رنج می‌کشد، زیرا عکس العمل های يك انسان در برابر حوادث موجوده بستگی باین دارد که او در برابر اولین تجارب زندگی، چگونه از خود عکس العمل نشان داده است.

بنا برین من از «جان» گذشته اش را خواستم، چند دفعه با او گفتگو کردم و دریا فتم که مادرش در اثنای حرب دوم پناهنده بوده است و از مملکتی به مملکتی قرار میکرده است و اضعست که چنین مادری که خود و همه خویشانش در خطرند موجودی مضطرب است و وجودش در بی قراری و ناایمنی و تزلزل بنا شده است.

مادر جان ویرا در فرارهایش از برابر هتلهای همراه داشت و او درین جنگ و گریزها آموخت که امنیت برای بشر وجود ندارد مخصوصاً که بزودی دانست پدرش بقتل رسیده است.

پس از حرب دوم، مادر جان که به اثر بی کسی و فقدان اقربایش علاقه غیر عادی مفروطی به پسرش یافته بود از مریضی انفلوانزا و فوات یافت، بدنیسان جان تنها ماند و شمایی بنیید که خانه مادر که دامان پرورش طفل است دوام چندانی نیاورد و برای جان تجربه تلخ و ناگوار برجا نهاد.

روی میآورد و علیه مشکلات، بدیها و زشتیها بمبارزه بر میخیزد، همت میورزد و راههای تعالی و ترقی را جستجو می‌کند و بالاتر از همه با زندگی آشتی مینماید.

آندره موروا نویسنده مشهور عالیقدر فرانسه مقاله دارد تحت عنوان آشتی با زندگی، او درین مقاله به هنر زندگی کردن و بالاخره علت های ناسازگاریها را در دنیای حقیقی زندگانی توجه عمیق مبذول داشته که لازمست قسمتی ازین نوشته را درینجا تذکر بدیم.

آندره موروا میگوید بسیاری از مردم از آنچه که آنرا «سرعت زندگی» مینامند ترسان، آشفته خاطر، منقلب و مشوش اند. آنها نمی‌توانند در این جهان متلاطم طغیانی سرکش و پر غوغا تاب آورند. آنها نیاز موخته اند که می‌توان به شیوه ملایم و بی دردسر درین دریای توفانی زیست.

زندگی کردن در جهانی که ما داریم هنری بشمار میرود، ها نقسم که ما هنریخجازی یا حل معادله دو مجهوله را می‌آموزیم باید هنر زیستن در توفان را نیز فرا گیریم. بگذارید سرگذشت يك انسان را برای شما تعریف کنم. نام او (جان آره) بود، او نزد من آمده بود و میگفت که زندگی نوین روحیه اش را خراب کرده است. در معالجات

آلبر کامو نویسنده بزرگ معاصر فرانسه میگوید: بشر تنها موجودی است که نمیخواهد آنچه هست باشد این گفته ما را دفتاً بیاد خود ما می‌اندازد، بیاد آنچه که ما شخصاً در خود احساس میکنیم، احساس میکنیم که وضع موجود و حالت فعلی ما مطابق دلخواه ما نیست، همیشه میکوشیم خود را مانند دیگران بسازیم ولو که هستند صدها انسان دیگر که میخواهند مثل ما باشند. از طرف دیگر ما خود را چنانکه هستیم نمی‌بینیم بلکه بحالت ایده‌آلی آنچه که دل ما میخواهد خود را می‌بینم، با اینصورت متوجه حرکات رفتار و توقعات خود در قبال وظیفه و زندگی اجتماعی نیستیم، اعمال بد خود را بر اعمال خوب دیگران ترجیح میدهم برای افعال در وظیفه و مساعی اجتماعی صدها دل غیر موجه و غیر منطقی در ذهن خود میسازیم و خود را در قضاوت خود تبرئه میکنیم.

خود شناسی خود شناسی است این ضرب المثلی است که باین کلام باشکوه می‌پیوندد که هر کس خود را شناخت خدا را می‌شناسد انسان وقتی بمقامی نایل میگردد که استعداد خود را کشف کند، ماهیت انسانی و مقام عالی بشر خودش را درک نماید. آنوقت است که احساس مسوولیت میکند، بسوی علم و دانش

فیکری

برای نیک بودن باید نیکی کنیم و با نیکی کردن مطمئن ترین وسیله را برای نیک بودن بدست میآوریم ، هما نگونه که نیروی ما هیچه ها با تمرین و ورزش افزایش پیدا میکند . (تراویون ادوردز)

یکی از قوانین بشریت این است که آدمی باید نیک را از طریق بد بشناسد ، هیچ اصل بزرگی نیست که جز از طریق شرفراوان ، پیروز شده باشد هرگز آنانی به غفلت و نیکوئی نرسیده است ، مگر از راه اشتباهات بزرگ . (ف . و . رابرتون)

با آرزو کردن آنچه کاملاً نیک است ، حتی در آن صورت که درست ندانیم که آنچه را که میخواهیم انجام دهیم ، ناز هم جزئی از قدرت الاهی برای نبرد کردن با شر به شمار میرویم که دامنه روشنی را فراختر میسازیم و مبارزه با تاریکی را شدیدتر . (جورج الیوت)

با یک تجربه تازه ، بجای آنکه آنرا بشناسیم و با آن اذدر آشتی درآئیم ، خود را می بازیم ، اضطراب و بیم خود را با تمام قوای روانی خود بسط میدهیم و سرانجام ، آنچه از روان ما میماند چیزی کروی است که در تمام زوایای آن ، و نایمنی رخنه کرده است .

گفتم که زندگی کردن در جهانی که ما داریم یک هنر است ، این هنر چیست ؟ این هنر که برترین هنرهاست بگمان من چیزی نیست جز خود را تطبیق دادن با جهان توفانی و متلاطمی که داریم ، ممکن است شما این حقیقت را نپذیرید اما وقتی بزنگی درین جهان ، بچشم یک داد و گرفت نگاه کنید فایده میشود . داد گرفت دو طرف دارد ، یکی می دهد و دیگری میستاند . شما که ازین جهان رنج میکشید ، علتش اینست که مدام میخواهید بستانید و حال آنکه ستانیدن پس از پرداختن انجام میشود ، آنچه شما باید به جان بپردازید همانست که قبلاً گفتم : پذیرش و سازگاری با جهان سخت نگیرید ، بجهان دست

من همیشه آن شعری را دوست دارم که سرگذشت یکی از کاشفان دریائی را بیان کند . کاشفی که روی دماغه کشتی اش ایستاده است ، به بحر بیکران نظر دوخته است که در برابرش دامن ، از لایناهی به لایناهی گسترده است و به فردهای پر حماسه و باشکوه می اندیشد و میگوید : این زندگی سالم و درست است ، کوشیدن و خواستن . . . اگر بکوشی کیست که مزد ترا ندهد ؟ چرا جان نمیتوانست مانند آن کاشف دریا نوردد ، به زدنگی بنگرد ؟ چرا شما نمیتوانید .

جوابش را من بشما میدهم ، جان از در بدری و فرار که از شروع دامنگیرش شد رنج میکشید ، او معنی مادر و خانه را درک نکرد ، هرگز نتوانست طعم آرامش را بچشد ، لاجرم فریاد بر آورد که جهان ، سراسر بی آرامی است ، مانند آن ماهی که چون دورو برش را همه از آب دیدد فیلسوفانه گفت : دنیا ، سراسر آب است .

بعضی از ما در اولین مواجهه

ما در جان به پسر س احساس امنیت که مستلزم سالم زیستن است نبخشید و نمیدانست به بخشید و بدین تقدیر ، در اعماق قلب جان ، و در قعر ضمیر ناخود آگاهش ، نایمنی و تزلزل از آغاز رشد کرد و او داریم در جستجوی دامان گرم مادر بود که اگر چه با و اطمینان خاطر نه بخشید اما چندی از گذر روزگار دورش نگه داشت .

این بود پایه عدم توانائی جان در پذیرش سرعت و انقلاب دائمی که زندگی مدرن برای ما بارمغان می آورد . آندره موروا در اینجا ادامه میدهد که من نمیتوانم تجارب شما در طفولیت نیز همانند آزموده های جان در دوران صباوت است . اما اگر زندگی کردن برای شما دشوار و گران است گرفتار این احساس شده آید که در جهانی بصری برید که دوست شما نیست . سبلمت ، تمچین بر پیکر روحتان میزند ، شما نتوانستید کشف کنید که جهان بی دربی ، انواع و اقسام موقعیت ها و هدیه هایش را بشما تقدیم میدارد بشرطیکه شما تاوان پذیرش و سازگاری با آن را بپردازید بدیده تحقیقی به گذشته بنگرید ، بکوشید رشته نگرانی و ناسازگاری خود را باین جهان ببینید . آنوقت در خواهید یافت که زندگی درین توفان ، دشوار و گران نیست و برای دوام آوردن درین طوفان ، باید خود را سازگار ساخت خانه باید آباد کرد در میان توفان که توفان نتواند آنرا از جای بر کند .

من نمیدانم چرا شما از جهان ناخورسندید و از دستش می نالید . شما از جهان چیزی خواسته آید که او بشما نداده است و نمیتواند بدهد مگر آنکه شما چیز را که جهان از شما خواسته است با و بدهید ، جهان از شما چه میخواهد ؟ سازگاری و توافق بیامحیط ، کمی فکر کنید ، زندگی چون خلاق و مثبت سپری شود چه لذتی دارد .

آشتی دهید و او بشما خوشبختی سالم میدهد .

اگر میخواهید روان تان سالم باشد و بدن تان نپژمرد ، باید هر روز چشم براه یک تغییر تازه باشید ، از تغییر نترسید تنوع دیگرگونی و تحول را که طبیعت جهان است با پیشانی باز ببولدار شوید .

«اولد هوگر» یک دانشمند که چهارصدسال قبل میزیست گفته است: تغییر بدون ناراحتی انجام نمیشود، الی تغییری که سود و صلاح شما را دربر دارد .

جهان را سالون سرگرمی فرض کنید بکوشید خودتان را به بازیها و بازیهای تازه سرگرم سازید ، موزیک گوش کنید ، در رویای روزانه فرو شوید ، مطالعه کنید و خوب بخوابید .

اگر ما را ساخته بودند که دائم با واقعیت روبرو شویم آیاموهبت خفتن را بما می دادند؟ پس ازین موهبت بهره بردارید ، زیرا خواب سلامت بخش بزرگی است ، نیز وسیله ایست برای فرار از واقعیت ، زیرا دائم نمیتوان با واقعیت دست به یخن شد .

یکذهن آرام ، یکدل راحت و یکزندگی آسوده ، زمانی میسر است که شما دست بهر کوشش بزنید که با این جهان سریع السیر و منقلب همگام سازگار شوید .

جهان ، یک بیک نیک است . این راهمیشه بیانگهدارید .

این بود نکاتی از یک مقاله بیک نویسنده بزرگ که در زندگی همواره متوجه جوانان بود و در راه بهتر ساختن زندگانی نسل جوان کوشش های بسیار نموده است .

حالا برگردیم با صل مطلب که انسان برای آنسکه تغییری رادر زندگی خود بپذیرد و راه را برای کامیابی های آینده خود هموار سازد لازمست ، مشکلات زیادی را از سر راه بردارد و راه آسان پیروزی را بر دشواریها دریابد .

زندگی ، مامخصوصاً در شرایط که با امروز با آنها روبرو هستیم متضمن فداکاریها و ایثارهای بزرگ میباشد ، ناامیدیه و فشارهای زیادی ما را بعقب میراند و قدرت ابتکار و کوشش ما را خنسی میسازد .

یک ضرب المثل قدیمی میگوید «وقتی روزگار بکام و مراد است احساس خوشبختی کردن آسان است ، اما آدم بزرگ کسی است که در سخت ترین شرایط زندگی لبخند بر لب داشته باشد .»

یک دانشمند روانشناس عقیده دارد که موضوع کنار آمدن و توافق با نومیذیه و محرومیت ها و مشکلات در حقیقت مهم ترین مشکل بسیاری از مردم عصر ماست .

واقعاً توافق و آشتی با زندگی همانطور که گفتیم مهم ترین مداره موفقیت جوانان و بشر کنونی محسوب میگردد .

این دانشمند میگوید سخن ما اینست که چگونه باید به مشکلات لبخند زد ، در صورتی که عده اینطور تصور میکنند که در زندگی اصلاً نباید با مشکلات روبرو شوند و وقتی که مشکل برایشان پیش می آید ، با خصومت با آن برخورد میکنند آنچنان رفتار میکنند که گوئی زندگی با آنها دیون

است ، وهمیشه موجبات راحتی شان را فراهم آورد . در صورتیکه زندگی به هیچکس چنین دینی ندارد .

روانشناس مذکور بدو نکته مهم در مورد مشکلات اشاره می کند . یکی آنکه این موضوع را باید قبول نمائیم که پیش آمدن مشکلات در زندگی اجتنابنا پذیر است ، درست است که بعضی از مردم ظاهر آ بیش از سهم خود با این مشکلات روبرو میشوند ولی بهر حال کم یا زیاد ، کسی نیست که در زندگی با مشکلات روبرو نشود .

فراموش نباید کرد که ظاهر افراد ممکنست قریب دهنده باشد ، اغلب مردم مشکلات خود را با شجاعت عمل می کنند ، در صورتیکه عده هستند که پیوسته چهره در هم رفته دارند و زبانشان دایم به گله و شکایت باز است در حالیکه نمیدانند چقدر خوشبخت استند . پس باید قبول کنیم که مشکلات جزو زندگی ماست و هیچکس را از آن گریزی نیست پس اگر مشکلی برای پیش ما آید برای همه ممکن است پیش آید و مخصوص ما نیست و با اصطلاح به بدچانسی ما مربوط نمی باشد .

دیگر آنکه درست است که ممکن است به سبب مشکلات زندگی بخشم آئیم ولی همین مشکلات شاید سهم

نیکی

خدا کند که کسی آن اندازه ناسپاس و دور از انسانیت نباشد که مایه از بین رفتن رضایت خاطر کسی که در انجام خدمت نیکی برای من حاصل شده نشود . (سنگا)

آن کس خوب است که به دیگران خوبی که می کنند ، رنجی هم تحمل میکند . بسیار بهتر و اگر از کسانی که در حق ایشان نیکی میکنند رنج می بیند به آن درجه بلند از نیکی رسیده است چیزی جز افزایش رنج نمیتواند بر درجه آن بیفزاید ، اگر در این راه مركدامنگیر او شود فضیلت او به قله خود رسیده و قهرمانی او کمال یافته است . (لایرویر)

مهمی در ساختن شخصیت ما داشته باشد. توجه کنیم نوشتن شاید، زیرا بعضی از مردم زیر بار مشکلات زندگی خرد میشوند و با صلاح اراده خود را زدست میدهند در حالی که نباید چنین باشد. آیا هیچ توجه کرده‌اید که تا اندازه چینه های مختلف شخصیت آدمی که مورد ستایش ما هستند، به همین موضوع مشکلات زندگی مربوطند.

مثلاً ما از صبر و شکیبایی افراد ستایش میکنیم، خوب اگر هیچگاه با مشکلات زندگی روبرو نشویم چطور ممکن است بگوییم که صبور، باشماست با مقاومت یا شیم؟ خوب اگر دیگران هرگز رنج نبرده باشند چطور ممکن است بتوانیم یا آنها همدردی کنیم و احياناً آنها را درک نمائیم و سرانجام هم کمک آنها بشتابیم.

مشکلات و رنجهای ما، نه تنها دارای يك جنبه اجتناب ناپذیر اند، بلکه يك جنبه حتمی و ضروری زندگی ما را نیز تشکیل میدهد. مهم اینست که بیدانیم اگر چه اکثر آنچه بسر ما میآید دردست ما نیست، ولی کم از کم این امر دردست ما هست که چطور در برابر آن حوادث عکس العمل از خود نشان بدهیم. وقتی که خوب درین باره بیاندیشیم میبینیم که اساس کار نیز همان عکس العمل و فعل و انفعال است در برابر حوادث زندگی. پس از آنکه فلسفه خود را در خصوص مشکلات زندگی توضیح دادیم حالا باید به بینیم چگونه میتوان به نظریه فوق جنبه عملی داد.

اولاً در برابر مشکلات باید با منطق و دلیل اقدام کنیم نه با احساسات منظور این نیست که احساسات را بکلی از یاد ببریم زیرا اگر تترسیم یا قهر نکنیم یا متأثر نشویم، آنوقت دیگر بما انسان اطلاق نمیشود، زیرا احساسات جز وطبیعت انسانی ما هستند انسانی که احساسات نداشته باشد اکثراً موجودی سرد و غیر جذاب خواهد بود.

این مهم نیست که احساسات خود را از بین ببریم مهم اینست که احساسات خود را زیر نفوذ و ضبط خود داشته باشیم.

عکس العمل های ما اگر بی اندازه همچنان انگیز باشد ممکن است گمراه شویم و ندانیم راه راست کدامست اینست که در احساسات باید حد و حدودی را رعایت کنیم. بطور مثال بعضی از مردم به محض آنکه در معرض محرومیتی قرار گرفتند عجولانه به اخذ تصمیماتی اقدام میکنند، مثلاً خانه خود را میفروشند یا ترک یار و دیا رمینمایند. در صورتیکه اندکی بعد متوجه اشتباه خود میشوند و علت این اشتباه در واقع آنست که احساسات چشم عقل را در شخص کور کرده است.

اگر برای تان مقدور است که چنین تصمیم هائی را به بعد موکول کنید بهتر است، زیرا هنگامی باید تصمیم بگیریید که عقلتان بر احساسات شما مسلط باشد. در غیر اینصورت بهتر است با کسی که مثل ما در آن خصوص احساسات ندارد مشورت کنیم.

ضرر دیگر عکس العمل های منحصرأ احساساتی آنستکه قوای عصبی ما را که باید برای پرداختن بکارهای مفید از آن استفاده شود به هدر میدهد. مثلاً خشم، قسمت زیاد قوای عصبی ما را به هدر میدهد و در نتیجه دیگر نمیتوانیم با حادثه که برای ما پیش آمده است عاقلانه روبرو شویم.

همینطور است در مورد عدم رضایت و غصه خوردن و خود خوری. اینها مقدار زیاد از قوای روحی ما را از بین میبرند و موجب ضعف روحی و جسمی ما میشوند.

ما برای مواجه شدن با مشکلات زندگی باین قوای عصبی خود احتیاج داریم و این عاقلانه نیست که با عدم رضایت یا خخوری آنرا از بین ببریم یا تقلیل دهیم و آنرا در مورد شکوه از خداوند و سرزنش کردن سر نوشت

و یا هر چیز دیگری که آنرا مسؤول گرفتاری خود میدانیم صرف کنیم در حقیقت این يك نوع استفاده منفی از منابع قوای حیاتی است. در صورتیکه باید از آن برای حل و فصل مشکلات زندگی خود استفاده نماییم.

بنا برین، بجای آنکه مشکلات خود را دائماً تشخوار کنیم و در خصوص آن خیالپردازی نماییم، باید است بیك کار عملی در بز نیم زیر ا هر چه بیشتر در باره مشکلات خود فکر و خیال کنیم و به هیچ اقدام عملی، هر چند کوچک باشد، دست نزنیم، رفته رفته با این امر معتقد خواهیم شد که هیچکاری از دست ما ساخته نیست، لذا باید ازین نوع خیالپردازیها به هر قیمتی که بشود بپرهیزیم.

زیرا در غیر اینصورت کم کم باین ایمان پیدا خواهیم نمود که از ما در مورد حل و فصل مشکلات ما کاری ساخته نیست، در حالی که عکس این موضوع را باید بر خود تلقین کنیم. پس در برابر مشکلات باید دست بیك کار عملی زد، این کار را اول باید کشف کرد و بعد بدان اقدام نمود.

ثانیاً باید خوش بینی و خوش خلقی را در خود پرورش دهیم. قدرت مادر بر خورد پیروزمندانه با مشکلات زندگی، نه تنها بطرز سلوک و فعالیت اجتماعی مادر آن لحظه مخصوص بستگی دارد، بلکه به يك چیز دیگر نیز که بتواند منابع لازم را برای کامیابی مذکور در آن لحظه معین در اختیار ما بگذارد نیز وابسته است.

کسی که هیچگاه امید را از دست نمیدهد و با خوش بینی بمسائل نگاه میکند در مواقع بحرانی خود را نمی بازد. یکی از نویسندگان میگوید که ضعف هایتان را هیچگاه فراموش نکنید ولی به استعداد های خود نیز احترام بگذارید. زیرا هیچکس نیست که قدرت و استعدادی نداشته باشد. اگر استعداد یا قدرتی نداشته باشید زنده

فیکگی

کسانی را با صفات نیک می‌شناسیم که خد متهای فراوان نسبت بدیگران کرده اند ، ولی برای خود سودی نداشته اند به ساعتی آفتابی می مانند که در برابر خانه ای نصب شده باشد و همسایگان و گذرندگان از آن سود ببرند ولی برای مالک خانه سودی ندارد . (سویفت)

آن کس که بدیگری نیکی میکند به خود نیز نیکی کرده است و این نیکی نه از نتیجه است بلکه از خود عمل خوبی کردن است کار نیک نیک میکند ، بهترین پاداش است . (سنکا)

مرد نیک نسبت به دشمنان مهر با نتر از مرد بد نسبت بدوستان است .

(جوزف هال)

نفسی نیرومند است که بر نیکی تسکینه داشته باشد . (ماسنگر)

درین لحظات که آخرین روزهای سال ۱۳۵۱ را میگذرانید گردآورده ایم ، حقیقت اینست که نسل جوان مایه نیروی بیشتر در جهت ترقی و پیشرفت

وزندگی اجتماعی و وظیفه وی احتیاج دارد ، رهنمای درست و همکاریهای صحیح باعث آن میشود که در وظایف خود موفقیت بیشتر بدست آوریم .

باید سال گذشته را مرور کنیم ، سالی را که قسمتی از زندگی ما را احتوا کرد و طی آن بما فرصت داد تا از خوبیها و لذایذ مشروع زندگی خود شیرینکام شویم و بر شکستها و ناکامی پرده استوار بکشیم ، سعی کنیم سراز نو ، در سال نو و نوید نیای نوی را استقبال کنیم و با قدمهای متین و طرز تفکر مثبت با استقبال سال ۱۳۵۲ بشتابیم .

سعی کنیم با دوستان خود دوست واقعی باشیم ، با دشمنان خود در نیا فتنیم و آنها را واداریم تا خود در مقابل ما بزانو در آورند و اگر هم مغلوب شده ایم بر غالب بچند بزنیم فراموش نکنیم که اگر بقول شکسپیر مغلوب بچند ، غالب لذت پیروزی را از دست میدهد .

فکر میکنند . بر عکس خوشبختترین اشخاصی آنها هستند که دایما بفکر دیگرانند و میکوشند که از بارغم و غصه های دیگران بکاهند .

این دسته اخیر اکثر اوقات آنرا نخواهند داشت که بغمها و مشکلات شخصی خود بیاندیشند ، ازینها گذشته وقتی که به غم های دیگران واقف شدیم باین نتیجه میرسیم که غم های ما چقدر کمتر است و ازین حیث راضی و شکر گذار خواهیم شد . حقیقت اینست که هنوز ما یاد نگرفته ایم باین هدایات آسمانی که میگوید : نعمت های را که دارید یکی یکی بشمرید عمل کنیم .

فقط باین قناعت نکنید که بگوئید بله میدانم که از چه نعمت های برخوردارم بلکه کاغذ و قلم بردارید و فهرستی از نعمت های امروز و دیروز فراهم آورید و همینطور بروید بروز های گذشته ، آنوقت خواهید دید که نه حافظه شما و نه حساب و کتابتان قادر است اینهمه نعمت های را که از آن برخوردار بوده اید حفظ و ضبط کرده باشید .

این بود مطلبی که برای شما

نبودید . اگر امیدوی در کار نبود اصلا بد نیا نمی آمدید ، افکاری در سر دارید ، ورنه هیچگاه با این سن که رسیدید اید نمی رسیدید .

شما درین جهان دارای یک ارزش خلاقه هستید ، حتی اگر یکی از حواس پنجگانه یا یکی از انگشتان خود و یا یک پایتان را از دست داده باشید .

افکاری از مقوله بالا که جملگی های از خوش بینی و امید و خلاقیت است طی سالیان درازی در سایه تکرار و بکار بستن آنها در شخص پدید می آیند و وقتیکه حوادث دردناک زندگی برای ما پیش می آیند بهترین نیروی مقاومت ما را تشکیل میدهد . عادت باسان گیری هم ممکن است

در مواقع دشوار بما کمک کند . میرمن روزولت در کتابی که در شرح حال خود نوشته در باره شوهرش گفته است :

« فکر نمیکنم مردی که نتواند پس از گذراندن ساعات تفکر شدید و اخذ تصمیم های مهم ، ساعتی را نیز بخوشی و خرمی بگذراند بتواند در مقام رئیس جمهوری امریکا دوام بیاورد . »

مشکلات و ظایفی مانند ریاست جمهوری امریکا خارق العاده است در صورتیکه همه ما با مشکلات زندگی عادی روزمره روبرو هستیم . از مهمترین راههای مبارزه با این دشواریها و مشکلات اینست که سخت نگیریم و بزندگی و بخود بچند خویش بینی بزنیم . وقتیکه بایک مشکل با نومیادی روبرو شدیم در واقع مثل اینست که آن مشکل را بدست خود دو چند ساخته ایم و حال آنکه اگر با خوشی بینی با مشکلات روبرو شویم مثل اینست که آنها را نصف کرده باشیم .

ثالثاً اینکه باید بفکر دیگران هم باشیم . ناخرسندترین کسان اشخاص اند که پیوسته بخودشان

تقوی

** VIRTUE **

تقوی عجب کلمه زیبایی است! اصل این کلمه پر معنی همانند چراغی است که اسرار زندگی را روشن میکند زیرا از کلمه (VIR) لاتین بما رسیده که بمعنای مرد است و با کلمه (VIRILE) که بمعنای نیرومند آمده برادر است با کلمه شرارت (VIGE) فرق دارد! این کلمه بمعنای بدی است ولی «بدی» از نوع بخصوصی: معنای تنبلی بی اعتنائی ندادنی بی احتیاطی یا بی هوشی را نمیدهد بلکه منظور «بدی» عمدی است، یعنی «بدی» که با جان و دل و اطلاع کامل انجام میشود و انسان با نیروی اراده و همه قلبش از آن پشتیبانی میکند. واقعاً شرارت چیزی است وحشتناک زیرا بدین معناست که انسان نتیجه قرنهای زحمت را که برای بدست آوردن «خوب» کشیده شده پس میزند که همان کفر نعمتهای خداوند محسوب میشود. بقول «دانته» همه چیز از خداوند متعال سرچشمه میگردد. انسان شریف ترین مخلوقات خداوند است و خداوند از خصائل نیکوی ذات مقدس خودش به انسان سهم بیشتری عطا کرده تا به سایر مخلوقات انسان خیلی زود پسی برد که با سایر حیوانات تفاوت فراوانی دارد. بنابراین بین خودش و سایر حیوانات خط فاصل روشن و آشکاری کشید، تقوی بمعنای خصائل نیکو، در بالای این خط قرار گرفته و مربوط به چیزهایی میشود که انسان باید آنها را هدف زندگی خویش قرار بدهد، آنها چیزهایی هستند که بر افتخاراتش میافزایند.

سعی کنیم وجدان خود را از آلودگیها نجات بدهیم چه همینطور که کانت گفته است، در دنیا هیچ چیز زیباتر و بهتر از آسمان پرستاره و وجدان آسوده از گناه نیست.

بأنها که بما نیکی کرده اند حقشناس باشیم، خوبی را بخوبی پاسخ دهیم و از بدی کردن در مقابل دیگران بپرهیزیم. بدوستان خود ارزش قایل باشیم چه بقول یک دانشمند خوشبخت تر کسی است که بتواند رفیقی داشته باشد که بوقت ظهور مشکلات بتواند آنها را محرمانه باوی در میان گذارد. البته همیشه ممکن است دیگران نتوانند بما اندرز بدهند و چه بسا که اکثر این ما هستیم که باید به تنهایی تصمیم بگیریم ولی از یاد نبریم که گفته اند غصه ای را که دیگران در آن با شما سهم شوند در واقع نصف خواهد شد. آخرین توصیه ما اینست که باید یاد بگیریم که خوب استراحت و تفریح کنیم. غم و غصه های ما اکثرآ بسبب خستگی جسمی و روحی ما بیشتر و دشوارتر از آنچه هستند جلوه می کنند بهترین راه استراحت اینست که روی کف اتاق دراز بکشید و یکایک عضلات خود را شل کنید و تنفس خود را به ترتیب آهسته، تند و منظم بکنید، خواهید دید که این کار چه اثری خواهد گذاشت.

آن کنیم نه اینکه انرژی خود را با غم و غصه خوردن تلف سازیم. امید است شما خوانندگان عزیز بعد ازین بتوانید بر مشکلات خود غلبه حاصل کنید و با زندگی آشتی نمایید، با امید آن روز...

(پایان)

این موضوع باشیم که حالا که در اداره نیستیم چه خواهد شد. بسیار انداز بزرگان عالم که توفیق خود را مدیون تقسیم وقت خود بوده اند. وقتی مشکلی پیش می آید، باید همه قوای خود را صرف حل و فصل

باید روزانه دقایقی را به تفریح تخصیص دهیم، می بینید که میگویم تخصیص دهید ولو اینکه وقتتان کم باشد. لذا باید اوقات خود را بکار و تفریح تقسیم کنیم، بدین معنی که وقتی کار میکنیم کار بکنیم و وقتی که تفریح مینمائیم تفریح کنیم نه اینکه همیشه بفکر کار باشیم و مضطرب

يك آغاز بزرگ

نوشته جگتورن ارکانجرب

علی احمد جلالی

دراہ صلح ویتنام

حوادثی کہ بہ اور بند اخیر منتهی شد

آیا برای صلح دوامدار در ویتنام تا کدام اندازه امید واری هر جزو اعدت؟؟؟

منطقوی کہ بنا بر علل مختلف پیش از حرب آغاز شدہ بود با تغیر مرام و شکل پس از پایان یا فتن حرب دوم جہان ادامہ یافت و این همان مجادلاتی است کہ تا کنون پایان نیافتہ است باید متذکر شد کہ بین سالہای ۱۹۴۵-۱۹۴۹ علت اساسی جنگہای منطقوی در حوزہ جنوب شرق آسیا عبارت از جنبش ہای نشناستی و تصادم آن با قدرت ہای استعماری منطقہ مانند انگلیس، فرانسیہ و ہالیند بود و روی ہمین اساس بجز تایلیند در تمام این حوزہ انگیزہ مقاومت، مجادلہ و جنبش ہا بیشتر روی مسایل نشناستی اتکا داشت مردم ویتنام، برما و اندونیزیہ بہ انگیزہ عوامل نشناستی برای ہدست آوردن استقلال خود در مقابل قدرت ہای استعماری بہ مجادلات دامنہ دار و پیہمی اقدام کردند. اوضاع بین المللی آنوقت برای این کار بسیار مساعد بود زیرا پس از شکست جاپان در اگست سال ۱۹۴۵ و تسلیم شدن آن جبهات مقاومت ملی در کشورہای جنوب شرق آسیا برای ہدست آوردن حق خود ارادیت و گرفتن اختیارات کشورہای ایشان در دست خود دست بہ مجادلہ و فعالیت زدند اکثر مناطق این حوزہ در دوران حرب دوم جہان زیر تسلط جاپان آمدہ بود و بہ اینصورت جای قدرت ہای استعماری اروپائی را جاپان اشغال کردہ بود. و با شکست و تسلیم شدن جاپان ظاہراً سلطہ جاپان نیز بر مناطق مذکور خاتمہ یافت ولی قرار بود کہ پس از تسلیمی جاپان بزودی قوای متحدین مناطق اشغال جاپان را در جنوب شرق آسیا ہدست خود بگیرد و بہ این ترتیب قدرت ہای استعماری غربی کہ در دوران حرب دوم جہان توسط قوای جاپان از مناطق جنوب شرق آسیا بیرون کشیدہ شدہ بودند پس از تسلیم شدن جاپان مجدداً بہ مناطق مذکور آمدنی بودند.

ویتنام اکنون در جہان برای تمام طبقات مردم یک نام بسیار آشنا است زیرا خصوصاً در دہہ اخیر کمتر روزی بودہ است کہ نشرات و مطبوعات جہان درین بارہ خبری نشر نکرده باشند ویتنام با صحنہ ہای خونین جنگ ہای دوامدار و چندین سالہ آن کہ بتدریج شدید تر و خشن تر شدہ رفتہ است با آن ہمہ مجادلاتی کہ در ساحہ سیاسی و میدان ہای زور آزمائی اسلحہ و نیروہای نظامی صورت گرفته است یک فصل مہمی را در تاریخ حوادث قرن جاری تشکیل میدہد. و اکنون کہ قدم ہای نخستین برای فراہم آوردن صلح دوامدار در ویتنام برداشتہ شدہ و اوربند بین طرف ہای متخاصم بطور رسمی نفاذ یافتہ است هنوز نمیتوان گفت کہ بحران ویتنام پایان رسیدہ است چہ ممکن است تا سالہای زیاد دیگر هنوز پرابلم ویتنام از مسایل عمدہ بین المللی باشد و چہ بسا کہ بار دیگر آتش جنگ با چہرہ تازہ ای در آن منطقہ شعلہ ور گردد.

بحران ویتنام و بصورت عمومی بحران ہند چین دقتاً بوجود نیامدہ و یقیناً دقتاً خاتمہ یافتہ نخواہد توانست اگر چہ اوضاع بین المللی اکنون نسبت بہ اوضاع بیست و پنج سال گذشتہ فرق زیادی دارد و میتوان تصور کرد کہ ذہنیت ہای مردم و زمامداران جہان طی ریع قرن گذشتہ تغیر یافتہ و انگیزہ ہای گرایش بہ صلح و جنگ فرق کردہ است مگر با وجود آنہم باید پرابلم ویتنام و بصورت عمومی ہند چین در پرتو گذشتہ آن و با مدنظر گرفتن ایجابات اوضاع کنونی بین المللی قیمت دادہ شود.

نظری بہ گذشتہ :

پس از حرب دوم جہان حوزہ جنوب شرق آسیا بیشتر از ہر منطقہ دیگر جہان میدان مجادلات متنوع بہ سویہای مختلف قرار گرفته است درین حوزہ جنگہا و مجادلات

این موضوع برای مردم کشورهای جنوب شرق آسیا تحول بزرگی را بار آورده نمی توانست زیرا درحقیقت یک قدرت استعماری میرفت و قدرت استعماری دیگری جای آنرا می گرفت و درین میان سخنی از آزادی کشورهای منطقه در میان نبود و اگر پلانی هم درین زمینه موجود بود طراحان آن همان قدرت های استعماری بودند که مطابق میل خود رفتار میکردند. روی این اساس جبهات مقاومت ملی در کشورهای جنوب شرق آسیا تصمیم گرفتند که برای آزادی خود عملاً داخل اقدام گردند و با استفاده از وقفه موجوده بین تسلیمی جاپان و رسیدن قوای متحدین خصوصاً به هند چین، ملا باوندونیزیا اختیارات را در دست خود گرفته برای همیشه به تسلط خارجیان خاتمه بدهند.

درین جنبش ها و مقاومت های ملی عناصر مختلف کشور های مذکور وارد میدان شدند و گروه های نشناست و کمونیست متحداً داخل اقدامات گردیدند. در آغاز مرحله بعثت اینکه هدف گروه های مذکور مشترک و معین بود و خاتمه دادن به تسلط اروپائیان تلقی میشد اتحاد عمل نیز در میان آنها موجود بود و گروه های مذکور علیرغم داشتن تفاوت های ایده لوژیکی در مقابل خارجیان دست خود را یکی ساختند و به مجادله پرداختند مگر پس از مدتی که راه رسیدن نیروهای ملی به قدرت کوتاهتر شد اختلافات موجوده بین گروه های مختلف تبارز کرد و گروه های کمونیستی در کشورهای مذکور آرزو داشتند که اولاً با تشریک مساعی سایر گروه ها و عناصر داخلی به تسلط اروپائیان خاتمه بدهند و متعاقباً زمینه را برای بوجود آوردن انقلابات منطقه ای مبتکی بر اساسات سوسیالیستی مساعد سازند و به اینصورت رژیم های سوسیالیستی را در کشور های ایشان سرافقار آورند. بحرانات منطقه ای درین حوزه از همین نقطه شدت یافت و بالاخره بشکل جنگهای منطقه ای داخلی به اشتراك عناصر داخلی و قدرت های خارجی انجامید.

اما در وقتیکه عناصر ملی در داخل کشورهای جنوب شرق آسیا برای برانداختن تسلط خارجیان با عم آهنگی و اتحاد فعالیت میکردند عدم توافق بین قدرت های غربی در خصوص معامله با کشورهای جنوب شرق آسیا که با شکست جاپان از سلطه آن خارج شده بودند شرایط را برای موفقیت جبهات ملی داخلی کشورهای مذکور مساعدتر ساخت. زیرا در حالیکه عناصر مختلف داخلی در برابر قدرت های استعماری غرب جبهات متحدی تشکیل داده بودند بین نظریات ایالات متحده آمریکا و قدرت های اروپائی که در جنوب شرق آسیا مستعمرات داشتند اختلافات زیادی موجود بود.

روزولت رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا توضیح نمود که حکومت وی مخالف برقراری مجدد تسلط اروپائیان در مستعمرات آسیائی آنها می باشد. با لبعقاب

انگلیسها اگر چه موافقه داشتند که به مستعمرات آسیائی خود پس از جنگ آزادی بدهند ولی میخواستند که پس از شکست جاپان مجدداً به مستعمرات خود داخل شده کنترل را در دست بگیرند و سپس با اتخاذ ترتیبات خاصی به آنها مطابق پلان هائیکه خود طرح کرده بودند آزادی بدهند. فرانسوی ها نیز اگر چه به دادن یک اندازه اختیارات محدود به مستعمرات خود در هند چین موافقه داشتند ولی حاضر به دادن استقلال کامل به آنها نبودند و کذا هالیند نیز حاضر نبود از مستعمرات خود در جنوب شرق آسیا دست بکشد. موجودیت همین اختلاف نظریات بین قدرت های غربی در خصوص آینده کشورهای جنوب شرق آسیا شرایط را برای فعالیت دامنه دار جبهات داخلی کشورهای مذکور مساعد ساخت و مجادلات آنها در برابر اروپائیان بتدریج شدت و وسعت اختیار کرد.

مگر پس از سال ۱۹۴۹ با تشکیل شدن جمهوریت مردم چین مجادلات داخلی در کشورهای حوزه هند چین شکل دیگری بخود گرفت پیروزی کمونیست های چین بر اردوی کومینتانگ (اردوی حکومت مرکزی) نه تنها اتحاد تاریخی چین را پس از ضعف و پراگندگی صدساله اعاده کرد بلکه اساس یک قدرت بزرگی را در سواحل شرقی و جنوبی قاره آسیا پی ریزی کرد و این قدرت بر مجادلات داخلی در حوزه هند چین موثر قرار گرفت. پس از آن اتحاد سابقه ایکه بین جبهات و عناصر مختلف داخلی کشورهای های حوزه مذکور در مقابل اروپائیان موجود بود از بین رفت و زمانی قرار رسید که در داخل کشورهای مذکور مجادلات داخلی بین عناصر کمونیستی و غیر کمونیستی آغاز یافت و این وضعیت در گوشه های مختلف آن حوزه چون قلیپین، هند چین، برما و اندونیزیا بوجود آمد. در میان این گیرودار ها تعدادی از بین گروه های داخلی در مقابل عناصر و جبهات کمونیستی مورد حمایت قدرت های غربی قرار گرفتند و مجادلات داخلی بار دیگر وای بشکل دیگری یک حالت دو جانبه را اختیار کرد طوریکه در یکطرف آن عناصر و جبهات داخلی و کمونیستی و در جانب دیگر عناصر و جبهات مخالف آنها که مورد حمایت قدرت های غربی قرار گرفته بودند واقع شد. و ظهور چنین وضعیت گروه های کمونیستی نیز از طرف قدرت های خارج حوزه خصوصاً جمهوریت مردم چین پشتیبانی می شد. اگر چه جمهوریت مردم چین در آغاز مرحله یک قدرت بزرگ جهانی تلقی نمیشد وزیر بنای اقتصادی آن نیز نسبت به غرب بسیار ضعیف بود مگر کشور مذکور از حیث تاثیر بر جنگهای منطقه ای و موقعیت مهم آن در آسیا یک عامل بزرگ و فکتور مهم در جنوب شرق آسیا بحساب میرفت.

در ویتنام پس از حرب دوم جهانی کمونیست های آن کشور توام با سایر گروه های داخلی برای برانداختن

سلطه فرانسویان مجدداً له میگرداند و برای این منظور تشکیلات گریلائی موسوم به (ویت من) را بوجود آوردند که در اساس تکنیک های سیاسی و نظامی چین عمل میکرد. استقرار قدرت جمهوری مردم چین در سرحد شمالی ویتنام از سال ۱۹۴۹ به بعد موفق اردوی ویت من را تا اندازه زیادی تقویه بخشید و مجادلات آبر برای بیرون کشیدن اروپائیان از هند چین و تا مین کنترول برویتنام وارد مرحله فعا لتری ساخت. قوماندان عمومی اردوی (ویت من) یعنی جنرال نکوین جیاب که طی جنگهای متوالی اعتبارات بزرگ نظامی را حاصل داشته است از همان وقت طی مدت یکسال نه تسلیح و تجهیز مجدد و تقویه نیروهای ویت من پرداخت و متعاقباً در ماه اکتوبر سال ۱۹۵۰ بیک تعرض عمومی در مقابل قوای فرانسوی اقدام کرد که در نتیجه آن مناطق مهم و حاکمی را در جوار سرحدات چین و ویتنام از دست فرانسویان بیرون کشید. این حادثه حیثیت یک شکست بزرگی را برای قوای فرانسه داشت زیرا در اثر آن نه تنها تلفات زیادی بر آن وارد آمد بلکه نقاط مهم ستراتیژیکی را از دست داد. قوای فرانسوی با همه تلاشی که برای اعاده موفق از دست رفته در ویتنام بعمل آورد به نتیجه مهمی نرسید و متعاقباً اردوی ویت من به کمک جمهوری مردم چین روز بروز بر شدت مجادلات خود افزود و در مقابل آن قوای فرانسوی بتدریج ضعیفتر شده رفت.

از زمانیکه معاونت های جمهوری مردم چین به جبهات و عناصر داخلی کشور های جنوب شرق آسیا احساس گردید ایالات متحده امریکا نیز درین مورد به حرکت بالمثل تشبث کرد، چنانچه همینکه کومک های چین به اردوی (ویت من) در ویتنام آغاز شد حکومت امریکا بر خلاف فیصله ها و تصمیمات قبلی خود (حکومت امریکا قبلاً توضیح کرده بود که مخالف برقراری مجدد تسلط اروپائیان بر مستعمرات آسیائی آنها می باشد) به کمک فرانسویان جهت مقابله با اردوی (ویت من) شتافت و ایچسن وزیر امور خارجه ایالات متحده امریکا در ماه می سال ۱۹۵۰ رسماً اعلام کرد که امریکا به ویتنام لاؤس و کمبودیا به مقصد تا مین استقرار و حمایت نشنا لیزم در آنجا کمک های اقتصادی و نظامی بعمل می آورد. البته مقصد ایالات متحده امریکا از مداخله در هند چین به هیچ وجه مفهوم تقویه سلطه فرانسه را در آنجا نداشت بلکه هدف مهمترین آن مغلوب ساختن جنبش های کمونستی در آن حوزه بود. و بنا بر آن جنگ ویتنام که اساساً یک جنگ استعماری بود و در آن قوای فرانسوی با جنبش های آزادی خواهی ویتنامی ها مقابله میکرد، در نظر واشنگتن شکل یک مجادله را برای جلوگیری از نفوذ مزید کمونیزم در جنوب شرق آسیا بخود گرفت و ساحت هند چین برای امریکا

یک ساحت تجدید این گونه نفوذ در چوکات جهانی تلقی می شد. روی این منظور ایالات متحده امریکا اسلحه خود را در اختیار قوای نظامی فرانسه در ویتنام گذاشت با آغاز جنگ کوریا اندازه کمک های نظامی امریکا به قوای فرانسوی در هند چین افزایش یافت و با مواصلت گروپ مشاورین نظامی امریکا به هند چین در ماه اگست سال ۱۹۵۰ مصروفیت عملی ایالات متحده امریکا از هند چین آغاز یافت. مداخله امریکا در هند چین تا سال ۱۹۵۴ و فیصله نامه کنفرانس ژنیو بیشتر بشکل امداد مالی بعمل می آمد طوریکه تا اواسط سال ۱۹۵۲ ایالات متحده امریکا ثلث مصارف عملیات هند چین را تامین میکرد و بسال ۱۹۵۴ مقدار معاونت مالی امریکا هنوز هم افزایش یافت و هشتاد فیصد مصارف عملیات هند چین را احتوا میکرد. ولی از حیث فعالیت های نظامی اجرای عملیات در هند چین تا وقتی کاملاً در دست فرانسویان بود که بسال ۱۹۵۴ به شکست نظامی مواجه شدند. در آن سال قوماندان قوای فرانسه در ویتنام قسمت اعظم قوای خود را در حصار بزرگ (دین بین فو) به امید شکست دادن قطعی به اردوی (ویت من) جا بجا کرد. ولی نیروهای ویت من قوای فرانسوی را در آنجا محاصره کرد و در نتیجه جنگ قوت های ویت من که توسط هزاران نفر حامل بایسکل سوار برای آنها مواد غذایی اکمال می شد و اخیراً قوای خود را با توپچی ثقیل مجهز ساخته بودند شکست قاطعی بر قوای فرانسوی وارد آمد. زمانیکه قوای فرانسه محاصره شد و اکمال آن از راه هوای به علت فعالیت شدید توپهای دافع هوای ویت من، بعمل آمده نمی توانست، در واشنگتن موضوع مداخله مستقیم امریکا در هند چین مورد مطالعه قرار داده شد ولی این نظریه مورد قبول واقع نشد زیرا مداخله امریکا ذریعه قوای زمینی مخالف آرای عمومی مردم ایالات متحده امریکا بود که تجارب تلخ جنگ کوریا را هنوز فراموش نکرده بودند و مقابله کتلوی امریکا با قوای کمونست هند چین ذریعه اسلحه ذروی که آنوقت بطور نظری بحدی ستراتیژی امریکا از طرف دالس حمایه می شد بعلت عدم موجودیت اهداف مساعد در جنگل های ویتنام قابل تطبیق نبود. و بالاخره قوای فرانسوی در (دین بین فو) بتاريخ ۶ ماه می سال ۱۹۵۴ یعنی ده روز پس از افتتاح یک کنفرانس بین المللی در ژنیو که برای فیصله بحران کوریا و هند چین دایر شده بود تسلیم شدند. در کنفرانس ژنیو نمایندگان ایالات متحده امریکا انگلستان، اتحاد شوروی و چین و همچنان نمایندگان فرانسه، ویت من و حکومت مورد حمایت فرانسه در ویتنام و سایر کشورها نیکه در جنگ کوریا اشتراک داشتند شامل بودند. این کنفرانس برعکس موضوع کوریا و فارموسا در مورد بحران هند چین به نتیجه بهتری رسید و موفق به

عهد معاهده‌ای درین مورد شد. اگر چه ایالات متحده آمریکا این معاهده را امضا نکرد ولی مورد توافق سایر نمایندگان قرار گرفت. طبق این معاهده ویتنام بدو پارچه تقسیم شد که پارچه شمالی آن به رژیم (ویت من) و پارچه جنوبی آن به حکومت غیر کمونستی ویتنام تعلق گرفت. خط تقسیم بین این دو پارچه خط ۱۷ درجه عرض البلد تعیین گردید بطوریکه بدو طرف آن دو نوع رژیم (ویتنام شمالی و ویتنام جنوبی) بوجود آمد، معهدا طبق فیصله نامه ژنیوا این تقسیمات صرف یک راه حل موقتی بود و حل نهائی وقتی تحقق می پذیرفت که مطابق حکم فیصله نامه پس از دو سال در تمام ویتنام شمالی و جنوبی یک انتخابات عمومی صورت گرفته و بر اساس آن ویتنام واحد شکل نهائی خود را می گرفت. چون قسمت زیاد نفوس در ویتنام شمالی موجود بود و آن قسمت زیاد تر زیر کنترل ویت من قرار داشت حمایت کنندگان ویتنام جنوبی نتیجه گرفتند که انتخابات عمومی باعث حاکمیت کمونیست ها بر تمام ویتنام خواهد شد. مگر فرانسه که پس از سالها جنگ در هند چین خواهان بیرون شدن از آن منطقه پر آشوب بود همین واقعیت را پذیرفت. ولی ایالات متحده آمریکا از بین رفتن و منحل شدن ویتنام جنوبی را در یک ویتنام واحد تحت حاکمیت (ویت من) قبول کرده نتوانست و بنا بر آن بر عکس فرانسه حزب سیاسی نگوین دین دیم را که از اشتراک در انتخابات عمومی هر دو ویتنام به بهانه عدم موجودیت امکانات آزادی انتخابات در شمال امتناع ورزید تقویه نمود و ویتنام جنوبی به کمک ایالات متحده آمریکا به تشکیل یک اردوی بزرگ برای مقابله با نفوذ ویت من اقدام کرد.

به اینصورت ایالات متحده آمریکا به حمایت و تقویه ویتنام جنوبی ادامه داد ولی هنوز مداخله مستقیم نظامی خود را در آنجا مصلحت نمیدید. درین ضمن با ابتکار جان فاستر دالس وزیر امور خارجه ایالات متحده آمریکا پیمان نظامی سیتو برای مقابله با کمونیزم در جنوب شرق آسیا به اشتراک کشورهای آمریکا، انگلستان، فرانسه، استرلیا، نيوزیلند، فلپین، تایلند و پاکستان در نتیجه کنفرانس مانیلا که در سپتمبر سال ۱۹۵۴ صورت گرفت بوجود آمد تا جبهه متحد قوی را در برابر تائیرات جمهوری مردم چین و سایر عناصر در جنوب شرق آسیا تشکیل کرده بتواند. این مسئله اوضاع را در جنوب شرق آسیا شدیدتر ساخت. در لاؤس پنتلاوها که از تشکیلات (ویت من) بوجود آمده بود در مناطق شمالی و شرقی لاؤس قبضه یافت و لیدر شپ آن به شهزاده سوفا ناونگ مربوط بود شهزاده سوانا پوما در ویتنام حکومت مرکزی لاؤس را در دست داشت که بیشتر موقف بیطرف را محافظه میکرد. ایالات متحده آمریکا جهت مقابله با قوای پنتلاو و سایر عناصر مخالف

لاؤس به تقویه عناصر دیگر داخلی که مطابق میل آنها بود اقدام کرد ندوبه اینصورت جمهوری مردم چین از یکطرف و ایالات متحده آمریکا از جانب دیگر به تقویه عناصر داخلی لاؤس دوام دادند. با وجودیکه پالیسی ایالات متحده آمریکا در لاؤس در ابتدا موفق بنظر می آمد و حکومت مرکزی لاؤس تحت قیادت جنرال فومی که جای سوانا پوما را گرفته بود تحت تاثیر آمریکا قرار داشت مگر بزودی جنرال فومی توسط همکاران سوانا پوما از ویتنام اخراج گردید و سوانا پوما مجدداً سراقندار آمد و این مرتبه از اتحاد شوروی کمک گرفت. در عین زمان کمونیست های ویتنامی که از طریق لاؤس (جاده هوچی من) به ویتنام جنوبی نفوذ میکردند با قوای پنتلاو پیوستند و همچنین بین آنها و طرفداران سوانا پوما اتحاد بوجود آمد که در نتیجه آن دوئلت لاؤس از قوای جنرال فومی باز گرفته شد. این حادثه بسال ۱۹۶۱ رخداد و اندکی بعد کنفرانس چهارده کشور در مورد حل پرابلم لاؤس در ژنیوا دایر گردید.

در تمام این حوادث اعضای پیمان سیتو برای یک اقدام مجموعی در اوضاع لاؤس و ویتنام بکدام توافق نرسیدند و موثریت پیمان سیتو مورد شک تردید قرار گرفت و این موضوع زمینه را برای افزایش فعالیت کمونیست ها در هند چین مساعد ساخت. درین ضمن حوادث و اوضاع سوئیة مداخله و مصروفیت ایالات متحده آمریکا را در ویتنام روز بروز توسعه داد.

طوریکه ذکر یافت فیصله نامه کنفرانس سال ۱۹۵۴ ژنیوا در مورد ویتنام حکم میکرد که بدو طرف خط ۱۷ درجه عرض البلد عناصر کمونیستی و غیر کمونیستی دو منطقه جداگانه را در اختیار گرفته و دو سال بعد از آن در تمام ویتنام انتخابات عمومی صورت گرفته رژیم مطابق میل اکثریت مردم در ویتنام سراقندار آید. مگر با تقسیم شدن ویتنام بدو پارچه که شدیداً مخالف همدیگر بودند موضوع انتخابات عمومی در اثر امتناع حکومت سیگون تطبیق شده نتوانست و مخاصمت بین ویتنام شمالی و جنوبی باقی ماند چون ایالات متحده آمریکا از همان وقت به رژیم سیگون معاونت های وسیع اقتصادی و نظامی را بعمل آورد و از نزدیک اوضاع را زیر نظارت گرفت از جنگ کامل بین نیروهای دو ویتنام ظاهر آ جلو گیری شد ولی در پشت پرده مقدمات مجادلات خونین آینده چیده می شد. هوچی من رئیس جمهور ویتنام شمالی به تلاش خود جهت توحید ویتنام دوام داد و به این مقصد در ماه جنوری سال ۱۹۶۱ جبهه ملی آزادی ویتنام جنوبی تشکیل یافت که فعالیت را بر ضد رژیم سیگون (رژیم نگوین دیم) توسعه داد و سر بازان آن بنام ویتکانگ شهرت یافتند این جبهه بتدریج با تاسیس کردن پایگاه های خود در نقاط

مهم ویتنام جنوبی عملیات خود را بشکل گریلائی بتدریج توسعه دادند. در اثر این حوادث و مغلق شدن بحران ویتنام ایالات متحده امریکادر ماه نوامبر سال ۱۹۶۱ یک هیئت را بریاست جنرال ماکسویل تیلر به ویتنام جنوبی اعزام نمود و هیئت مذکور کمک وسیع نظامی امریکارابه ویتنام جنوبی پیشنهاد کرد و مختصری بعد تعداد منسوبین نظامی امریکا در ویتنام جنوبی از (۵۰۰۰) نفر به (۱۴۰۰۰) نفر افزایش یافت و باز یادشدهن قوای ویتکانگوسر بازان ویتنام شمالی بالاخره حکومت امریکا بسوی بزرگتری مستقیماً در جنگ ویتنام داخل شد و تعداد سر بازان آن بسال ۱۹۶۵ تا هفتاد هزار، در ختم ۱۹۶۶ تا ۳۷۵۰۰۰، بسال ۱۹۶۷ به ۶۳۰۰۰ و بالاخره مختصری بعد به بیشتر از نیم میلیون نفر رسید.

حوادث عمده جنگ:

جنگ ویتنام پر از حوادث پیشمار محاروبی و فعالیتهای دامنه دار سیاسی میباشد که پس از حرب دوم جهان بزرگترین و وسیعترین حرب منطقوی را بار آورده است. درین جنگ در حالیکه قوای نظامی طرفهای متخاصم عملاً با یکدیگر میجنگیدند فعالیتهای سیاسی بمقصد بدست آوردن اهداف مورد نظر طرفین بشدت جریان یافته است. حرب ویتنام مانند تمام حربهای محدود منظمو یا مسافقه دوامدار سیاست طرفهای متخاصم و تلاش آنها برای جلب ذهنیت مردم جهان توام بوده است.

ایالات متحده امریکا که سویه مصروفیت خود را در ویتنام بتدریج بلند و بلند تر برد و نتایج قاطعی از حرب به سرعتی که انتظار میرفت بدست نیامد زیر فشار مردم امریکا برای خاتمه دادن به اشتغال قوای نظامی امریکا در ویتنام قرار گرفت و این موضوع نه تنها بر سیاست عمومی امریکادر خصوص ویتنام و سایر مناطق جنوب شرق آسیا مؤثر واقع شد بلکه در مراحل مذاکرات نقاط ضعیفی را در موقف امریکا بار آورد. زیر اعدام رضایت مردم امریکا از مصروفیت ایالات متحده در ویتنام نهمه روشن بود و طرف مقابل میدانست که این فشار بالاخره حکومت ایالات متحده امریکارا مجبور میسازد که با حداقل شرایط مورد نظرش به بیرون شدن از ویتنام موافقه نماید.

با وجود آنکه عملیات نظامی در ویتنام پس از سال ۱۹۶۴ بتدریج وسعتر و شدید تر شده رفت در جریان آن فعالیتها برای برقرار صلح در بر آن منطقه نیز تدریجاً وسیعتر شد. در حقیقت پیشرفت جنگ بطرف شدت نامحدود ضرورت هارا برای خاتمه دادن - مخاصمت و برقراری صلح جدی تر ساخت و این موضوع خصوصاً در پالیسیهای ایالات متحده امریکا مشهود بود.

ایالات متحده امریکا پس از آنکه در ماه اگست سال ۱۹۶۴ دو مخرب امریکائی در خلیج تونکن مورد حمله کشتیهای ویتنام شمالی قرار گرفت به بمباردمان هوائی

بر نقاط مهم ویتنام شمالی آغاز کرد و این مقدمه مدخله مستقیم وسیع امریکادر جنگ ویتنام بود و به تعقیب آن در ماه جون سال ۱۹۵۵ قوتهای زمینی امریکا عملاً در مقابل ویتکانگ داخل فعالیت محاروبی شد. با افزایش شدت و وسعت محاربات و تصادمات در اپریل سال ۱۹۶۶ برای نخستین بار طیارات B-۵۲ بمباردمان سترانژیکی امریکا از گوام ویتنام شمالی را مورد ضربات قرار داد و متعاقباً همین طیارات در ماه مارچ سال ۱۹۶۷ برای اولین مرتبه تاسیسات اصلی آهن و فولاد ویتنام شمالی را تحت بمباردمان گرفت و قبلاً از آن طیارات امریکائی بر تاسیسات مهم چون دیوها، مراکز خطوط آهن و ذخایر نفت و روغنیات در نزدیکی هانوی ضربات را بعمل آورده بودند. چند ماه بعدتر در می سال ۱۹۶۷ قوای نظامی امریکا و ویتنام جنوبی برای نخستین مرتبه داخل منطقه غیر نظامی در مجاورت خط ۱۷ درجه عرض البلد که حدود ویتنام شمالی و جنوبی را تعیین میکند داخل شدند و درینوقت عملیات زمینی امریکا در تمام مناطق ویتنام جنوبی توسعه یافته بود و حملات هوائی بر تاسیسات مهم ویتنام شمالی اجرامی شد.

در آغاز سال ۱۹۶۸ در جریان عید سال نو ویتنامی قوای کمونیست به عملیات مشهور (Tet) پرداختند و درین عملیات قوای کمونیست بیش از نصف مراکز اصلی ویتنام جنوبی و بیست و پنج میدان هوائی حمله کردند. آنها در سیگون داخل سفارت امریکا شدند و تصادماتی در داخل سفارت رخداد. این حادثه در تاریخ جنگ ویتنام یک حادثه بسیار مهم تلقی می شود. در نتیجه این عملیات تعدادی از مناطق و شهرهای مهم ویتنام جنوبی مانند شهر هودی تا مدتی در دست ویتکانگ باقی ماند و در اکثر مناطق باعث محاربات خونینی شد که طرفین در آن تلفات زیادی را تحمل کردند. قوای ویتکانگ و ویتنام شمالی از مدتها برای چنین عملیات وسیع آمادگی گرفته بودند و مقصد آن بوجود آوردن یک هرج مرج کامل و آشوب وسیع بمقابل حکومت سیگون بود و علاوه بر آن کمونیست های خواستند به این وسیله نارضایتی مردم ایالات متحده امریکارا در باره مصروفیت قوای نظامی آن کشور در ویتنام شدت بخشند.

اساساً حملات هوائی امریکابر خاک ویتنام شمالی از همان آغاز مرحله مورد اندیشه پنداشته می شد. عده ای آنرا عامل توسعه جنگ ویتنام می خواندند و عده ای آنرا برای تصادم قدرت های بزرگ خطرناک می پنداشتند.

اتحاد شوروی، جمهوریت مردم چین و ویتنام شمالی چندین مرتبه این حرکت را تقبیح نموده قطع بدون قید و شرط آنرا تقاضا کردند و ایالات متحده امریکا از آن بیخبر یک واسطه فشار بالای ویتنام شمالی جهت نرم

ساختن فعالیت های آن استفاده میکرد در این زمینه حلقه های مختلف جهان تبصره ها کردند وعده زیادی معتقد بودند که با قطع شدن حملات هوایی ایالات متحده امریکا برویتنام شمالی شرایط برای آغاز مذاکرات مساعدتر می شود و این موضع بتدریج در روش اتحد شوروی و ویتنام شمالی نیز محسوس گردید. و بنا برآن لیندن جانسن رئیس جمهور امریکا بتاريخ ۳۱ مارچ ۱۹۶۸ اعلام داشت که بمباردمان در بالای خط ۲۰ درجه عرض البلد تصمیم گرفته است. وی همچنان توضیح کرد که اگر این حرکت امریکا موجب یک قدم مشابه ها نوی در راه نرم شدن اوضاع قرار گیرد بمباردمان ویتنام شمالی را بطور کامل قطع خواهد کرد این حرکت تاثيربخشید و چندروز بعد ویتنام شمالی حاضر شد نمایندگان خود را جهت مذاکره با ایالات امریکا در خصوص قطع کامل بمباردمان و تمام حرکات مخاصمانه مقابل ویتنام شمالی جهت فراهم آوردن زمینه برای مذاکرات اساسی اعلام داشت. بتاريخ ۲۵ اپریل نمایندگان امریکا و ویتنام شمالی در وینتیان (لاوس) برای مذاکره موضوعات مورد نظر ملاقات کردند و بالاخره طرفین موافقه نمودند که در پاریس به مذاکرات آغاز نمایند. مذاکرات مقدماتی بتاريخ ۱۰ می ۱۹۶۸ بین نمایندگان ایالات متحده امریکا و ویتنام شمالی صورت گرفت و بالاخره طرفین به تدویر کنفرانس صلح در پاریس به اشتراك نمایندگان امریکا، ویتنام شمالی، ویتنام جنوبی و ویتکانگ به موافقه رسیدند این کنفرانس. پس از یک سلسله مخالفت هائیکه در مورد شکل اشتراك نمایندگان علاقمند و شکل میز کنفرانس بوجود آمد بتاريخ ۲۵ جنوری سال ۱۹۶۹ افتتاح گردید.

در زمانیکه در پاریس نمایندگان طرفهای متخاصم برای آغاز مذاکرات صلح در مورد شکل میز کنفرانس و خصوصیت نمایندگی طرفهای ذی علاقه به جروب بحث دوام میدادند، در ایالات متحده امریکا مبارزات انتخاباتی برای ریاست جمهوری در جریان بود در این انتخابات مسئله ویتنام از موضوعات مهم مورد گفتگو بود و از همین سبب کاندیدان دموکرات و جمهوری خواهان هر دو برای جلب مردم امریکا وعده میدادند که جنگ ویتنام را خاتمه خواهند داد. و بالاخره ریچارد نکسن در اوایل ماه نوامبر بحیث رئیس جمهور امریکا انتخاب شد.

زمانیکه در آغاز سال ۱۹۶۹ ریچارد نکسن بحیث رئیس جمهور امریکا رسماً بکار آغاز نمود مختصری بعد به کنفرانس صلح پاریس نیز به مذاکره شروع کرد ریچارد نکسن در مورد سیاست خارجی امریکا پلان های تازه ای طرح نمود که بر اساس آن مکلفیت های ایالات متحده امریکا در نقاط مختلف جهان

به شکل گذشته باقی بود ولی یک قسمت عمده فعالیت ها که امریکا مستقیماً آنرا بدوش میگرفت به متحدین امریکا گذاشته شد. درینصورت در ویتنام نیز نظر نکسن عبارت ازین بود که باید ایالت متحده امریکانه ویتنام جنوبی در راه رسیدن آن به اهدافش و مقابله با ویتکانگ و ویتنام شمالی کمک کند ولی جنگ و فعالیت مستقیم نظامی بتدریج به خود ویتنامی ها گذاشته شود و قوای امریکا از آن منطقه بیرون کشیده شود. این موضوع طرح ویتنامی ساختن جنگ ویتنام را بوجود آورد که بر اساس آن تلاش برای انکشاف تعلیم و تربیه، تسلیحات و تجهیزات اردوی ویتنام جنوبی ازایش یافت تا بدانو سیمه اردوی ویتنام جنوبی به سویه ای انکشاف داده شود که به تنهایی خود و کمک های غیرمستقیم امریکا جنگیده بتواند. با تطبیق این پلان بالاخره ریچارد نکسن تصمیم به تقلیل یک جانبه قوای نظامی امریکا از ویتنام جنوبی گرفت و این موضوع از یکطرف موجبات رضایت مردم امریکا را فراهم آورد و از جانب دیگر راه صلح را هموارتر ساخت.

این حوادث جریان مذاکرات صلح ویتنام رادر پاریس در سال ۱۹۷۲ در مسیر سودمندتری قرار داد و شرایط برای رسیدن طرفهای علاقمند به موافقه صلح بتدریج مساعدتر شد مگر با وجودیکه درخزان گذشته طرفین برای برقراری اوربند بسیار نزدیک شده بودند هنوز سوالات مهمی باقی مانده بود که باید قبل از انفاذ اوربند حل می شدند مشکلات مذاکرات پاریس درین بود که توأم با دوام فعالیت های نظامی در ویتنام در جریان بود و این موضوع سبب شد که چندین مرتبه حوادث میدانهای جنگ مذاکرات پاریس را به رکود مواجه کنند. مگر بالاخره آن حادثه ایکه همه انتظار آنرا داشتند فرا رسید و در اوایل ماه جدی موافقت نامه اوربند به امضاء رسید.

ماهیت موافقت نامه اوربند

تردید نیست که موافقت نامه اوربند در ویتنام صرف مقدمه صلح دوامدار در ویتنام می باشد و سر نوشت صلح به حوادث آینده مربوط است ولی باید مد نظر داشت که موافقت نامه اوربند بسیار مشکل بوجود آمده و محصول تلاش چندسال می باشد. چند سالی که در آن طرف های متخاصم به انواع اقدامات و فعالیت ها جهت بدست آوردن اهداف مورد نظرشان تمشیت و رزیده اند و بنا برآن می توان امیدوار بود که اوربند ویتنام یک آغاز بسیار خوب در راه صلح دائمی ویتنام می باشد اما یک شرط کافی صلح نیست.

جنگ ویتنام با صدها هزار کشته و مصارف هنگفتی که بار آورد بر عکس حرب‌های گذشته جنگی بود که در آن غالب و مغلوب بدرستی شناخته شده نمی‌تواند و در حالیکه درین جنگ مستقیماً چهار طرف (ویتنام شمالی، ویتنام جنوبی آمریکا، ویتکانگ) سهم داشتند با امضای موافقت نامه اوربند هر کدام از آنها ادعا کرد که به موفقیت رسیده است و البته میتوان گفت که معیارهای موفقیت درین جنگ بود آنها متفاوت بوده است و هر کدام از نظر خود اوربند را تحلیل و تفسیر می‌نمایند. اما بدون تردید این اوربند یک موفقیت بزرگ برای ایالات متحده آمریکا می‌باشد زیرا پای آن از یک منطقه پر آشوب که طی چندسال گذشته بار سنگینی را بر بوجده آن کشور تحمیل نموده بود و هزاران سرباز آن هزاران میل دورتر از سرزمینش در جنگهای دیگران کشته و ناپدید شدند و حاصل آن نارضایتی داخلی و عدم استقرار سیاسی و اقتصادی بود. بیرون کشیده می‌شود. ویتنام شمالی و ویتکانگ (جبهه آزادی ملی) نیز در آن منطقه با خارج شدن قوای امریکائی صرفاً قوای ویتنام جنوبی که بدون ترتیب توسط یک قسمت قوای هوائی آمریکا از خارج حوزه حمایت خواهد شد مقابل می‌مانند. و درین میان وضع حکومت ویتنام جنوبی بطور کامل روشن نیست و سرنوشت آن به حوادث آینده سیاسی و با انتخابات عمومی مربوط می‌باشد.

مواد عمده موافقت نامه اوربند را مواد آتی تشکیل می‌کند.

— طرف‌های امضاء کننده موافقت نامه تعهد می‌کنند که اوربند را محافظه کرده و یک صلح دوامدار و مستقر را تأمین نمایند.

— در ظرف شصت روز پس از امضای موافقت نامه تمام قوای ایالات متحده آمریکا با جبهه خانه و مسلمات و مواد حربی آن از ویتنام خارج ساخته خواهد شد.

— اسیران نظامی و اشخاص ملکی خارجی بین طرفین بطور همزمان الی ختم بیرون شدن قوت‌های آمریکا از ویتنام به یکدیگر تسلیم داده خواهند شد.

— مردم ویتنام جنوبی آینده سیاسی ویتنام جنوبی را خودایشان از طریق انتخابات عمومی آزاد و دیموکراتیک تحت نظارت بین‌المللی تعیین خواهند کرد.

وقتی به این موافقت نامه بطور دقیق نظر انداخته شود دیده خواهد شد که تا چه اندازه به موافقت نامه سال ۱۹۵۴ ژنیو شباهت است. در معاهده ژنیو نیز گفته شده بود که سرنوشت آینده ویتنام از طریق انتخابات عمومی و آزاد تعیین گردد ولی طوریکه قبلاً ذکر یافت این انتخابات هرگز صورت نگرفت.

اکنون حکومت سیگون در وضعی قرار دارد که

باید برای بقای خود به مبارزات سیاسی در ویتنام جنوبی پردازد و تردیدی نیست که ویتکانگ نیز همین کار را می‌کنند. در اینصورت هرگاه در انتخابات عناصر ویتکانگ غلبه جویند و حاکمیت بدست آنها افتد رژیم موجوده سیگون و طرفداران آن بدون هیچ حرکتی آرام نخواهند نشست بلکه بمجاولات خود ادامه خواهند داد. اگر انتخابات موجب تشکیل یک حکومت ائتلافی گردد آنوقت باز هم مجادلات سیاسی و حتی نظامی دوام خواهد یافت و اگر ویتکانگ درین انتخابات موفقیت کمتری بدست آورد آنوقت در اوضاع موجوده چندان تغییر رخ نخواهد داد.

آنچه مسلم است ایالات متحده آمریکا پس از خروج از ویتنام بار دیگر به هیچ قیمتی قوای خود را در صورت بروز مجدد جنگ به نفع حکومت سیگون وارد صحنه نخواهد ساخت و در اینصورت ویتنام جنوبی باید صرف به امکانات دست داشته خود و کمک‌های غیر مستقیم آمریکا اتکا کرده با اوضاع مقابله کند. حکومت سیگون نیز به این موضوع بخوبی متوجه است چنانچه از مدت‌زایدی به اینطرف به تحکیم مزید بنیه دفاعی خود می‌کوشد. چنانچه حکومت سیگون علاوه بر تقویت قوای نظامی خود در اوایل سال ۱۹۷۰ حکم کرد که به قوای مدافعه ملی آنکشور که در آن بیش از (۳۲۵۰۰۰۰) مرد وزن شامل بودند به تعداد (۱۳۰۰۰۰۰) نفر دیگر علاوه شود.

تردیدی نیست که موافقت نامه اوربند ویتنام یک موافقت نامه شکننده می‌باشد و هرآن احتمال دارد که از آن تخلف بعمل آید چنانچه پس از نفاذ آن تاکنون چندین مرتبه طرفین از آن تخلف ورزیده‌اند، ولی اگر اوضاع طوری ادامه باید طرفین متیقن گردند که با توسعه مجدد جنگ اهداف بزرگتری بدست آورده نمی‌توانند و علاوه بر آن مذاکرات سیاسی بطور مطلوبی با تشریک مساعی طرف‌های علاتمند جریان یابد آنوقت میتوان امیدوار بود که اوربند موجوده دوام خواهد کرد.

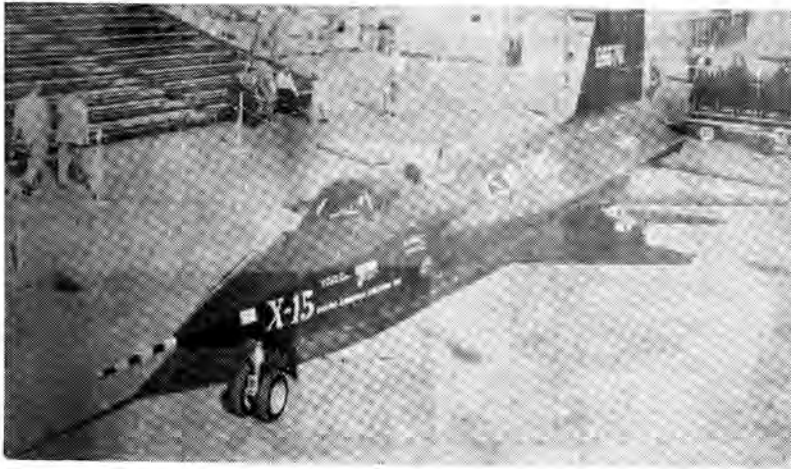
* * *

در پایان این بحث به تلفات و مصارف جنگ ویتنام توجه نمائید:

تعداد کشته شدگان ملکی	در حدود یک میلیون نفر
تعداد کشته شدگان ویتکانگ و ویتنام شمالی	۹۲۶۵۴۱ نفر
تعداد کشته شدگان ویتنام جنوبی	۱۸۳۷۱۹ نفر
« « « امریکائی	۴۵۹۴۰ نفر
کمک نظامی آمریکا در جنگ	۱۳۸ میلیارد دلار
کمک اقتصادی آمریکا به ویتنام جنوبی	۸۰۵ میلیارد دلار

مانع و پرابلم حرارتی در بوجود آمدن

طیارات ما فوق صوت



طیاره X-15 که در حدود ۵ برابر صوت سرعت دارد

تتبع از انجینر عبدالطیف
جگتورن قوای هوایی

ما فوق صوت این پرابلم باعث محدود شدن سرعت پرواز طیارات می گردد. درین جایک سلسله سوالاتی پیدا می شود از قبیل:

۱ - علت داغ شدن طیاره در چیست؟

۲ - گرم شدن وسایط پرواز چه عواقبی دارد؟

۳ - ترتیب محفظه وسایط پرواز از داغ شدن؟

کوشش می شود تا بصورت مختصر به مسایل فوق الذکر جواب داده شود:

هنگامیکه طیاره در جریانات هوایی به پرواز می آید بایک سرعت معین جریانات هوایی را پاره نموده

که یک قسمت عوار را نیز با خود بطرف جلو پیش می برد. درین جا باید

تذکار داد با همان سرعتی که طیاره در جریان هوایی پیش می رود باعین

سرعت پرواز جریانات هوایی نیز از بالای طیاره عبور می کنند. (بطور

هوایی با قسمت های بدنه، پروبال و دیگر قسمت ها در قسمت های مدافعه

حرارت تولید می گردد. که این حرارت در سرعت های دو چند صوت و بالاتر

از آن قابل تشویش و نگرانی می باشد چرا که در اثر آن اکثر احواس

فزیکی مواد ساختمانی طیاره تغییر می خورد. و درجه حرارت بعضاً الی

به چندین هزار می رسد اما پیشرفت علم ایرو دینامیک و تکنالوژی هر نوع

مشکلی که در بوجود آوردن طیارات بروز می کند روز بروز حل نموده

و پرواز طیارات را در ارتفاعات ممکنه و سرعت لازم تامین می دارد.

وقتیکه سرعت طیاره به دو چند سرعت صوت و زیادتر از آن می رسد

در طیاره یک حادثه مغلق ایرو دینامیکی بوجود می آید که با داغ شدن طیاره

ارتباط دارد. و در اصطلاح تخنیککی این مشکل را بنام پرابلم ویا مانع

حرارتی یاد می کنند. در طیارات

به سلسله یک تعداد مسایلی که انجینران ساختمانی طیارات با آن

روبرو می باشند یکی هم موضوع داغ شدن آن قسمت های طیاره است که

در وقت پرواز با جریانات برک شده هوایی در تماس می باشند. از فزیک

معلوم است که در اثر تماس دوشی همجواری با یکدیگر بشرطیکه هر دو

ویا یکی از آنها در حرکت باشد با اثر قوه اصطکاک در هر دو جسم حرارت

تولید می گردد. که مقدار حرارت آن مربوط به کثرت نسو عیت اجسام

و سرعت حرکت آنها بالای همدیگر می باشد. یعنی بهر اندازه نیکه دو چیز

مثلاً دو سنگ و یا دو فلز و غیره بالای یکدیگر به یک قوه زیادتر و حرکات

بیشتر حرکت داده می شوند بهمان اندازه حرارت مولد نیز زیادتر

می باشد. بهمین اساس وقتیکه طیاره با سرعت چندین مرتبه ما فوق صوت

پرواز می کند به اثر تماس جریانات

مثال هرگاه هوا آرام بوده و ما در يك موتر سرباز با يك سرعت زياد حرکت مي كنيم بملاحظه مي رسد كه جريانات هوائي توليد گرديده و باعث برهم زدن وضعيت موها و حرکت لباس هاي ما مي گردد كه در حالت ايستاده چنين وضعيتي را در هوای آرام ملاحظه نمي كنيم). اما در بعضی نقاط طیاره سرعت جريانات هوائي صفر مي باشد. خلاصه اينكه در قسمت اعظمی طیاره سرعت جريانات معادل سرعت پرواز و در بعضی نقاط كه در مقابل جريانات کدام مانعي وجود مي داشته باشد سرعت جريانات کمتر و يا صفر مي باشد.

نا گفته نبايد گذاشت وقتي كه در ابتدا پلان ما ختمان يك طیاره روی دست گرفته مي شود اولاً ما كت های مشابيه به طیاره به سايز و اندازه های مختلف ساخته شده و در دستگاه ايروديناميكي مورد آزمايش قرار داده مي شوند. دستگاه ايروديناميكي بشکل كانال و يا لوله ساخته مي شود كه بداخل آن ما كت و يا طیاره ساخته شده قرار داده مي شود. و بعداً در دستگاه مذکور بر خلاف پرواز در هوا جريانات هوائي توليد کرده مي شوند و با سرعت معادل به سرعت پرواز از بالای ما كت طیاره عبور داده مي شود (ش: ۱) و توسط تجهيزات مخصوص ديگر خواص ايروديناميكي قسمت های ميختمنه مشاهده و ثبت کرده مي شود.

در طی اين تجارب نقاط برجسته طیاره از قبيل لبه های پيشروئي بدنه لبه های پيشروئي پروبال، برجسته گي های دستگاه قوه ني. فشر كمين وغيره قسمت ها زيادتر تحت غور و تدقيق مي باشد تا گراف های مطلوبه نقاط مذکور بر حسب دلخواه بوجود آيند والي در اسكليت بندي و ساختمان طیاره تغييراني آورده مي شود كه شكل آن نسبت به پيشتر برای عبور جريانات هوائي مناسب تر باشد.

نا گفته نماند كه اين تجارب در حدود ده سال را در برگرفته و به ميلون هاميلون مصارف را بار مي آورد در طی اين تجارب بملاحظه رسیده است كه در نقطه ط برجسته و پيشروئي طیاره هوا در وقت عبور و جريان برك کرده مي شوند.

خوب حالا مي پردازيم به اينكه اين جريانات برك شده چه عواقبي دارند.

در فزيك قانوني بشرح ذيل وجود دارد:

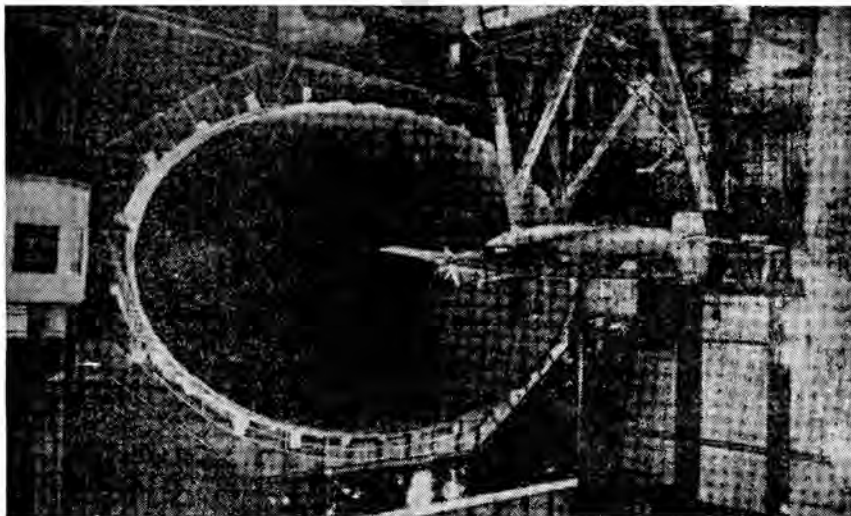
انرژی نه ايجاد مي شود و نه از بين مي رود بلکه از شكلي به شكلي تبديل مي شود بهر اندازه نيکه سرعت حرکت جريانات هوا (سرعت پرواز) زياد مي باشد بهمان اندازه انرژی حرارتي نيز زياد مي باشد. درجه حرارت هوای كه در اثر برك شدن بوجود مي آيد مستقيماً متناسب است به مربع سرعت پرواز يعني اگر سرعت پرواز دوچند مي گردد، در درجه حرارت هوای گرم شده چهار دفعه افزايش بعمل مي آيد و هر گاه سرعت پرواز چهار دفعه زياد رخ دهد افزايش درجه حرارت ۱۶ مرتبه مي باشد. مثلاً هر گاه سرعت $\frac{\text{كيلومتر}}{\text{ساعت}}$

$V=720$ باشد. هوا با اندازه ۲۰ متر ساني t گرم مي شود و در صورت سرعت $\frac{\text{كيلومتر}}{\text{ساعت}} V=3600$ درجه

حرارت هوا به ۵۰۰ متر ساني t بالغ مي گردد. خصوصاً آن قسمت های كه زيادتر هوا را بزرگ مي سازند زيادتر داغ مي شوند.

هرگاه ارتفاع پرواز زيادتر از $H=11000M$ مي باشد درين صورت درجه حرارت هوای گرم شده نظر به سرعت پرواز و يا عدد M (تناسب سرعت پرواز بر سرعت صوت) مطابق گراف (ش: ۲) تغيير مي كند. طوري كه از گراف هويداست در صورت $M=2$ (وقتیکه سرعت پرواز دوچند سرعت صوت مي باشد) درجه حرارت ۱۲۰ درجه ساني گراد t و در صوت $M=4$ در حدود ۶۵۰ درجه ساني گراد و در صورت $M=6$ درجه حرارت هوای برك شده به $t=1500$ مي رسيد.

در ارتفاعات $H=0$ (ارتفاع سطح بحر) به نسبت اعظمی بودن كثافات هوا در صورت عين اعداد M درجه های حرارت بمراتب زيادتر مي باشد مثلاً در صورت $M=2$ در حدود ۲۵۰ درجه ساني گراد و در



دستگاه ايروديناميكي كه يك طیاره بداخل لوله ايروديناميكي آن تحت تحقيقات علمي قرار مي گيرد

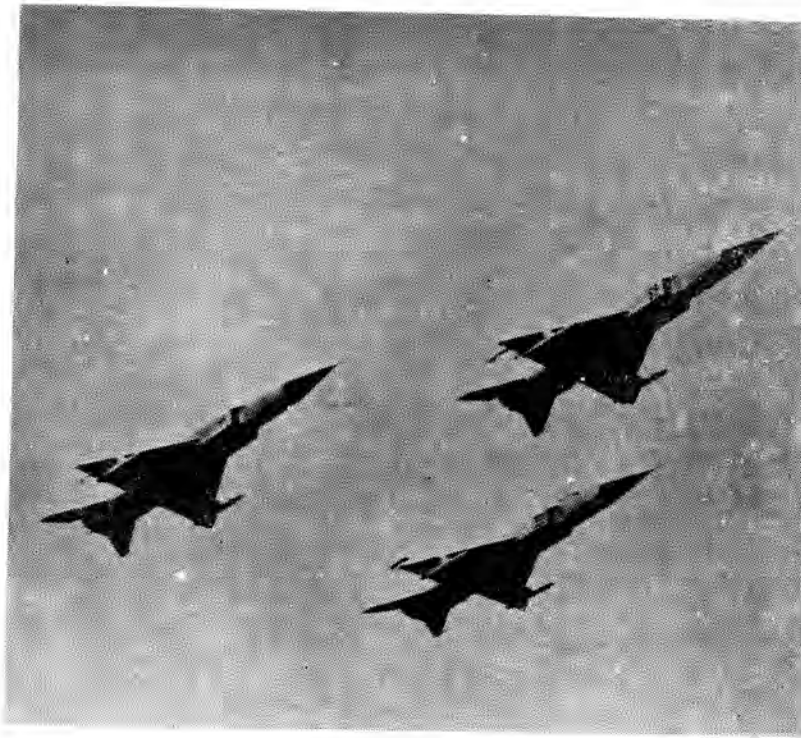
صوت $M=4$ با اندازه ۹۴۰ درجه سانتی گراد و هر گاه $M=6$ باشد درجه حرارت به ۲۱۰۰ درجه سانتی گراد می رسد.

به نسبت اینک در سرعت های نسبتاً زیاد قسمت های طیاره به اصطلاح توسط هوای گرم و داغ شده شسته می شود. در اثر جریان های داغ شده اولاً پوشش و یا سطح خارجی فلزی طیاره گرم شده و این حرارت توسط طیاره های اتصال به قسمت های داخلی طیاره سرازیت می کند و هم باید علاوه کرد که هر قسمت و یا هر برزه و پرچه طیاره ای یک اندازه معین حرارت بصورت نور مال فعالیت و مقاومت میدارند. و در صورت افزایش حرارت قابلیت کاری خود را از دست میدهند لذا برای طیاره های فوق صوت مجازاً قسمتی های طیاره و عمده پرواز از تانیر حرارت یک پرابلم دیگری است که انجینران ساختمانی باحل آن دست بگری بیان بدهند.

داغ شدن قسمت های طیاره به عواملی از قبیل سرعت پرواز، ارتفاع پرواز، وقت پرواز و موادی که از آن طیاره ساخته شده است و هكذا طریقه دفاع از داغ شدن مربوط می باشد.

در ارتفاعات بالاتر از ۱۱ کیلومتر الی ۳۰ و ۳۵ کیلومتر داغ شدن ساختمان طیاره مربوط به سرعت پرواز می باشد. چرا که درین ارتفاعات نه درجه حرارت محیطی و نه کثافت هواچندان تغییری کند.

در صورت حرارت های زیاد بعضی پرزجات مهم از مواد ساختمانی می شوند که در مقابل حرارت مقاومت کافی ندارند و عموماً در مخلوط خود کاربن داشته و یا اوکساید شده می باشند مثلاً مواد کاربید (مخلوط با کاربن)، گسافنی و تیتل که درجه حرارت ذوبان آنها مساوی ۳۹۰۰ درجه سانتی گراد و از مواد کاربن تیتان که حرارت ذوبان آن در حدود



گروبی از مدرن ترین طیارات سو

۳۱۵۰ درجه سانتی گراد و از مگنیزیم یا اوکساید مس و سی ۲۸۰۰ درجه سانتی گراد می باشد.

ساختمان های نازک مثلاً پوشش بال، بدنه و غیره قسمت ها نسبت به ساختمان های ضخیم زودتر گرم می شوند در امریکا یک سلسله تجارب علمی و تحقیقاتی در لوله های ابر و دینامیکی بالای مدل که از مواد مخصوص ساخته شده بود صورت گرفت و مقصد ازین تجارب این بود تا عملیاتی جریان ذوب شدن مدل را در سرعت های زیاد ($M=6.9$) مطالعه بدارند. درجه حرارت هوای که از بالای مدل عبور داده می شود ۲۱۲۰ درجه سانتی گراد بود و درجه حرارت هوای برك شده به ۳۸۰ درجه سانتی گراد رسید بعد از یک مدت کوتاه بملاحظه رسید که قسمت نوك پیشرونی مدل به ذوب شدن شروع نمود. مقدار حرارتی که در یک طیاره در طی پرواز جمع می شود مربوط به وقت پرواز می باشد. بهر اندازه نیکه وقت و سرعت پرواز

زیاد می باشد بهمان اندازه قسمت های مختلفه طیاره گرم می شود و زیادتر برعکس. از همین جهت است که سر می ها هر چند بایک سرعت زیاد پرتاب می شوند، چون وقت رسیدن آنها به هدف خیلی کم می باشد از همین لحاظ زودتر گرم نمی شوند.

داغ شدن مواد ساختمانی باعث پائین آمدن خواص میخانیک آنها می گردد، قوه های تخریبی مواد مذکور کم و کمتر شده می رود یعنی به اثر قوه های کم خراب می گردند زودتر دیفورم (تغییر شکل) می نمایند و با نتیجه طانت داخلی مواد مذکور پائین می آید و برای اینکه این نقیصه رفع گردد باید که ابعاد قسمت های مطلوبه زیاد باشد یعنی وزن آن زیاد گردد که باز هم پرابلم مخالف ساختمانی است.

در رشته طیاره سازی بمقصد کم بودن وزن طیاره بصورت عمومی از مواد المونیوم، مخلوط های مختلفه المونیوم ها، فولادها، پلستیک،

مخلوط های مگنیزیم و غیره استعمال می گردند . که هر یک از مواد فوق الذکر در حدود محدود معین در حرارت فعالیت نموده و مورد استعمال می باشند . مثلاً مواد پلیستیکمی در صورت حرارت بلندتر از ۷۰ درجه سانتی گراد نرم می شوند و بهمین ترتیب هر کدام آنها در حرارت های بلندتر از حد معین مورد استفاده نمی باشند و مقاومت خود را از دست می دهند .

فعالاً مواد دیگری نیز مورد استفاده قرار گرفته است که از جمله تیتان و مخلوط آن را می توان نام برد استحکام این مواد نزدیک به استحکام فولاد بوده اما وزن مخصوص آن نسبت به فولاد ۰٫۴ فیصد کمتر می باشد تیتان و مخلوط آن الی درجه های حرارت $t=350^{\circ}C$ بخوبی مقاومت نموده می تواند در حالیکه المونیم و مخلوط های آن الی درجه های حرارت $t=1000^{\circ}C$ مورد استفاده می باشند .

در (ش : ۲) ساحت استعمال بعضی مواد نظریه ارتفاع و سرعت پرواز آماده گردیده است .

سرعت پرواز طیاره مربوط به قوه کشش انجن می باشد و در بعضی مورد بعثت همین پراپلم حرارتی انجن ها قوه کشش لازمه را تولید نموده نمی توانند و بهمین علت سرعت لازمه اخذ شده نمی تواند . که درین جا سرعت پرواز به بعثت قوه کشش بلکه بعثت دیگری محدود می گردد .

داغ شدن هوا به فعالیت انجن های جت هوایی تاثیر مستقیم دارد . وقتیکه هوای گرم به قسمت قدامی انجن داخل می گردد . در ترتیبات دخولی کامپرسور هوای مذکور به اثر عملیه انقباض زیاد تر گرم می شود و این جریان باعث می شود که لبه های پیشرونی پره های کامپرسور که از المونیم ساخته شده اند زوب شود به این اساس اکثر انجن های جت هوایی

حتی انجن های مستقیم الجریان به اثر حرارت هوای گرم شده در سرعت های زیاد از نقطه نظر فعالیت محدود گردیده و کشش اعظمی خود را بکار انداخته نمی تواند .

درش : ۴ ساحت استعمال ممکنه بعضی از انواع انجن های جت از نقطه نظر سرعت و ارتفاع پرواز نشان داده شده است .

برای برآوردن شرایط نورمال حرارت مجازی برای عمل پرواز ، پره جات و عناصر مختلفه قسمت های وسایط پروازی متود های مختلفی وجود دارد .

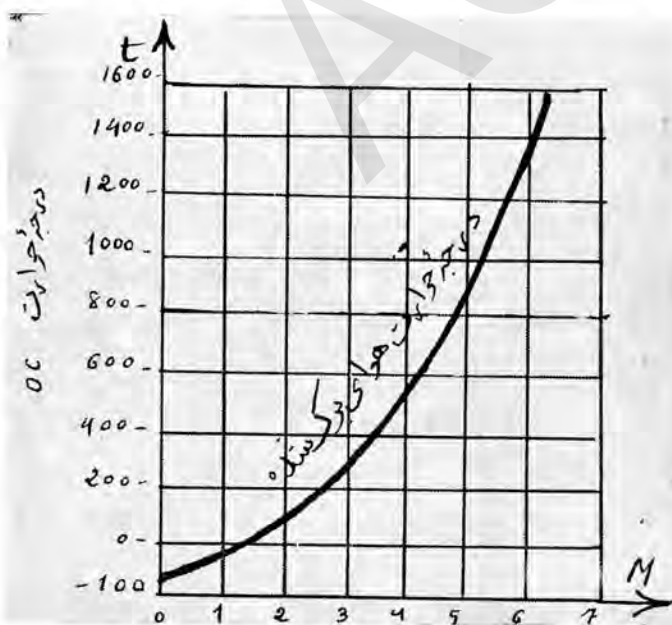
یکی از متودها طریقه غیر مستقیم می باشد که درین صورت در پروازهای ارتفاعات کم وقت سرعت های ما فوق صوت خیلی مختصر می باشد که یک محاربه بر علیه داغ شدن طیاره محسوب می گردد . اما مشکل این متود در آنست که طیاره نمی تواند به فواصل زیاد با سرعت مطلوبه پرواز کند .

طریقه دیگر چنانست که سعی زیاد بخبرچ زیاد داده شده است تا آن قسمت های که احتمال داغ شده نشان

زیاد می باشد از فلزاتی ساخته شود که مقاومت بیشتری در مقابل حرارت و عوامل دیگر دارند ، اما متأسفانه که این طریقه هم محدودیت های دارد و یکی از متودهای دیگری که تقریباً شکل عمومیت هم دارد و مورد استعمال بیشتری هم قرار گرفته است عبارت می باشد از استعمال عایق های حرارتی و سیستم های مخصوص سرد کننده در قسمت های مطلوبه .

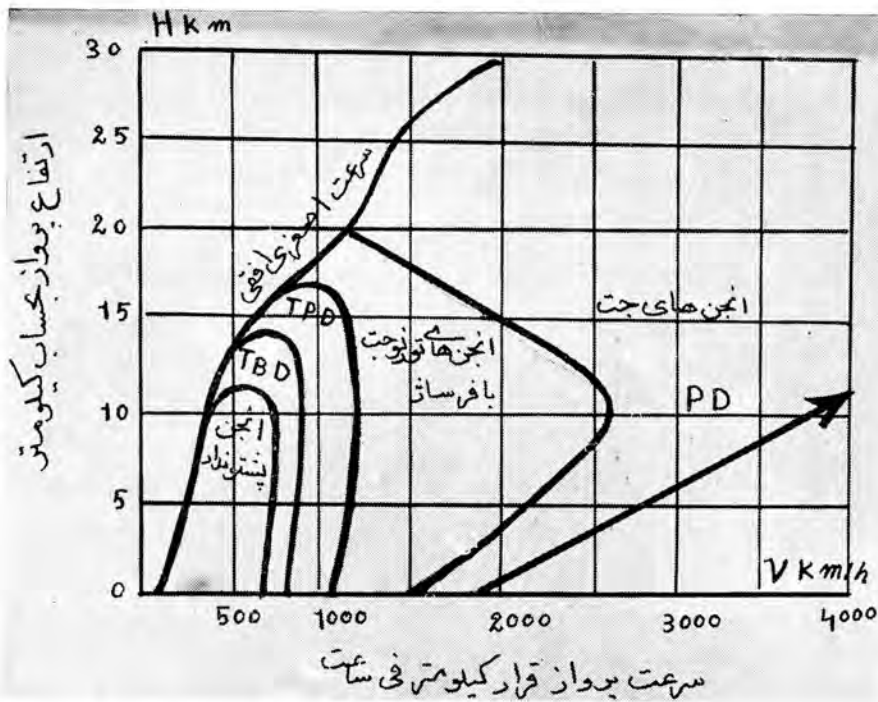
سرد نمودن سطوح گرم شده در اثر تبخیر مایعات مخصوص که در پوش های سرد کننده در تحت سطوح مذکور قرار میداشته باشد صورت می گیرد به ترتیبی که در طرف های بزرگ مایع مخصوص آب نیز می تواند استعمال گردد انداخته شده و بعداً توسط پمپها به قسمت های لازمه پمپ و پاش کرده می شود .

چونکه قسمت های مذکور داغ می باشند ، وقتیکه آب از طرف داخل بالای آنها پاش داده میشود ، آب مذکور تبخیر گردیده و یک قسمت زیاد حرارت را سطوح گرم شده اخذ میدارد و بعداً توسط کلان های مخصوص به اتموسفیرها کرده می شود



اعداد M پرواز

ش : ۲ : گراف درجه حرارت هوای گرم شده : نظریه سرعت پرواز



سرعت پرواز قرار کیلومتر فی ساعت

ساحه استعمال طیارات با انجن های مختلفه هوایی نظربه سرعت و ارتفاع پرواز

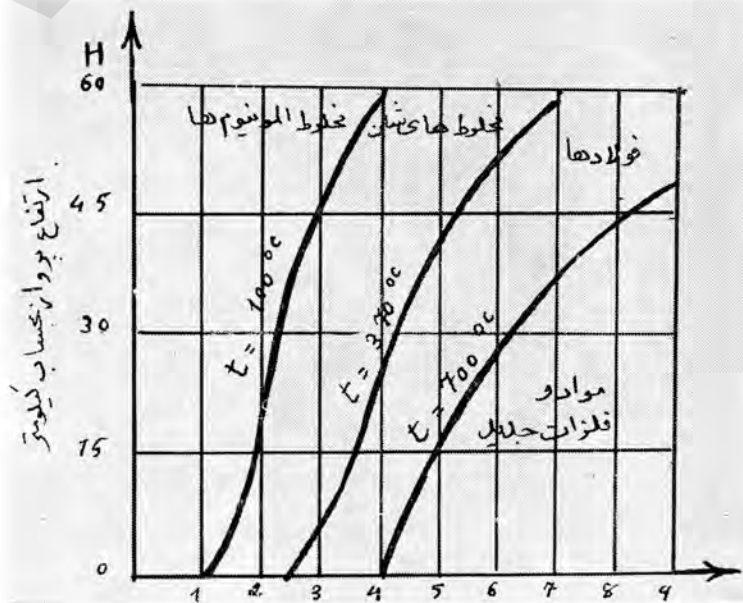
اولاً کم گردیده و سپس اضافه شده می‌رود که حتی به ۱۰۰ ها درجه سانتی‌گراد می‌رسد و قرار بعضی نتایجی که در اثر تحقیقات فضائی بعمل آمده است در ارتفاعات زیادتر از ۳۰۰ کیلومتر درجه حرارت زیادتر از ۱۰۰۰ درجه سانتی‌گراد می‌باشد درین جا یک سوال پیدا می‌شود که چطور در این چنین شرایط اقلیمی پرواز میسر شده می‌تواند؟

او لا باید تذکار داد که ضرورت پرواز و وسایط پرواز از نوع طیاره در این چنین ارتفاعات ایجاب ضرورت نمی‌کند اما نوع دیگر وسایط مسلماً که پرواز می‌کند از قبیل راکت ها و اقمار مصنوعی مختلفه . بهر اندازه ئیکه ارتفاع از سطح زمین زیاد شده می‌رود کثافت هوا کم می‌گردد از لحاظ اینکه ما لیکول های که از آن هوا تشکیل گردیده از خود وزنی داشته و تحت قوه جاذبه زمین قرار دارند . ما لیکول های سنگین تر در یک ارتفاع بسیار کم دور کرده زمین را احتوا نموده (بقیه در صفحه ۴۶)

کیلومتر درجه حرارت هوا ثابت نمی‌باشد . مثلاً در ارتفاعات ۵۰ کیلومتر درجه حرارت هوا مثل آب و هوای بهاری در شرایط زمینی (سطح بحر) می‌باشد . بعد از ارتفاع ۸۰ الی ۵۰ کیلومتر و بالاتر از آن درجه حرارت

ناگفته نماند که از این سیستم در طیاراتی استفاده می‌شود که دارای سرعت چندچند ما فوق صوت می‌باشد سرد ساختن کبینه و بعضی نقاط حساس دیگر طیاره در صورت فوق بکمک توربوخله دیلنیک (دستگاه مخصوص بشکل یخچال) صورت می‌گیرد . پرنسیب فعالیت این دستگاه چنان است که اگر برای هوای منقبض شده معتدل امکان انبساط و اجرای کاری داده شود درین صورت حرارت آن بمراتب پائین می‌آید . اما در صورت انقباض و برک شدن درجه حرارت هوا بلند می‌رود .

هوای منقبض شده که دارای فشار نسبتاً زیاد می‌باشد از قسمت های اخیر کامپرسور توربو جت اخذ کرده شده و توسط هوای خارجی که حرارت آن نسبت به هوای برک شده کمتر می‌باشد کمی پائین آورده میشود . و بعداً به دستگاه توربوخله دیلنیک جهت بحرکت آوردن و انبساط استقامت داده می‌شود که حرارت آن الی اندازه معینه پائین آمده و بعداً جهت تغذیه به کبینه منتقل می‌گردد . در ارتفاعات بلندتر از ۳۰ الی ۳۵



اعداد M پرواز

ش: ۳: گراف ساحه استعمال مواد ساختمانی نظربه ارتفاع و سرعت پرواز

فزیولوژی هوای نور دی

و غوطه در آب

در هوای نور دی و شناوری مشکل مهم که هوا با زوایشناوری آن مواجه میشود، عبارت از تنزیل و یا افزایش فشار انموسفر میباشد. بر علاوه درجه حرارت نیز در ارتفاعات بلند هوا و اعماق ایجا ر تنزیل میکند، چنانچه در ارتفاعات بلند کره هوا درجه حرارت ۵۰-۲۰ درجه تحت صفر میباشد. در اعماق بحر نیز درجه حرارت تنزیل نموده کمی بلند تر از نقطه انجماد میباشد.

عامل قابل ملاحظه دیگر در ارتفاعات بلند هوا عبارت از تاثیر اشعه ماورای بنفش میباشد که ذریعه آفتاب منتشر میگردد. تقریباً قسمت زیاد اشعه ماورای بنفش پیش از رسیدن بزمین ذریعه هوا جذب میشود اما در ارتفاعات بلند هوا اشعه مذکور جذب نگردیده بالای هوا باز تاثیر کرده در ظرف چند دقیقه او را با آفتاب سوختگی مبتلا میسازد. تاثیر تنزیل فشار.

تنزیل اوکسیجن در ارتفاعات بلند: در ارتفاعات بلند هوا با اثر تنزیل فشار هوا و مقدار کم اوکسیجن خون نیز تنزیل میکند چنانچه در ارتفاع ۲۳۰۰۰ فوت تقریباً ۵۰٪ هموگلوبین خون اوکسیجن دار میباشد که در نتیجه مقدار اوکسیجن انساج نیز به ۵۰٪ تقلیل مییابد و هوا باز احساس ضعف و ناتوانی میکند

در ارتفاع ۵۰/۰۰۰ فوت مقدار اوکسیجن آنقدر کم میباشد که تنها يك فیصد هموگلوبین خون اوکسیجن دار میباشد، این مقدار اوکسیجن دوباره از انساج به خون و از خون به شش ها انتقال کرده و هوا باز در تحت این حالت مدت کوتاهی به زندگی خود ادامه داده نمیتواند.

تاثیر تنقیص اوکسیجن: در ارتفاع ۳۰/۰۰۰ فوت شخص نورمال در ظرف مدت يك دقیقه و یا کمتر از آن بحال کوما در میآید اما در ارتفاع ۲۰/۰۰۰ فوت بعد از مدت ۱۰ دقیقه غلایم ضعف و ناتوانی را نشان میدهد اعراض او لاین تنزیل اوکسیجن در بینائی بظهور میرسد چنانچه با ارتفاع ۱۰۰۰۰-۶۰۰۰ فوت حساسیت چشم بمقابل نور کم میشود.

در صورت صعود هوا باز با ارتفاع ۱۵۰۰۰-۱۲۰۰۰ فوت اعمال روحی آن تغییر کرده میلان به خواب نشان میدهد. در ارتفاع ۲۴/۰۰۰-۱۸/۰۰۰ فوت عوارض مذکور آنقدر زیاد میشود که طیاره را کنترل کرده نمیتواند. برای جلوگیری از این خطر ترتیبات مخصوص تهیه اوکسیجن مورد ضرورت هوا باز برای صعود با ارتفاعات بلند موجود است در غیر آن هوا باز با اندازه قوه فکری خود را از دست میدهد که ضرورت خود را به اوکسیجن احساس نکرده و

بدون اینکه بداند با ارتفاعات بلند تر صعود کرده و بحال کوما در میآید. تلاقی تنفسی برای قلت اوکسیجن: در صورت قلت اوکسیجن با ارتفاعات بلند تحریکات کیمیاوی عمل تنفس زیاد شده و در نتیجه عمل تنفس نیز سریع میگردد متأسفانه این میخا نکیت آنقدر قوی نمیشد و بطور طبیعی ۳۲ مرتبه عمل تنفس را سریع میسازد.

اگر شخص با ارتفاع بلند مدت چندین روز باقی بماند تحریکات کیمیاوی عمل تنفس آن بطور نامعلومی زیاد شده میرود تا اینکه عمل تنفس آن پنج برابر طبیعی شود این طریق تدریجی زیاد شدن عمل تنفس را عادت کردن بآب و هوای جدید میگویند. عمل دیگر که مطابق بآب و هوای جدید را مساعد میسازد عبارت از زیاد شدن کریوات حمرا میباشد متأسفانه زیاد شدن کریوات حمرا خیلی بطی بوده مدت زیاد را در بر میگیرد.

اشخاص که بطور دوامدار با ارتفاعات بلند زندگی میکنند دارای تعداد زیاد کریوات حمرا تقریباً ۸ میلیون فی ملیتر مکعب میباشد. مطابق بآب و هوای جدید در هوا بازی اهمیت بوده زیرا هوا باز مدت زیادی در ارتفاعات بلند باقی نمیماند تا بآب و هوای آن مطابق بقت نماید.

مطابقت با آب و هوای جدید برای کوه نوردان که با هستگی با ارتفاعات بلند صعود میکنند و بصورت تدریجی با آب و هوای جدید مطابقت میکنند خیلی دارای اهمیت میباشد. چنانچه کوه نوردان که به قله مونت اورست رسیدند برای چند دقیقه ماسک های خویش را دور کردند.

تنفس اوکسیجن خالص با ارتفاعات بلند:

تنفس با اوکسیجن خالص نسبت به تنفس با هوای عادی شخص را قدرت صعود با ارتفاعات بلند میدهد. زیرا تمام حویصلات ریه از اوکسیجن خالص پر شده و جای نایتروجن را نیز اشغال میکند درینصورت فشار حویصلات ریه با وجود نزول فشار بارومتریک بحالت بلند باقی میماند.

با ارتفاع ۲۰۰۰۰ فوت مجموع فشار اوکسیجن و نایتروجن ۲۷۸ ملیمتر سیما ب میباشد در عدم موجودیت نایتروجن باز هم فشار اوکسیجن ۲۷۸ ملیمتر سیما ب میباشد ولی در صورت موجودیت نایتروجن فشار اوکسیجن ۴۰ ملیمتر سیما ب بوده و باعث اشباع هموگلوبین خون نمیگردد. اگر با ارتفاع ۲۰۰۰۰ فوت اوکسیجن خالص تنفس کرده شود ۱۰۰٪ هموگلوبین خون با اوکسیجن ترکیب میگردد اگر بعین ارتفاع هوای اتموسفری تنفس کرده شود ۶۷٪ هموگلوبین خون با اوکسیجن ترکیب گردیده و اشباع میشود.

اگر با ارتفاع کمتر از ۳۳۰۰۰ فوت اوکسیجن خالص تنفس شود ۱۰۰٪ هموگلوبین خون اشباع میشود ولی با ارتفاع بلندتر از آن فشار بارومتریک با اندازه تنزیل میکند که هموگلوبین خون ۱۰۰٪ اشباع نمیشود.

اندازه کمترین اشباع خون شریانی که شخص را برای عدم مطابقت با آب و هوای جدید با آن زندگی کرده میتواند تقریباً ۵٪ میباشد. بنابراین

حدنهانی تنفس با اوکسیجن خالص ۴۷۰۰۰ فوت و حدنهائی تنفس با هوای اتموسفری ۲۳۰۰۰ فوت میباشد.

کابین دارای هوای متر اکم:-

توسط این نوع کابین تمام مشکلات فشار پائین بارومتریک رفع شده است. بطور معمولی هوای داخل کابین طیاره تحت مضیقه بوده و فشار داخل آنرا مطابق با ارتفاع ۷۰۰۰ فوت نگه میدارد.

تأثیر سرعت در هواپازی:- طیاره

آنقدر سریع حرکت کرده و تغییر سمت میکند که بالای بدن فشار شدید فزیکتی وارد میگردد. در صورت تغییر سرعت حرکت جانب مقابل یا عقب تأثیر آن موسوم به سرعت خطی میباشد و در صورت تغییر سمت حرکت تأثیر آن موسوم به سرعت زاویوی میباشد. بطور عمومی قوه ای که در اثنای سرعت پرواز طبیعی طیاره بوجود میآید بالای اعمال فزیالوجی وجود چندان تغییر ی وارد نمیکند اما در اثنای برگرداندن و یادور زدن و یا غوطه خوردن قوه عین مرکز که از اثر سرعت زاویوی بوجود میآید اکثرآ با اندازه زیاد میباشد که باعث اختلال شدید اعمال حیاتی میگردد.

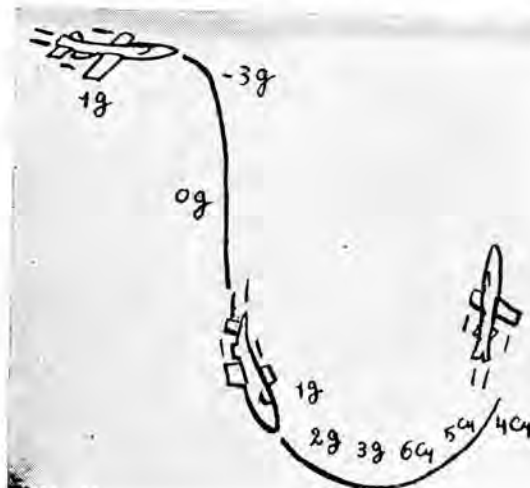
تأثیر سرعت زاویوی بالای بدن:-

قوه جاذبه مثبت (+G) :- قرار شکل (۱) اولاً طیاره غوطه خورده

و بعداً صعود مینماید در صورت پرواز بحالت افقی قوه وارده هوا با مقابل سیت اش عیناً معادل به وزن جسمش میباشد و قتی که از حالت غوطه خوردن بیرون آمده و صعود میکند بالای سیت خویش با قوه خیلی زیاد نظر به موجودیت قوه عین مرکز فشار وارد میکند چنانچه در حد وسط قسمت تحتانی غوطه قوه معادل شش برابر قوه جاذبه اصلی جسمش میباشد. این اثر بنام قوه جاذبه مثبت یا سرعت مثبت یاد شده و هوا با زیر تأثیر ۶ برابر وزن جسم خویش (6G) میباشد.

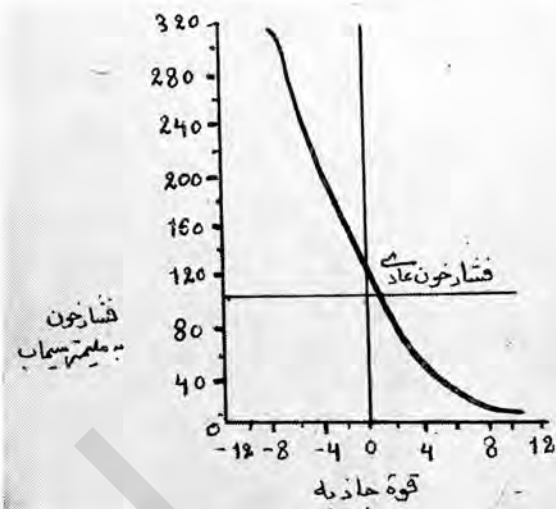
قوه جاذبه منفی (-G):- در شروع غوطه خوردن قرار شکل (۱) طیاره از حالت پرواز افقی به سمت پائین تغییر محل کرده و هوا با زیر به سمت بالا مقابله کمر بند سیت اش میاندازد درینحال هیچ قوه ای بالای سیت خویش وارد نکرده بلکه با قوه ای معادل سه برابر وزن جسم خویش نگهداشته میشود. این اثر بنام قوه جاذبه منفی یاد شده و مقدار آن معادل سه برابر وزن جسمش میباشد.

تأثیر سرعت زاویوی بالای جهاز دوران خون :- تأثیر زیاد سرعت زاویوی بالای دوران خون واقع میشود چنانچه قوه جاذبه مثبت (G) خون را در اعضای سفلی رانده باعث انبساط آورده بطن و پاهای شده و مقدار



شکل (۱) قوه جاذبه مثبت (+G) و قوه جاذبه منفی (-G) در اثنای غوطه خوردن و صعود طیاره

زیاد خون با اعضای مذکور ذخیره میشود. یک مقدار خیلی کم خون به قلب بازگشت میکند در نتیجه فعالیت قلب خیلی بطی شده یک و یا به صفر تقرب میکند. فشار خون طوریکه در شکل (۲) نشان داده شده پائین آمده و هوا باز میلان به کوما نشان میدهد.



شکل (۲) تاثیر قوه جاذبه مثبت (+G) و منفی (-G) بالای فشار عروق خون

در G ۵ بعد از ۸ ثانیه در G ۱۲ بعد از ۳ ثانیه در G ۲۰ بعد از $\frac{1}{2}$ ثانیه بحالت کوما درمیآید. مدت که هوا باز با سرعت زیاد مطلع باقی میماند مربوط به خروج فوری او از غوطه خوردن و یا بازگشت میباشد. اکثر طیارات طوری ساخته شده که بمقابل G ۲۰ و یا زیادتر از آن مقاومت کرده میتواند در حقیقت قدرت مانور یک طیاره نیز مربوط باین مقاومت میباشد.

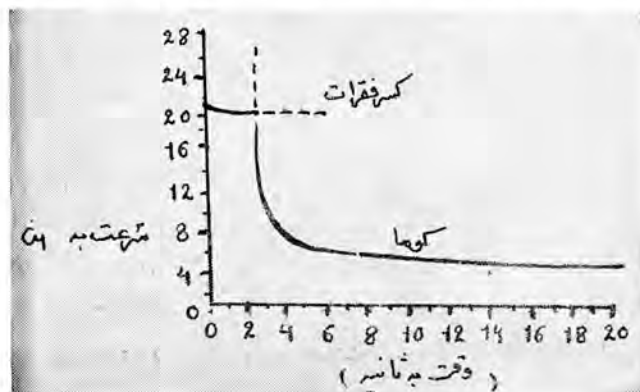
وسایل ضد کوما: - استعمال فشار در سطح شکم و اعضای سفلی در اثنای سرعت زیاد یا قوه جاذبه مثبت از تجمع خون درآورده قسمت های مذکور جلوگیری میکند. چنانچه منقبض نگه داشتن عضلات بطن در اثنای صعود از غوطه خوردن نسبتاً مدت طولانی قدرت تحمل زیاد را در مقابل سرعت شدید میدهد. اقسام مختلف لباس های ضد G برای عین مقصد اختراع شده است که یکی از آنجمله استعمال خریطه های هوا در قسمت بطن و اعضای سفلی میباشد طوری که خریطه های مذکور ذریعه لوله ها به ماشین طیاره متصل میگردد و قتیکه طیاره از حالت نزولی صعود میکند فشار صعودی ماشین باعث ایجاد فشار مثبت بالای اعضای سفلی و بطن میگردد و بدین وسیله هوا باز همیشه تحت فشار زیاد نا راحت نگردیده تنها در وقت ضرورت از آن کار میگیرد.

به نسبت سرعت زیاد طیارات عصری جت امروزی در اثنای غوطه خوردن از حالت کوما جلوگیری نمودن ناممکن است یکی از طرق حل این مشکل عبارت از مایل قرار دادن بدن در حال غوطه خوردن میباشد درین حالت بدن مقاومت G ۴۰ - G ۲۰ را دارد یعنی در صورت افق قرار دادن بدن مقاومت آن زیاد شده و در صورت عمودی یا نشسته مقاومت آن کم شده به G ۴ میرسد.

تاثیر سرعت مثبت بالای اسکلت در شکل (۳) تاثیر سرعت مثبت در کسر ستون فقرات نیز نشان داده شده است قرار شکل اگر هوا باز در حالت نشسته بیک سرعت بزرگتر از G ۲۰ مواجه شود چونکه اعضای علی بالای اعضای سفلی فشار زیاد وارد میکند باعث کسر فقرات میگردد.

قوه جاذبه منفی (-G) بسای دوران خون تاثیر معکوس دارد چنانچه مقدار زیاد خون باعضای علی رانده شده باعث از دیاد فعالیت قلب و فشار خون میگردد گاهی فشار عروق خون دماغ بسا اندازه بلند میرود که باعث ادیمای دماغ میگردد بعضاً عروق خون دماغ کفیده زیان شدید دماغی را پامیآورد.

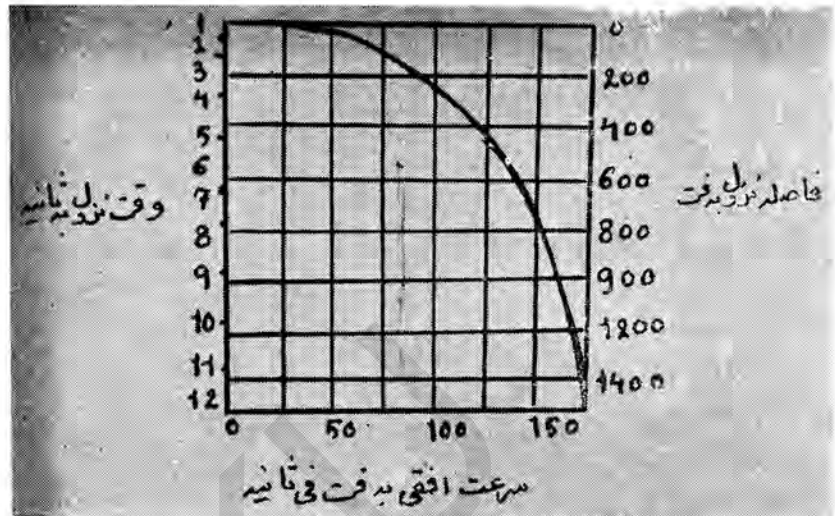
شکل (۳) ارتباط کوما را با وقت نشان میدهد که از اثر قوه جاذبه مثبت بوجود میآید هوا باز قدرت تحمل قوه جاذبه مثبتی معادل چهارچند وزن جسم خود را دارد اگرچه یک اندازه گیجی احساس میکند اما جهاز دوران خونس او را از حالت کوما نجات میدهد. در صورت زیاد شدن سرعت از G 4 حالت کوما شروع میشود.



شکل (۳) تاثیر وقت بالای درجات مختلف سرعت و بوجود آوردن کوما و یا کسر استخوان فقرات

سرعت خطی: - در حالات خصوصی بعضاً هوا باز تحت تاثیر سرعت خطی واقع میشود که آنقدر مهم نمیشاید اما با وجود آنهم باید پیش بینی های احتیاطی از قبیل استوار نشستن بالای سیمت متعایل بعقب صورت بگیرد تا طیاره در صورت پیشرفتن ناگهانی باعث تصادم سرویا دیگر قسمت های بدنش نگردد .

فرو آمدن با پاراشوت: - در اثنای جستن از طیاره قوه جاذبه باعث افتیدن شخص بطرف زمین میشود شکل (۴) سرعت نزول شخص را در فاصله های مختلف نشان میدهد در مدت نزول که فاصله ۱۵۰۰ فوت را طی کرده دارای سرعت



(شکل ۴) سرعت نزول در فاصله های مختلف نظر به وقت

قرار دهد تا قوای که از نتیجه سرعت بوجود میآید باعث کسراستخوان ها و اختلال دوران خون آن نشود . موضوع قابل رعایت دیگر در فزیولوژی کیهانی نبودن قوه جاذبه یا بی وزنی میباشد که کیهان نورد با استعمال دستگیر های مخصوص و بوت های مقناطیسی در سفینه شنا میکند بر علاوه استعمال کابین های تحت مضايقه و دارای هوای متراکم شرایط زندگی را مشابه به سطح زمین میسازد

فزیولوژی شناوری:

به نسبتیکه انساج بدن بحالت مایع و یا جامد میباشد بنا بران فشار زیادیکه بالای آن وارد میشود باعث فشارهای زیان آوری در ساختمان بدن نمیکردد اما هوای داخل شش ها نسبت بحالت عادی خیلی متراکم شده سبب اختلالات شدید فزیولوژیک میگردد .

فشار در اعماق مختلف بحر: فشار

هوا در سطح بحر تخمیناً ۷۶۰ میلیمتر سیما ب و یا یک اتمو سفیر میباشد وزن ۳۳ فوت آب بحر معادل وزن کره هوایی میباشد بنا بران به عمق ۳۳ فوت آب بحر فشار بالای فی سانتی متر مربع سطح بدن دوچند و یا ۲ اتمو سفیر میباشد .

در اعماق مختلف بحر فشار مطابق

جدول ذیل تزیاید میکنند :

۰ فوت	۱ اتمو سفیر .
۳۳ فوت	۲ اتمو سفیر .
۶۷ فوت	۳ اتمو سفیر .
۱۰۰ فوت	۴ اتمو سفیر .
۲۰۰ فوت	۷ اتمو سفیر .
۳۰۰ فوت	۱۰ اتمو سفیر .

تاثیر فشار زیاد گازات بالای

بدن: - در جدول ذیل فشارگازات

را در سطح بحر عمق ۳۳ فوت و ۱۰۰ فوت

در حویصلات ریه شناور به نسبت تنفس

هوای متر کم شده

عضلات پا های خود را منقبض نگه دارد باعث کسراستخوان ساق، حوصله و فقرات میگردد از طرف دیگر اگر تا اندازه ای بدون انقباض عضلات پیاپیاده شود بصورت غیر طبیعی بزمین خورده باعث زیان های دیگری میشود از اینجهت باید با پا های خمیده در حالیکه عضلات آنرا منقبض نگه میدارد پیاپیاده شود و همچنین بعد از برخورد بزمین باید آماده مجادله با باد باشد

فزیولوژی کیهانی: اساسات

فزیولوژی کیهانی مشابه به هوای نوردی میباشد اما بعضی عوامل اهمیت زیادتر را دارد بطور مثال قوه ایکه باعث حرکت سفینه کیهانی میگردد خیلی زیاد میباشد بنا بران سرعت خطی یکی از عوامل مهم در فزیولوژی کیهانی میباشد برای مقابله با سرعت خطی خیلی زیاد باید کیهان نورد خود را بطور قایم به سمت سرعت خطی

تقریباً ۱۷۵ فوت فی ثانیه میباشد که باین سرعت مقاومت هوا مانع تاثیر قوه جاذبه زمین شده از ازدیاد سرعت جلوگیری میکند در حقیقت سرعت مذکور اعظمی بوده و بنام سرعت انتهائی نیز یاد میشود در ارتفاعات بلند به نسبت کمی هوا سرعت از ۱۷۵ فوت فی ثانیه زیاد تر میباشد و قتیکه به طبقات پائین هوا میرسد به نسبت ثقلت هوا سرعت آن کم میشود . یکی از قوای تعویقی نزول پاراشوت باز شدن آن میباشد که تناسب به مربع سرعت آن است پاراشوت طوری ساخته شده که حتی در اثنای سرعت اعظمی تکان باز شدن آن زیانی به بدن شخص نرساند در اثنای پیاده شدن پاراشوت بزمین سرعت پاراشوت به ۱۵ میل فی ساعت میرسد اگر پاراشوتیست به مقابل تکانهای پیاده شدن مقاومت نداشته باشد سرعت مذکور نیز خطرناک بوده و اگر درینحال

در عمق ۲۰۰ فوت به مقصد مجادله	سطح بحر	عمق ۳۳ فوت	عمق ۱۰۰ فوت
فشار عمومی	760mmHg.	1520mmHg.	3040mmHg.
فشار نایتروجن	672mmHg.	1173mmHg.	2375mmHg.
فشار اوکسیجن	101mmHg.	260mmHg.	575mmHg.
فشار کاربن دای اوکساید	40mmHg.	40mmHg.	40mmHg.

هوای اصلی میشود و نسبت سطح بحر هفت بار بکار انداختن بمب کاپرسور برای بر طرف کردن کاربن دای اوکساید ضروری میباشد بنابراین متناسب با زیاد فشار با عمق مختلف بحر که شناور در آن کار میکند باید عمل دخولی هوا نیز شدت یابد در حقیقت عامل بر طرف کردن کاربن دای اوکساید تعیین کننده مقدار هوای میباید شد که باید بمب کرده شود.

عوارض که از تنزیل فشار بوجود

میآید :-

محلول نایتروجن در مایع وجود

نایتروجن بر علاوه تا اثر بی حس کننده در اعماق زیاد بحر در موقع صعود شناور به نسبت تشکیل حباب ها نیز مضر و مہلک میباشد در تحت یک اتموسفر فشار تقریباً یک لیتر نایترجن در مایع وجود حل میشود و بعین ترتیب متناسب با زیاد فشار مقدار نایتروجن منحل در مایع وجود نیز زیاد میکند چنانچه به عمق ۲۰۰ فوت که شناور تحت فشار ۵۰۰۰ میلیمتر سیما ب تنفس میکند به مقدار ۷ لیتر نایتروجن در مایع وجود آن حل میشود فشار تمام گازات منحل در وجود آن از ۵۰۰۰ میلیمتر سیما ب قدری کمتر میباشد بنابراین تفوق فشار خارجی بالای فشار داخلی مانع تشکیل حباب ها میگردد در صورتیکه شناور به سطح بحر میرسد چونکه فشار خارجی یک اتموسفر میباشد و فشار داخلی خیلی زیاد است گازات منحل در مایع وجود انبساط کرده حباب های زیادی را سرتاسر بدن بوجود میآورد .
(بقیه در صفحه ۵۴)

طوریکه در جدول فوق دیده میشود فشار کاربن دای اکساید و بخارات آب با عمق مختلف بحر

خطر تسمم اوکسیجن نیز نظر به تنزیل تدریجی فیصدی اوکسیجن در مخلوط تنفسی شناور متناسب با عمق مختلف بحر بر طرف شده میتواند .

تسمم نایتروجن :- با وجودیکه نایتروجن در هیچ یک از اعمال استقلابی وجود حصه نمیگرد اگر بمقدار زیاد در مایع وجود حل گردد بحيث ماده زهری سبب بی حس شدن سیستم عصبی مرکزی میگردد . بطور عادی شناور تا به عمق ۲۰۰ فوت شنا کرده میتواند که یک عمق مناسب برای اوکسیجن نیز میباشد . قبل از بی حس شدن دماغ به عمق زیادتر از ۲۰۰ فوت شناور میلان بخواب نشان میدهد .

بمقصد جلوگیری از تسمم نایتروجن اکثراً بعضی آن هلیوم را در مخلوط تنفسی شناور علاوه میکند هلیوم تا اثر سمی و بی حس کننده نداشته و علاوه در انبساط شناور باسانی از بدنش خارج میشود .

بر طرف کردن و شستن کاربن

دای اکساید از کلاه مخصوص

شناوری :-

اگر مقدار زیاد کاربن دای اکساید در کلاه مخصوص شنا تجمع کرده و بر طرف نشود سبب ایجاد اسیدوزیس تنفسی و محتملاً حالت کوما میگردد از اینجهت باید بطور دایم کاربن دای اکساید از کلاه مخصوص شنا بر طرف کرده شده و عوض آن عین مقدار گاز وارد کرده شود .

ثابت میباشد زیرا مقدار بخارات آب به حرارت بدن و کاربن دای اکساید به عمل انتقالی خون به شش ها مربوط میباشد اما فشار اوکسیجن و نایتروجن با عمق مختلف بحر در حویصلات ریه شناور زیاد شده میروند .

تسمم اوکسیجن :- بطور معمولی

شناور هوای متراکم شده را بدون کدام ضرر افزودی اوکسیجن تا به عمق ۲۰۰ فوت تنفس کرده میتواند اما در اعماق بیشتر از آن از اثر اوکسیجن زیاد خساره مند میشود . زیرا هموگلوبین خون تحت فشار ۵۰ - ۲۰ میلیمتر سیما ب یک مقدار معین اوکسیجن را داخل حجرات نموده و به یک پیما نه ثابت تحمض حجروی را باعث میشود اما در صورت فشار زیاد اوکسیجن ریوی مقدار زیاد آن ذریعه مایع خون بصورت منحل به حجرات برده شده و به فشار زیاد تر از ۵۰ میلیمتر سیما ب آزاد میگردد در نتیجه مقدار زیاد اوکسیجن نسبت بحالت طبیعی داخل حجرات گردیده و تحمض سلولی پانده از بلند میروند که باعث احتراق سلول های مرگ میگردد .

با اثر تسمم اوکسیجن فعالیت دماغ نیز ضعیف و مختل شده باعث اتخاذ تصامیم غلط شناور گردیده که در نتیجه با عمق زیادتر از اندازه معینه شنا کرده و یا اعمال خطرناکی را انجام میدهد که موجب هلاکتش میگردد .

د فلسطین بی کوره ولس اتمه برخه



په تیر و برخو کېښی موولوستل چه اسرائیلی تیری کونکی د فلسطین بی دفاع ولس په لویو کلوبا نندی د فلسطین د اسرائیلی کولو په خاطر باقونه وچلول، بمونه ئی وورول، اویائی د پیر و تاوانونو او انسانی مړینی اووینی توئیونی وروسته د کلیو الوغخه وغوینتل چه خپل ټاټوبی او پلرنی هلو وکی اسرائیلو ته خوشی او په مهاجرت پیل وکړی. هماغه وچه فلسطینی بی دفاع ولس چه دهیخ ډول ټینگار طاقت ئی نه درلود په وړی، تیری نس په سفره ی شول، مازیگر مال یویل فلسطینی کلی ته ورسیدل چه هلته هم په فلسطینیا نو دغم اوریا وریدلې او کلی شپړ پروت ؤ. هلته ئی دغم او ماتم نه ډکه شپه سبا کړه او سهار مال ئی بیا په مزد پیل وکړ، د پیر و کړ اوونو او غمونو زغملو وروسته د اردن د سپین ختیز اړخ یعنی اردنی ملک ته پوریوتل، دوی خیال کاوه چه گوندی په اردن کېښی به یو خوشی په آرامه تیری کړی خوددوی خیال چه وخوت. اردنی پولیسو مهاجرینو ته اجازه نه ورکوله چه د اردن کلو ته ننوزی او هلته د اردنی عربوسره گډ ژوند وکړی. هره ورځ په دپولیسو له خوا مهاجرین زندان ته استول کېدل، ولړی، موندی او نوری سکنجی به ئی پری تیرولی، ترخومها جرین مجبوره شی او د اردن له خاوری غخه ووزی، نوغکه فلسطینی مهاجرینو په کله یوغای او کله بل محای ته کوچ کاوه په دبتو او ډاگونو کېښی د مارانو او لپمانانو خوراک او حینی دیر ئی دلوړی او فقر قربانی شول، یوه ورځ چه «وحید» نومی ۹ (نه) کلن ماشوم دغو ورغو غذانه خوړلو له امله سخت ناروغه شوی ؤ بالاخره مړدپلار او مور په زړونوئی دغم نه غټ داغ کېښود. نوره کیسه پخپله د فلسطینی پیغلی له خولی یعنی دوحید دخور له خوا واورى.

مورسی په وحید ورپر یونله، چغی پورته شوی په ستاینو کېښی به ئی دوحید لوړه یادوله اووئیل به یی چه په اباد اردن کېښی زمانا زین بچی دلوړی قربانی شو. مورسی په وهلو وهلو خپل مخ نک شین کړ، د سروینستان ئی وشکول، یوه شیمه نه قلاریدله، ډاگ ئی په سر اخستی ؤ دیر خلک د اردن د نژدی کلو غخه هم راوړسیدل، هغوی چه دوحید، هوکی نازولی، مور او پلار ته گران وحید مړینی او هغه هم دلوړی په واسطه داستان واوریده ټول په ژړا

زموڼر ولس په پياوړي او غټتلي توگه بويل ته لاس ورکړي دارتجاع او اميراليسم په مقابل کې کلک اونه ماتيدونکي سد جوړ کړي ، دهر ملي او عربي غليم دگوتې نحو اب په سوک سره ورکړي . نو هيڅکله به زموڼر په چارپير کښې زموڼر وروڼه څوک زموڼر څخه جلا نه کړي شي . اونه به مو دو حيدد پسه غير نازين ما شومان د لوړي سره کيږي .

نوموړي حاضرينو ته د هوشيار باش غږ پور ته کړ او بويل : نه پيوستون او يو والي سره د غليمانو پر ضد مبارزه نکول داميراليسم او ارتجاع په گټه ده ، استعماري او جابر قوتونه په دې هڅه کښې دي چه عرب په خپلو منځو نو کښې په پټو او تر بگڼيو اخته کړي اودنه يو والي څخه ئې گټه واخلي . عربي ځوانان ، زارده او واډه بايد دا خبره د زړه په غور و نو واوري چه : داخلي او باندني لوي غليم ن په کښې کښې څار کوي چه دهرې وروگټي اشتباه څخه لويه برخه واخلي . که دا فلسطيني عرب چه په هر لحاظ زموڼر نه نه بيليدونکي وروڼه دي ، داسرائيلو دعام قتلونو په اثر بي کوره اوله خبر ناپولو څخه و شړل شول . موڼر بايد تر آخرين نفره پوري ددوي دبیره نه لځای په لځای کولو دپاره قرباني ورکړي دي ، خو کله چه موڼر دځينو داخلي عمالو په سبب په دې کار بري دنه موند ، نو بيا خو په کار و چه ددوي خوړو ، څښاک او پوښاک غم مو خوړلي وي اودې غير انساني عمل ته مو چه د اردنسي کلواو پانډو ولاړي پري بندي شوي دي اجازه نه وي ورکړي . دا ټيک ده چه موڼر اردني عرب په خپل کور کښې د ميلمنو په شان شپې ورغي تير و . . ژبه زما واک دملادي .» که داسې نه وي نو څنگه کيدلې شي چه زموڼر په چمگا وڼ کښې دي دا ډول بي گناه هلک دلوړي د لاسه مړ شي . اوموڼر دې ذبوي وچي مړي ووږي ورکولو واک ونه لرو .

موڼر دا خبره منو چه زموڼر فلسطيني وروڼه د لوتمار اسرائيلي طاقت اود هغو د ملاتړ ا نو د ظلم اوزياتي په سبب له خپلو کورونو څخه و شړل شول ، ليکن اردن خو هم يو عربي هيواد دی اوباید د عربو سره په سخت وخت کښې مرسته وکړي شي ، اوبه په دانگ نه بيليري او هم نوک له وري څخه چانه دي بيل کړي ، نو ځکه زه دا خبره په ډاگه کول غواړم چه ولي موڼر د فلسطين د عربي ورو نو سره سمه مرسته ونکړي شوله ،

استعماري زورگيران دخپل غير انساني خصلت له مخي تل په نورو ولسونو تيري او بلوسې کړي دي ، محکوم ولسو نه ئې په رنگارنگ کړ او نو ، غذا بو نو او خواړيو اخته کړي دي ، خو کله چه محکوم انسانان په دې پوهيدلې چه ناولی استعمار بي له کلکي مقابلي وطن نه خوشو کوي ، نو

بياني ديوه سم يو والي لاندې پشوم استعمار ظالمانه خپره سيده کړي او خپل هيواد ته ئې آزاد ژوند گټلې چه مثال ئې په گرده نړي کښې ليدل کيدلې شي .

ليکن زه تپو هيرم چه عربي ولس په کوم تور بنا مار پښه ايښې ده چه اوس ئې هيڅ قدم په ځمکه نه لگيري . دا به دنړي کوم انسان قبوله کړي چه ددوه مليونو څخه ليراسرائيل دی دسل مليونو څخه زيات عرب داسي ويري او ډار سره مخامخ کړي چه بيادې داسرائيلو دنانه په اوريدلو سره له کته ولويري . او د مقابلي توان دی تری لوت کړي شي . آيا د عربو گولي اسرائيلي افراد نشي سوري کولي او که دهغوي وجودونه داوسپني څخه جوړ شوي دي ، نه داسي ته ده ! داسرائيلو وجودونه هم زموڼر په غير دغو پټو څخه جوړ شوي دي ، او هره گولي ئې سوري کولي شي . خو څرنگه چه دوي ټيک تنظيم موندلې دي اودقوي ليدر شپ لاندې به پخه اراده د خپلي بقا دپاره مبارزه کوي ، او موڼر څرنگه چه گردې نړي ته څرگنده ده صحيح ليدر شپ اوزعامت نه لرو ، نو ځکه صحيح تنظيم هم را کښې نشته هر چا چه په هره لاره بوتلو دخبري کولو اود هغه څخه دتپوس حق غاښته نه يوقابل ، يا په بل عبارت هر څوک چه زموڼر مخکښي شوي دي موڼر دهغو پسي نيست تړلې دي ، دومره پوښتنه مو هم نه ده کړې چه مخکښي شوي سړي انگرېزدي که ملا ، گبر دي که ترسا . نو ځکه مو په پير يو کښې صحيح پيوستون ونه کړي شو . هر چا ته مات او شرمنده يو .

موڼر بايد دو حيدد دمړيني څخه پندواخلو اونور پيري نړدو چه داستعمار په غير کښې روزل شوي ملايانو پسي نيست وکړو .

دده وينا بشپړه شوه . په دې وخت کښې ددوي له ډلي څخه يوه سپين پيري ، خپلو ورسره ملگرو ته وويل چه لارې شي د مها جرينو دپاره د ډوډي غم وکړي ، هغوي لارل ، زما پلار چه دغم په لوي سپين کښې لاهوؤ سر ئې دي خوا او هغه خوا خو محيده دکلي د سپين پيري څخه ئې وپوښتل چه وحيد چيرته ښخ کړل . هغه ورته خپله هديره ورو نيودله او ويويل چه هلته څو هلکان وليري چه قبر وباسي ،

سپين پيري ورو ورو خپل کلی خواته و خو محيده ، موڼر غوښته فلسطيني مها جرين بنودل شوي هديرې ته لارل تر څو دښکلي وحيد د ډوډولو دپاره قبر وباسي ، هلکانولا په قبرويستلو پيل نه و کړي چه غارونکي پوليس هلته ورغلل اوهغوي د قبرويستلو ته پري نشودل ، خلک بيرته راستانه شول ، دپوليسو غوښتنه هم ورسره و . زما پلار له پوليسو څخه وغوښتل چه د عربي ورو والي په خاطر ، دانسانيت په خاطر اوبياني موڼر تور سر و ته لاس ونيوه ، چه ددی پا کو تور سر و په خاطر . موڼر مه زور وي ، موڼر پريږدي چه دلوړي شهيد په خاورو کښې ډوب کړو . ددی سره سره يو پوليس

په براندو ستر گوسره وويل چه دوی ته امر شوی دی، دوی به همځکه اسرمات نکړی. کله چه زمانه غوښتل چه یو فلسطیني کښی نه ولیری تر څو هغه سپین ویری خبر کړی چه ددوی سړی څوک بنجیدلوته نه پریردی. پولیس دتلو نکي سړی مخه ونیوله او وویل چه کله چه خو هلهو مهاجرین نشی تللای. دی وخت کښی مونږ دډیرونه ډیر ستوما نه شولو، خوغه مو کړی وای. هیڅ زور مو نه رسیده، ټول مهاجرینو د خوږو د نه لر لواله امله د هیڅ ډول مقابلی طاقت نه درلود. لښه داچه ټول غلی بلی کیناستلو. د امال دوحید دسره کیدلو سوال ته پیدا کیده بلکه دغه د خاوروته سپارلو سوال په شیخ کښی ؤ. چه چیرته به یی شیخ کړو. مونږ دغم په دی چرتونو کښی ډوب ؤ. چه د کښی څخه غوښته خلک رانکاره شول ز مونږ لورته را رهې ښکاریدل، کله چه مونږته رانژدی شول، پلارمی وویل چه هغه سخکښی سپین ډیری دی او نور څو لښه ورسره دی. داسی معلومیدل چه دنفر و سره څه خواړه هم شته دی. هماغه ؤ چه دوی ز مونږ لورته رانژدی شول. دی وخت کښی څارونکی پولیس مخی نه ورغلل اوله دوی څخه ئی وغوښتل چه له مهاجرینو سره تماس ونکړی. او که فرضاً تماس هم کوی باید خواړه او سرسته ورسره ؤه کړی شی، دی عمل مونږ زښته زیات خواشیننه کړوپه هر صورت هغه هم دغم کړی او ورځنی وی چه په مونږ تیریدلی.

اردنی سپین گیری پولیسوته عنذر اوزاری ډیری وکړی چه دافلسطیني مهاجرین زمونږ وروڼه او نن سبا ز مونږ میلانه دی باید چه مونږ له هره در که کومک وکړو. او نن خولاغه کوی چه په هغوی کښی یوبی گناه ماشوم دلوری شهید شوی دی په کفن او ښخولو کښی ز مونږ مرسته ورسره ضرور ده، لیکن چانه وی، بالاخره سپین ډیری له جیب څخه څه شی راویستل او هغوی ته ورکړل، هغوی په خپله مخه لاړل، اردنی اصیل اوشریف کلیوال راغلل او زمونږ سره یی هر ډول مالی او ځانی مرستی وکړی، دلته باید هغه څه یاد کړم چه همځکه به می هیرنشی او هغه داچه: کله چه اردنی کلیوالو خواړه راوړل، زما مور چه ډیر ژړلی ؤ له هوشه وتلی وه په هوش راغله، او چه خواړه ئی ولیدل نو ئی بیا جعی او فریاد پورته کړ او په ژړا ژړا کښی ئی وویل: زما خوږه نازولی وحیده پاڅیره اردنی کا کانونی ډوډی راوړی ده، ډوډی وخوره، ته په اردن کښی د ډوډی په ارمان مرشوی به تانه په لوی اوآباد اردن کښی دومره څه پیدا نشول چه ته پری له مرگ څخه بچ شوی وای. دغه دی اوس هر څه ډیر دی. خوغه به یی کړم. زما خوږ بچوړی د ډوډی سړی به

ارمان مرشو. اوداسی نوری ستاینی یی وکړی خلک ئی ډیر وژړول.

په دی وخت کښی د کښی سپین ډیری هر چاته لرو ډیره ډوډی ورکړه او بیانی غوښته هدیری ته واستول چه قبر وکاری، هغه ؤ چه یو څو ساعت وروسته ئی، دښکلی او نازمین وحید حنازه جگه کړه او هدیری پر لور ئی روانه کړه، بلی هلته مو دلوری شهید خاوروته وسپاره. او بیا مو ورته داوښکو خورانه څاڅکی هدیه کړل. هغه ورځ اوشبه د ما دوحید قبر له څنک څخه لیری نشوه. ما هیڅ تصور نه کاوه چه زما مور به ژوندی پاتی شی خوبیا هم سهار مال ژوندی وه خو آواز او خبری یی نه اوریدل کیدلی، د کیناستلو طاقت یی نه درلود، سر گڼی یی هم زوږشی شوی وی څوک یی شه نشولیدلای. مونږ تر مورې لځای کښی نژدی نری جومی تیری کړی تر څو زما دمور حالت ښه والی و مونږه پدغه سوده کښی د اردنی کلی سپین ډیری د ونورو خلکو په ډیر اخلاص سره ډوډی ورکوله او هم ئی دنورو کړ او ونو څخه خلاص کړی ؤ. خو څرنگه چه زمونږ خلکوته د کار پیدا کولو هیڅ ډولی امکان نه ؤ موجود تر څو به مونږ دنورو په اوږو بار شیی صبا کولی. اودا کار ورکار هم نه ؤ. انسانئ ټولنی دغه وخت څخه چه دځمکښی خاورینی کړی په سر دژوند امکانات منځته راغلی دی دهماغه وخت را پدی خوادغه ډول ډبل ډول وژرو الوتل اودبل د گټو څټل یی غندلی دی. او هم هغه خلک چه ډبل گټی غټی او په خپله هیڅ کړ او نه تیروی سپک بلل شوی دی. ز مونږ خلکو یعنی مهاجرینو هم لازم ونه گڼل چه نور په اردنی کیلوالو بارشی. نو ورو ورو مو په سفر پیل وکړ. ز مونږ سفر لمر ختیز هیوادونو خواته ؤ. او کښی، مونږ وحید پاک ماشوم دخاورولاندی لمانله پرینود او مونږ ترری روان شولو. که څه چه زما مور د جلا کیدلو په وخت کښی دغه په قبر ورپریتله او جعی کړلی چه زه دوحید قبر په دی ډاگه کښی لمانله پرینودلی، اوداسی نور وروڼه یی وکړل. خو په پای کښی زما پلار او مونږ ټولو په ډیره زاری سره د قبر څخه راپاخوله، او په غمگین سفر سوپیل وکړ. هره گړی به زما پریشان سور دوحید په یادولوسره میخ شاته اړاوه، او پاکسی اونیکسی به یی ورپسی تویولی. کله کله به ئی په زړه ضعف هم راغی، لاند داچه مونږ خو ورځنی پس عراق ته را ورسیدلو، په عراق کښی د مهاجرینو شمیر دومره زیات نه ؤ هلته موداردن په نسبت ژوندیبه ؤ خوبیا هم څنگه چه په کار و هله هم ز مونږ د بارینه ؤ دپاره کار نه پیدا کیده اودسوال ټوک همیشه دپاره خوړل هم ښه عمل نه ؤ نوځکه له عراق څخه هم ددوؤ میاشتو په موده کښی ایران ته را ورسیدلو. « پاتی لری »

دوتن از
اعضای
تیم ملی
آلمان
در حال
مشق و
تمرین



یک موفقیت بزرگ در سپورت هاکی آلمان غربی و علی پیروزی آن در مسابقات اولمپیکی

ترجمه و نگارش از میرحسام الدین « محسنی »
معاون آمریت نالیف و ترجمه

مدال طلائی مسابقات اولمپیکی ۱۹۷۲ مونسن را نیز کمائی کرده و بجا کمیت بیست و چندساله تیم های هاکی هند و پاکستان خاتمه بخشید. و چطوریکه تیم هاکی هندوستان در گذشته هاکی انگلستان را از سر راه خود بدور کرده بود بعین ترتیب تیم هاکی آلمان غربی دو حریف قوی پنجه هندی و پاکستانی را از سر راه خود بدور کرده و تاریخ نوینی را در راه ورزش هاکی از خود پیادگار ماند. این موفقیت تیم هاکی آلمان غربی قرار اظہر نظر

مدت بیست سال بصورت دو مدار حاکمیت میدانهای هاکی در دست هاکی بازان هندوستانی بود، مگر در دوالمپیاى گذشته پاکستان این موفقیت را از دست هاکی بازان ما هندی ربودند.

در مسابقات اولمپیکی ۱۹۷۲ مونسن که چند ماه پیشتر برگزار گردید این ورق دور خورد، زیرا تیم بسیار جوان آلمان غربی حریفان قوی پنجه خود را یکی بعد دیگر از سر راهش بدور کرده و علاوه از حاصل کردن لقب قهرمانی



اعضای تیم ملی هاکی آلمان غربی در حال گرم کردن برای مسابقه

نمی شنیدید چه رسد به مشق و تمرین و یا مسابقه آن در حالیکه سپورت جمعی یعنی هاکی دزانوقت هم سابقه طولانی داشت زیرا یونانی ها از دو هزار پنجصد سال پیشتر به مسابقات هاکی می پرداختند و اینها شکل و نوعیت آن زازمان تا حال تغییر قیافه داده و از خشونت های آن تا یک پیمانیه زیاد اصلاح شده و هم بعضی نقوشی به دست آمده که در آن عمرسپورت هاکی را هنوز هم اضافه تر نشان میدهد .

هاکی برعکس فوتبال توسط دست بازی میشود و تسمیکه ابتدا مسابقه هاکی در مرکز میدان توسط دونفر با تماس دادن هاکی هایشان با هم سه مرتبه آغاز میگردد که هنوز هم همان شیوه سرعی میباشد . که بعد از سپری شدن دو صد و پنجاه سال از اولین مسابقات اولمپیک باز

مفسرین ورزشی یک امر غیر حتمی بشمار میرفت .

زیرا هاکی در هند و پاکستان عمومیت داشته و از خورد و بزرگ بازی آن عادت کرده ، و هم هاکی بازان از محبوبیت و استقبال بمنظیر تماشاچیان و مردم برخوردار میباشد . در حالیکه هاکی در آلمان غربی بیک اقلیت مطلق قرار دارد . و حتی بسیاری از مردم آن کشور بآن شناسائی ندارند .

از اینرو این موفقیت تیم هاکی آلمان غربی از واقعات نادر ورزشی بیست سال گذشته بشمار میرود .

خلاصه اگر چه از عمر ورزشی هاکی بازان آلمان غربی مدت زیادی سپری نمی گردد مگر بآنهم آنها درین مدت به موفقیت های دست یافته اند که حتی مفسرین ورزشی و پلیمرهای مشهور هاکی جهان را این پیروزی غیر مترقبه به اصطلاح (شوکه) ساخته است .

چند سال پیشتر یک تیم هاکی جمهوریت اتحادی آلمان در کشور ما نیز چند مسابقه انجام داد که تقریباً هم سوئی تیم های آنروزی هاکی مایود . در آن تیم چندین تن از اعضای تیم ملی هاکی آلمان غربی نیز حصه گرفته بودند .

اما اگر ما از نگاه حقیقی علت موفقیت تیم هاکی جمهوریت اتحادی آلمان را بررسی کنیم عامل عمده آنها را مشق و تمرین اساسی مطابق به بنیه فیزیکی اعضای آن و نیز ترتیب مسابقات متعدد تشکیل خواهد داد .

درینجا برای تأیید گفته خود ما عین مطالب را که در یک نشریه خارجی با تصاویر مختلف از جریان مشق و تمرین هاکی بازان قهرمان اولمپیک ۱۹۷۲ مونسین بچاپ رسیده از نظر میگذرانیم که جریان و چگونگی این انکشاف سریع سپورتی را بخوبی آشکار خواهد ساخت .

مجله راجع به سپورت هاکی در آلمان غربی اینطور مطلب را آغاز کرده .

صدسال پیشتر شما حتی اسمی از هاکی را در آلمان



اعضای تیم ها کی زنان المان غربی در حال مشق و تمرین

به عین ترتیب مسابقات ها کی ۱۹۷۲
موشن یا بیستمین مسابقات اولمپیک
نیز بعین ترتیب آغاز گردیده و سیزده
روز را یازیمای ها کی دربر گرفت .
هاگی که درحقیقت کاشف آن
انگلیسی ها میباشند توسط هندی ها
نود سال پیشتر به آلمان معرفی گردید
در سال ۱۸۹۷ بعد از وضع قانون و
مقررات آن توسط دستگاه های مسئول
ورزشی برای ورزشکاران تفهیم
گردیده و ساحت فعالیت آن بسط و
توسعه پیدا کرده و درحقیقت اسم ها کی
در همین سال در دایرة المعارف المان
گنجانیده شد

دنده را از شانۀ خود بالا کند فول گرفته میشود . و
یا اگر از طرف راست یکنفر (ستک) انداخته شود هم فول
گرفته میشود که این جزاها بذات خود از خشونت
بازی تایک پیمانۀ زیاد جلو گیر کرده و بزیمائی بازی
می افزاید .

اگرچه از عمر ورزشی ها کی آلمان مدت ۹۰ سال سپری
میگردد ، مگر این ورزش در طول این مدت آنقدر طرف
تشویق و توجه قرار نگرفت . تا اینکه در چند سال اخیر با
احضار کردن معلمین و کوچ های بسیار ورزیده و ماهر
و مشق و تمرین مداوم و مطالعه بالای شرایط جسمی و
بنیه فیزیکی ها کی بازان و مراعات کردن یقوانین تازه
همه دست بهم داده و تیم ها کی بسیار جوان آلمان غربی
را به موفقیت های بزرگی نائل گردانید . که قرار اظهار

نظر مسئولین ورزشی آن کشور
با پیروی از گفته های بالا تا دیر زمانی
از مقام قهرمانی خویش ها کی
بازان بسیار جوان آلمان غربی دفاع
خواهند کرد . زیرا نتایج کنونی آنها
طبق آخرین میتود های علمی مطابق
به شرایط جسمی ها کی بازان بدست
آمده است .
ختم

→ شمه دیگر از مشق و تمرین تیم
ملی ها کی آلمان غربی که قهرمان جهان
گردید .

هاگی که توسط چوب های مخصوص منحنی شکل بازی
میشود مانند فوتبال یک تیم آنرا یازده نفر تشکیل میدهد .
طول میدان ها کی ۹۰ متر و عرض آن ۴۵ متر میباشد
که جمعاً یک مسابقه هفتاد دقیقه وقت را احتوا میکند .
اگرچه در ابتدا مسابقات ها کی باخشم و زدن اعضای
تیم ها کی یک با دیگر همراه بود ، مگر به مرور زمان قانون و
مقررات جدید از ختم آن کاسته و حاکمیت میدان را به
دست گرفت ، که در شرایط امروزی برای کوچکترین
یک تخلف از مقررات و خشونت در بازی جزاها یا فول
های متعددی وضع شده که در مسابقات از آن استفا ده
میگردد ، مگر نوع بازی مطابق گذشته بوده منتها
مقررات و قوانین وضع شده اداره میدان را در اختیار دارد
بطور مثال اگر یک بازیکن در جریان بازی (ستک) یا



محراربه ویتنام دردناکترین فاجعه قرن

اینک که قریب دو ده از آتش بس و یتنام میگردد و امریکا توانسته است پای خود را از منجلا ب ویتنام بیرون بکشد باید از صلح حرف بزیم، صلحی که با تلاش دکتورها نری کسینجر ولی دکتومیسر شد و ما در شماره گذشته ما برای امضای اوربند و موافقت را به نشر سپرده ایم، اکنون که این فاجعه دردناک قرن با آخر رسیده برای اینکه خوانندگان ما بدانند طی این سیزده سال دخالت اضلاع متحده امریکا در ویتنام و طی سی سال زد و خورد دولت ویتنام و ویتکانگها چقدر خون ریخته شده اینک احصائیه از محاربات ویتنام را در اینجا گرد آورده تقدیم شما مینمائیم.

قرار آخرین احصائیه محاربه ویتنام تنها محاربه ایست که در آن ۴/۶ فیصد نفوس تلف شده است درین محاربه ۱/۵۶۰/۰۰۰ ویتنامی کشته شده اند که بیش از نیم میلیون نفر آنها ملکی بوده اند و بیشتر اینان اطفال، پیر مردان و پیر زنان محسوب میشده اند. درین محاربه امریکائیا در مدت دوازده سال ۴۵/۹۲۸ نفر تلفات داده اند، تعداد قربانیان ویتنام جنوبی به ۱۸۰/۶۷۶ نفر عسکر و ۲۵/۰۰۰ ملکی میرسد، تعداد کشته شدگان ویتکانگها (جبهه ملی

آزاد بیخس) به ۹۳۰/۰۰۰ نفر میرسد به تعداد ۷۰/۰۰۰ نفر در ویتنام شمالی بر اثر بمباران های هوایی تلف شده اند. باید بر این احصائیه تعداد چند میلیون نفر زخمی نیز علاوه شود و عده نیز درین کشمکش ها مقفود الاثر گردیده اند. تعداد آوارگان ویتنام تنها در سال ۱۹۷۲ به ۱/۱۰۰/۰۰۰ نفر میرسد و بطور کلی طی یازده سال گذشته تعداد آوارگان هند چین به یازده میلیون نفر میرسد.

تعداد بمب های فروریخته شده از سال ۱۹۶۱ با اینطرف بتعداد ۷/۵۰۰/۰۰۰ تن میرسد در حالیکه در حرب بین المللی دوم ۳/۰۰۰/۰۰۰ تن بمب استعمال شده با این حساب بر ویتنام ۲/۵ برابر حرب دوم بمب ریخته شده است. علاوه برین مقدار ۷۵/۵۰۰/۰۰۰ لیتر مواد ضد گیاه توسط امریکائیا بر ویتنام فروریخته شده است. قوای زمینی ویتنام جنوبی ۸۴/۰۰۰ نفر که از دوازده فرقه تشکیل شده، قوای هوایی این مملکت نیز به ۶/۰۰۰ نفر میرسد. قوای بحری آن ۴۳/۰۰۰ نفر و تعداد طیارات عسکری و هلیکوپترهای آن ۲۱۰۰ فروند، تعداد کشتی های جنگی نیز ۵۰ فروند می باشد. قوای ویتنام شمالی مشتمل بر

۲۰۰/۰۰۰ نفر شامل ۱۴ فرقه است قوای منظم ویتکانگها نیز ۸۰/۰۰۰ نفر می باشد که از پنج فرقه تشکیل شده است.

حال برگردیم به تلفات حرب ها طی قرنهای گذشته: طبق آخرین احصائیه موسسه صحتی جهان از آغاز تاریخ بشریت سه و نیم میلیارد نفر (۳/۵۰۰/۰۰۰/۰۰۰ نفر) قربانی محاربات مختلف شده اند.

گاستون-بو تو جامعه شناس معروف فرانسوی و بنیان گذار دانش (حرب شناسی) میگوید:

از سال ۱۵۰۰ قبل از میلاد تا سال ۱۸۶۰ میلادی در بین ملل جهان بیش از هشت هزار معاهده صلح بسته شده است ولی علی الرغم آن پنج میلیون و پنجمصد هزار نفر در محاربات قرن هیجدهم تلف شده اند. شانزده میلیون نفر در محاربات قرن نوزدهم و بیش از شصت میلیون نفر تنها در حرب بین المللی دوم در حرب بین المللی اول ۸/۵۳۸/۳۱۵ نفر مردند، ۴۵۲/۲۱۹/۲۱ نفر زخمی شدند و ۷/۷۵۰/۰۰۰ نفر مقفود الاثر گشتند. در محاربات داخلی اسپانیه یک میلیون نفر، در محاربه الجزایر قریب یک میلیون نفر، در محاربه کوریا ۱/۸۶۷/۶۹۷ نفر جان خود را از دست داده اند.

سیستم اوتومات

TACFIRE

با نظر داشتن این موضوع که از سیستم درجه مواردی کار گرفته میشود حجم حافظه ای آن مختلف است مثلاً برای استفاده در لوای توپچی حجم حافظه ویا مغز آن ۳۲ هزار کلمه (۴ بلوک که هر کدام گنجایش ۸ هزار کلمه را دارند) بوده و حجم اعظمی حافظه ای آن ۳۳ میلیون کلمه است .

پا نل کنترل و اداره بواسطه آتش

این پا نل برای قوماندها توپچی امکان اخذ اطلاعات و هم اصدار او امر از طریق آنتنهای، میدهد، در پا نل صفحه دکمه های مخصوص حروف و اعداد و دواندیکا تور اشعه ای الکترونیکی قرار دارد ، این صفحه بطور مجموعی اطلاعات را بواسطه حروف ارسال میدارد و هم چنین برای ترتیب و آسان ساختن اطلاعات و یا امر شفر و یا کود ۶۴ کلمه ای و یا جمله ای پیش بینی گردیده و این کود در صورت ضرورت میتواند بفاصله چند ثانیه تبدیل شود .

اندیکاتور فوقانی اطلاعات اخذ شده را نمایش داده و اندیکاتور تحتانی اطلاعات ارسال شده را نشان میدهد و این زمینه ای امکان کنترل متن را بیش از رسیدن به مغز الکترونیکی میسر میسازد .

آله چاپ کننده با سرعت عملی متوسط .

این آله گزارشات واصله و فرستاده شده را بصورت متواتر چاپ میکند و هم در صورت تغییر کود (پا نل اداری بواسطه آتش) از آن استفاده میشود درین صورت بکمک حروف و اعداد کود جدیدی ساخته شده و بصورت اوتومات چاپ میشود ، این کود توسط شخص اداره کسندنده *Operator* به حافظه ای مخصوص خودش در پا نل مغز الکترونیکی بعوض کود سابقه هدایت میشود . در هر ثانیه ۶۰۰ اشاره بدون صدا با میشود اتصال چاپ میشود .

جاسوسی ، مراکز توپوگرافی مترو لژی و غیره ارتباط دارد . المنت های سیستم تکفایر طوری است که در وقت ضرورت باسانی تبدیل میشوند (میتود تبدیل بلوک ها) این المنت ها (اجزا) در حافظه های استاندارد قرار داشته و اندازه اعظمی آن از ۸۵ سانتی متر متجاوز نمیکند و سنگین ترین قسمت آن توسط دو نفر قابل حمل است .

لوازمات این دستگاه در موتور زره دار نوع M-۵۷۷ یا در کابین سرویس S-۲۸۰ و یا مستقیماً در زمین قرار دارد .

در صورت قرار دادن سیستم مذکور در موتور برای بکار انداختن آن ۵ دقیقه در شرایط زمین ۳۰ دقیقه بکار است ارتباط این سیستم با دستگاه های اطراف و نواحی یا از طریق رادیو و یا از طریق کیبل ها برقرار میگردد ، درین صورت دوره اضافگی لازم نبوده بلکه یکدوره معمولی توپچی استفاده میشود ، اعداد و شفر های داده شدگی بصورت دوگانه بکمک سگنال فریکانس امپلیتودی در وقفه های مکالمات تلفونی ارسال میشود .

استعمال و ترمیم لوازمات این دستگاه در شرایط اراضی بسیار ساده بوده و توسط پرسونل دارای ستاز معمولی اجرا میشود .

ماشین حساب کننده الکترونیکی (مغز الکترونی)

از سالها قبل متخصصین نظامی آمریکا عموماً آر تلیست ها (*artillerymen*) خصوصاً امکان بکار بردن ماشین های الکترونیکی را برای حل مسائل تاکتیکی با دلچسپی و دقت خاصی مورد مطالعه قرار دادند زیرا تحت تاثیر گرفتن یک هدف ایجاب میکند که محاسبات زیاد و دقیقی در مورد توپوگرافی ، شرائط اتموسفر ، خواص مهمات حربی و غیره انجام شود .

در شرایط معاصر که در فعالیت های دقیقی حربی فقط اندیکاتور های متحرک تا حدی محفوظ و زنده بماند وزیر آتش گرفتن این گونه ساحه ها با استفاده از میتود های معمولی و کلاسیک کمتر امکان دارد اهمیت وسایل اوتوماتیکی ضرورت تاکتیکی شمرده میشود .

یکی از سیستم های اوتوماتیکی مدرن که قرار است از شروع سال ۱۹۷۵ مورد استفاده اردوی زمینی آمریکا قرار بگیرد سیستم تکفایر است .

متخصصین امریکائی معتقد اند که سیستم تکفایر در شدت تاثیر انداخت توپخانه ، دقت در محاسبات انداخت ، کم نمودن وقت تاثیر ، مصرف مهمات حربی و هم برای بهتر استفاده کردن از اطلاعات جاسوسی در مورد هدف رول مهمی را بازی میکند .

این سیستم بطور مداوم با مراکز مختلف مخاברה ، قطعات کشف ،

بصورت استوانه مقناطیسی ساخته شده و دارای ظرفیت ده میلیون اشاره می باشد و از آن برای نگهداری گزارشات و پروگرام معینه در جریان کار استفاده میشود .
محافظه ای معاون .

بصورت فلیته ای مقناطیسی ساخته شده و برای نگهداری پروگرام های است که عندالموقع از آنها استفاده بعمل خواهد آمد ، فلیته ای مذکور در کاسیت های گرمیتیکی (Hermetite) نگهداری میشود .

آله گیرنده ای اطلاعات استندرد

از قطعات ترصد .

دارای ۲/۸ کیلو گرام وزن بوده و برای اخذاطلاعات از قطعات کشف و ترصد بکار میرود ، آله مذکور دارای ۲۵ دکمه ای مخصوص بوده که بمک آن مدارک استندرد جاسوسی ترتیب میگردد و این اخبار از طریق رادیو بسرعت ۶۰۰ اشاره در ثانیه ارسال میشود .

آله گیرنده ای اطلاعات بدون

استندرد .

با قطعات مخاברה ، توپوگرافی مترولوژی و بعضی اوقات با مراکز اداری لوا ارتباط دارد و المنت های ارسال آن پانل اداری توسط آتش بوده ولی برای ارتباط با واحدهای خوردتر بکار میرود ، سرعت ارسال گزارشات غیر استندرد نیز ۶۰۰ اشاره در ثانیه می باشد .

تیشکلات و ترتیب کار این سیستم .

تمام لوازمات دمته گاه در دو کابین ماشین نوع ۲۸۰ - S قرار داشته و ارتباط ثابت دستگاه را در صورت نقل مکان از یک به نقطه نقطه دیگر تامین میکند یعنی هر گاه یک کمپلکت تغییر محلی دهد کمپلکه دیگر بفعالت آغاز مینماید .

استر دکتور عمومی سیستم

او نامات تکفایر

TACFIRE

مترصد جلو با استفاده از آله اطلاعات استندرد فرمان آتش را به پوست اداری لوای توپچی صادر میکنند ، بعداً این گزارش به مغز الکترونیکی رسیده و این عملیات صورت میگیرد : -

- به آله چاپ کننده سرعت متوسط امر چاپ گزارش داده میشود .

- به پلان شیت الکترو میکانیکی پا را مترها و شفر هدف داده میشود

- گروه فرمان آتش در پوست

اداری روشن میشود از لحظه ای

فشار دکمه ارسال روی آله اطلاعات

استندرد توسط مترصد تا پیدا شدن

گزارش دقیق محاسوبی روی

اندیکاتور اداری بطری برای فیر

بیش از ۶ ثانیه وقت کار نیست .

قوماندان لوای توپچی وقتی

گزارش را از مغز الکترونیکی گرفت

میتواند لزوماً بعضی پا را مترها را

تغییر بدهد (بطور مثال خاصیت

هدف مورد گلوله در نظر گرفته

میشود) درین صورت تغییرات لازمه

توسط *Operator* به سمت صفحه دکمه

دار آورده شده و بعد از کنترل در

اکران خروجی پس به مغز الکترونیکی

داده شده و از طرف چند ثانیه مغز

الکترونیکی گزارش جدیدی با پارا

مترهای دیگری برای خبر تهیه میکنند

در صورت قناعت مرکز انداخت

با گزارش واصله مغز الکترونیکی

دکمه مخصوص فشار داده شده و

اطلاعات لازمه به اندیکاتورهای

پوست سه بطری بطور جدا گانه

میرسد .

از محل قومانده بطری گزارشات

مقدماتی به دلگی های ختر کننده

یا از طریق شبکه های تلفونی و یا

امواج رادیوئی ارسال میگردد .

در ختم انداخت مترصد پیش

توسط آله تهیه گزارش نتیجه

تیر اندازی را اطلاع و با ساس این را پور مغز الکترونیکی مدارک ذیل را تهیه و تدارک میکنند .

- نتیجه عمل گلوله باری روی

هدف نعن و به محل قومانده کندک

توپچی ارسال میشود ، این گزارشات

در پلان شیت الکترونیکی و اندیکاتور

پانل اداری چاپ و منعکس میگردد

گزارش شامل شفر هدف مورد

اصابت گوله باری تشریح و موقعیت هدف

و تعداد سهمات مصرف شده میباشد .

- راجع بقدر باقی مانده سهمات

در هر بطری و ا کمال آن ، اگر در

بطری سهمات از حد لازمه کمتر مانده

باشد مغز الکترونیکی از طریق لین

مربله به سیستم اکمالات تخنیکی

خبر میدهد .

- راجع به ختم آتشباری (بدون

معلومات در مورد مقدار سهمات مصرف

شده) که به مراکز اداری حربی

خبر میدهد .

یکی از خصوصیات مهم سیستم

Tacfire الاستکتیت کار آن است

یعنی اگر دریک قسمت از سیستم لوای

توپچی عارضه پیدا شود مثلاً مغز

الکترونیکی از کار بیفتد درین صورت

محاسبات لازمه از طریق مغز الکترونیکی

لوای مجاور و یا کندک توپچی صورت

میگیرد ، درین حال ارتباط با تمام

جزء تام های لوا محفوظ میماند و

این برای لوا تقریباً امکان میدهد که

تمام سوالات گلوله باری را در تمام

اوقاتی که عارضه رفع نشده بدرستی

حل کند .

انالیز (Analysis) اهداف

مورد حملات اتمی .

این پروگرام انتخاب و تعیین نوع

سهمات ، وسایل حمل ، میتود تاثیر

بالای اهداف نقطه ای و یا سطحی را

میسر میسازد ، برای انالیز یک هدف

۱۰ جز نام آتشبار در حدود سه دقیقه

وقت بکار است و در صورت بودن ۱۵

هدف و اجزاء تام آتشبار تا حدود ۱۵

دقیقه بکار است .

انداخت بواسطه مهمات اتمی .

این پروگرام امکان ترتیب پلان اجرای انداخت های اتمی را با در نظر داشت اوضاع و شرایط، اندازه مهمات و وسیله حمل مهمات اتمی میسر میسازد. وقت تهیه پلان برای ۱۰ هدف در صورت بودن ۱۰ جزواتم آتشبار (محاسبه مکمل گزارشات مقدماتی برای انداخت و یادداشت این گزارشات در حدود دقتیقه است). تعیین منطقه و دریافت مقدار در

(Doze) رادیو اکتیو.

این پروگرام علاوه بر تعیین منطقه بادر یافت مقدار ذره، اندازه تشعشع در هر لحظه جزواتم ها را بصورت انومات از طریق فرستنده ها توسط حروف دوگانه یا خبر میسازد. و هم چنین پروگرام های مختلف دیگری از قبیل پروگرام انالیز اهداف برای انداخت مهمات کیمیایی، پروگرام تهیه و تدارک پلان انداخت بدون استعمال اسلحه اتمی پروگرام جاسوسی اهداف برای توپچی، پروگرام اهداف بدون پلان، پروگرام کنترل تخنیک، مسایل توپوگرافی مترولوژی و تانمینات و غیره نیز جز فعالیت های این دستگاه محسوب میگردد.

بوجود آمدن اسلحه تاکنیکی اتمی (مرمی های مختلف اتمی) تا هنوز نتوانسته رول آرتلری را نفی کند توپخانه صحرائی اردوی ایالات متحده آمریکا خیلی وسیع بوده و ایجاب می کند که دارای چنین سیستم اداری اتوماتیکی باشد.

در میسقم Tacfire نه تنها انداخت بلکه پر کردن سلاح نیز بصورت اتومات اجرا میشود .

لندی

د پستوی هلی ادب لویه خزانة

به دوام

مرتب اوتولونکی : محمد مصطفی « میرزی »

ص

حوانان به وینی تو یوی جنگ به کتینه تر خدای می جار کپی پنبتانه غزانه محینه محلمیان به سپینی سینی ردی پر کوند اغونه محوانان غننگلی لکوی جنگ له ورغینه موزیا نو و تپل په شنو لستو سرو نه دبی ننگی محلمیه خوب دی زنگو یسنه په اوپه ستادی کیره زه در سره محمد بیا به سیالی زه دهمزولو سره کپرمه هلته به غه کپی چه باران دکولووینه چه دمیوند په شهیدانو حساب شومسه زما جانان اتنی کوی سنگرتنه محینه که می پگپی دبی ننگی تپلی ویسنه چه شا اوخوا پرتا غا تپول زرغونه شینه چه د وطن نه بی قربان کپی دی سرو نه

سبابه جنگ به سپین میدان وی سبا پر سپین میدان غزاده سبا ته بیا د جنگ وعده ده سبا ته بیا د جنگ وعده ده سبا ته بیا د جنگ وعده ده سپینه خولکی زه در سره یم ستا تر دی بشکلی پوری جارشم سر به تر خپل وطن نه جار کپرم سردی زما په غیر کینی رپیدی سر می دی جار تر خپل وطن شی سبا لالمر نه وی ختلی سر می له تن غغه جلا کپی سنگر دجان په وینو سور کپره سلام پر هغو شهیدانو

ش

دوازه چه غبرگمی ملاتپی دپمن به مرینه زه دجگری په لوری محمه تپری به شمه مراد می حاصل کپه سور بیرغ درته راورمه دسر تیکری به دی شهید جنلوی کومه

سنگر دی وروانه می جوپه دی شونلوی شریت کپه ماته بی را کپه شهیده تالره به در شم شیرین جانان می بری را وور

پ

موزیکی هر ساعت پرغای بی محایه مرینه احمده (۱) و خوری په بیادی دهند ملکونه

بناغلی یو محلی پر محای مری به شوچه بد سومنات وران شو

ص

مونیر له غلیم نه غنیمت اخلو مینه دتور و جنگ کینی می گولی خورلی دینه ارمان می تشته د وطن په مینه مرمه

صبر کوه دلیره اوسه صورت می تپول په وینورنگ دی صورت می تپول ذره ذره شو

(۱) لوی درشل احمد شاه بابا .



بیداری تلخ

جوانی شمع ره کردم که جویم زندگانی را
 نجستم زندگانی راو گم کردم جوانی را
 کنون با بارپیری آرزومندم که برگردم
 بدنبال جوانی کوره راه زندگانی را
 بسودای جوان کاروان گم کرده امانم
 که شب در خواب بیند همراهم کاروانی را
 بهاری بود و ما را هم شکرخواهی و رویایی
 چه غفلت داشتیم ای گل شبیخون خزانی را
 چوبیداری تلخی بود از خواب خوش مستی
 که در ما هم بزهر آلود شهید شادمانی را
 تو هم کز من گریزانی الا ای همزبان دل
 خدارا با که گویم شکوه بی همزبانی را؟!
 نسیم آشنائی کو؟ که این برک خزان دیده
 پهای دوست دارد آرزوی جانفشانی را
 بچشم آسمانی گردشی داری بلای جان
 خدا را بر مگردان این بلای آسمانی را
 نمیری «شهریار» از شعر شیرین روان گفتن
 که از آب بقا جویند عمر جاودانی را

ستا د عشق له وینو پك شوه میگر ونه
 ستاپه لاره کی بایلی محلمی سرونه
 تاته راشمه زرگی زما فارغ شی
 بی له تامی اندیبتنی دزره مارونه
 که هر غومی د دنیا ملکونه دیر شی
 ز مابه هیرنه شی داستا بنگلی باغونه
 د پیلی تخت هیرومه چه را یاد کرم
 زما د بنگلی پشتونخوا د غروسرونه
 در قیب د ژوند متاع به تار په تار کپی
 چه په تور و پیتنه کا گذارونه
 د «فرید» او «حمید» دور په بیاشی
 چه زه و کا ندم پر هر لوری تاختونه
 که تمامه دنیا یو خواته بل خوایی
 ز ما خو خوین دی ستاخالی تش د گرونه
 احمد شاه به دغه ستا قدر هیرنه کا
 که ونیسی د تمام جهان ملکونه

اهل درد

قدر اهل درد صاحب درد میدانند که چیست
 مرد صاحب درد. درد مرد میدانند که چیست
 هر زمان در مجمعی گردی چه دانی حال را
 حال تنها گردد. تنها گردد میدانند که چیست
 رنج آنهایی که تخم آرزویی کشته اند
 آنکه نخل حسرتی پرورد میدانند که چیست
 آتش سردی که بگدازد درون سنگ را
 هر که را بوده است آه سرد میدانند که چیست
 بازی عشق است کاینجا عاقلان در ششدرند
 عقل کسی منسوبه این ز نرد میدانند که چیست
 قطره ای از باده عشق است صدد ریای زهر
 هر که یک پیمان زین می خورد میدانند که چیست
 (وحشی) آنکس را که خونی چند رفته از راه چشم
 علت آثار روی زرد می داند که چیست

از استاد خلیلی

فروغ آسمانی

زندگانی برق آسا یکنفس خندید و رفت
 همچو طفل اشک بر رخسار من لغزید و رفت
 آتشین داغ دل من عاقبت ناسور شد
 بسکه این زخم کهن را هر هوس خارید و رفت
 آن فروغ آسمانی را که می نامند عشق
 چون چراغ صبح بر بالین من تابید و رفت
 در ازل بر روی ما بستند ابواب قبول
 ورنه چندین آه ما تا آسمان پیچید و رفت
 هیچکس آگه نشد از سوز پنهان دلم
 هر که آمد از درون این خانه را پلید و رفت

هرک فرگس

وقتی نرگس مرد، گل‌های باغ هم ماتم گرفته و از جویبار خواهش کردند برای گریستن به آنها چند قطره آب وام بدهد.

جویبار آهی کشید و گفت:

بدرجه ای نرگس را دوست میداشتم که اگر تمام آب‌های من باشک‌مبدل شده و آنها را بر مرگ نرگس بپاشم باز کم است.

— گل‌ها گفتند: راست می‌گوئی، چگونه ممکن بود با آن همه زیبایی نرگس را دوست نداشت؟

جویبار پرسید: مگر نرگس زیبا بود؟

گل‌ها گفتند: تو که نرگس غالباً خم می‌شد و صورت زیبای خود را در آب‌های شفاف تو تماشا میکرد باید بهتر از هر کس بدانی که نرگس زیبا بود.

جویبار گفت: من نرگس را برای این دوست میداشتم که وقتی خم میشد و بمن نگاه میکرد، می‌توانستم زیبایی خود را در چشمان او تماشا کنم.

عیب‌جویی

در معرض عیب‌جویی قرار گرفتن خراجی است که مرد برجسته در مقابل بزرگی خود به مردم میدهد. (سویفت)

آن کس که خوب و عادلانه به کارهای خویش بنگرد، کمتر کسی سببی پیدا می‌کند که دیگران را بسختی مورد قضاوت قرار دهد. (توماس آکپس)

از قضاوت در حق دیگران خود داری کن چه ماهمه گناهکاریم. (شکسپیر)

سریعترین و مطمئنترین راه خلاصی از عیب‌جویی دیگران، اصلاح خودمان است. (دموسنس)

در برابر ملامت دیگران هیچ وسیله دفاعی جز گمنا می‌وجود ندارد هدف تیر ملامت شدن از لوازم بزرگی است؛

همانگونه که هجوسرانی و طعنه زدن جزء اصلی پیروزی رویان بوده است. (آدیسون)

معدودی از مردم آن اندازه فرزاندگی دارند که نگوئش را که سودمند است بر ستایش که فریبنده است ترجیح دهند. (لاروشفوکو)

اگر کسی از تو بدگفت، ملاحظه کن که آیا در این بدگوئی حق با او بوده است یا نه، اگر حق داشته خودت را اصلاح کن تا عیب‌جویی وی در حق تویی اثر شود.

(ایبکتوس)

عیب‌جویی ناکسان ستایشی است که بزور از دهان ایشان خارج میشود. (پوپ)

آن کس سخت‌ترین عیب‌جویی شایستگی‌های دیگران است که خود کمترین ارزشی ندارد (ل.ل. ماگون)

دلریانو خبیری

لوست دهری پیژند گلوی اساس دی.

(جونسون)

خپل وخت دخپل نفس دسمون دپاره دنورو

دآثارو دمطالعی په ذریعه صرف کره او اعلم
پر مال غوره وکنه. (سقراط)

کتاب چی په کراره دذوق سره سم انتخاب

سی دائمی دوست دی. (دوگلاس ژیدولد)

ددماغ اوسیرت بکلتر هر جمال لوره ده

زده کره چی دمداتی اوفکر سره حاصله نسی

بی بی رنخ اومخت دی. (کونفسیوس)

فکر چی له تعلیم څخه مرسته ونه غواری

زیان ښندی. (کونفسیوس)

علم تواضع را ولی اوجها لت د کبر او غرور

منشاده. (بوعلی سینا)

دخپل نفس معلم اودخپل وجدان شاگرد

اوسه. (بوعلی سینا)

دنورو افکار

دژوند پانه ژیره ده، اوس تاتورو

خاوروته سپاری ای دخاوری اولاده.

مگر غم مه کوه ستاله خاورو څخه په یو

داسی نهالکی زرغون شی چه هر کال په نوی

گونه کوی، او هر پسرلی په ستا په راتلو

عطر افشانی کوی. «روکرت»

بی‌عملی

اگر آرام نشسته بود، قشون دشمن از هم

گسیخته و از میان رفته بود (کلارندون)

در این اثنا، سیاست ما بی‌عملی استادانه است

(ج. ک. کالهنون)

عمیق‌ترین سکون‌ها مایه پرورش بزرگترین

قدرتهاست. (ب. و. پروکتو)

بارها در زندگی وضع چنان پیش می‌آید

که «قدرت مادر سکون ما است»

(تربایوان ادوردز)

آنکس که مدتی را پاندریشیدن و ملاحظه

کردن میگذراند حکیمانانه تر از آن عمل خواهد

کرد که بشتاب و در تحت تأثیر انگیزه‌ای بکار

بر میخیزد. (ک. سیمونز)

طبیعت توقفی را در پیشرفت و نمو خود

نمیشناسد و هر بی‌عملی را مورد لعنت خود قرار

میدهد. (گوته)

با کمی مہارت هیچ کاری نکردن. (کوپر)

ترجمه و تجميع ديپلوم انجنيير
لمري بريدمن محمد اكبر از (قوا ۹۹۱)

مهمات مدافعه ضد کشتی تحت البحری

در دوران جنگ عمومی دوم جهان عساکر بحری اتحاد شوروی ۱۲۵۰ کشتی جنگی و زیاده تر از ۱۲۰۰ کشتی ترانسپورتی دشمن را تخریب و محو کردند.

رئیس جمهور فقید امریکا «کنیدی» کشتی تحت البحری که با راکت بالیستیکی مسلح می بود بنام «سلاح مطلق» یاد می کرد.

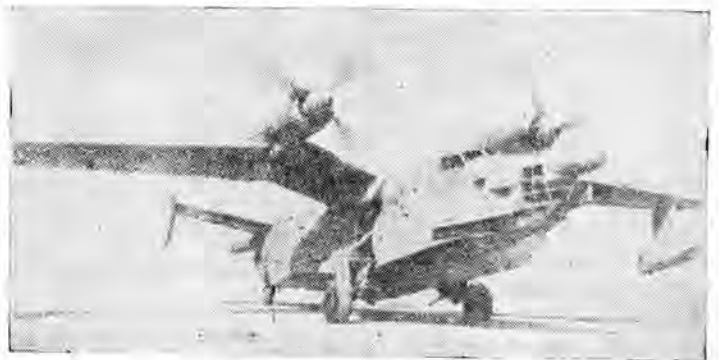
های نجات را بآب انداختند. درین اثنا از کشتی دورین زیر دریائی (Periskopoe) کشتی تحت البحری دیده شد فقط بعد از آن قوماندان دانست که اشتباه غیر اصلاح را که عبارت از محکم کردن کشتی بوده است انجام داده مگر وقت از وقت گذشته بود. درین اثنا دو انفلاق جدید صورت گرفت. قسمت عقبی کشتی «هاگ» بلند گردید کشتی بدو نصف جدا گردیده و به تعقیب کشتی ابو کیر آنهم غرق گردید. عین سرگذشت با کشتی جنگی کرسی صورت گرفت.

درین واقعات ۱۱۳۵ عساکر بحری و صاحب متصبان انگلیسی کشته شده بودند. و تمام این واقعات اسف انگیز بواسطه يك (Torpedo) ترپیدزیر دریائی که دارای گنجایش آب ۵۰۰ تن با عمده ۲۸ نفری بوده است صورت گرفته است. اخبار راجع به محو شدن کشتی های انگلیسی و موفقیت های محیر العقول کشتی های (U-P) جرمنی يك هممه را در سراسر جهان بر پا کرد. واضح گردید که در ابجار کشتی های جنگی جدید که باید با آنها مجادله کرد پیدا شده است.

در جنگ اول جهان کشتی های تحت البحری شش هزار کشتی های تجارتنی و ۲۰۰۰ کشتی جنگی که گنجایش عمومی حجم آب آنها زیاده تر از ۱۳ ملیون تن بوده است غرق کردند. تعداد کشتی های تخریب شده با هر سال جنگ با پیشرفت هندسی زیاد می گردید. اگر در دو سال اول نورم وسطی ماهانه تخریب کشتی ها از يك الی دو کشتی زیاد نمی گردید پس در سال ۱۹۱۸ در هر ماه در حدود هفت الی هشت کشتی تخریب می گردید. و به همین علت

قدری از تاریخ: جنگ عمومی اول جهان ادامه داشت سه کشتی جنگی زرهپوش انگلیسی «هاگ»، «ابو کیر» و «کرسی» بتاريخ ۲۲ سپتامبر سال ۱۹۱۴ خدمات گزمدای را در قسمت جنوبی بحیره شمال اجرا می نمودند. آنها با داشتن توپچی بسیار قوی و مدافعه محکم زره دار با موفقیت کامل می توانستند با هر قسم کشتی های بزرگ دشمن داخل جنگ شوند. مگر افق بحر مکمل صاف و پاک بوده است، معلوم می شد که هیچ کس و هیچ چیزی اسکادر انگلیسی را تحت حمله قرار نمی دهد. ناگهان بصورت غیر مترقبه از بدنه «ابو کیر صدای» يك انفلاق عظیم بلند گردید کشتی جنگی به عقب خود نشست، چپه شده و غرق شد. در سطح آب اشخاص سالم مانده شنا می کردند.

به محل واقعه برای کمک کشتی جنگی «هاگ» شتافت. قوماندان کشتی جنگی امر توقف ماشین را داد و قایق



طیارات مدافعه ضد کشتی که از خشکه و ابجار پرواز کرده می توانند (اتحاد شوروی)



کریسر ضد مدافعه کشتی تحت البحری «ماسکو»

هم زیاد گردید. در سالهای ۱۹۱۴ الی ۱۹۱۸ در فلوت‌های تحت البحری جرمنی ۴۰۰ کشتی بوده و در دوران جنگ عمومی دوم جهان جرمنها در حدود ۱۲۰۰ کشتی ساخته بودند. ضایعات متحدین سال به سال زیاد می گردید. در سال ۱۹۴۰ آنها در حدود ۵۸۷ کشتی (تحت بئرق انگلستان) و در سال ۱۹۴۱ در حدود ۷۰۰ کشتی و در سال ۱۹۴۲ در حدود ۱۱۶۰ کشتی از دست دادند. نتایج جنگ‌های تحت البحری غیر محدود شده متحدین غربی یک واقعه را وحشت‌ناک ساخته بود.

۱۹ جون ۱۹۴۲ جنرال امریکائی (- مارشال به ادمیرال کنبک) چنین نوشته بود ضایعاتی که بواسطه کشتی‌های تحت البحری در سواحل اتلانتیک و بحیره کاراسیب صورت گرفته است شاید باعث مجو شدن قوت‌های نظامی ما گردد. من بیم آن را دارم که اگر این قسم وضعیت یک ویادوماه دیگر ادامه پیدا کند پس تمام مهمات ترانسپورتی قادر بآن نخواهند بود که بمیدان‌های مهم نظامی عساکر و طیارات را برسانند تا اینکه قوای تازه دم نرسیده و تصمیم نهائی خویش را در جریان عملیات محار بوی عملی بسازند با وجود آنهم «جنگ در اتلانتیک» طوریکه تاریخ دانان غربی بنام جنگ تحت البحری‌های فلوت جرمنی با کشتی‌های ضد مدافعه متحدین یاد می نمایند بوسیله متحدین برده شده بود. البته رول بسیار مهم و نهائی درین جا مربوط به شکست قوای فاشیستی جرمنی در جنبه اتحاد شوروی و جرمنی بوده است. مقیاس ساحه عملیات ضد کشتی متحدین حقیقتاً بسیار زیاد بوده است سرعت زیاد شدن قوت‌ها و مهمات مدافعه ضد کشتی چندین مرتبه نسبت به سرعت ساختن کشتی‌های تحت البحری جرمنی زیاد بوده است. اگر چه سال ۱۹۴۲ برای فلوت تحت البحری جرمنی «دینسین» یک سال با نتیجه محسوب می

بود که مهمات مدافعه ضد کشتی پیدا شده و به پیشرفت شایانی نایل گردیده اند.

برای مجادله با کشتی‌های جرمنی متحدین صد ها کشتی مین برو هزاران کشتی‌های کمکی، طیارات دیربژل‌ها (Dirigealde) و غیره بآب انداختند در میدان عملیات نظامی بحری از ه-زاران ماین‌های ضد کشتی استفاده گردیده بود. برای کشف کشتی‌ها آلات هیدرواکوستیکی (Hydor-akustikos) و برای تخریب آنها بمب‌های عمیق اختراع گردید. کشتی‌های تجارتنی باتوپ‌ها مسلح گردید. در کشتی‌های انگلیسی در حدود ۱۳ هزار سلاح کالیبر خفیف و متوسط نصب گردیده و ۶۵۰ هزار عساکر بحری به فلوت تجارتنی اعزام گردید. در فلوت نوع جدید کشتی شکاری تحت البحری که با سلاح توپچی و بمب‌های عمیق مسلح بود ندب وجود آمد. در زمان عبور کشتی‌های تجارتنی از ایجار کشتی‌های جنگی آن را محافظه می نمودند. اقدامات اتخاذ شده مدافعه ضد کشتی از طرف متحدین آنها را موفق ساخت که در دوران جنگ اول عمومی جریان ۱۸۵ تحت البحری جرمنی را به قعر ایجار برانند.

جنگ‌های بحری جنگ عمومی دوم جهانی: در جنگ عمومی دوم جهانی جنگ‌های مدھش بین قوای مدافعه ضد کشتی و کشتی‌های تحت البحری ادامه داشت. کشتی‌ها روز بروز در اعماق زیادتر حرکت می کردند. در سال ۱۹۱۴ عمق حدی حرکت کشتی‌های تحت البحری به ۳۰ متری رسید و در سال ۱۹۱۸ این رقم به ۸۰ متری رسید و در زمان جنگ دوم جهانی کشتی‌های تحت البحری با عمق ۲۰۰ الی ۲۵۰ متر شنا می نمودند.

همچنان تکنیک آنها نیز تغییر خورده است. از شکاری‌های آزاد و کشتی‌های جنگی منفرد به جنگ‌ها و عملیات گرو پمان گذشتند. کشتی‌های نظامی جرمنی بالای کشتی‌های تجارتنی حمله می نمودند.

طراحان کشتی سازی برای تحت البحری‌ها یک عده اختراعات مهم را تحفه دادند. یکی از جمله آنها عبارت از ساختمان‌هایی است که برای گرفتن هوای دیزل‌ها و بیرون انداختن گازات تمهیه شده خدمت می کند (در فلوت اتحاد شوروی این ساختمان بنام فعالیت دیزل در سطح آب یاد می شود) با استفاده ازین ساختمان کشتی می‌تواند در تحت آب حرکت کرده و دستگا‌های دیزلی می‌توانند بطری‌ها را چارچ نمایند. درین صورت در سطح آب فقط یک قسمت سر ساختمان مذکور معلوم می‌شود.

ترپیداکوستیکی ساخته شده بود. بمجرد انداختن آن بآب و باشنیدن صدای کشتی تحت حمله کننده بصوب آن حرکت می‌کرد. در عین زمان تعداد عمومی کشتی‌ها

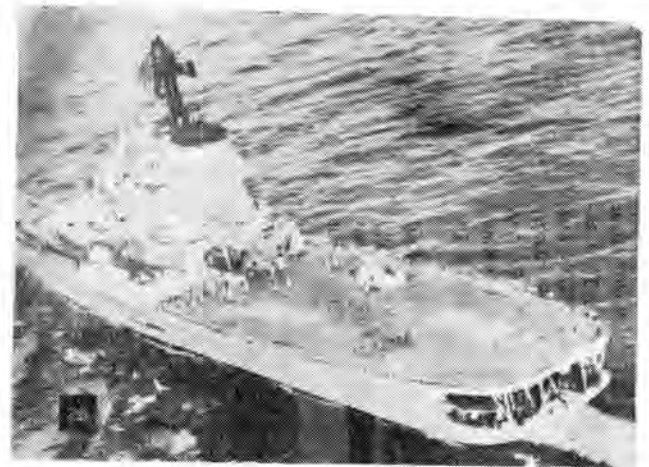
شود. درین سال در حدود ۱۰۳۸ کشتی‌ها که گنجایش آب آنها به پنج و نیم میلیون تن می‌رسید در آب غرق شد این موفقیت با ضایعات زیاد کشتی‌ها همراهی می‌شد.

در مقابل ۱۰۰ کشتی جرمنی در بحیره در همین زمان حکومت های انگلستان و اضلاع متحده امریکا در سال ۱۹۴۳ سه هزار کشتی و ۲۷۰۰ طیاره را حاضر کردند. تقریباً در تمام کشتی‌های سطح آب، هیدرولوگاتورها نیکه قادر به کشف کشتی‌ها در مسافت ۲ الی ۴ کیلومتر بوده است نصب گردیده بود. غیر از بمب‌های نیکه در اعماق ابحار تاثیر می‌نمودند در کشتی‌ها، هوا و انبساط‌های ریاضیاتی چندین میله‌ئی نیز استعمال گردید.

دستگاه‌های رادار (Radar) بصورت قطعی کشتی‌ها را زیر بحر کشف نمود. تاریکی و ظلمت شب دیگر نمی‌توانست بدون خطر برای عمل کشتی‌های صاف بحری را تحفه بدهد امکان آن برای شان داده نمی‌شد که قسمت‌های بود و باش خویش را هواداده و بطری‌های خود را چارچ کنند طیاراتی که با دستگاه‌های رادار مجهز بودند ناگهان در بالای کشتی‌های شناور پیدا گردیده ذریعه بمب‌های خویش آن‌ها را تخریب می‌ساختند.

به فایده و دلچسپی مدافعه ضد کشتی‌ها دستگاه‌های کشف رادیویی و شعاع‌های آژانسی فعالیت می‌کردند. بحیث اقدامات ضد تریدوهای اکوستیکی از فوکسیر استفاده بعمل آمد (از ترجمه انگلیسی آن معنی رو بای فریب دهنده را مدهد). فوکسیر به قسمت عقبی کشتی بسته شده و تریدو و هارا به سمت خود بواسطه صدای بسیار قوی مصنوعی متوجه می‌ساخت. کشتی‌های تجارتی بالکل بصورت منفرد به شنواری شروع نمی‌نمودند در زمان گذشتن از ابحار آنها بواسطه قوای محافظه کننده قوی مشایعت می‌شد. کشتی‌های جنگی در مقابل زیگزاک‌های ضد کشتی مانور را اجرامی کردند.

برای پالیدن و تخریب کشتی‌ها گروه کشتی‌های



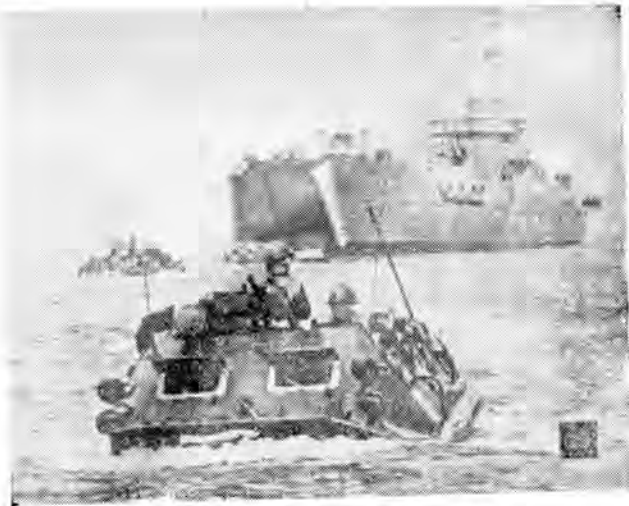
کشتی جنگی Cruiser ضد کشتی تحت البحری

تجسس کننده و ضربوی که به شکار کشتی‌ها بر می‌آمدند ساخته شده بود. گراف تخریب کشتی‌ها بصورت غیر تخفیف روبرو صعود بوده است در سالهای ۱۹۳۹-۱۹۴۱ جرمنی هر ماهه دو کشتی را از دست می‌دادند. در سال ۱۹۴۲ ماهانه هفت کشتی، در سال ۱۹۴۳ ماهانه شانزده کشتی و در ۱۹۴۴ ماهانه بیست کشتی را از دست می‌دادند (در سال ۱۹۴۴ عیسوی جرمن‌ها ۲۹۲ کشتی را ساخته و از آن جمله ۲۳۷ کشتی آن را تلفات دادند).

کشتی‌های تحت البحری در آنجائی موفق می‌شوند که مدافعه ضد کشتی آنها ضعیف بوده است. تاریخ دانان نظامی اضلاع متحده امریکا موفقیت‌های نظامی خویش را در اوقیانوس آرام تجلیل کرده و تحت البحری‌های خود را بنام «دیوهای بحری» یاد می‌کردند. حقیقتاً تحت البحری‌های اضلاع متحده امریکا به تعداد ۱۴۷۳۰ تریدو و هارا فریر کرده و ۱۱۵۲ کشتی‌های جاپانی را به قعر ابحار ارسال کرده مگر مؤرخین امریکائی این موضوع را فراموش کرده بودند این سخنان را یادآور شوند که دولت جاپان دارای مدافعه ضد کشتی بالکل نبوده است. کشتی‌های آنها در زمان جنگ دارای عین وضعیتی بود که در زمان صلح داشت. کشتی‌های تجارتی بنسبت نبودن کشتی‌های نگهبان و محافظه کننده در بسیاری موارد بصورت مستقل حرکت مینمودند. خدمات نگهبانی و بدرقه کننده جاپانی‌ها فقط در اواخر سال ۱۹۴۳ پیدا شده بود. کشتی‌های تحت البحری اضلاع متحده امریکا بی‌صدا در بالای کشتی‌های تجارتی و نظامی جاپان حمله می‌کردند. اغلباً آنها از حالت روی آب با استعمال زیاد دستگاه‌های Radar حمله می‌کردند بنسبت اینکه فلوت جاپان در پیشرفت آلات و دستگاه‌های کشف تحت البحری‌ها بالکل عقب مانده بود.

فلوت نظامی بحری اتحاد شوروی در دوره جنگ توانست بطور مؤثر تمام تاسیسات بحری خویش را مدافعه و نگهبانی کند. فلوت شمالی نشان پرچم سرخ اتحاد شوروی باند داشتن کشتی‌های جنگی بصورت مؤنقانه راهای بحری را بسمت بنادر شمالی مسدود کردند. از جمله ۷۷۸ کشتی ترانسپورتی که بواسطه ۴۱ کشتی نگهبان محافظه می‌شد تا مورمان و ارخانگل فقط ۶۰ کشتی آن‌ها رسیده بود. از بنادر اتحاد شوروی بسمت غرب ۷۰۷ کشتی ترانسپورتی ارسال گردید از جمله آنها فقط ۲۲ کشتی از بین رفته بود.

قوت‌های ضعیف روی بحر فلوت بحری شمالی کاروانهای کشتی‌های ترانسپورتی را محافظه کرده و در مناطق احتمالی ضربات کشتی‌های دشمن آنها را پیدا و محو می‌کردند. قوای بحری نظامی اتحاد شوروی ذخائر خوبی را درشکستادن جرمن‌های فاشیست تقدیم کرده‌اند. در دوران جنگ عمومی دوم جهانی عساکر بحری اتحاد شوروی تقریباً در حدود ۱۲۵۰ کشتی‌های جنگی دشمن و زیاد تر از ۱۳۰۰



یکی از انواع کشتی های نظامی امروزی

کشتیهای ترانسپورتی که گنجایش عمومی آب شان به ۳ میلیون تن میرسد تخریب کردند. قوا مدافعه هوایی قوای بحری و لیارات زیادتر از ۶۰۰۰ فروند طی ارات دشمن را تخریب کردند.

کشتی اتومی: در دوران بعد از جنگ کشتی تحت بحری اتومی ساخته شده بود. این واقعات مرحله جدیدی را در مقایسه کشتیهای مدافعه ضد کشتیها گشود.

نقریباً در اثر ذخیره تمام ناشدنی انرژی کشتی تحت البحری با دستگاه قوه ئی اتومی حقیقتاً کشتی را به تحت البحری مبدل کرد و مثل سابق کشتی به بحر فرونی رفت. سرعت حرکت کشتی اتومی رامیتوان مقایسه کرده و سرعت آن از بهترین کشتیهای سطح آب زیادتر بوده است کشتی تحت البحری اتومی میتواند در زیر آب در ظرف چندین ماه بدون زیاد ساختن و علاوه ساختن مواد مصرفیه باقی بماند. کشتیهای تحت البحری اتومی امروز بصورت پرکتیکی بودن شان فقط با مقاومت عمله آن محدود میگردد. طوریکه در مطبوعات خارجی ذکر گردیده، عمق فرورفتن کشتی های امروزی از ۳۰۰ متر زیاد میباشد. کشتی های تحت البحری ساخته میشود که بتواند تا عمق ۹۰۰ متر فروروند. کشتی های آزمایشی ویا به عباره دیگر مرمی های تحت البحری تا عمق ۲۰۰۰ متر رسیده میتوانند. برای مسلح ساختن کشتی ها را کنه های بالستیکی پیدا شد و در نتیجه ساحه استعمال جدیدی را برای کشتیها پیدا کرد. از وضعیت زیر آب کشتی میتواند ضربه را بالای دشمن ساحلی وهم در عمق کشور خارجی وارد نمایند.

آینده جهان بدست کشتیهای تحت البحری اتومی راکت برنده میباشد و نظر با مکانات بسیار زیاد خویش آنها روز بروز بحیث یک سلاح مدعش وخطرناک قبول میشوند. این جملات ادمیرال بحری ایٹالیوی یکینو نوشته کرده است. رئیس جمهوره فقید اضلاع متحده امریکا جان اف کنیدی کشتی های تحت البحری که با راکتهای بالستیکی مسلح میباشد بنام «سلاح مطلق» یاد کرده بود.

قدرت بسیار عالی جنگی کشتی های تحت البحری. قوه تخریبه بسیار زیاد، غیر حساس بودن نسبتی راکت های بالستیکی با سه گلوله های ذروی آن مجبور میسازند که پلان مدافعه ضد کشتی را سازنوطرح نمائیم. این مدافعه اهمیت بسیار خاصی را پیدا خواهد کرد. خوب شما خواننده محترم حالا سوال خواهید کرد که بوسیله کدام قوت ها و کدام دستگاها و ترتیبات نظر به عقیده های عصری میتواند با کشتی های تحت البحری اتومی مجادله کند؟

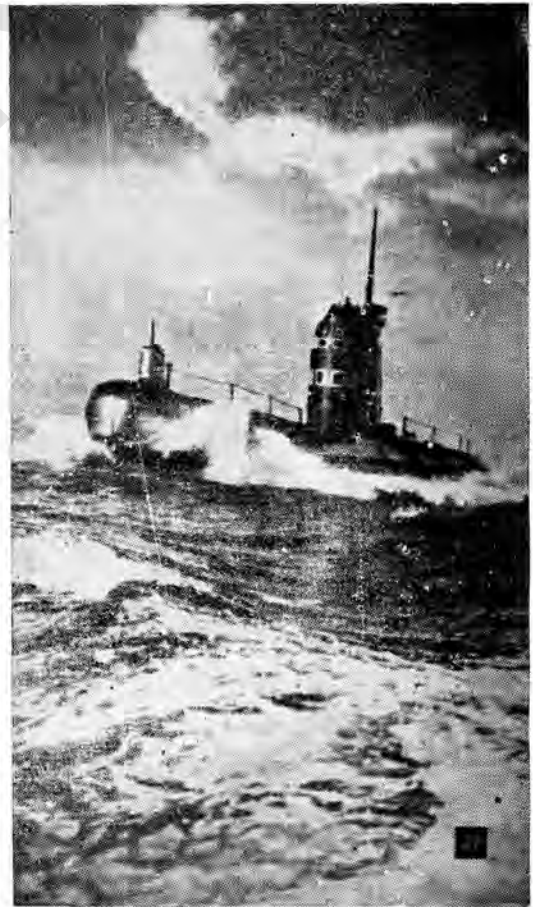
دشمن های قدیمی: متخصصین نظامی خارجی با این مفکوره که کشتی های قدیمی برنده سلاح های ضد کشتی، کشتیهای روی آب باقی میماند اگر چه اهمیت این کشتی تا اندازه پایان آمده است. و گفته میتوانیم که کشتی سطح آب در

جنگ های مفر دباب دندانه های کشتی های اتومی میباشد. در جنگ گذشته حصه کشتی های سطح آب در تخریب تمام قایق ها و کشتی ها چهار و پنج بوده است مگر درین جنگ ها طیارات نیز حصه گرفته بودند. نظر به اظهار عقاید امروزی گفته میتوانیم که کشتی های سطح بحر عصری را با بسیار مشکلات میتوان با کشتی های اتومی در سرعت حرکت، مسافه شنا، مربوط بودن به شرایط مترو لوژی و قابلیت کار تخنیک هیدروا کوستیکی مقایسه کرد. بلی امروز راجع به سست و اخفا کشتی های سطح آب چنین گفته نمی توانیم که کشتی ها در بحر مانند کف دست معلوم میشوند به نسبت اینکه کشتی مذکور میتواند در ضخامت صد متری آب خود را ستر و اخفا کنند. با وجود آنها متخصصین نظامی بحری با این مفکوره میباشند که از کشتی های سطح آب می توان برای مدافعه ضد کشتی استفاده کرد. بعد از جنگ خواص کشتی ها بسیار خوب گردیده است. سرعت حرکت و مسافه شنا زیاد گردیده ترتیبات انرژیکی، کشف و سلاح آن پیشرفت کرده است. گفته شده است که از کشتی های سریع حرکت که بواسطه بالای سطح آب ویا بالشت های هوایی حرکت می نمایند دریک ساحه زیادی برای مدافعه ضد کشتی استفاده کرده می توانیم. سرعت کشتی ها ذریعه بالهای سطح آب تا صد کیلو متر فی ساعت می رسد.

کشتی های ضد کشتی در جمله گروپ پالیدن ضربوی نسبت داده می شوند. کشتی های مذکور در وقت کم یک منطقه بسیار وسیع بحر را «لمس» می نمایند. مؤثریت پالیدن زیاد می گردد اگر کشتی های مذکور با طیارات ضد کشتی یکجا فعالیت نمایند. درین شرایط حتمی نیست که کشتی رابطه مستقیم هیدروا کوستیک را با کشتی که ذریعه طیاره کشف گردیده است تامین کند. کشتی مدافعه

ضد کشتی سلاح خود را با استفاده از معلومات و هدایات اخذ شده از طیاره و یا هلیکوپتر استعمال کرده می‌تواند. پرایلم مهم کشتی‌های مدافعه ضد کشتی عبارت از کشف و گروپ بندی اهداف میباشد. کشتی‌های سطح آب با دستگاها و تریبات مختلف کشف کشتی‌های تحت البحری مجهز می‌باشند. در بین تمام آنها مقام مشخصی را آلات هیدروراداری اخذ می‌نمایند. هیدرولو کاتورها ی فریکانس پست صدائی که در کشتی‌های عصری نصب گردیده اند اجازه میدهد که کشتی‌های تحت البحری را در شرایط خوب بمسافات ۳۰ تا ۵۰ میل کشف نمایند. این قسم مسافه بعید تاثیر هیدرولو کاتورها بواسطه انعکاس چندین مرتبه‌ئی انرژی اکوستیکی (Akustiky پخش صوت) از عمق بحر و طبقه خیز درجه حرارت بدست می‌آید. (طبقه خیز درجه حرارت عبارت از طبقه است که درجه حرارت دفتاً تا چندین درجه سانتی‌گراد در یک متر تغییر می‌خورد.) بدون استفاده از منعکس دهنده عمقی شعاع تاثیر هیدرولو کاتورها به ۸ الی ۱۴ میل میرسد.

نظر به نصب کردن آنتن‌ها هیدرولو کاتورها ی فرو برده شده، کشف شده و زیر کیل (ته کشتی) استعمال می‌شوند. در هیدرولو کاتورها ی زیر کیل آنتن اکوستیکی



کشتی تحت البحری (اتحاد شوروی)

ثابت در تحت کشتی نصب می‌شوند. و این از جمله مشهور ترین هیدرولو کاتورها میباشد. برای اینکه کشتی رادر زیر طبقات پرده دار خیز درجه حرارتی کشف کرده بتواند از آنتن‌های غیر ثابت (سیار) که از بدنه کشتی (هلیکوپتر) می‌توان به اعماق مختلف فرو برد استفاده بعمل می‌آید. آنتن‌های هیدرولو کاتورها ی کشف شونده در عقب کشتی بمسافات صد ها متر کشف می‌شود. فرو بردن آنتن بصورت نورمال از نقطه نظر شرایط هیدرولوژی انتخاب می‌گردد. بالعموم آن رادر زیر طبقه خیز درجه حرارت فرو می‌برند. بالای آنتنیکه به یک مسافه از کشتی دور می‌باشد تقریباً صداها و پارازیت‌ها از میخانیزمهای فعال کشتی بالای فعالیت آن تاثیر نمی‌نمایند.

نظریه معلومات مطبوعات خارجی در بعضی کشتی‌ها بر علاوه هیدرولو کاتورها پلنگاتورها ی صدائی نیز نصب می‌گردد (Peilingamor - آله که در دیدن بحری و یا هوائی برای تعیین پلنگ‌ها Peiling و زاویه‌های کرسی برج‌ها و غیره استعمال می‌گردد. اگر بخاطر داشته باشید پلنگ راقبلا به شما شرح داده بودم و عبارت از زاویه بین سمت عقربک قطب نما و سمتیکه جسم انتخابی دیده میشود و یا اینکه صدای آن شنیده می‌شود میباشد). با تشعشع نكرون انرژی آنها کشتی‌ها را نظریه صدای پروانه‌ها کشف کرده و سمت آن را تعیین می‌نمایند. با وجود آنها موثریت پلنگاتورها صدائی از سطح صدای خود کشتی بسیار مربوط میباشد البته بعد از کشف کشتی حمله بالای آن شروع می‌گردد.

کشتی‌های بعضی ممالک جهان با راکت‌های ترپیدی که دارای مسافه انداخت تا ۲۵ کیلومتر افد مسلح میباشدند. در قسمت سرگلوله‌ئی این راکت‌ها ترو تیل و یا کتله ذروی با معادل ترو تیلی ۱۰ الی ۲۰ کیلو تن استعمال می‌گردد.

راکت ترپیدی به سمت کشتی تحت البحری پرتاب گردیده و بعد از آن نظر به قومانده از کشتی ترپید از آن جدا گردیده و بعد بواسطه پاراشوت‌های مجهز شده به آب داخل گردیده خودش به سمت کشتی توجیه می‌شود. اگر قسمت محاروبوی راکت را بمب‌های عمیق تشکیل بدهد درینصورت کم ساختن سرعت فرود آمدن آن بالای آب لازم نیست. بمب مذکور در آب فرو رفته و در عمق تعیین شده انفلاق می‌نماید.

ترپیدهای ضد کشتی دارای گلوله خود توجیه اکوستیکی در دو سطح میباشدند: به سطح کورس و به سطح عمق. ترپیدی تمپه ساخته میشود که ذریعه سیم‌ها اداره شده و بطوریکه مطبوعات تصدیق می‌نمایند نه تنها سریع السیر و کم صدا خواهند بود بلکه به اعماق زیاد آب فرو می‌روند و عمق حلدی فرورفتن این ترپیدها به ۱۸۰۰ متر می‌رسد. اگر

مسا فیه با کشتی به ۲ الی ۶ کیلو متر برسد پس در ان صورت کشتی ضد مدافعه می تواند بمب های ریا کتیفی را استعمال نماید. چارچ بمب های خارجی تا ۵۰ الی صد کیلو گرام وزن دارند.

کشتی های مدافعه ضد کشتی اقسام و صنف های مختلف بصورت دوام دار عصری می شوند. کشتی های ناوشکن کشتی های نگهبان و محافظ و کشتی های ضد کشتی مخصوص زیادتر پیشرفت کرده اند. دقت زیادی متوجه کشتی های ضد کشتی هوائی بر میآید. دانشمندان امریکائی در نظر دارند که کشتی های طیاره برانومی را به رانه در کشتی های طیاره برتا چندین ده ها طیاره و یا هلیکوپتر ها گنجایش دارند در فلولت بحری ایجاد شوروی کشتی هلیکوپتر بر ضد کشتی در نحت ساختمان قرار دارد. سلاح اصلی این کشتی هلیکوپتر هائی میباشند که قادر به پیدا کردن و محو کشتی یا در هر عمق میباشند.

طیاره مدافعه ضد کشتی: در عملیات ضد کشتی های تحت البحری، کشتی های روی آب با مساعی مشتر که طیاره در آن جمله طیاره ای که در میدانهای هوائی ساحلی پایگاه دارند رابطه محکم دارد. طیاره می تواند کشتی های تحت البحری را در مناطق جداگانه بحری پیدا نمایند.

طوریکه در مطبوعات خارجی ذکر دیده است برای کشف کشتی ها، طیاره و هلیکوپترها از تخنیک هیدرو آلاستیکی، آلات مقناطیس و متری و دستگاه های رادیو هیدرو آلاستیکی شناور استفاده می نمایند.

مقناطیسومترها تغییر ساحه مقناطیسی زمین که بوسیله تاثیر کتله کشتی پیدا می شود ثبت می نمایند. ساحه تاثیر آنها بسیار زیاد نمی باشد در حدود ۳۰۰ متر می رسد. ارتفاع پرواز طیاره و یا هلیکوپتر در زمان پالیدن کشتی از پنجاه متر زیادتر نمی باشد.

هیدرو لوکا نورئیکه ذریعه هلیکوپترها کش می شوند و یا فرود آورده می شوند اجازه میدهند که کشتی رادر

یک مسافه بسیار زیاد کشف نمایند. در زمان پالیدن کشتی بوسیله هیدرولو کاتور های فرود آورده شده از هلیکوپتر در ارتفاع چندین متر صورت می گیرد. با شنیدن صدای افق در یک نقطه هلیکوپتر انتن را بلند کرده و به محل دیگری پرواز می نماید. این قسم جست و خیزها اجازه میدهد که در مدت بسیار کوتاه یک منطقه وسیع را معاینه کرد.

هلیکوپتر نسبت به کشتی دارای یک فوقیت بسیار مهم میباشند و آن عبارت از اینست که کشتی دشمن بواسطه دستگا های هیدرو آلاستیکی خود صدای آن را نمی شنود.

دستگاه رادیو هیدرو آلاستیکی شناور در تشکیل خود دارای عناصر هیدرو رادار و مخا بره رادیوئی میباشند. دستگاه شنا کننده که از طیاره و یا هلیکوپتر بیرون انداخته میشود بواسطه اشارات هیدرو رادار خود شروع به تحقیقات ضخامت آب می نماید. معلومات راجع به کشف کشتی تحت البحری نظر به صد او یا اشارات صوتی از دستگاه رادیوئی آن بصورت اتوماتیکی به طیاره و یا هلیکوپتر انتقال داده میشود.

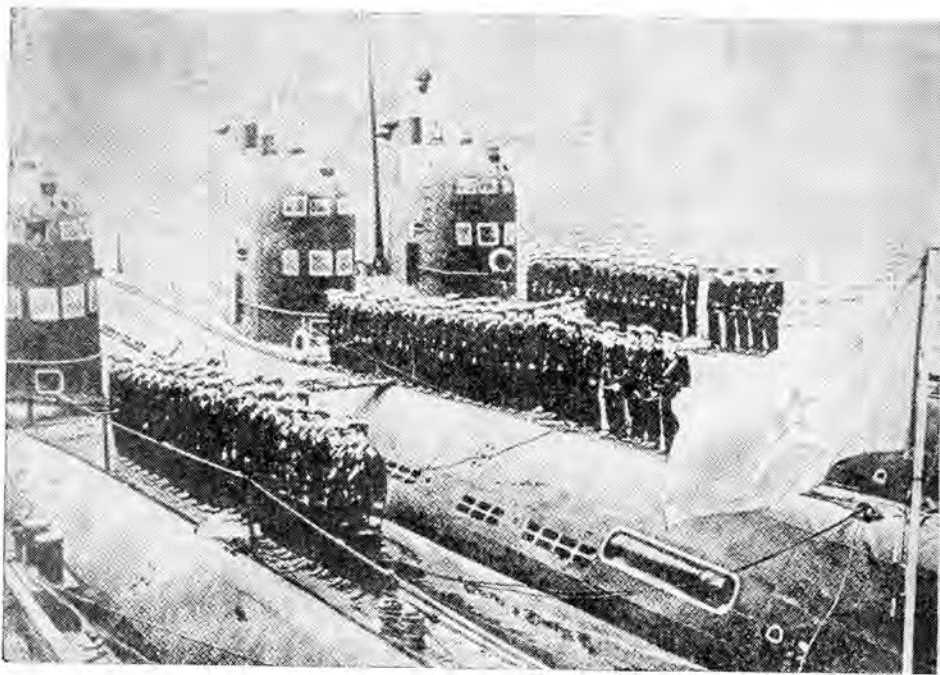
دستگاه شناور فعال انرژئی آلاستیکی را تشعشع نموده و ذریعه رادیو سمت و مسافه تا کشتی تحت البحری کشف شده را خبر میدهند. بطور مثال دستگاه AN/SSQ-2 در رژیم فعال اجازه میدهد کشتی را در مسافت ۱۰۵ الی ۴۵ کیلو متر کشف کرد. ادامه فعالیت دستگاه شناور ۱۵ ساعت بوده و بعد از آن غرق می شود. دستگاه شناور غیر فعال (پاسیف) دارای چنین فوقیتی میباشند که فعالیت آن ذریعه کشتی های دشمن کشف نمی شود.

طوریکه مطبوعات خارجی خبر میدهند امکانات گذاشتن این قسم دستگاه های شناور را در او قیا نوس آزاد و اداره آنها بکمک اقمار مصنوعی زمین مطالعه می شوند از جمله مسلمات مهم تخریب کننده هوائی که کشتی های تحت البحری را از بین می برد بمب های اتومی عمیق که در اعماق زیاد فعالیت می کنند می باشند. نمونه های خارجی بمب های هوائی ضد کشتی دارای چارچی به صورت اوسط مساوی



کشتی بزرگ ضد مدافعه کشتی دشمن تحت البحری های اتومی

يك كشتی تحت البحری
با هر سوئل جنگی آن



قرار دارند. سرعت حرکت و مستقل بودن آن اجازه میدهد که در جریان یک زمان طولانی هدف را تعقیب کرده و یا در پایگاه خود باقی بماند.

کشتی های تحت البحری حمله کننده اتومی اصطلاح متحده امریکا (گنجایش آب آن ها از چهار هزار تن زیادتر میباشد) یا ترپیداها مسلح میباشند. داشتن سرعت سی و بیج اوزیل در سرعت کشتی های حمله کننده بصورت اسان کشتی های راکت بر کم حرکت را تعقیب میکنند. مشافه شنا آنها بسیار زیاد بوده بدون گرفتن مواد سوخت علاوه گی ظاهر شدن به سطح آب تحت البحری ضد کشتی قادر است که دو مرتبه او را دور کره زمین را گردش کند.

تحت البحری ها بسیار کم صدای میباشند. این واقعه در فعالیت آلات هیدرو اکوستیکی تأثیر خوبی وارد مینماید. کامپلکس هیدرو اکوستیکی که تحت البحری های مدافعه ضد کشتی عصری بان مجهز میباشد اجازه میدهد که بواسط آنها تحت البحری های دیگر را که بمسافات دور قرار داشته باشد کشف کرد.

ساحه تأثیر یکی از کامپلکس های خارجی در شرایط مساعد هیدرو لوژی تا ۵۵ کیلومتر می رسد. درین کامپلکس ساختمانی برای گروه بندی اهداف بینی شده است. لازم است یاد آور شویم که مسئله گروه بندی اهداف از سابق باینطرف مورد توجه دانشمندان و طراحان دستگاه های هیدرو را دار بوده است. اهداف و اشارات بسیار زیاد فریب دهند. از طرف دو پراپور هیدرو اکوستیک بجهت تحت البحری قبول خواهد شد.

به ده ها کیلوتن تر و تیل میباشد. مگر متخصصین نظامی باین مفکوره میباشند که بمبها پر قیمت ترین سلاحها و دیگر مهمات بوده و فکر می نمایند وقتی آنها را استعمال کنند که بصورت بسیار دقیق محل کشتی معلوم شده باشد. منتشرترین سلاح طیارات و هلیکوپترهای ضد کشتی عبارت از ترپیداها میباشد. برای اینکه سرعت فرود آمدن ترپیدا در زمان انداختن آن از طیاره بروی آب کم بسازند از پاراشوت های برك کننده استفاده می نمایند. قابلیت حرکت عالی مهمات هوایی، پالیدن و تخریب تحت البحری ها، آنها را از جمله حساس ترین گروه سیستم مدافعه ضد کشتی محسوب می دارند.

تحت البحری در مقابل تحت البحری: با در نظر گرفتن موفقیت های کشتی های سطح بحر و طیارات مانند برنده سلاح ضد تحت البحری، متخصصین نظامی بحری زیادتر بان تمایل نشان میدهند که مهلك ترین و مخرب ترین دشمن کشتی های تحت البحری اتومی خود کشتی تحت البحری اتومی و کشتی های مخصوص ضد کشتی و یا طوریکه امریکائی ها بنام کشتی های حمله کننده یاد می کنند میباشند.

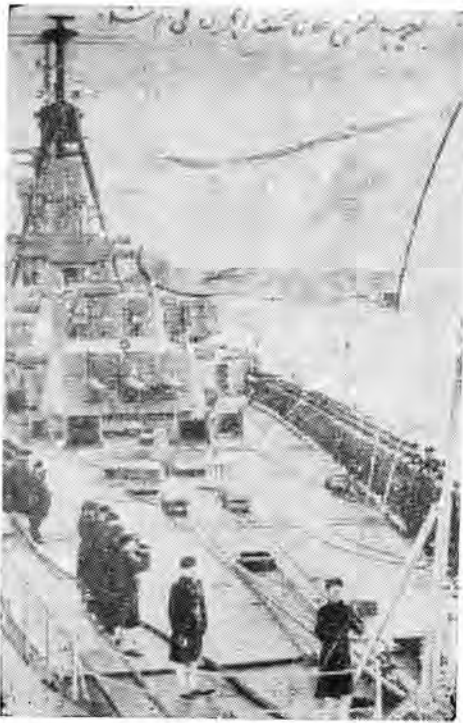
حالا سوال خواهد بود چه چیز است که متخصصین را متوجه آن ساخته است که از کشتی های تحت البحری اتومی بچیت قوه مدافعه ضد کشتی استفاده نمایند؟ کشتی تحت البحری حتی تا زمان حمله بصورت ستر و اخفا عمل میکنند. کشتی مذکور قادر است که بحر منطقه اوقیانوس ها و حتی در زیر یخ های ابحار منجمد حرکت کنند. از جمله تمام قوت های مدافعه ضد کشتی فقط کشتی تحت البحری است که با کشتی دشمن در یک محیط و در عین شرایط

در تشکیل کامپلکس پلاک حساب کننده اندکاتوری که میتواند کورس و سرعت تحت البحری کشف شده را حساب کنند موجود میباشد. این معلومات به سیستم اداره کننده سلاح داده میشود. در سالهای اخیر برای کشتی های تحت البحری نیک سلاح بسیار موثر ضد کشتی ساخته شده است و این سلاح عبارت از راکت تر پیدی میباشد. امریکائیان یکی از جمله این راکت های تر پیدی را بسیار تعریف می نمایند. در کشتی تاشش دستگاه برای انداختن راکت تر پید موجود میباشد. از عین دستگاه ها می توان تر پید های عادی را نیز پرتاب کرد به نسبت اینکه اندازه تر پید های عادی با راکت تر پیدی «سیاروک» مساوی میباشد. ساحه انداختن راکت ها تا ۵۰ الی ۸۰ کیلومتر رسیده و از ساحه انداختن دیگر سلاحهای ضد مدافعه کشتی زیاد تر میباشد. در صورت استفاده از راکت تر پیدی در یک ساحه وسیعی هیدرو مدار و تخنیک حساب کننده الکترونی استعمال می گردد.

نه فقط بوسیله راکت ها می توان از یک تحت البحری بالای تحت البحری دیگر حمله کرد. تر پید های عادی خود توجی درد و سطح مکملاً قابل استعمال میباشد. مسافه حرکت نمونه های تر پید خارجی تا ۲۰ کیلومتر می رسد. کشتی های سطح آب، طیارات و کشتی های تحت البحری از جمله قوت های متحرک و مانور کننده مدافعه ضد کشتی محسوب می شوند. در مجادله با تحت البحری ها یک رول مهم بدوش دستگا های ضد کشتی غیر سیار و یا ثابت می باشند. وظیفه این دستگاها عبارت از کشف تحت البحری ها در مسافت بعید ساحلی می باشند سیستم های هیدرو اکوستیکی ثابت از دستگاه پلنگاتور صدائی و هیدار فون فریکانس پست تشکیل گردیده است هیدروفون (آخذ صداهای تحت البحری *Hydro-phone* در سرحدات ایجار در جائیکه طبقات بلند آب بالای آنها تاثیر ندارد نصب می شدند. هیدروفون ها بوسیله قابلوها یا دستگا های الکترونی محلات حلی رابطه دارند. در ساحل بکمک ماشین های حساب کننده الکترونی تمام معلومات بدست آمده تحلیل و تهیه شده و محل کشتی کشف شده تعیین می گردد.

این قسم سیستم ها اجازه میدهد که تحت البحری رادر مسافت صد ها کیلومتر از ساحل کشف نمایند. در ماه می ۱۹۶۸ بکمک سیستم «سبیزر» امریکائی محل تقریبی خراب شدن تحت البحری اتومی سکور پیون تعیین گردید. در کامپلکس های ثابت می توان از دستگا های هیدرو دارا کتیف نیز استفاده کرد.

پرنسپ فعالیت کامپلکس قرار ذیل میباشد: ویراتور (آنتن) اشارات فریکانس پست اکوستیکی را تشعشع می کند اشارات مذکور از سطح شی تحت البحری منعکس شده و



یکی از کشتی های کوچک مدافعه ضد کشتی که دارای سیستم های کشف و تخریب کشتی های تحت البحری می باشد.

به شکل اشارات صدائی بواسطه هیدروفون اخذ می شود بالاخره اشارات اکوستیکی (صوتی) به اشارات الکتریکی تبدیل شده و از طریق قابلوهای تحت البحری به مرکز تحلیل و تهیه داده میشود. در آنجا اشارات به ماشین های حساب کننده الکترونی داده شده و در نتیجه کوردنیات هدف تحت البحری کشف شده تعیین می گردد.

حسابیت سیستم آخذ یکی از این کامپلکس ها با اندازه بود که انفلاق ۱۳۶ کیلوگرامی بمب عمیق را در مسافه ۱۲ هزار میل دورتر قبو کرده و نشان داد. (بمب مذکور در سواحل استرالیا انفلاق داده شده بود).

در سرحدات مدافعه ضد کشتی دستگا های مستقل هیدرو اکوستیکی که مانند دستگا های را دیو هیدرو اکوستیکی شناور فعالیت می نمایند نصب می کنند. معلومات کشف شده را آنها به محلات ساحلی، طیارات و یا کشتی از طریق لین رادیوئی ارسال می نمایند. اشارات دستگا های مذکور ذریعه اقمار مصنوعی زمین نیز اخذ شده میتوانند. بوجودیت کشف عالی با اطمینان تحت البحریها ذریعه دستگا های هیدرو اکوستیکی ساحلی در خارج این مفکوره اند که کشتی راکتی کم صدای تواند راکت را از محلیکه در خارج شعاع تاثیر سیستم کشف قرار داشته باشد پرتاب نماید بدین لحاظ طرق جدید کشف بعید تحت البحری (بطور مثال نصب کردن دستگاه هیدرو اکوستیکی مستقل در عمق چندین هزار متر به یک مسافه دور از ساحل) را جستجو می نمایند.

(بقیه در صفحه ۵۰)

رحم، مهر بانی او عطوفت

آقا محمد «بیغرض»

بسی اغیزه پائی کیزی چه په دی صورت نه جزا او نه لطف او مهر بانی کوم تاثیر اچولی شی. یعنی ترکومی اندازی پوری چه په فردی او اجتماعی اصلاحاتو کنبی صداقت او رشتین والی مدغم وی او کذب اوریا بادی د بطلان کربنده وایستل شی په هماغه اندازه دژوند بښیگری مینځ ته راځی دکارونو او وظیفو سره مینه او محبت او نور امیدواری او علاقه پیدا کیزی چه پدی حساب موفقیات او بری دهغه چاپه برخه وی چه دحقیقی رشتین والی او صداقت له لیاری خپل ترلاس لاندی کسان د مهربانی او لطف په اثر مجبور کزی خپل وظائف په ښه وجه ترسره کزی او ورځنی انکشافات او ښکیلی مینځ ته راوولی چه نه یواځی دوظیفی سره بی علاقه گی او انزجار له مینځه ځی بلکه په ځای ئی مینه او محبت او دکار له محیط سره علاقه تر هر څه زیات استحکام ومی.

ددی مبحث اخری ښیجه څرگندوی چه په خپلو وظائفو کنبی هغه وخت بری مو تر لاسه کیزی چه پخپله د صداقت له حیثه نمونه مثال واوسیزو او ترلاس لاندی کسان د مهربانی له لیاری تشویق کړو چه خپلی وظیفی په مینه او اخلاص بندی ترسره کزی او پوری نزدی چه دکار اود کار له محیط سره کرکه او بی علاقه گی مینځ ته راشی چه نتیجه ئی بدمرغی او نور وخیم عواقب وی.

پوهان او داخلاقی علوموخواوندان تل پدی لته کښی دی چه هغه اسباب او عوامل مونده کزی کوم چه دهغی په بنا وکولای شی فردی او اجتماعی اصلاحات په دیر آسانی تر گوتو کزی او ددی مقصد ترسره کولو لپاره هم تجربی او هم علمی نکتیکونه پکار ولویدل ترڅو هغه نتیجی ئی لاسته راوړل چه جزائی تنبیهات تر مهربانی او عطوفت دیر تفاوت لری مثلا کرکه او انزجار مینځ ته راوولی او انسان په دیر تأثر او خفگان په اخلاقی لیارورهی کیزی. برعکس لطف او مهربانی دیر امید بخښونکی وی او هغه کسان چه تر روزنی لاندی نیول کیزی خپل مسلک او وظیفی سره مینه او علاقه شمی او درهبروینا او حرکات ورته یو حقیقت څرگند یزی دکار مشکلات دزره په قوت خپل اهمیت بایلی. ورځنی مخکښی تگک - دکار ښه والی او نور محسنات او ښیگنی په محسوس دول مینځ ته راځی.

زمونز په عقیده هم دایو څرگند حقیقت دی چه فردی او اجتماعی اصلاحات دپاکی او صداقت له لیاری او هم دلطف او مهربانی له لیاری مینځ راځی او ورسره ورسره د ژوند تول ښیگنی تر لاسه کیزی. ساخته کساری، جل ول او تظاهر یو لوی خنډ دی چه دمخکښی تگک لاره بندوی او فردی او اجتماعی گله ودی مینځ راوولی او بیا هم که پدی حالت داخلاقی هدفونو تطبیق اول آرزووی



آفتاب بالای ساختمان طیاره محدود گردیده است.

هر چند موضوع مانع و پیرایلم حرارتی یک شکل نهایت مغلفی دارد مگر کوشش و زحمات خسته ناپذیر علمای تکنالوژی آن را ازین برده وهم در کوشش آن میباشند تا میو دهای ساده تری برای حل آن جستجو کنند. ختم

مانع و پیرایلم حرارتی . . . (بقیه صفحه ۲۰)

ناچیز است که حتی میتوان آن را نادیده پنداشت و اگر موجود است بسیار کم برای اینکه سطح وسایط پرواز توسط هوا گرم شود هوای هنگامی بکار است. وهم باید ناگفته نگذاشت که پرواز طیارات در ارتفاعات زیاد به نسبت تأثیر عکس العمل تشعشعات شعاع مضره

اند و در ارتفاعات زیادتر مایکول های سبک قرار می گیرند و حتی در ارتفاعات زیادتر از ۵ الی ۶ کیلومتر مقدار هوا حتی برای تنفس کفایت نمی کند که برای این مقصد در طیارات سیستم تغذیه او اکسیجن مد نظر گرفته شده است. خوب چه رسد به ارتفاعات ۳۰، ۵۰، ۹۰، و یا ۳۰۰ کیلومتر. در ارتفاعات زیاد مقدار هوا آنقدر

مارشال بزرگی که در حرب عمومی دوم

پنج دفعه نشان قهرمانی گرفت

از سرگذشت خود حکایت میکند



پمسته گذشته

ترجمه جگرن لوژستیک

شیرین

اعمار شد. کلوپ ها و طعام خانه ها و سایر ساختمانها نیکه ضروریات زندگی بود آباد گردید و در کارگزاران نیز و نمره بوطه ماتمام و وسایل زندگی مهیا شده بود .
دروا نیکه اردوی سرخ پیه گذاری شد منسوبین آن با العموم جوان - فعال و جدی بودند. ازینکه اکثر شان مجرد بودند و بدون از پیشبرد تعلیم و تربیه دیگر چیزی بفکر شان نبود. یومیه ۱۵- الی ۱۶ ساعت فعالیت می نمودیم هنوز هم وقت کفایت نمیکرد و به بسیاری امور رسیدگی کرده نمیتوانستیم .

در بهار ۱۹۲۳- از قرارگاه فرقه بصورت تلگراسی مرا بنزد قوماندان خواستند. اسباب موجب آن معلوم نبود و من هم ندانستم بناء بصورت مشوش و وار خطائی بنزد شرفتم کاشیرین فرماندان فرقه با من پیش آمد بسیار خوبی نموده بمن جای خواست و راجع به احضارات محاروبی و تاکتیکی ما پرسان زیاد کرد و بعداً ناگهان سوال کرد .

چه فکر میکنید آیا تعلیم و تربیه بصورت صحیح پیش میرود، و این احضارات محاروبی برای محاربات آینده کافی شمرده میشود و یا چطور؟

سوال برایم شکل معلوم میشد و بنا بر آن رنگم سرخ گشته و سوارالم بهم خورد و جواب گفته نتوانستم و بفکر جواب آن فرورفتم .

بعداً گفتم پیشبرد تعلیم و تربیه عصری ایجاب معلومات علمی و تجارب زیادی را می نماید، متأسفانه که فرماندان ما فاقد آن بوده و برای ما دونان خود موضوعی را تعلیم و تدریس میکند که در اردوی قدیمه آموخته اند. برای اینکه احضارات کامل مطابق عصر و زمان گرفته شود لازم است که همگی بمعلومات های جدید آشنا گردند .

قوماندان گفت با لکل صحیح است با نظریه ات موافقم و برای تأمین این امر مساعی لازم را بخرج خواهیم داد اما اجرای کار وقت و زمان کافی بکار دارد. و حالا باید

مردم شوروی بعد از ختم شورش های داخلی به تنظیم امور و ترمیم و عمران خسارات آن دوره شوم پرداختند. البته میدانیم در دوام جنگ های داخلی تقریباً تمام کارخانجات - فابریکات و وسایط نقلیه از استفاده خارج شده بودند لذا تمام مردم شوروی متوجه جبهه اقتصاد دملی شدند و ایجاب میگردد که تمام قوای مادی و بشری جهت بپا استاده شدن اقتصاد دملی بفعالیت بگزرند. از جانب دیگر اوضاع سیاسی آن زمان تقاضای آن را داشت که مدافعه ملی از همه زیادتیر مورد توجه قرار گیرد .

در سال ۱۹۲۰- ۱۹۲۱- یک کمیسیون بحت ریاست کالینین تشکیل شد تا قوای بشری اردو در استخراج ذغال و سایر مواد خام بکار انداخته شود و با ثران نتایج مثبت بدست آمد و نهایت مفید واقع شد .

در سال ۱۹۲۴- بنا بر ختم سفر بری تعداد اردو از ۵/۵ ملیون به ۵۶۲- هزار نفر تنزیل داده شد. البته تا این زمان پنج ملیون جوان از دهقانان و کارگران از وظایف اصلی شان جدا شده بودند و هسته اردو را تشکیل میدادند .

البته ایجابات همان زمان و فیصله دکتورین حرب همین بود که به تقویه اردو توجه زیادی بعمل آورده شود. با لخاصه قطعات تخته یکی آن (ماشیندار - توپچی - زرهپوش ، هوائی و غیره) از هر نقطه نظر بصورت صحیح اکمال گردد و این امر محتاج انکشاف علمی و صنعتی مملکت بود تا با ثران تکامل لازمه در ساحه اردو صورت گیرد .

از ماه جون ۱۹۲۲- تا ماه مارچ ۱۹۲۳- بحیث قوماندان قطعه ۳۸- سواری ایفای وظیفه نمودم و بعداً بحیث معاون قوماندان غند (۴۰) سواری مقرر بمر بوط فرقه ۷ سواری شدم . باید اعتراف کنم که قوماندان غند مایک شخصیت عالم و با تجربه بوده و من از نا مبرده بسیار چیزها را آموختم. در آن زمان به تحت همان شرایط مشکل به اثر توجه آن در اطراف قشله محلات بود و باش برای صاحب منصبان و منسوبین عسکری

يك پروگرام عاجل تحت بررسی قرار گیرد.

بعداً نامبرده از اتاق خارج شد و چنین گفت: رفیق زوکوف طبق فیصله خودم ترا بحیث قوماندان غند نمره (۳۹) سواری تعیین نمودم

اگرچه ترا خوب نمی شناختم مگر با رفقا نیکه من سروکار دارم - توصیه نموده اند که ترا با این وظیفه مقرر کنم - اگر کدام مشکلی نداری به قرار گاه رفته مکتوب مقرری خود را اخذ بدارید که قبلاً مضمناً نموده ام.

بعداً با قوماندان وداع نمودم و يك هیجان عجیبی مرا احاطه نموده بود. وظیفه جدید يك وظیفه بسیار حساس بود و برای قوماندانان حاکمیت بر موضوعات تاریخ حرب از امور مهمه بشمار میرفت.

میدانیم که غند قطعه اساسی محاربوی است و باید شکل مساعی مشترک را با دیگر جزو تاسهای زمینی بخوبی بداند قوماندان غند باید با تمام جزو تاسهای متعلقه خود و سلاح و مالز مه آن از نزدیک آشنا باشد. سویه و قدرت محاربوی آن را با مقایسه قوای دشمن تفوق داده برود.

قوماندانان نیکه با مور سوق و اداره و تاسینات لوژستیک غند وارداند. آنها در حضر و سفر وظایف را به حسن صورت پیش میبرند.

در ختم اغتشاشات داخلی (۲۰۰ کورس و مکتب جهت تکامل صاحب منصبان اردو افتتاح شده در ۱۹۲۰ از کورس های سوق و اداره (۲۶) هزار قوماندان فارغ التحصیل گردیدند. بعداً بتدریج کورس مکاتب و اکادمیهای اختصاصی در هر مسلک عرض اندام کرد. با لخاصه کورسهای تکامل آن نقش مهم را در توسعه معلومات قوماندانان ایفاء نموده من نیز یکی از محصلین همین کورسها بودم که در آینده با بن موضوع روشنی خواهم انداخت.

موضوعیکه بخاطر دارم و آن برای صاحب منصبان خیلی با اهمیت است عبارت از تطبیقات و کمیت میباشد که در آن مسائل نظری مشکل عملی را بخود گرفته و احضارات واقعی برای حرب های آینده اتخاذ میگردد.

همچنان افسران را بخاطر داریم که در حرب گذشته تجارب زیادی اندوختند مگر متأسفانه بهمان تجارب و اجرا آتیکه در ساحه حرب نموده بودند مغرور گشته بموضوعات روز علاقه نگر فند. در حالیکه مسائل تاکتیکی و محاربوی بر طبق اسلحه جدید تغییر کرده و ازینکه معلومات آنها با یجا بات روز مطابقت نمیگیرد. لاجرم از صحنه خارج گشتند و در صفت احتیاط پیوستند.

در اخیر اپریل ۱۹۲۳ - وقتیکه بحیث قوماندان غند مقرر شدم احضارات لازم را گرفته و غند را به تطبیقات های کمپ باراضی کشیدم و این اولین دفعه است که از اردوی سرخ بعد از اغتشاشات داخلی يك قطعه بر طبق ایجاب زمان تحت همان شرایط مشکل باراضی میبیراید. لیکن اعتراف باید

کنم که احضارات محاربوی غند، نواقص داشت احضارات آتش و مسائل تاکتیکی آن خوب نبود. مگر این قدر توانستیم که تعلیمات صحرائی را تنظیم نموده و مالز مه آن را مورد استعمال و استفاده قرار دهیم. بهر حال افتخار ما درین جاست که در ختم مساعی کمپ غند سواری متعلقه ما استعمال و صورت استفاده تمام سلاح هارا آموخت و جریان کمپ برای غند خیلی مفید واقع شد.

یکی از معاونینم بنام انتونا یکشخص بسیار جدی بوده در عین زمان مورد احترام همگی قرار داشت، متأسفانه که نامبرده در ۱۹۴۲ - درجه المان در راه حفظ وطن با پسر خود یکجای بقتل رسید. بعد از چندی یکی از قهرمانان وطن ما بحیث قوماندان فرقه مقرر شد دفعه اولین در خیمه کمپ او را ملاقات کردم نامبرده شخص مهربان و غمخوار بود و به گفتار ملایم خویش ما را مرهون علمیت و رویه نیکوی خود ساخت، و در اخیر گفت بعد چندی از امور تعلیم و تربیه و احضارات محاربوی شمارا از نزدیک وارسی خواهیم نمود. من باشنیدن این موضوع به چرت و فتم زیرا بسیار نواقص و نارسائی در غند موجود بود. در عین زمان علاوه کرد که با هم یکجای چاره رفع نواقص آن را جستجو میکنیم.

سه روز بعد از قرار گاه فرقه اوامری مواصلت کرد که غند برای معاینه قوماندان حاضر گردد. قوماندان فرقه بعد از بازدید غند را بدور خود جمع کرده و به افراد چنین خطاب کرد.

من بحیث يك سوار کار سابقه دار از نظم و ترتیب و احضارات محاربوی تان خور سندم. بسیار تشکر از شما از اینکه مرا خوش ساختید.

بعد بظرف من دور خورده تیسیم کنان گفت در وقت تطبیقات کمپ از غند تکرار بازدید بعمل خواهیم آورد. در هنگام کمپ نیز آمد و در يك میدانی در حالیکه او در وسط و ما صاحب منصبان در اطراف آن نشسته بودیم تا وقت نان چاشت از دوره حرب های داخلی و سرگذشت خود قصه ها نمود و در اخیر از صورت انتظام کمپ ما تشکر کرد.

در ساحه پراکتیک و عملی نسبت به مسائل نظری به مراتب خود را قوی و حاکم حس مینمودم چنانچه در دوره حرب عمومی اول همیشه سرگرم احضارات محاربوی بودم و به شغل مذکور عادت کرده بودم و در دوره ضابطی از قوماندان غند کرده پر معلومات تر بودم سبب آن این بود که بدون اینکه بفکر ورزش و خواب و استراحت باشم مساعی دوامدار را جهت احضارات محاربوی بعمل می آوردم.

باید گفت نه تنها من در دوره حرب عمومی اول معلومات و تجارب خویش را توسعه دادم بلکه بسا از افراد آنها نیکه خود را نامزد ضابطی نموده بودند از جریان استفاده کرده خود را تکامل دادند و در صف قوماندان معروف و مشهور پیوستند.

البته در دوره اغتشاشات داخلی وضع لوژیستیک اردو بر هم و در هم بود و بر همه ثابت گشت که موفقیت اردو فقط از مجرای یک لوژیستیک قوی میسر شده می‌تواند و بس. بنا بر سال ۱۹۲۴- به تحت ریاست کویشف یک هیئت قوی تعیین گردید تا از وضع لوژیستیک و چگونگی مالزمه تخنیک اردو دقیقانه بازرسی بعمل آورده و در مورد سویه لوژیستیک و قدرت تخنیک آن - محاکمه وضعیت بدارند همان بود که هیئت مذکور در راپور خود واضح ساختند که مدافعه مملکت از تجاوز بیگانگان مستقیماً به قوه و قدرتیکه اردوی عصری تا مین شده می‌تواند و بس بنا باید دولت متوجه قوای مسلح گردیده جهت تجهیزات و تاسیسات لوژیستیک آن بسویه عصری اقدامات معقولانه را بعمل بیاورد تا یک ریفورم و تحول در اردو صورت بگیرد.

در جنوری ۱۹۲۵ - به تحت رهبری فرونز تشکیلات مدرنی نظر با ایجاد زمان تنظیم گردید در اواخر سال ۱۹۲۴ قوماندان فرقه مرابه نزد خود خواست و پرسان کرد که فعالیت شما چگونه ادامه دارد و چه ترتیب معلومات خویش را تکامل داده می‌روید.

من در جواب گفتم همیشه مسائل حرب عمومی اول را بخاطر اردو و تاریخ حرب آن دوره را مطالعه می‌نمایم. قوماندان بعد از تقدیر کردند گفت. بسیار خوب مگر اینگونه اجراء شما برای فعالیت های امروزه کافی شمرده نمی‌شود. زیرا فن عسکری شکل ثابت ندارد و همیشه تغییر خورده می‌رود. بنا بر قوماندانان ماست که تحصیل و تعلیم موضوعات جدید را تعقیب کرده بروند.

رفیق ژوکوف به عقیده من شما باید در موسم خزان جهت تحصیلات عالی بمکتب مسلکی به لیننگراد بروید تحصیل این موسسه به سرنوشت آینده شما نهایت تاثیر وارد خواهد کرد.

من با پیشنهادی باز از رهنمائی قوماندان تشکر کرده و در جواب گفتم که ازین تاریخ به بعد در صد داین موضوع خواهم بود بعد به غنند عودت کردم تمام تعلیم نامه ها - کتب و اثرات را جمع کرده و با احضارات امتحان کانکور پرداختم. در کانکور موفق شده و در جمله گروپ اول با بگرامیان و روکوسوفک و سایر قوماندانان غنند شامل کورس شدم.

با ورود به لیننگراد از جاهای تاریخی باز دید بعمل آورده به تحصیل ادامه دادم (۱۷) سال بعد این جانب بحیث سر قوماندان جبهه لیننگراد بمقابل تجاوزات اردوی هتلری وظیفه دار گردیدم.

بعد از ختم کورس بیک تعداد از رفقای سابق بحیث قوماندانان فرقه تعیین شدند و بایکی از آنها به اوکراین رفتم و امور تعلیم و تربیه یک فرقه را پیش می‌برد.

بعد از چندی یک کورس عالی برای قوماندانان بزرگ افتتاح شد که میعاد آن دو سال تعیین گردیده بود مگر بعداً میعاد آن بیک سال تنزیل داده شد با دوام این کورس معلومات های عالی و کافی را آموختیم و برای بلند بردن معلومات و انکشاف عالی ساخیلی کمک کرد.

از دوران این کورس بخاطر دارم. و قتیکه درس تاریخ حرب جریان داشت من بسیار مشکل معلوم میشد و باشنیدن لکچر معلم بفکر می‌رفتم. مگر بعداً موضوعات آن خیلی بسیط و ساده بمن می نمود.

در اوان خزان ۱۹۲۵ - از مسکو او امری مواصلت کرد و یک تعداد از ما را جلب نمودند. از لیننگراد چنین فیصله گردید که بسواری اسپ مسافه ۹۶۳ - کیلومتری راطی کنیم نظریه پلانیکه تنظیم نموده بودیم مسافه مذکور را در ظرف (۷) روز طی نمودیم البته در اثنا طی نمودن این راه طولانی، مشکلات عجیبی را دیدم. بعداً از طرف سر قوماندانی بمار خصتی تفریحی داده شد. با استفاده از موقع رهسپار ده شدم تا مادر و خواهر خود را ملاقات کنم.

مادر در مدت غیابتم نهایت افسرده شده و مثل سابق تکالیف و مشکلات زیادی را در زندگی دیده است خواهرم نیز صاحب دو اولاد است و سن آن پیشرفته است مادر و خواهرم بعد از حرب عمومی اول و در سالهای ۱۹۲۱ - ۱۹۲۲ بمشکلات زیادی مواجه گردیده اند خواهر زاده هایم بسرعت با من عادت گرفته و بمن رخ شدند و آنها بدون اینکه محجوبیت حس کنند خود سرانه بکس مرا باز میگردند و آنچه دل شان میخواست از آن میگردفتند. مردم ده بسیار پریشان بودند و لباس شان خیلی بر هم و در هم بود. و ازینکه مردم مشکلات زیاد را دیده بودند بهین وضع ژولیده عادت کرده بودند.

بعد از ختم رخصتی بفرقه عودت کردم دیدم که تشکیل تغییر خورده است و در فرقه عوض شش غنند سواری چهار غنند سواری موجود است من جهت ترتیب و تنظیم غنند (۳۹-۴۰-۴۱-۴۲) وظیفه دار گردیدم تا آنها مطابق به تشکیل جدید از هر نقطه نظر مجهز گردند.

برای من و رفقایم وظایفیکه محول شده بود بسیار دلچسپ بود. تدابیر مهمیکه جهت نظم و نسق قوای مسلح اتخاذ گردیده بود عبارت از وارد کردن تغییر شکل و تکامل دادن وضع اردو بود. هم چنان اتخاذ تصمیم معقول از طرف قوماندانان سبب تحکیم دسپلین گردیده و تحولات مفیدی را ببار آورد.

در بهار ۱۹۲۵ - از مقام دولت فرمانی صادر گردید تا یک وحدت کامل در اردوی سرخ حکمفرما گردد و با اساس آن درین مورد گامهای فراخی برداشته شد، و یک

دسپلین قوی در تمام ساحه قوای سرخ برقرار شد و احضارات محاربری اردو بهبودی حاصل نمود .

درین زمان اجراءات مانیز در غند بشکل خوبی جریان داشت در زمستان ۱۹۲۶، بحیث امر حرکات کمیساری مقرر گردیدم . درین وقت تیموشنکو بحیث قوماندان قول اردو وظیفه می نمود نامبرده مرا به خیمه نزد خود خواست و گفت آرزو دارم که توهم قوماندانی غند وهم وظیفه کمیساری را پیش ببری درین مورد فکر کن .

من خاموش ماندم و فکر کردم که از دادن جواب آنی سنجش بهتر است . بعداً گفتم با کمال افتخار میکوشم تا وظایفیکه بمن محول شده است به حسن صورت پیش ببرم . میدانیم که احضارات تا کتیکی برای قطعات قدرت اساسی مانور آن را تشکیل میکنند و بناً از آغاز سال ۱۹۲۵ در مناطق روسیه سفید مانورها را عملی نمودیم و همه ساله بعد دوره کمپ اجرا نمودیم .

در مانورهای مذکور فرقه (۷) سواری اشتراک کرد در حالیکه قوماندانان مربوطه فوق العاده در احضارات تا کتیکی و تعلیمات مذکور وارد بودند مگر نمیدانم که از بخت بدچرا نمره خراب گرفتند از روی حقیقت باید گفت که تمام قوماندانی غند های مربوطه فرقه ، از نقطه نظر تعلیمات تا کتیکی تعلیم یافته بودند و سویه علمی شان عالی بود .

چنانچه قوماندان غند ۳۷، سواری فرقه ووسکی در نوامبر ۱۹۲۲، قوماندان قول اردوی زره دار در جبه استالینگراد گردیده با کمال موفقیت وظیفه را ایفا کرد و قول اردوی زره دار آن با اردوهای نمره (۱۵) و نمره

(۶۴) قوای جنوب غرب جبه یکجای قوای هتلری رادر آن سامان به چمبر احاطه بستند و این اجراءات شان موفقیت بزرگ را در تاریخ حرب عمومی دوم به بار آورد .

موضوع دیگری را که باید درین جا تذکره هم مسایل سیورتی است که بآن توجه لازمه بعمل آمده بود و همین امر سبب گردید که قدرت فزیکمی افراد بلند رفته و اوشان وظایف محوله را در شرایط شب، روز، گرمی و سردی در استقامت های راه و بی راه و گذرگاه های آبی با کمال موفقیت ایفاء بدارند و از همه مهمتر اینکه در حالات نامطلوب محاربه بسرعت لازمه تجدید گروپ بندی نموده و بشکل يك قوای تازه دم وارد معرکه حرب میگرددند که همه این اجراءات اکتیف از برکت حرکات سیورتی میباشد در عکس صورت در چنین حالات نازک اندکی تاخیر کردن فلاکت های بزرگی را به بار میاورد که به هیچ صورت جبران پذیر نمیشد .

حقیقتاً غند (۳۹) سواری مربوط این جانب در ساحه روسیه سفید در تمام حرکات سیورتی سواری قطعه ممتاز و نمونه بود . سپس این بود که گروپ های سپورت سواری را تنظیم نموده بودم و تقریباً کل صاحب منصبان در آن سهم داشتند من شخصاً در تمام انواع سپورت های سواری سهم فعال داشتم . بخاطر دارم که میخائیل بودین (فعلاً مارشال سواری) از غند های سواری باز دید بعمل می آورد در یکی از صحبتها هان خزانی سال ۱۹۲۷، زنگ تلیفونم بصدا آمد و وقتاً که گوشه را برداشتم قوماندان فرقه گفت شاید به غند مربوطه شما میخائیل بودین سرزند، ضرور او را ملاقات کنید و از نامبرده بحیث يك سمبول سواری و مسلکی پذیرائی کنید .

درین وقت ترتیباتی اتخاذ کردیم تا از مهمانان خویش در مدخل قشله پذیرائی کنیم و ما انتظار آنها را میکشیدیم بعد از پنج دقیقه دو موتر سواری بمدخل نزدیک شد بعداً بودین و تیموشنکواز موتر برآمدند تا آنها خوش آمدید گفتیم . آنها گفتند شما چه پیشنهاد دارید و پروگرام شما به چه ترتیب میباشد؟ .

مطابق خواهش شما، باز دید از وضع بودباش و طرز فعالیت افراد و قوماندانان ما .

بسیار خوب از همه بیشتر آرزو داریم وضع اعاشه و خوار بار افراد شما را ببینم .

در طعام خانه و مطبخ از کمیت و کیفیت و صورت پخت و پز اعاشه افراد به تفصیل باز دید بعمل آوردند و بعداً در کتاب خاطرات طعام خانه افراد نوشتند از آشپز و آمر خدمات اعاشه تشکر میکنیم بعداً به باز دید تعلیم و تربیه پرداختند و در ختم باز دید میخائیل بودین گفت حال اسب های مربوطه غند را بما نشاندهید تا از نظر بگذرانیم .

قوت ها و . . .

(بقیه صفحه ۴۵)

ستراتژی دانان نظامی اضلاع متحده امریکا باین مفکوره اند که در سالهای ۷۰ قرن موجوده عیسوی قوای بحری نظامی نوع اصلی (اساسی) قوای مسلح خواهد بود . در سال ۱۹۷۲ بزرگترین ساحه عملیات نظامی برای قوای بحری تخصیص داده شده بود . موقع حساسی سهمی برای کشتی های راکتی اتومی که بحیث قوت اصلی ضربه قبول شده بود داده شده است . در تشکیل قوای بحری اضلاع متحده امریکا زیاد تر از ۴۰ تحت البحری راکت بر که باراکت های بالستیکی « پولاریس » « وپوسیدون » مسلح می باشند موجود میباشد .

مدافعه ضد کشتی قوای بحری نظامی اتحاد شوروی بصورت دوام دار بدون توقف عصری و مکمل تر می شوند . قوت ها و سهمیات مدافعه ضد کشتی اتحاد شوروی دائماً با حضرات محاربوی قرار دارند . « پایان »

درین وقت احضار اسب های غند را در صف معاینه اشاره دادم بعد از ده دقیقه تمام اسب های غند در صف معاینه حاضر شدند وضع اسب ها در يك حالت خوب قرار داشت وامور نعلبندی آنها فوق العاده بود .

آنها از بازدید غندسواری ما خاطره خوشی گرفتند ، موفقیت اردوی سرخ و بهبودی قطعات سواری را آرزومند گردیدند و جهت بازدید به فرقه (۶) چونکرسک گارنیزون مارا ترک گفتند .

بعد چندی جهت بازدید از غند ما ، قوماندان منطقه روسیه سفید الکزاندرایگور ، به غند ما وارد شدند می خواهم چند کلمه درباره معرفت این قوماندان به رفقاء یاد آوری کنم . نامبرد از يك فامیل دهقان بدنیا آمده و در يك دستگاه آهنگری گرز میکوبید ، زمانیکه بدوره مکلفیت به اردوی قدیم روسیه جلب گردید با ثر جدیت و دوام کورس ها و مکتب عسکری برتبه ضابطی نائل شده و در ۱۹۱۸ - به اردوی جدید پیوست و در دوره اغتشاشات داخلی از خود يك قدرت و استعداد خلاقه بروز داد . در جبه جنوب و جبه جنوب غرب خدمات قابل وصفی را اجرا نموده است بعد از ختم اغتشاشات داخلی افتخار چهار مدال اردوی سرخ را کمائی کرد و بعد بحیث قوماندان منطقه روسیه سفید مقرر گشت و در سال ۱۹۳۱ - بحیث لوی درستیز اردوی شوروی عزتتور حاصل کرد و در ۱۹۳۵ - لقب مارشال اتحاد شوروی برایش داده شد .

در ۱۹۲۷ - نامبرده بصورت غیر مترقبه جهت بازدید به غند مربوطه ما وارد شد و در يك لکچر یک موضوع آن تعرض غند سواری به جناح و عقب قوای دشمن بود اشتراک نمود و در ختم آن بسیار خوش شده و بمزاج پرداخت و پرسید که پلان سفربری را به چه ترتیب احضار نموده اید .

در جواب گفتم در مورد پلان سفربری اجراءات بسیاری نمودیم مگر به بعضی مشکلات برخوردیم و طالب هدایت از مقامات ما فوق شدید متاسفانه که تا حال بجواب ما نپرداخته اند و مشکلات ما رافع نکرده اند .

رفیق ایگور گفت بفرمائید که مشکلات پلان سفربری شما را از نظر بگذاریم و تدقیق کنیم . تقریباً یکساعت با همکاری قرارگاه تمام موضوعات را برایش ایضاً نمودیم بعد نامبرده گفت - بسیار عالی - بسیار عالی پس در کدام قسمت شما مشکلات دارید .

مشکلات ما عبارت ازین است که در نزدیک سرحدات مملکت موقعیت داریم که باید بیک اشاره يك ساحه وسیع راتحت امنیت بگیریم اجراءات موفقیت آمیز ما در اول امر سبب بلند رفتن مورال اردو و مردم ما میشود و مسئله که بسیار مهم اینست که به تعقیب ما خظ دوم سفر بر شود و حرکت بگذارد تا اجراءات ما ثمر بخش واقع شود .

رفیق ایگور گفت . پیشنهاد شما بسیار معقول است و ضرور باید اقداماتی در مورد سفربر ساختن خط دوم گرفته شود احضارات به حرب باید واقعی باشد نی فورمالیته . دشمن باید همیشه قوی تصور شود و بمقابل دشمن قوی احضارات عاقلانه گرفته شود .

همچنین به بسا موضوعات تماس گرفت و در هر قسمت روشنی انداخت و بما فکر خوبی داد در سال ۱۹۲۹ و کوسوفیک بحیث قوماندان فرقه تیمور شنگو بحیث قوماندان قول اردو مقرر شدند و در سال ۱۹۳۰ - مرا بحیث قوماندان لوی دوم سواری منطقه مقرر نمودند . من و کوفسک در سال ۱۹۲۴ - ۱۹۲۵ - در لیننگراد تحصیل کردیم و یکدیگر خود را از نزدیک خوب می شناختیم و بناً او همیشه با من در تماس بود و از روی حقیقت مشارالیه يك شخص لایق - عالم و باتجربه بود در تعلیم پرسونل مربوطه نقش بزرگی داشت و محبوب همگی بود .

دوره قوماندانی غند من در غند (۳۹) سواری تقریباً هفت سال دوام کرد و برایم مکتب بهترین بشمار میرفت درین جادرسهای بهتر علمی را آموختم و در ساحه نظری نیز مطالعات کافی نمودم تطبیقات ها و بازیها - حرب را اجرا نمودم .

البته تمام این اجراءات ما کار آسانی نبود و در ساحه تطبیق غلطی ها نیز کردیم .

درینجا سوالی پیدامیشود که کی غلطی نمیکند؟ باید گفت که کسی غلطی نمیکند که به چوکات هدایت های ما فوق و مطابق اوامر داده شده وظیفه را پیش برده و از خود کدام ابتکار و پشت کاری نداشته باشند و هیچ گاه انسیاتیف و استقلالیته ندارند .

يك ضرب المثل قدیمی است که میگویند هر اندازه که در کار غلطی رخ دهد بهمان اندازه اصلاحات بعمل آمده و راه های معقولی سراغ میشود .

لوی دوام سواری که من قوماندان آن بودم مشتمل بر غند ۳۹ - ۴۰ - سواری بود که در غند (۳۹) سابقه طولانی داشتم و همه امور بسیار خوب تنظیم شده بود مگر غند (۴۰) سواری نواقص زیادی داشت و سبب آن این بود که قوماندان سابقه آن به سوارکاری علاقه نداشت . مگر در قسمت احضارات محاروبی و اجرای آتش ، مساعی خوبی نموده بود . و درین امر همیشه پیشقدم بود .

در غند (۳۹) مدت طولانی قوماندان بود و همه قوماندانان آنرا از نزدیک می شناختیم ممکن همین امر سبب گردیده باشد که غند (۳۹) نظر به غند (۴۰) بهتر به نظرم خورده باشد .

در اخیر سال ۱۹۲۹ - بمسکو خدمتی شدم و به کورس قوماندانان بزرگ شامل شدم و در مهمان خانه کلوپ عسکری مرکزی مأواء گزیدیم درس ما در کوچه فرو نذر عمارت مدافعه ملی ادامه داشت .

اسلحه دستہ جمععی

انفجار هسته ئی و تأثیرات آن بالای اورگانیزم

ترجمہ و نگارش

دو کتور محمد داود بارکزائی
دیپلوم اکادمی طبی لینن گراد

اسلحه دستہ جمععی اسلحه را گویند که در يك وقت بسیار کم تلفات جسمی خیلی ها سنگین را به دشمن وارد می سازد که این تلفات نه تنها باعث از بین بردن کتلوی افراد می گردد بلکه تلفات حیوانی نباتی و تخریب تعمیرات و تمام اشیا ماحول را بار می آورد و عبارت از اسلحه ای اتومی، با کنترل یالوژی و کیمیاوی است که انرژی قوی هستوی را دارا می باشند و سه نوع انفجار اتومی موجود است .

۱: انفجار هستوی اتوم که اثر تعاملات کیمیاوی دوام دار تولید شده و این عناصر عبارت اوران و پلوتون می باشد .

۲: انفجار بم های هائیدرو جی انفجار این بم ها حرارت فوق العاده شدید را تولید می کند و عناصر آن عبارت دیتری ، لیتی و تری تی می باشد .

۳: انفجار بم های که اساساً به اثر استحصال و تجزیه عناصر کیمیاوی ساخته شده اما هسته اوران به این ها اضافه شده است انفجار اتوم که تلفات کتلوی را باعث می شود تأثیر ذیل را دارا است .

۱- فشار ضربه ای موج اتوم :-
% ۵۰ انرژی انفلاق شده را تشکیل داده باعث تلفات افراد و تخریب

تعمیرات می گردد فشار ضربه ای موج اتوم عبارت از سطح متر اکم هوا ، آب و خاک بوده که قوه آن به چندین میلیارد می رسد .

اتمسفیر به اثر فشار ضربه ای به اطراف پراکنده شده سرعت و قوت آن زودتر کم شده می رود سرعت آن در نزدیک نقطه ای انفلاق بلند تر از سرعت صوت می باشد مثلاً به انفلاق بم اتومی ۲۰ کیلو تن فشار ضربه ای موج درین صورت یک کیلو متر بعدت دو ثانیه و ۲ کیلو متر بعدت ۵ ثانیه و سه کیلو متر بعدت ۸ ثانیه می باشد و سرعت امواج ضربه ای در زیر آب بر ۱،۵ کیلو متر فی ثانیه می رسد تپه ها و سطح نا هموار زمین به سرعت ضربه ای موج تأثیرات خیلی مهم داراست فشار ضربه ای تعمیرات شهری را مکملماً نابود ساخته می تواند درین صورت فشار موجی ۰،۴ الی ۰،۵ کیلو گرام فی سانتی متر مربع است به اثر انفجار اتومی از نقطه انفلاق تا ساحه تأثیر اشعه سه منطقه ذیل موجود است .

۱- فشار ضربه ای موجی

۲
 $1kg/cm$ - تلفات خیلی ها سنگین را بوجود آورده و باعث نابودی مکمل تمام تعمیرات می گردد .

۲- منطقه دو می که فشار ضربه ای

۲

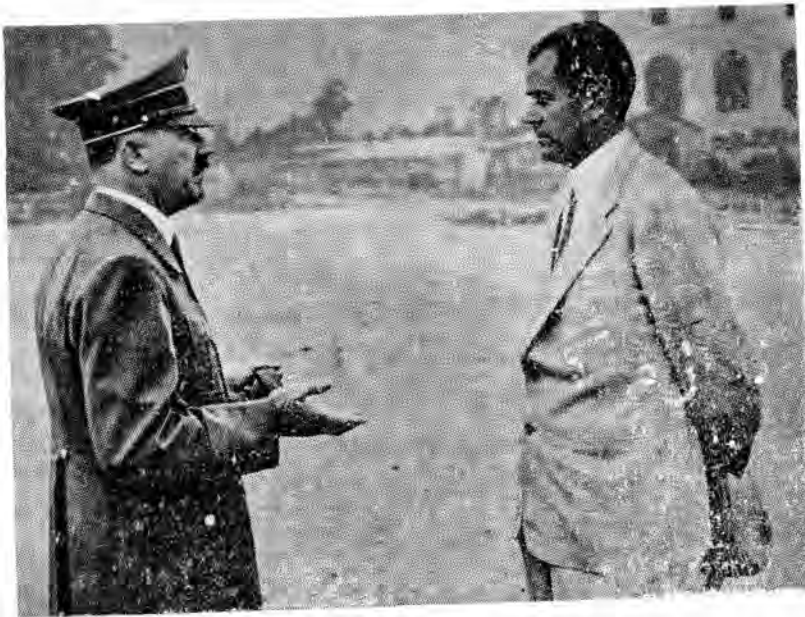
موجی $0,3-1kg/cm$ می باشد تمام تعمیرات راتخریب و باعث تولید جرها و گودال ها شده و حریق عمومی این منطقه را دربر گرفته و سوختگی های درجه II - III تولید می کند تنها جا های مخصوصیکه توسط استحکام برای محافظه از اتوم ساخته شده افراد در امان می مانند و بس .

۲

موجی $0,1kg/cm - 0,3$ قسماً تعمیرات خراب شده اما افراد در گودال ها و جرها پنهان شده اند محفوظ می مانند .

II تشعشع نورانی :- اشعه روشنی

دهنده که حرارتی بوده و سوختگی ها را بوجود می آورد و ۳۵ فیصد انرژی انفلاق شده اتوم را تشکیل می دهد درین تشعشع در مرکز انفلاق شده اتوم بوجود آمده دارای چندین میلیون درجه حرارت بوده که قسمت زیاد آنرا اشعه بنفش تشکیل داده که موج و تأثیرات بیولوژیکی آن بالای وجود خطر ناک است و ۹۹ فیصد دیگر را اشعه نورانی مرئی و قرمزی تشکیل میدهد مانند جدول ذیل .



بلوکاد (محاصره)

ترجمه - بشیر کبیر

هتلر در اوج پیروزی با آلبرت شپیر وزیر تسلیحات و مهمات

دشوار که از مارشال جدا می شدند اوصاف و خصایل حمیده او را نیز بیاد می آوردند زیرا مارشال شجاعت فوق العاده زیا دو یک رفتا رخیلی ساده و بی آرایش با همکاران وزیرستان داشت و سوابق درخشان او در پیکار های داخلی آغاز انقلاب و در وظایف دیگر خدمات مذکور خیلی برجسته و بارز بود.

اعضای مجلس میدانستند: هر گاه مارشال وروشیلوف به این گناه ملزم باشد که چرانتوانسته دشمن را بسیار دورتر از لینن گراد میخکوب نماید پس آنها که همکاران او بودند همه مقصر می باشند وروشیلوف دقایقی چند کنار میز بیحرکت به دروازه چشم دوخته بود و هر قوماندانیکه داخل میشد با حالات بهت زده در محلی ایستاده میشد. پله های دروازه پیوسته باز و بسته میگردید وروشیلوف خواست که دروازه بکلی باز باشد تا هجوم وارد شوندگان قطع نگردیده مراسم وداع زودتر خاتمه یابد.

دگروال کورولیف آخرین فردی بود که داخل شد و مارشال فهمید که انتظار بیایان رسید و حال باید خطا به آخرین و مشکل خود را ایراد نماید

نا گفته نماند موقعیکه مارشال از مرکز مخا بره به اتاق کار خود بازگشت البته ملتفت بود که این اتفاق دیگر به او تعلق ندارد و بهتر است در جستجوی کلمات و عباراتی باشد تا حین جدا شدن از همکاران توجه همه را بسوی وظایف خطیر شان جلب نموده روحیه آنها را بمقصد ادامه جنگ و پایداری تا حصول پیروزی تقویه نماید.

مارشال میخواست مقرر شود که این تصمیم نهایت

چند لحظه بعد در عمارت سمو لنی به اتاق کار وروشیلوف افسران و ابسته به هیئات ارکان و رئیس تجهیزات و مهمات محاذ لینن گراد که قبلاً غرض شورا خواسته شده بودند یکایک همه شروع به جمع شدن نمودند.

اعضای مجلس طبق معمول «اجازه میدهمید» گفته در کناری می ایستادند، در آن موقع یاوران مارشال میز او را تخلیه نموده و در حالیکه بعضی روک ها نیمه کشاده بود وروشیلوف از محل خود تنها با اشاره سر سلام وارد شدگان را جواب میداد.

تا اینوقت تخمین تمام اعضای مجلس از تبدیلی قوماندان عمومی جبهه اطلاع یافته بودند و طبق معمول در همچو وضعیت افسران ارشد بصورت غیر اداری منتظر جریانات مابعد بودند تا چه پیش آید؟

مارشال بایک نوع افسردگی عقب میز انتظار می کشید و حضار از قبیل دگروال گروفسکی رئیس ارکان و معاون او و رئیس سلاح و مهمات و غیره خاموشانه به چرت بودند آنها بیشتر از خود بحال مارشال می اندیشیدند و مواردی را در نظر می آوردند که وروشیلوف با تطبیق متود های فرسوده در سوق و اداره خود را بحضیقه می انداخت و از ضعف دیسپلین داخلی او گاهی زمزمه ها بلند می شد.

مارشال بدون طرح پلان منسجم به جزوتها مها دسته های نظامی مانند اینکه بکدام شکارگاه باشد او امر صادر میکرد وخیلی به مجلس بازی و بحث و مذاکره طولانی رغبت نشان میداد.

اما حضار در خلال تصورات گوناگون درین لحظه

ضروری و معقول جلوه داده و توجه سر قوماندانی اعلی را به اوضاع و خیم لینن گرادیک اقدام نیک تلقی نماید و مارشال به این آرزو بود تا در خطابه نهائی خود از میان مفکوره‌های خصوصی اجتناب نموده و آنگونه کلماتی را که نفوذ شخصی از آن استشمام شده بکار نبرد.

اما در شرایط موجوده وی در برابر خود اشخاصی را میدید که همه با التهاب متوجه بیانات و عکس العمل او بودند و همین مردان بودند که در زیر ژاله و باران گلوله ما بمب‌ها و آتشباری توپ و تفنگ با او اشتراک مساعی میکردند بطوریکه همه بالای یکدیگر اعتماد قطعی داشتند. و اینک تحت تاثیر همچو فعل و انفعالات باطنی احساسات مارشال بصورت ناخود آگاه بشور آمد و از اینکه وظایف خود را در برابر وطن و هموطنان ناتمام گذاشته و لینن گراد را در حال محاصره ترك میدهد و مجال نیافت در یک جنگ تن به تن در قریب دوازده‌های شهر کشته شود این افکار او را شکنجه داده به لرزه انداخت و با چشمان اندوهبار به اطراف اتاق کار خود خیره شد و در دیوارها فوتوهای لینن و ستالین را آویخته بودند و نقشه (خریطه) بزرگ جنگ که مناصف آن بزیر پرده مستور بود او را به تلاطم افکند و بعد روک‌های خالی میز نظر او را جلب نموده ناگهان طرف اشخاصیکه اطراف او گرد آمده بودند روگشاده با آهنگ نیمه خفه در حالیکه انگشتان خود را با ناتوانی حرکت میداد گفت .

« بهر حال... رفقا!.. به امید دیدار دوباره از شما جدا میشوم... سر قوماندان اعلی مرا احضار نموده است... »

و روشیلف انتها قدرت خود را بخرچ داد تا مطالب فوق را بیان نماید بعد نزد خود سنجید تا وجدان و ضمیر خود را آزاد نموده حقایق را اظهار کند و با لحن گلوگیر افزود:

« اینکه تقاضای من چیز دیگری است بشما واضح میباشد... این جنگ کدام پیکر داخلی نیست و باید جنگ موجوده بطرز دیگر و بکلی به سیستم دیگر سوق و اداره گردد... »
درین فرصت در صورت مارشال ارتعاش عجیب نمایان

شد بعدیکه کلام خود را قطع نموده خاموش گردید و حضار چنین پنداشتند که مارشال از حرف زدن باز مانده است زیرا ظاهراً او اوضاع او یک تغییر کلی نمایان گردید بطوریکه چهره اش منقبض و هر عضله او به پرش و لرزش افتاده بود اما مارشال چند لمحجه بعد سر خمیده خود را بلند نموده مانند دوران جوانی بایک فریاد هیبت ناک بحاضرین خطاب کرد .

« .. و با وجود این .. ما آلمانها را خواهیم کوبید... »
آنها در جوار لینن گراد گورهای خود را خواهند یافت... این جنس‌ها یقیناً بقبر خود سرنگون خواهند شد... »

مارشال سپس سشت‌های گره زده خود را به سینه گذاشتد و می‌آرام گرفت و در آخر با بیحالی دست‌های خود را فرود آورد و با صدائی که کمتر شنیده شد گفت .

« وداع میکنم »

سرانجام آهسته آهسته بطرف حضار رفت و دست هر کدام را جداگانه فشرد و اولین نفری بود که از همه بیشتر از اتاق خارج شد .

ساعتی گذشت تا اینکه یک طیاره که حامل مارشال و روشیلف و چند جنرال هیئات ارکان بود از فرودگاه اوج گرفت و در تاریکی شام از نظر پنهان گردید .

* * *

بعد از ساعت ده شب ادمیرال ایسا کوف عضو شورای نظامی بعجله داخل اتاق ژدانف گردید و در حالیکه خیلی بیقرار و هیجان آلود بود پس از یک احترام مختصر گفت .

« اندره الکسندروویچ (ژدانف) ، ادمیرال تریبوز از من تقاضا نمود تا بلا معطلی به اطلاع شما برسانم که وی در حال حاضر در کرونشاد سخت مصروفیت دارد و یک امر مهم و عاجل را بایست به انجام برساند و نمیتواند به لینن گراد بیاید)

ژدانف با خاموشی کامل گفتار ایسا کوف را شنید و بی‌بخوبی میدانست که کدام موضوع این ادمیرال خون سرد و آرام را به هیجان در آورده است و نیز از اینکه چرا ادمیرال علت اصلی حاضر شدن خود را بصورت واضح

کدام زبانی بدن و آرد نمیکند در صورت افزودی از اندازه معینه مذکور خطرناک میباشد توسط آلات تنزیل دهنده فشار و یا اطاق‌های دارای فشار کم میتوان شناور رادرائندای صعود تا به سطح بحر بصورت تدریجی از زیر فشار خلاص نمود تا حباب‌ها از اندازه $\frac{1}{4}$ لیتر زیاد تر نشود .

عصبی را قطع میکنند و سبب ایجاد بی‌نظمی‌های دماغ و یا قلیج میگردد و اکثراً با دردهای شدید نقاط حساس بدن توأم میباشد .
جلوگیری از اعراض تنزیل فشار اگر با اندازه $\frac{1}{4}$ لیتر حباب هوا در مایع داخل بدن موجود باشد

فزیالوجی هوانوردی ...

(بقیه صفحه ۲۵)

تشکیل حباب‌ها در بدن بنام‌های مختلف یاد شده و یکی از اشکان خطرناک آن تشکیل حباب‌ها در دماغ میباشد که در داخل حجرات عصبی و یا انساح عصبی بوجود آمده الیاف

افاده نمیتواند آنرا نیز خبر داشت.

ایسا کوف بعد با دستمال جیب عرق های جبین خود را
سترده و موهای پریشاننش را منظم نموده همینکه اعصابش
آرام گرفت چنین گفت.

یکساعت قبل معاون کمیسار خلقتی از ماسکو مواسلت
نموده و وی امری را با خود آورده که محتوی پلان تخریب
میباشد یعنی بدستور سر قوما ندانی اعلی باید پلان از بین
بردن کشتی ها و تمام تاسیسات ساحلی و دیوها تهیه شود و در
امریقید است که بلافاصله و هرچه زودتر پلان سد کور
ترتیب گردد.

بعداد میرال به سکوت عمیق فرو رفت و منتظر جواب
ژدانف گردید.

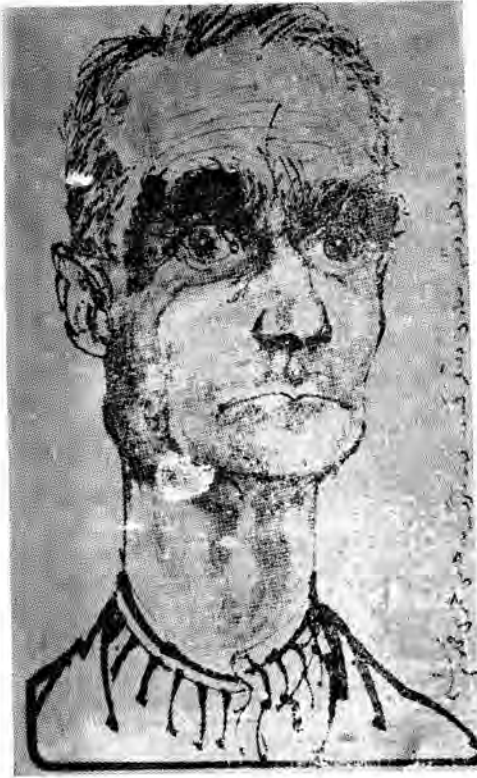
اما ژدانف مانند سابق خاموش بود و از باعث
بیماری رنگ رخسار او خاکستری معلوم میشد با اروهای
گره خورده و پلک های آما سیده که تنها چشمان سواری
او حالت بیداری را نشان میداد عقب میز خود نشسته
چیزی نمیگفت.

ادمیرال ایسا کوف با آواز قدری رساتر افزود.

«ما از موقف موجوده خود در لنین گراد بدرستی اطلاع
داریم... و اما شما واقعاً و حقیقتاً وضعیت را میبوس کننده
تلقی میدارید؟ حالا سر نوشت موجودیت تمام دسته های
بحری ما منوط به همین امر است و اینکه که نزد شما مراجعه
نموده ام از باعث آن بیست که شما عضو شورای نظامی
می باشید بلکه چون منشی کمیته مرکزی و عضو پولیت بورو
میباشید باید مطالب مرا راجع به بقای قوای بحریه ما در
بالتیک شنیده و چاره سازی نمائید.»

ژدانف مانند اینکه هیچ وجود ندارد صدای نرم گفت
«رفیق ایسا کوف! من قبلاً از فرمان رفیق ستالین
اطلاع دارم به اساس فرمان هیچگاه مجاز نیستیم تا کدام
کشتی یا دیپو و یک توپ منفرد بدست دشمن بیفتد، شما
میدانید که این یک هدایت عمومی از طرف کمیته مرکزی
میباشد و با لخاصه به آن مناطقی که تحت خطر استیلای دشمن
میباشد او امریکه صادر شده که بموجب آن هیچ موسسه
صنعتی و هیچ معدن و حتی یک جوال غله نباید سلامت باقی
بماند البته امحای عمومی ثروت وطن که باز حتمتکشی های
محتدم مردم ما حاصل شده به نزد ما خیلی شاق و مرارت
باراست ولی سوال مهم اینکه آیا لازم است دشمن ثمره
کار ما را ر بوده و از آن برخوردار شود و یا بهتر است آنرا
بدست خود نایب بود نمائیم؟ درین مورد نباید کمترین شک
و تردید نشان داد و امر تطبیق شود نه ایسا کوف باهیجان
نیاد جواب داد.

«با وجود اوضاع ناگوار موجوده قوای بحری بالتیک
قدرت دارد که به اجرای ضربات خرد کننده بپردازد، دشمن
در ساحه موثر آنش توپ های جهازات مسا قرار دارد



رودلف هس
معاون هتلر
در نورنبرگ
به حبس عمومی
محکوم شد.

بر علاوه ما فعلاً به مشکل ساختن قوای پیاده بحری موفق
شده ایم تمام دسته های بحری اعم از ادمیرال هالی
ملاحان فقط یک هدف دارند تا هر چه زودتر بالای دشمن
در خشکه هجوم نمایند و عموم افراد بحریه همین موضوع
را وظیفه اصلی و عمده خود می دانند.

ژدانف در پاسخ گفت همینطور است و باید همینطور باشد
و باید بدانید که از امر اخیر سر قوما ندانو اعلی تنها چند
نفر محدود خبر دارند که قوما ندان عمومی قوای بحریه و
چند تن دیگر بشمول شخص شما از آن اطلاع دارند.»

ژدانف از چوکی خود بلند شد و ایسا کوف نیز از
جایش آهسته برخاسته بیتابانه از ژدانف پرسید.

خوب... یک سوال آخرین... من بعنوان یک هممسلك
که در برابر رفیق هممسلك خود قرار گرفته از شما
میپرسم که ما چه وقت باید امر تخریبات را تطبیق نمائیم؟
بایک کلمه و بصورت قاطع بگوئید در کدام زمان؟»

ادمیرال دنبال سخن خود را بریده با خشونت و حواس
پرتی با دست های خود خطوطی را در هوا رسم نمود و در
ضمن ملتفت شد که از سوال او سیمای ژدانف حالت دیگر
اختیار نمود و گونه های بیرنگ داو قرمزی گردید و گفت.
شما بنام هممسلك و هم حزب از من سوالی کردید که
چه وقت عملیات تخریبات عمومی آغاز شود؟»

ژدانف در حالیکه اداره خود را از دست داده بود
به ایسا کوف خطاب نموده فریاد زد «هیچگاه امر اجرا
نشود.»

چند لحظه خاموشی مطلق حکمفرما شد بعد ژدائف به آرامی اما بصورت جدی گفت .

معدالک اجرای امر در موقع وزمان لازم به طوریکه سرفوماناندانی اعلی خواسته است قابل تطبیق میباشد .

درینوقت ژدائف طرف ساعت خود دید و چون ده دقیقه به یازده شب مانده بود به ایسا کوف گفت در آنجا که اد میرال تریپوز موجود نیست شما حتماً باید در مجلس شورای نظامی ما خبر باشید حالا یا من بیائید .

* * *

شورای نظامی و مطالعه وضعیت در حضور ژوکوف ، ژوکوف به دگروال گرو ددسکی امر داد تا وضعیت را بصورت عمومی توضیحات بدهد .

گرو ددسکی ضمن توضیحات خود که خیلی سردرگم و ناقص صورت گرفت اظهار کرد که اردوی جدیدالتشکیل نمبر ۴۲ با اردوی نمبر ۵۵ همجوار خود در جنوب لینن گراد بحال مدافعه می باشد و هر دو قوا پس از نبردهای خونین منطقه (کراسنه گواردسک) را تخلیه نموده به خط دفاعی (پولکو و) عقب نشسته اند و دشمن توانسته تا حدود قریب ترین شهر لینن گراد پیشرفت نماید و در ساحه جنوب غرب ارتقاعات (پولکو و) به اتخاذ ترتیبات جدید جهت تعرض به شهر مصروف است مشکلات مهم اینست که درین مناطق قسمت عمده قوا از نیروی جدیدالتشکیل مردم لینن گراد ترکیب یافته و برای تقویه از طرف کمیساری داخل فرقه نمبر ۲۱ به منطقه (اورپسک) سوق داده شده که هنوز ترتیبات دفاعی خود را اكمال نموده اند .

در جنوب آلمانها به چند کیلومتر لینن گراد رسیده اند و در شمال پیشرفت دشمن به استقامت (پترهوف) و (سترلینا) جریان دارد در شمال اردوی فنلند (متحد آنوقت آلمان) تمام تنگنای کاریل .

(بین بحیره لادوگا و اونیکا) را اشغال نموده تهدید مستقیمی برای لینن گراد فراهم آورده اند در غرب دشمن فیلا تمام ممالک بالتیک را بدست آورده و لینن گراد تنها از طرف شرق از بالای بحیره کوچک (لادوگا) با خاکشوروی ارتباط دارد که محض هنگام زمستان اگر سرما شدت کند از بالای یخ ها عبور و مرور میسر می باشد و از این بحیره نیز از طرف ساحل یک خط بوسعت نود کیلومتر به تصرف اتحاد شوروی باقی مانده است دیگر هیچ دشمن در زمین حاکمیت داشته بنا بر تفوق هوائی تخمین تمام ساحه بحیره لادوگا و سواحل آنرا تحت مراقبت گرفته است .

دگروال گرو ددسکی ضمن بیانات خود (ژوکوف اطلاع داد که او نمیخواهد آنها راجع به اوضاع محاذ لینن گراد تشریحات بدهد و بلکه آرزو دارم این را نیز یاد آور گردد

که او (گرو دسکی) در باره جریانات نا مطلوب کدام مسئولیت ندارد و نمیتواند همچو مسئولیتها را بعهده بگیرد بر علاوه از چند روز پیش امر تبدیلی او نیز رسیده است .

رئیس ارکان مذکور نمیتوانست که سر قوماندان جدید لینن گراد به گزارش مقدرات شخصی او کدام علاقه ندارد .

موتعیکه گرو دسکی تماماً با ژوکوف مشغول بود و بالای خریدها مناطق خطرناک جنبه را نشان میداد ناگهان و خلاف انتظار دروازه اتاق باز شد و سروکله

دگروال کرو لوف نمایان گردید و او به شتاب اینطرف و آنطرف میدوید تا یک نفر ر یافته راپور خود را تقدیم نماید و بالاخره به نزد و از یثروف که پهلوی ژدائف تشسته بود دشتافت و وقامت خود را خم نموده بیخ گوش او چند کلمه سر گوش نمود و از نیزوف بسان اینکه کدام ضرر به خورده باشد اندام خود را چمלק نمود و پس آستین ژدائف را بطرف خود کش نمود .

ژوکوف طوری معلوم میشد که گویا ملتفت اوضاع نیست غرق مطالعه خریدها و رئیس ارکان هنوز هم به دادن توضیحات مصروف بود ولی همینکه و از نیزوف چیزی در گوش ژدائف گفت ژوکوف روگشته اند بدون توجه به آن دونفر مستقیماً کرو لوف را که عقب آنها استاده بود مخاطب قرارداد و با تندى پرسید .

« شما کیستید ؟ »

کرو لوف هر اسن گردید و سکوت اختیار کرد زیرا چند ساعت قبل که ژوکوف را اول بقرارگاه سرفوماناندانی لینن گراد قدم گذاشت در قطار سایر هیئات ارکان او را نیز برایش معرفی نموده بودند و حالا حیران ماند که چه بگیرد .

ژوکوف تکرار بسویش خطاب کرد « من می پرسم شما کیستی و چرا بدون اجازه داخل شدید ؟ ! » کرو لوف داشت بجای خود استاد و کف دست رابه درز پلتون چسپا نده جواب داد .

من دگروال کرو لوف از شعبه اوپراتیف ترارگاه عمومی کرو لوف سپس يك قدم پیش گذاشت و بملایمت راپور را بیان کرد در فیه سرفوماناندان همیندم راپور رسید که آلمانها در منطقه فابریکه کیروف رخنه انداخته و داخل شده اند .

تمام اشخاصیکه در اتاق حاضر بودند از استماع راپور تکان خوردند تنها ژوکوف بوضعیت اصلی باقی بود و بدون تغییر حالت طبیعی خود یکبار به سراپای کرو لوف نظر انداخت و بایی میلی تمام پرسد .

هغه څه چې یوتن پارټیزان ئی سوی



بل څوک ئی نشی کولی

جکر ن محمد یونس شمکنی

دائمی غوښتل چې هغه نازیانو ته باید داسې ضربه ورکړي چې بیا په پښو ونه درېږي نو ددی منظور لپاره ئی نورماندی ډیره بیه نقطه و بله . مگر نازیانو په دغه محای کی ډول ، ډول استحکامات دا زوئی گدامونه ، وسلې او مهمات دراکتوونو پایگاوي دگادې خطونه او د مرټرو جادی یعنی ټول هغه شیان چې په جگړه کی کار ورغنی اخستی کیدلو جوړ او تیار کړي ؤ المانانو یو بل مهم شی هم درلود چې هغه درادار ډیر قوی سیستم ؤ چې نورماندی ته نیردی په لوهاور بندر کی شته ؤ دغه رادار په داسې محای کی موقعیت درلود چې دگر دو بحری کشتیو ، تحت البحریو د غارنی او بم اچونکو الوتکوله حرکت لڅخه به ئی نازیان خبرول .

اگر چه متحدینو غوښتلې ددغه رادار سیستم د بمبارولو لپاره هلې ځلې وکړل نو څرنگه چې هغه ډیری سختی ساتنی لاندی نیول شوی ؤ د هغوی ترتیب شوی پلان ئی تر سخت وغورځا ؤ .

څرنگه چې متحدینو دا ټکی ضروری گڼلو چې د نازیانو د له منځه وړلو لپاره باید حتماً په نورماندی بانندی حرکات اجرا کړی نو تر ټولو د مخه هغوی دامهمه گڼله چې دغه دستگاه چې دهغوی د حرکاتو د اجرا د پاتی کیدلو سبب گرځیده

لته کی وی چې بمونه ژر و اچوی مگر دفتراً متوجه شول چې دغو الوتکو د لاندی د اور لمبی لیدل کیږی ددغو لمبو په لیدلوسره ټول هغه پیلوټان چې وظیفه ئی اخستی وه وارخطا شول او پوه شول . دا ځکه چې نازیانو سرتر سره ئی بندر په زیاتو جگړه لوټو پونو ډک کړي ؤ پخوانی دینه چې الوتکی بمونه و اچوی اته الوتکی ئی په ځمکه راوغور کولی . د متحدینو پیلوټانو هیڅکله د داسې پښو انتظار ندرلور مجبور شول یو څو دقیقې صبر وکړی مگر وروسته د قوماندان په قوماند د بمونو اچول شروع شول مگر هغه نتیجه چې انتظارئ ورته لرلو په لاس نه ورغله . درادار تاسیسات چې د متحدینو د بمباری هدف ؤ د جگړه لوټو پونو په وسیله ډیر سخت د ساتنی لاندی نیول شوی ؤ . وروسته له یوی گڼې څخه د متحدینو پیلوټان بیله دینه چې درادار تاسیساتو ئی کومه صدمه رسولی دی د دیارلسو الوتکو د په لاس ورکولو نه بیرته انکلستان ته ورسیدل .

متحدینو هر څو سره چې زیار واستلو کومی مثبتی نتیجی ته ونه رسیدل . ځکه چې نازیانو دا بندر تر ډیری سختی ساتنی او غارنی لاندی نیولی ؤ .

جنرال ایزنهاور چې د متحدو قوتو نوقو مانده ئی په لاس لرله

د نړی د دوهمی خونړی او ویرانونکی جگړی په موده کی په میلیونو کسان له منځه ولاړل او خپلی کورنی غهجنی کړی مگر بیا هم ځنی کسان شته چې د ځان په تیریدلو سره ئی دا ژا بته کړه چې ډیردیو حکومت د زغملو وړندی . دوی هغه قهرمانان ؤ چې په ځان د پارټیزان نوم ایښی ؤ .

کیسه داسی وه چې هغه شپه چې د ۱۹۴۴ کال د جنوری د میاشتی یوه ډیره تیاره شپه وه د متحدینو زیاتی بم اچونکی الوتکی د ما نش د سیند په سر بانندی دیو مهم ماموریت د اجرا لپاره د پرمختگ په حال کی وی . مقصد ئی دا ؤ چې د لوهاور بندر چې د فرانسې په خاوره کی نیردی نورماندی ته پروت دی بمباری کئی .

ددی منظور لپاره چې کله به د وظیفی د اجرا غیرو اوریدل شی دو سترو تاریخی شخصیتو نو په یوه زیرزمینی پناهگاه کی انتظار اسیتلو چې یوئ ونستون چرچل از بل ئی ایزنهاور ؤ . د انتظار لحظی وروستی مرحلی ته ورسیدی . دا الوتکوسیل د لوهاور بندر له پاسه ورسیدی او خبرئ د بیسیم په وسیله خپور شو .

کله چې دغه خبر خپور شو دهغوی نارامی لازیا ته شوه . الوتکی چې د مقصد محای ته نیردی شوی او پدا

له منځه یو سی. ددی منظور لپاره چرچل او زنهاور وروسته له یوې جرگې نه دوه تنه ډیر ما هر کسان د امریکائی او انگلیسی کومانډوگانو څخه وټاکل ترڅو هغوی وکولای شي دفرانسی د پارتیزانانو په مرسته دغه کار یوې خواته کړي. دغه دوه تنه چې یوئې البیکر نومیدلو د امریکائی کومانډوگانو له جمله څخه و، اوبل ئې جرسل دانگلیس کومانډو څخه و. دغه دوتنودشپې له خوا ددغه منظور لپاره دفرانسی په خاوره کې چې پخوا دهغوی لپاره مخنی کسان مؤظف شوی و، چې هغوی ډیر ژر دپارتیزانانو مرکز ته رهنمائی کې دپاراشوت په وسیله کښته شول.

دراډار تاسیسات دلوهاور بندر شپږ څخه شل کیلومتره جوړ شوی و، دتاسیساتو دساتنې لپاره په وچه کې په یوه نږدې مسافه کې یو څو سانونکی لځای په لځای شوی و، او په عین حال کې یو څو کوچنی کشتی هم په سیند کې لځای په لځای شوی وی چې له هغه لځایه به ئې دغه تاسیسات دډیری ټینگی ساتنې لاندې نیول البیکر او جرسل او په عین حال کې دفرانسی پارتیزانانو درهبر په ملگرتیا دغه ټکی ته ورسیدل چې باید دسیند له لپاری دغو تاسیساتو ته لځانونه ورسوو او خپل عملیات شروع کړو.

په تیاره شپه کې البیکر او جرسل دفرانسوی پارتیزانانو په ملگرتیا چې ژولور نومیده دگردوهغو سایلوسره چې دهغوی دضرورت وړوی له لځان سره واخیستی د کشتی په کښته پور کې لځانونه پټ کړل او خونور فرانسویان چې په آلمانی ژبه ډیر ټیټه پوهیدل او دهغوی په لباس ئې لځانونه ملبس کړی و، دکشیتو دبیولو وظیفه ئې په غاړه واخیستله او په حرکت ئې شروع وکړه. کله چې دزادار دودانی مخ ته ساحل غاړی



یوتن پارتیزان دخپلې وسلې سره

چې تاسی هوسا اوسی زه به ئې کار درته وکړم. هغه کسان چې آلمانی لباس ئې په غاړه و هغوی ته ئې وویل چې تاسی باید داسی لځا نونه ښکاره کړئ چې دغه سړی مونږولی دی کله چې دغه درې تنه نازیان راغلل هغوی ورته وویل چې دغه سړی په کشتی کې مو ونیوو انفلاتی مواد هم ورسره دی.

دنازیانو افسر لمړی لځل اړی ته ورغی په ډیر لځیر سره ئې ورته وکتل او وروسته البیکر ته نږدی شو په همدغه وخت کې دانورو فرانسویانو لځا نونه هغه دوونوته ورسول دټوپکو په فنډاغونو ئې ډیری سختی ضربی ورکړی بیهوشه پریوتل البیکر هم دهغوی افسر ډیر کلک ووا هه درې سره ئې په بیړی کې واچول په حرکت ئې شروع وکړ کله چې د مطلب لځای ته ورسیدل البیکر ئې په مخ کې و او نورو تر څت تعقیبو لو کرده انفلاتی مواد ئې دراډارودانی څنگ ته ورسول دودانی مخ کې یوازی دوه تنه ساتونکی ولاړو، البیکر او جرسل په زحف سره لځا نونه هغوی ته نږدی

ته ورسیدل په ډیری چټکتیا سره ئې په فعالیت شروع وکړه په همدغه وخت کې البیکر متوجه شو چې په بیړی کې یو تن بل هم شته په بیړی بیړی سره دهغه په لوری روان شو ورته ئې وویل چې ته څوک ئې دمقابل لوری محواب ورکړ شو چې زما نوم اینه ده دژولور نامزده یم. ژولور په ډیر قهر خپلی زمزدي ته چې دنر کالی ئې اغوستی و، ورغی او ورته ئې وویل چې ولی ددا کار وکړو تاته مانه و، وویلی چې ما پسې رانشی. هغی په محواب کې ورته وویل چې زه بیله تانه ژوند نشم کولی که سرو دواړه باید یو لځای سره شونو په دغه لحاظ لځان می په بیړی کې پټ کړ او تردغه لځایه پوری راغلم نور ئې هم غوښتل چې یوڅه ووا ئې مگر البیکر چې دیوی دقیقی ارزښت ئې هم غنیمت بللو وویل پروانلری وخت له لاسه باید ورنکړو. دوی غوښتل چې پخپل فعالیت شروع وکړی نا لځا په ئې درې تنه نازیان ولیدل ټول وارخطا شول چې باید غه وکړو البیکر وویل

کپل ، په همدغه وخت کې یوساتونکي دروازه خلاصه کړه یو ملکي سره ترینه راووت او بیرته ئی دروازه وتړله . پدغه وخت کې ایرنی یوچل وکړو یوناغا په ئی غبرو کړ چه دخدای دپاره مرسته را سره وکی دغه ساتونکي په منډه روان شول مگر په نیمائی لپار کې د البیکر او جرسل لخوا و وژل شول اوله جیبه ئی د دروازی کلی ورځنی واخسته .

ژولور او نا مزده ئی دواړو توپکونه پلاس کې واخستل دهغوی دساتنی لپاره لځای په لځای شول . البیکر او جرسل د ضرورت وروسانل په غیر کې واخستل درادار ودانی ته ننوتل جرسل چه په دغه ډول کارونو کې ډیر مهارت درلود سمدستی بمونه اونور انفلاتی مواد ئی په هغه لځای کې چه په سر ئی درادار مامورینو کار کولو کیشودل البیکر غرنگه ئی چه د شاوخوا مراقبت کولو د جرسل سره ئی هم مرسته کوله روروسته له لسو دقیقو خپل کار ئی تمام کړ . جرسل دسیم سرچه بل ئی دانفلاتی موادو سره ارتباط ورکړی و ، د دروازی سره ئی داسی وتړلو چه د دروازی په وازیدلو سره البته ودانی هم له منځه تلله .

په وروستی وخت کې کله چه ئی غوښتل له ودانی څخه ووزی دنازیانو یوصاحبمنصب ولیدل پخوا لدینه چه هغوی له مینځه یوسی البیکر مهلت ورنکړ د یو مردک ئی کړو . د مردک دغیر په اړویدلو سره د دستگا گرده کار کونکي ودریدل د جرسل او البیکر په لوری په منډه شول اما قهرمانان په ډیری بیړی سره له ودانی نه ووتل دروازه ئی ورپسی وتړله . نورو ملگرو ئی هم خپل توپک په لاس واخستل له هغه لځایه په تېښته شول .

دودانی کار کونکو کله ئی چه دروازه تړلی ولیده نور لپار ترینه کیه ورشو دغه جریسان ئی

په تېلفون کې خپل ما فوق ته په عرض ورسولو وروسته لوغو دقیقو دخطر غیر وچت شو روشنی اندازو گرده ساحه روشانه کړه سمدستی یوموتر چه شل تنه افراد او یو صاحبمنصب ورپکښی و ، دغه لځای ته لځانونه را ورسولی ترغو وکولای شی درادار موظفینو ته نجات ورکړی لمړی هغوی په خپلو اوږ وډیر زیار وایست چه دروازه خلاصه کې مگر بریالی نشول په همدغه وخت کې یوله کار کونکو څخه متوجه شو چه په دروازه پوری یوسیم تړلی دی سمدستی پوه شو چه نقبونه لځای په لځای شویدی هرڅو مړه ئی چه زیار وایست چه هغه پرېکړی اما داچه دغه سیم له مسو څخه جوړ شوی ؤ اوله بلیخوا هغوی سره کومه اله نه وه چه هغه ورباندی پرېکړی درادار کار کونکي وپوهیدل چه مړینه موراعلی ده نو په دغه لحاظ هغوی گرده د دروازی شاته ودریدل زیار ئی ایستلو چه دروازه وازه نشی .

دموتر واکدار سمدستی خپل ډرپورته امر وکړ چه په موتر ئی ووايه چه زر خلاصه شی موتر وان هم ددی لپاره چه په اینده کې به د یو قهرمان نوم وگتی موتر ئی چالان کړ . د دروازی په لوری ئی حرکت وکړ . هرڅو مړه چه دودانی له ننه نه غیر ورته کیدلو چه دروازه مه خلاصوی هغوی دغه غبرنه اړویدلو په همدغه وخت کې د کار کونکو له جملی څخه هغه صاحبمنصب چه غو دقیقې پخوا دپار تیزانانو لخوا وژل شوی ؤ متوجه شو او دهغه په لوری ئی منډو واخسته دهغه وسله ئی په لاس کړه .

جرسل ، البکر ، ژولور او یرنه څلورواړه په ډیری چټکتیا سره د ساحل په لوری په لځفاسته شول البیکر ناغا په متوجه شو چه د څلورونازیانو لخوا تعقیبیری سمدستی دیوی تیری تر شاپت شونور وته ئی وویسل چه

تاسی در لځوی زه هم در پسی در لځم . البیکر په سنگر کې لیر انتظار وایستلو ترغو دا څلو رتنه نږدی شول سمدستی ئی په هغوی ډزی وکړی په لمړی مرحله کې ئی له هغوی څخه دوه تنه په محکمه راوغور محول او نورو د وتنو دالبیکر ډزونه لخوا وکړ مگر البیکر دوسره ما هر ؤ چه هغه دوه ئی هم ووژل .

موتر وان په ډیر قهر او غضب سره په دروازه و رغلو دوه ځلی ئی دغه حرکت تکرار کړ په اخیر کې ئی دروازه وغور ځوله د کار کونکو له جملی څخه هغه سړی چه وسله ئی په لاس ده ماشه ئی کش کړه مگر دغه کار وروسته له وخته ؤ چه ودانی سره له ټولو وسایلو په هوا کې په لمبو شروع وکړه . البیکر سره له نورو ملگرو نږدی شوی ؤ ، چه خپلی گوډالی ته ننوزی ناغا په بی ولیدل چه شپږ تنه نازیان نور هم ورپسی روان دی . ژولور سمدستی په هغوی ډزی وکړی یوتن ئی تر ووازه پنځو نورو بی سنگر وینو البته دغه خطر هم شته ؤ ، چه نوری قواوی هم راجی دخلاصیدلو لار به ورکه شی په همدغه وخت کې ژولور چه بی احتیاطی ئی وکړه دشمن لخوا یو مردک په ټنده ولکیدلوحتی دخپلی نامزدی سره بی دخدای حافظی فرصت هم پیدا نکړ .

ایرنه چه دغه صحنه ولیده وینه ئی په جوش راغله خپله تفنگ چه راویستله دالبیکر او جرسل په لوری ئی نښه و نیوه او ورته ئی وویل چه ژرشی وتبنتی کنه ماشه کشو ، کوم البیکر او جرسل چه دغه وضعیت ولید مجبور شول خدای حافظی ئی ورسره وکړه په تېښته ئی شروع وکړه . ایرنی خو ډزی پر دشمن وکړی مگر هغی هم یومروک په سینه وخور او پوهیده چه مړینی ته ئی ډیر لږ وخت (بقیه در صفحه ۶۴)

اسلحه دستہ جمعی

انفجار هسته ئی و تأثیرات آن بالای اورگانیزم

ترجمہ و نگارش

دو کتور محمد داود بار کزائی
دیپلوم اکادمی طبی لینن گراد

اسلحه دستہ جمعی اسلحه را گویند کہ در یک وقت بسیار کم تلفات جسمی خیلی ها سنگین را به دشمن وارد می سازد کہ این تلفات نه تنها باعث از بین بردن کتلوی افراد می گردد بلکه تلفات حیوانی نباتی و تخریب تعمیرات و تمام اشیا ماحول را بار می آورد و عبارت از اسلحه ای اتومی، یا کترولویالوژی و کیمیاوی است کہ انرژی قوی هستوی را دارا می باشند و سه نوع انفجار اتومی موجود است .

۱ : انفجار هستوی اتوم کہ اثر تعاملات کیمیاوی دوام دار تولید شده و این عناصر عبارت اوران و پلوتون می باشد .

۲ : انفجار بم های هائیدروجی انفجار این بم ها حرارت فوق العاده شدید را تولید می کند و عناصر آن عبارت دیتری ، لیتی و تری تی می باشد .

۳ : انفجار بم های کہ اساساً به اثر استحصال و تجزیه عناصر کیمیاوی ساخته شده اما هسته اوران به این ها اضافه شده است انفجار اتوم کہ تلفات کتلوی را باعث می شود تأثیر ذیل را دارا است .

۱- فشار ضربه ای موج اتوم :-
٪ ۵۰ انرژی انفلاق شده را تشکیل داده باعث تلفات افراد و تخریب

تعمیرات می گردد فشار ضربه ای موج اتوم عبارت از سطح متر اکم هوا ، آب و خاک بوده کہ قوه آن به چندین میلیارد می رسد .

اتمسفر به اثر فشار ضربه ای به اطراف پراکنده شده سرعت و قوت آن زودتر کم شده می رود سرعت آن در نزدیک نقطه ای انفلاق بلندتر از سرعت صوت می باشد مثلاً به انفلاق بم اتومی ۲۰ کیلو تن فشار ضربه ای موج درین صورت یک کیلو متر بمدت دو ثانیه و ۲ کیلو متر بمدت ۵ ثانیه و سه کیلو متر بمدت ۸ ثانیه می باشد و سرعت امواج ضربه ای در زیر آب بر ۱،۵ کیلو متر فی ثانیه می رسد تپه ها و سطح ناهموار زمین به سرعت ضربه ای موج تأثیرات خیلی مهم داراست مگملاً نابود ساخته می تواند درین صورت فشار موجی ۰،۰۰۵ الی ۰،۰۰۰ کیلو گرام فی سانتی متر مربع است به اثر انفجار اتومی از نقطه انفلاق تا ساحه تأثیر اشعه سه منطقه ذیل موجود است .

۱- فشار ضربه ای موجی
۲
 $1kg/cm$ - تلفات خیلی ها سنگین را بوجود آورده و باعث نابودی مکمل تمام تعمیرات می گردد .

۲- منطقه دو می کہ فشار ضربه ای موجی $0,3-1kg/cm$ می باشد تمام تعمیرات راتخریب و باعث تولید جرها و گودال ها شده و حریق عمومی این منطقه را دربر گرفته و سوختگی های درجه II - III تولید می کند تنها جها های مخصوصیکه توسط استحکام برای محافظه از اتوم ساخته شده افراد در امان می مانند و بس .

۳- منطقه ای سومی کہ فشار ضربه ای موجی $0,3-0,1kg/cm$ قسماً تعمیرات خراب شده اما افراد در گودال ها و جرها پنهان شده اند محفوظ می مانند .

II تشعشع نورانی :- اشعه روشنی دهنده کہ حرارتی بوده و سوختگی ها را بوجود می آورد و ۳۵ فیصد انرژی انفلاق شده اتوم را تشکیل می دهد درین تشعشع در مرکز انفلاق شده اتوم بوجود آمده دارای چندین ملیون درجه حرارت بوده کہ قسمت زیاد آنرا اشعه بنفش تشکیل داده کہ موج و تأثیرات بیولوژیکی آن بالای وجود خطر ناک است و ۹۹ فیصد دیگر را اشعه نورانی مرئی و قرمزی تشکیل میدهد مانند جدول ذیل .

نارمل اتموسفر در يك cm^3 هوای خشك $2,08.10^9$ ايون ساخته بتواند يعنى دو ميليارد جوره ايون هاى كه در ساختمان آنها ۹۷٪ از گم مصرف شده باشد. منبع سرايت ايزوتوپ راديو اکتيفى است كه در زمان انفلاق به اطراف واکناف پراکنده مى گردند.

ذرات β (بى تا): - عبارت جريان

منفى ذرات اتومى است «الکترونهاى كه ولانس شان يك وزن اتمى ۱۸۴۰ مرتبه کمتر از اتوم ها نيروجن باشند» اشعه β هم نفوذ کننده است.

ذرات الفا (α): - جريان مثبت

ذرات اتومى است (ولانس آن ۲ دوزن است) و عبارت از هسته اتوم هيلی بوده كه قدرت نفوذ كنده داشته اما خيلى ها اندك مثلاً يك ورق كاغذ سقيد اورگانيزم را محافظه نموده مى تواند.

وعموماً انفلاق اتوم بشکل سمارق دیده مى شود. سرايت اتومى در اجسام اطراف به سه منطقه اى ذيل تقسيم مى گردد:

۱: منطقه اولی: سرايت اتومى

كمتر داشته و قدرت ذرات راديو اکتيفى ۸ رنگتن فى ساعت تعيين شده است افراديکه تحت اين ساحه قرار مى گيرند (بدون زير زمينى هاى مستحکم كه توسط استحکام ساخته شده) ۱۵ فيصد سرايت راديو اکتيفى را مى گيرند.

مفصلاً در جدول ذيل دیده

مى توانيم :-

زمان انفلاق اقسام اشعه نورانى	ثانیه اول انفلاق اتوم	چند ثانیه بعد از انفلاق
اشعه بنفش	۴۳	۷
اشعه مرئى	۳۸	۳۱
اشعه قرمزى	۱۴	۵۲

اشعه نورانى از 0.3 تا 30 ثانیه دوام نموده و مربوط به قوه اتوم مى باشد با وجود يکه تشعشع نورانى يك زمان خيلى ها كم را احتوا مى كند بآنهم تاثيرات سوزنده آن اضافه از ۲۰ كيلو متر فاصله را در بر گرفته و سوختگى هاى مختلفه را بوجود مى آورد.

III اشعه نفوذ کننده گاما (γ) كوانت و نترون ها كه ۵ فيصد انرژى انفلاق اتوم را توليد مى كند و γ كوانت عبارت از موج الكترو مقناطيسى است كه در چشم دیده نشده و مانند اشعه رنگتن نفوذ زياد را دارا است ذرات نتر و نى عبارت از ذرات الكترو نتر و نى بوده كه نفوذ فوق العاده را داراى باشند و براى محافظه از اين نوع اشعه نفوذ كنده از عناصر و اشيا مصنوعى و طبعى و بتونى استفاده بعمل مى آيد و مربوط به ضخامت اين اشيا مى باشد مانند جدول ذيل كه رقم اشيا و محافظه وجود را از اشعه نفوذ كنده ارائه مى كند

اجسام محافظه كنده	اقسام اشعه نفوذ كنده	
	اشعه گاما (γ)	جریان نتر و نى
سرب	۲	۱۸
آهن	۳	۱۱
بتون	۱۰	۸
خاك	۱۴	۹
خانه هاى خشتى	۱۶	۹
آب	۲۳	۳
درخت	۳۰	۱۰

دوز گرفته شده (γ) گاما

كوانت به رنگتن اندازه مى شود و

عبارت از آن مقدار گاما كوانت

است كه درجه حرارت صفر و فشار

قدرت وقوت اجسام محافظه كنده اشعه نفوذى به اين فورمول حساب

مى گردد .

تعداد طبقات اجسام $n =$

ضريب نفوذى $X =$

اقسام	ضریب تقلیل اشعه
استحکامات که ۱/۲-۱/۵ متر را دارا باشد	اشعه رادیواکتیوی تأثیر ندارد
گودالی ها ، شیله ها و مغاره های کوه	۴۰
تعمیرات چوبی	۳
تعمیرات سنگی	۱۰
تعمیرات سنگی دو طبقه ئی	۲۰
تعمیرات سنگی سه طبقه ئی	۴۰
تعمیرات سنگی چندین طبقه ئی	۷۰
اکوپ های ساخته شده و شق های طبیعی زمین	۴

وجود ذخیره می گردد مانند مانند تری نژی تیلور و غیره ذرات رادیواکتیوی جذب شده در وجود بواسطه جهاز هضمی، گرده ها و یک قسمت توسط شش ها و یک اندازه توسط جلد غدوات عروقیه، غدوات لعابیه و مادران شیردار توسط شیر خارج می گردد، از عناصر مخد-تلفه رادیواکتیوی بعضاً زودتر از اورگانیزم

خارج می گردند مانند I^{131} ، Na^{24}

و بعضی عناصر سالها در جسم باقی می ماند مانند $90 Sr$ و $239 Pu$ و غیره

IV عملیه ایونیزاسیون اشعه

بالای وجود: - ۱۰ فیصد انرژی

اتومی را تشکیل داده ذرات رادیواکتیوی که در حال عبور از حجرات و ساختمان های بیولوژیکی هستند اتم های نیترال و ما کیلول ها را منفی ساخته و یکمقدار زیاد جوره های ایونی را تشکیل می کنند و یا اینکه الکترون ها را از حلقه داخل اتم

بطرف خارج رانده و اتم خارج شده را در حال احتیازات در می آورده و در نتیجه ای این عملیه شکل حجرات و انساج تغییر خورده و جذب حجرات مرده و تجزیه شده باعث تولید یک توکسیشن اورگار نیز می گردند که باعث تولید مریضی تشعشعی می گردند.

مریضی تشعشعی حاد و یا Morbus Radiatioois Acutis

در نتیجه انفلاق اسلحه اتومی و یا خراب شدن آله های تولید کننده اشعه ئی و یا گرفتن دوز زیاد به اثر مراعات نکردن قوانین اکسریزی در طبابت و غیره آله های که اشعه R را تولید می کنند و در صورتیکه افراد ساحت تأثیرات آنها واقع شوند به اثر عملیه ایونیزاسیون این مریضی تولید می گردد و مربوط به درجه

۲: منطقه دومی که سرایت اتومی زیاد را دارا بوده و قدرت ذرات رادیواکتیوی به ۸۰ رنگتن فی ساعت تعیین شده باشد افرادیکه تحت این ساحت واقع می شوند سرایت رادیواکتیوی به فیصد ۱۰۰ رسیده است لکن در تعمیرات فیصد ۵۰ تعیین شده است.

۳ منطقه ئی سومی - سرایت اتومی فوق العاده زیاد و خیلی خطرناک بوده که قدرت ذرات رادیواکتیوی ۲۴۰ رنگتن فی ساعت تعیین شده است تعمیرات و اکوپ ها فیصد ۱۰۰ رادیواکتیوی را اخذ نموده و بصورت عموم دوز گرفته شده به فورمول ذیل حساب می گردد.

اندازه اشعه در ابتدا انفلاق $Po =$

اندازه اشعه در ختم $PH =$

ضریب کمی اشعه $R =$ زمان $t =$

$$D = \frac{Po + PH \cdot t}{2K}$$

خون در استخوانهای بدن جذب می گردند مانند کلسیم، اوران، پلوتون و فسفور و غیره.

۲: - ذرات رادیواکتیوی که از راه خون به کبد، مغز استخوان و طبقه اندوتلی شریان ها و وریدها ذخیره می گردند مانند لانتان تری و توری.

۳: - ذرات رادیواکتیوی که در تغییرات کیمیاوی وجود حصه گرفته و در اعضای مخصوصه جای گزین می گردند مانند ایود رادیواکتیوی دار که در غدوات ترودیس و آهن رادیواکتیوی دار که در حجرات سرخ خون ذخیره می گردند.

۴: - ذرات رادیواکتیوی که در تمام انساج و سیستم های مختلفه

اشعه رادیواکتیوی بر اشکال مختلفه داخل وجود می گردد در نقطه انفلاق شکل گاز و گرد از راه تنفسی داخل بدن می گردد و ضمناً از استعمال آب سرایت شده رادیواکتیوی و بطور تماس مستقیم از راه جلد نیز داخل بدن شده می تواند ۲۵ الی ۷۵ فیصد ذرات رادیواکتیوی از راه جهاز تنفسی و باقیمانده همراه لعاب دهن داخل معده شده از جمله ۱۰ فیصد در جهاز هضمی جذب گردیده و باقی همراه مواد فاضله خارج پرتاب می گردد ذرات جذب شده رادیواکتیوی که به طریق های مختلفه داخل بدن می گردد در خون داخل شده و جهاز گروپ ذیل را بوجود می آورد.

۱: ذرات رادیواکتیوی که از راه

و تأثیرات ذرات رادیواکتیوی، زمان دوز و خاصیت اشعه سن و حالت عمومی افراد می باشد

بهر اندازه که دوز رادیواکتیوی زیاد پخش گردد بهمان اندازه سیمپتوم های مریض تشعشعی زود ظهور میکند و مربوط خاصیت تقسیمات اشعه تی و عمل بیولوژیکی آن و جذب آنها توسط حجرات بدن چه از خارج و چه از داخل میباشد طبق راپورهای طبی اشخاص کمین سال و اطفال حساسیت بیشتر بمقادیر اشعه رادیواکتیوی نشان داده اند مریض تشعشعی حاد چار دوره ذیل را میپیماید .

۱- دوره ابتدائی :- بعد از ده الی ۲۰ دقیقه پیدا شده و از چند ساعت تا یکشنبه روز دوام میکند و مریض از سستی اعضا، درد سر، سرچرخی، تب سرخی جلد، دلبدی و استفراغ، اسهال خواب آلودگی و بعضی اوقات بیخوابی هیپوتونی (*Hypotonia*) ، کم اشتهائی، تشنگی شکایت داشته و ضمناً در خون لیکوئی تو *Licoytos* و خشکی دهن بمشاهده میرسد .

۲- دوره مخفی :- از چند روز تا ۳-۵ هفته دوام کرده تمام شکایت و سیستم های دوره ابتدائی کم شده و یا از بین میروند مانند (دلبدی استفراغ سر درد، سرچرخی، تب و غیره) درین دوره مریض حالت بهبودی حس نموده و اکثر فکر میکنند که صحت یافته اند .

۳- دوره شدت مریض (نشوونمای مریض) :- در حالیکه دوز زیاد گرفته باشد بعد از دو هفته وضعیت عمومی مریض رو به خرابی نهاده و تمام شکایت مریض و سیمپتوم های دوره ابتدائی به اوج خود رسیده و علاوه تا سیمپتوم های دیگر از سیستم های مختلفه بنظر جلوه میکند اینها عبارت اند از هیموراژی *Haemoragia* ، تاخی کاردی *Hypotonia* ، دیسترونی میوکارڈ قلب و ضمناً *Ton* های قلبی توسط فنونسکوپ ضعیف شنیده میشود .

در خون : *Licopeoia* ، *Trombopenia* *Limphadenia* *Hypoprotonemia* *Anemia* *Erythropeoia* و مقدار هموگلوبین (*HB*) پایان می افتد زخم های نکروز در دهن و سیستم هضمی بمشاهده رسیده امکان اسهال خونی و *Peretonit* هم میباشد درین دوره ظهور *Argioa* ، پنومونی و سپسیر به مریض خطرناک تر بوده و این از سببی است که امونه بیولوژیکی وجود ضعیف میشود .

۴- دوره بهبودی :- تب گم میشود

و خواب بحال نارمل برگشته و تمام سیمپتوم ها کم کم از بین رفته و مریض صحت مییابد نظر به دوز گرفته شده مریض تشعشعی را به سه درجه نموده اند .

۱- مریض تشعشعی ساده که از ۱۵۰ الی ۲۵۰ رنتگن تعیین شده باشد .

۲- مریض تشعشعی وسطی که از ۲۵۰ الی ۴۵۰ « « « « .

۳- مریض تشعشعی سخت : که از ۴۰۰ - ۱۰۰۰ رنتگن دوز آن تعیین شده باشد و اگر از ۱۰۰۰ رنتگن بالاتر تعیین شده باشد در آن صورت خیلی ها خطرناک می باشد .

مریض تشعشعی که به اثر داخل شدن ذرات رادیواکتیوی از راه سیستم هاضم وی بوجود بیاید نسبت بمریض تشعشعی که از داخل شدن ذرات رادیواکتیوی از طریق جلد صورت بگیرد خاصیت های ذیل را دارا می باشد .

۱- نظر بدوز گرفته شده تمام سیستم های وجود تحت تاثیر قرار می گیرند .

۲- اشعه را نظر به β زیادتر حرارت بدن را متاثر می سازد و زیادتر اعضای ذیل وجود را به صدمه سوق میدهد کبد ، گرده ها و زیادتر *Limphocyt* ها را متاثر میسازد .

۳- دوره بهبودی تمام سیستم طولیل تر انجام می پذیرد .

اورگانیزیشن و جستجوی منبع استعمال اسلحه اتومی در محاربه :
جستجوی منبع هستوی بسه امر قوماندانان جنبه صورت گرفته و برای اینکه مکمل و درست انجام شده بتواند فعالیت های پی در پی در وقت و زمان لازم از افراد مؤظف تقاضا میکند و تمام قوماندانانیکه به این وظیفه حصه می گیرند در تکنیکات طبی و احتمال هرثا نیمه استعمال هسته اتومی را باید پیش بین بوده و موادات ذیل را مدنظر داشته باشند .

— بسویه عالی درس و تعلیم کشف هستوی را در حضر و در سفر و بدسترس آنها گذاشتن تکنیک کشف رادیواکتیوی اسیت های تحفظی مخا بره و ترانسپورت و غیره اشیا لازم را .

— پلان و تکنیکات درست دسته های تعیین شده که در جستجوی منبع هستوی وظیفه می گیرند .

— مانور قوه ها و دسته های تعیین شده که به جستجوی منبع هستوی اند در تمام طول محاربه .

— مخا بره قوی و پیش بینی های لازم در سیستم مخا بره .

وظیفه قوماندانان دسته های جستجوکننده هسته اتومی یافتن درجه و قدرت اتوم استعمال شده و مقدار اشعه آن در هوا تعمرات آب و سرحدات اشعه تی بوده و برای اینکه این وظیفه انجام شده بتواند قوماندانان ابتدا پست های بیننده را انتخاب و این پست ها از قوماندانان وظیفه گرفته (نقطه توسط در کجا وقت و زمان تعیین درجه رادیواکتیوی، آلات دوزی متر آله اشاره و جای نصب آلات تلفونی و پست های همجواری در کجا) و بعدا بوظیفه محوله خویش هائی پردازند .

آله های تعیین رادیواکتیوی عبارت از مارک های مختلفه بوده که مهمترین آنان عبارت از *DP-12*، *DP-5*، *DP-2* طوریکه در شکل هم دیده می شود *DP-12* از پرزه جات فعال ذیل تشکیل یافته .

— اندیکاتور رادیو اکتیوی که برای معلوم نمودن اشعه رادیو اکتیوی تعیین شده است .

— رنتگین و متر که اندازه ذرات اشعه را تعیین میکنند .

— رادیو متر که برای اندازه رادیو اکتیوی در سطح آب، میوه جات و خوراکیه باب و غیره

آلات ذکر شده در محاربه طور

ذیل به فعالیت ادامه میدهند بعد از اشاره خطر استعمال اسلحه اتمی امر فعالیت تمام این آلات رادریست های تعیین شده آنها از طرف قوما ندانان دسته ها داده شده و بعد از تعیین فوراً به پست های همجوار اطلاع داده و نظر به اسر قوما ندان جنبه تمام افراد به پوشیدن سیت های تحفظی موظف می شوند .

در تعیین مقدار اشعه دوزی ستر

بدون خطر تا ۵۰ رنتگین در چند مرتبه تا مدت چهار شبانه روز و در ظرف ۱۰ روز ۱۰۰ رنتگین و در ظرف سه ماه ۳۰۰ رنتگین و برای اشخاصیکه در اکسریزها کار می کنند $100Mr$ در ظرف یک هفته شمرده شده اما ۳۰ رنتگین در ظرف یک ساعت خطر ناک بود و امر سیت های تحفظی برای پوشیدن داده می شود .

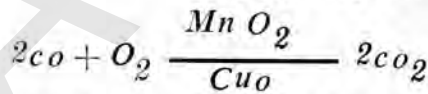
آلات دوزی متر و خاصیت تعیین درجه اشعه ای آنها

در کدام موقع استعمال می شود	اندازه گرفتن اشعه ای	وظیفه ای آلات	آلات تعیین کننده اشعه ای
در زمان انفلاق هسته اتمی و بعد از آن	از ۰-۵۰ رنتگین فی ساعت	برای تعیین اشعه β و γ و قدرت دوز گرفته شده این اشعه	DP-63
»	از ۰-۲۰۰ رنتگین فی ساعت	برای تعیین اشعه γ در محاربه در دست کسوه و غیره	DP-2 رنتگین و متر
»	از ۰-۵۰۰/۱ رنتگین فی ساعت	تعیین اشعه در قوای هوایی از طیاره	DP-3 رنتگین و متر
»	در صورتیکه از ۱۰۰۰ تا ۱ میلیارد و تجربی عناصر بوده از ۱-۱۲۵ رنتگین فی ساعت	برای تعیین تمام اجسام اطراف و اکناف استعمال شده اتم	DP-12
بعد از اتم برای کنترل دوز گرفته شده		برای کنترل دوز اشعه ای	DP-23

سیت تحفظی جداگانه و زیر مینی های که جمعیت بزرگ را از خطر اتم محفوظ می دارند

۱ سیت های تحفظی جداگانه :- عبارت از آله تحفظی گاز که به مارک مختلفه ساخته شده و انسان را از خطرات رادیو اکتیوی محفوظ می دارد از این آله، آله تحفظی به تیپ فلتر زینن ساخته شده زیادتر مورد استعمال اردو ها واقع شده است مثلاً در اردوی روسیه GP-4y و غیره این آله از دو قسمت ساخته شده: قسمت تحفظ روی که از رابر ساخته شده و قسمت دیگر این آله

برای فلتر گازات و ذرات مضره ساخته شده که تعاملات کیمیاوی در جعبه آن صورت می گیرد



استعمال این برای مدت ۸ الی ۹۰ دقیقه بوده و بعد از مدت مذکور آله فوق از کار می برد که دروس استعمال آن البته در قطعات تدریس می گردد.

۲ - مارلی پنجه ای که به قسم بنداژ ساخته شده و تنها سیستم تنفسی را دفاع می کند.

۳ - اشیاء که بمقصد تحفظ جلدی

ساخته شده که بشکل دریشی، بالاپوش دستکش، موزه و غیره می باشد.

۲ زیر مینی های تحفظی که یک جمعیت را از رادیو اکتیوی محفوظ می دارد .

تحفظگاه های زیر مینی که توسط استحکام از بتون و غیره ساخته شده و جهت محافظه کتلوی در ایام استعمال اسلحه اتمی از آنها کار گرفته می شود البته ساخته نهائی این تحفظگاه توسط انجینران در جا های معینه ساخته شده و تمام معشیت زندگی افراد در نظر گرفته شده است . ختم

همغه خه چه یوتن پارتیزان (بقیه صفحه ۵۹)

پاتی ده دژولور له خنگه ای بم و کبیس ددشمن په لوری ای وغور و لو هغه پنجه تنه نازیان چه فعالیت ای کولو

له مینجه یوول، وروسته په ژولور دپاسه پریوته خیل روح بی و رسره یولهای کی. البیکر او جرسل د پیری منهای ووهلی ترغو نور و پارتیزانانو ته بی بخاونه ورسول په همغه کشتی

کی بیرته سپاره شول په حرکت ای شروع وکپه کله به بی د خوشالی خندا کوله او کله به ای دغم . خوشالی ددی لپاره وه چه بریالی شول او غم ددوو و طنز دوستو قهرمانانو په مریته .

پرتاب دستگاه‌های کیهانی به سمت

سیارات منظومه شمسی. در بالای دستگاه‌های کیهانی در یک قسمت زیاد خط السیر پرواز آن‌ها قوه جاذبه کدام جسم زیاد تر تاثیر می‌نماید

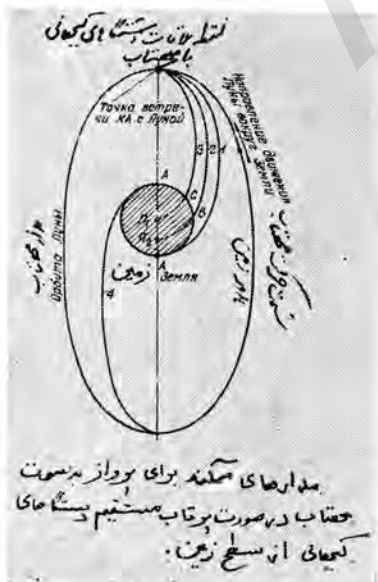
آن میباشد. طوریکه واضح است برای پرواز به سمت مهتاب از پرتاب‌های مستقیم از سیاره زمین و یا از مدار وسطی که قبلاً قمر مصنوعی در آن داخل ساخته شده است استفاده بعمل می‌آید. در صورت پرتاب بدون داخل ساختن دستگاه بمدار وسطی برای پرواز به سمت مهتاب می‌توان از هر قسم خط السیری (محرک) استفاده کرد. البته به نوبه اول آن مدارهای مورد پسند ما قرار خواهد گرفت که بمصرف اصغری انرژی ضرورت دارد. درین مدارها مدار بیضوی سپوتینک زمین که *Apogei* (نقطه مدار بیضوی گردش اجسام سماوی بدور زمین که دارای مسافت اعظمی از مرکز زمین میباشد) با مدار مهتاب منطبق می‌باشد نسبت داده میشود (به شکل دیده شود) در صورت پرتاب از نقاط *A* و *B* و *C* (نزدیک‌ترین نقطه مدار مهتاب و یا اقمار مصنوعی بزمین) مدار به ترتیب در نقاط *A*، *B* و *C* قرار می‌گیرند و این راهم باید بگوئیم که دو نقطه «آخری» (*A* و *B*) در داخل کره زمین قرار گرفته‌اند

اقمار مصنوعی زمین را می‌توان بطور پرتابی در هر وقت شبانه روز و هر روز دلخواه ماه پرتاب کرد تاریخهای پرتاب دستگاه‌های کیهانی به سمت قمر زمین (مهتاب) دارای فاصله‌های چندین هفته‌ای می‌باشند در حالیکه پرتاب به صوب سیارات دیگر فقط با فاصله زمانی بسیار طویل که حتی تا چندین سال می‌رسد ممکن میباشد. شما خواننده محترم سوال خواهید کرد که چه قسم می‌توان این موضوع را شرح کرد؟

هر قدر که راکت‌های برنده (انتقال دهند) عصری قوی تر باشد باز هم امکانات انرژیکی آن محدود می‌باشد. بدین سبب یکی از موالات اصلی که در زمان پرتاب دستگاه‌های کیهانی به سمت سیاره مهتاب و دیگر سیارات منظومه شمسی بوجود می‌آید عبارت از انتخاب تاریخ پرتاب میباشد. و این موضوع به یک شکل منظم با مصرف انرژیکی که برای رسانیدن این اجسام سماوی به سمت سیارات انتخابی شان لازمی است رابطه دارند.

انرژی مصرف شونده برای داخل ساختن اقمار مصنوعی زمین بمدار معینه مکملآ بواسطه پارامترهای مدار تعیین گردیده و با زمان پرتاب کدام رابطه‌ای ندارد. زمان پرتاب نظر به شرایط داده شده و مسایل پرواز که بطور مثال در آنها تهیه کردن امکانات دید رادویی دستگاه‌های کیهانی از محلات ترصد زمین، توجیه کردن به سمت آفتاب و ستارگان در کدام مرحله معین پرواز، زمان داخل شدن به سایه «زمین» نشان دادن لازمی در منطقه تعیین شده شامل می‌باشند تعیین می‌گردد. و یا به عباره دیگر در انتخاب تاریخ پرتاب اقمار مصنوعی زمین فکتورهای تعیین کننده نه عبارت از محدودیت‌های انرژیکی می‌باشد بلکه محدودیت‌های اقلیمی و ژئومتری درینجا رول دارند.

فرقیکه اقمار مصنوعی زمین (سپوتیک‌های زمین) از دستگاه‌هاییکه به سمت مهتاب پرتاب می‌شوند دارند عبارت از آنست که پرتاب دستگاه‌ها به سمت مهتاب با انرژی مصرفیه کدام رابطه‌ای نداشته و مربوط بتاریخ پرتاب

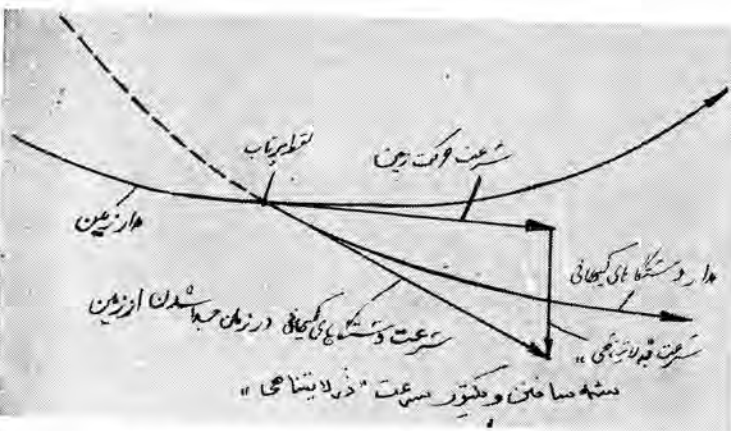


از نقطه نظر انرژی تکی این هرسه خط السیر دارای قیمت های مساوی نمیشوند هر قدر که اندازه نصف محور کلان خورد تر باشد بهمان مقدار مصرف انرژی برای داخل ساختن دستگاه کیهانی بان کمتر می باشد. در شرایط داده شده مساعده ترین همه عبارت از مدار سومی است اگر چه فرق در مصرف انرژی برای حرکت کردن بخط السیر اولی و سومی بسیار کم بوده و با سرعت ۱۱ الی ۲ متر فی ثانیه مطابقت می کند.

حالا می بینیم که فکتورهای زمانی برای انتخاب تاریخ پرتاب چه قسم تاثیر وارد می کند. طوریکه بشما معلوم است نظر به گردش مهتاب مسافه بین زمین و مهتاب بطور دوامدار تغییر می خورد (مسافه اعظمی بین زمین و مهتاب در حدود 407000 Km و مسافه اصغری در حدود 357000 Km میباشد) دوره گردش مهتاب با طرف سیاره زمین به ۲۷ روز و ۷ ساعت و ۴۳ دقیقه و ۵۵ ثانیه می رسد (این ماه بنام ماه *Sideris* یاد گردیده و یک دور با طرف زمین میباشد غیر ازین یک اصطلاح دیگر که بنام ماه سینودی یاد میشود موجود است و آن عبارت از فاصله زمانی بین فازهای یک قسمی مهتاب میباشد و با لعموم این مدت به ۲۹ روز و ۱۲ ساعت و ۴۴ دقیقه و ۲۷ ثانیه میرسد). در جریان این مدت (ماه *Sec Sideris*) مهتاب فقط یک مرتبه از پیری سنتر خود میگذرد. این زمان برای نشان دادن دستگاه کیهانی در بالای آن مساعده ترین میباشد. بدینصورت با فریکانس یک دفعه در ماه قمری مساعده ترین تاریخ پرتاب دستگاه های کیهانی به صوب مهتاب تکرار میشود. با لعموم برای پرتاب یک اندازه فاصله (انتروال) زمانی در اطراف تاریخ مساعده ترین انتخاب مینماید که ما بنام «کلکینچه تا تاریخ پرتاب» یاد میکنیم نظر بآنکه در کدام زمان در حدود «کلکینچه» پرتاب صورت میگیرد مقتضیات ما از قدرت را کت برنده تغییر میخورد. بدین لحاظ نظر به تغییرات مختلف از تاریخ مساعده ترین در تانکیهای دستگاه های کیهانی تعداد مختلف مواد سوخت را میریزانند. با وجود آنهم مصرف اعظمی درین شرایط باعث تغییر سرعت از 100 m / SEC زیاد تر نمیگردد.

این تغییر بسیار زیاد را این طور شرح داده میتوانیم که مدار مهتاب نظر به مدار کروری بسیار کم فرق دارد. در انتخاب «کلکینچه» محدودیت های مختلف که ذریعه کمپلکس های قوماندائی و اندازه گیری زمین طرح میشود تاثیر بسزائی دارد. که در اینجا قابلیت دید دستگاه کیهانی از محلات نژد زمین در زمان اصلاح خط السیر پرواز بسمت مهتاب و یا در زمان نشستن دستگاه در سطح سیاره مهتاب وغیره شامل میباشد.

برای سادگی موضوع ما فقط راجع به پرتاب دستگاه کیهانی به سمت مهتاب بصورت مستقیم از زمین بحث کردیم با وجود آنهم ازین قسم پرتاب مستقیم بسیار کم استفاده بعمل می آید. موضوع ازین قرار است که برای ملاقات



دستگاه کیهانی با سیاره مهتاب بهتر خواهد بود که سطح حرکت آن با سطح مداری مهتاب که زاویه افقی آن نظر با ستاره زمین تقریباً از ۱۸ درجه تا ۲۸ درجه تغییر می خورد منطبق باشد.

پرواز با این قسم خط السیر فقط از مناطقی ممکن میباشد که درین ۲۸ درجه عرض البلد شمالی ۲۸ درجه عرض البلد جنوبی سیاره ما قرار گرفته باشند. منطقه اتحاد شوروی نمی تواند با سطح حرکت مهتاب قطع کند نسبت اینکه جنوب ترین نقطه خاک اتحاد شوروی در ۳۵ درجه عرض البلد شمالی (شهر کشک) واقع میباشد. بدین لحاظ پرتاب مستقیم به سمت مهتاب در سطح مداری آن از داخل میدانهای کیهانی اتحاد شوروی صورت نمی گیرد. دستگاه های اتوماتیکی اتحاد شوروی و دستگاه های اتوماتیکی نوع «لونا» و «زوند» در ابتداء بمدار وسطی نزدیک زمین برده شده و بعد از آن بصورت مکرر انجن فعال گردیده و بواسطه آن امپولس حرکت دهنده لازمی داده میشود تا در نتیجه آن دستگاه مذکور به مهتاب برسد. این قسم شمه پرتاب نه فقط از نقطه نظر مصرف انرژی فوقیت دارد بلکه اجازه میدهد که قبل از شروع پرواز به سمت سیاره مهتاب فعالیت سیستم های دستگاه اتوماتیکی کیهانی را معاینه کرده و در صورت بروز کدام نواقص و عوارض در دستگاه بواسطه کامپلکس قوماندانده زمینی برطرف کرد. غیر ازینها پرتاب از مدار و سطحی درجه دقیق بودن توجیه دستگاه اتوماتیکی کیهانی را در خط السیر داده شده زیاد تر می سازد. در صورت پرواز به سیارات دیگر منظومه شمسی نظریه انرژی رول بسیار مهمی را در انتخاب تاریخ پرتاب بازی می کند. خط السیر پرواز دستگاه های اتوماتیکی کیهانی قاره بیما بیک درجه عالی نه فقط از (*Excentrique*) مدار فاقد مرکز واحد سیاره بلکه از موقعیت نسبتی شان در فضاء از قبیل انحراف و حرکت نسبتی در مدار مربوط می باشند. مساعده ترین تاریخ پرتاب برای رسیدن از یک

سیاره به سیاره دیگر بعد از یک زمان معین تکرار می شود و طوریکه فوقاً ذکر کردیم بنام دوره سینودی یاد میشود. دستگاه های انوماتیکی کیهانی قاره پیمایان معمول از مدار وسطی نزدیک زمین پرتاب گردیده و بعد از آن پرواز خویش را به خط السیر غیر فعال (پاسیف) ادامه میدهند درین صورت در حدود دوره سینودی دو خط السیر مسا عدترین موجود است که باید از جمله تمام خط السیر هائیکه بنام نصف دوره اولی و نصف دوره دومی یاد میشوند انتخاب کرد. خط السیر های نصف دوره اولی عبارت از مدار هائیکه که زاویه پرواز آنها (زاویه بین سمت آفتاب و زمین در زمان پرتاب و سمت آفتاب و سیاره در زمان ملاقات) کمتر از 180° درجه باشند. برای خط السیر نصف دوره دومی این زاویه زیاد تر از 180° درجه میباشد. از نقطه نظر مصرف انرژی «کلکینچه» برای پرتاب به سیارات دیگر به عین معیاریکه برای پرواز به سیاره مهتاب لازم است انتخاب می گردد.

محدودیتی که در انتخاب خط السیر مساعدترین با در نظر گرفتن تقاضای دستگاه های رادار *Radar* زمین و نظریات ژئومتری وضع میشوند درین شرایط خواص مخصوص را بخود گرفته و بعضی اوقات عبارت از تصمیم نهائی در انتخاب تاریخ ستارت (پرتاب) میباشد. در زمان تحلیل خط السیر بین سیارات از مفهوم عرصه عملیات. باید استفاده کرد. طوریکه بشما معلوم است اساس مرکز جاذبه را در سیستم منظومه شمسی آفتاب تشکیل میدهد. تمام سیارات در دور آن به مدار بیضوی در تحت قوه کشش آن گردش می نمایند. به نوبت خود هر سیاره دارای عرصه عملیات می باشد و درین عرصه قوه کشش همان سیاره تفوق دارد. نظر به تجاملات تقریبی خط السیر بین سیارات در عرصه عملیات کشش

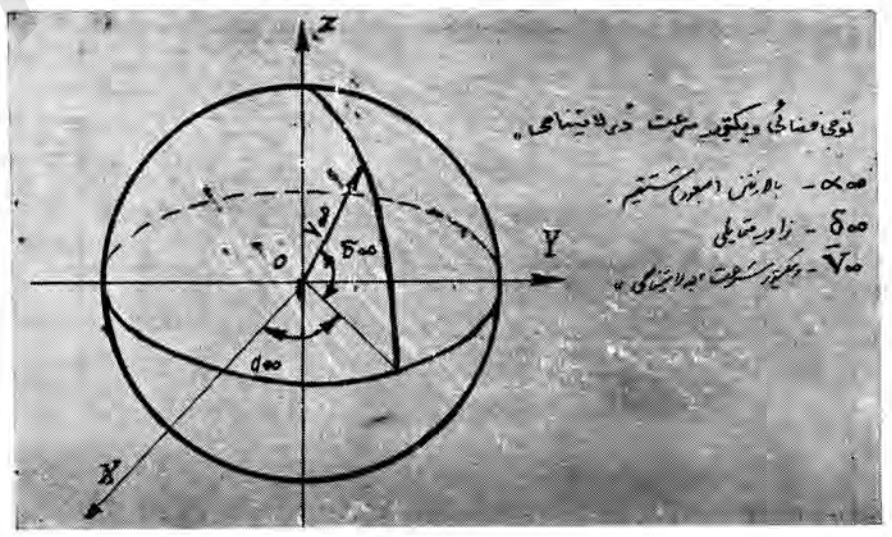
مرکزی گفته می توانیم که دستگاه های کیهانی فقط نظر به تاثیر قوه جاذبه همان مرکز حرکت می کنند. چون عرصه (ساحه) عملیات سیاره مقایسیتاً نظر به ساحه عملیات آفتاب کم میباشد، پس گفته می توانیم که در بالای دستگاه های کیهانی در یک قسمت زیاد خط السیر پرواز آنها فقط قوه جاذبه آفتاب تاثیر می کند. عین احتمالات برای آن قسمت های خط السیر که بصورت مستقیم در نزدیک سیاره زمین و یا سیارات دیگر قرار می گیرند غیر قابل قبول می باشند. برای این قسمت ها نمی توانیم که ساحه عملیات این اجسام سماوی را مد نظر بگیریم. معیار انرژیکی برای قسمت ابتدائی خط السیر عبارت از سرعت آن نسبت به زمین در زمان شروع پرتاب آن میباشد. و آن را بنام سرعت «لایتناهی» می نامند. سرعت مذکور را نظریه فرق ویکتور های سرعت دستگاه کیهانی در زمان جدا شدن آن از زمین و سرعت زمین در صورت حرکت آن بعد از درین لحظه تعیین می کنند (در شکل دیده شود).

برای تاریخ های مختلف پرتاب و زمان پرواز ویکتور سرعت (محور) دستگاه کیهانی به لایتناهی را در زمان پرواز در فضا دارای توجیه دقیق معین می باشد که ما می توان آن را ذریعه دو زاویه و قیمت مطلقه سرعت نشان داد. بحیث سیستم انرسیالی کوردینات (غیر متحرک نسبت به ستارگان) $Oxyz$ با عموم سیستمی انتخاب می شود که سطح Oxy با سطح خط استوا زمین منطبق باشد.

محور Ox به نقطه مساوی بودن روز های بهاری و محوری Oz قطب شمال سیاره توجیه میباشد. زاویه δ و بنام ویکتور متمایلی سرعت «لایتناسعی» عبارت از بالا رفتن مستقیم آن میباشد.

برای پرواز به سیارات دستگاه های کیهانی با عموم از مدار وسطی سپوتنیک زمین پرتاب می شوند نظر به قضایای هندسی ویکتور متمایلی سرعت به لایتناهی باید زیاد تر و یا مساوی به تمایل مدار وسطی پرتاب از استوا سیاره باشد.

اگر برای ما یک اندازه مفکوره های مساعدترین انرژیکی خط السیر پرواز و مطابق آن سرعت «به لایتناهی» $|V|$ واضح باشند هنوز هم برای تحلیل حرکت دستگاه کفایت نمی کند. لازم است که زاویه δ را تعیین کنیم با عموم



(بقیه در صفحه ۷۶)

جنرال های جرمنی با هیتلر در حرب

دوم جهان و بدون او در محاکمه نورنبورگ

از امریکا : فرانسیس بیدل
اعضای محکمه و دژیکسون بیحث
قاضی و رئیس هیئت تحقیق .
از اتحاد شوروی : نیکی چنکو
بیحث قاضی جنرال و رود نیکو بیحث
رئیس هیئت تحقیق .
از فرانسه : دونید یوایر بیحث
قاضی و دیمتتون بیحث رئیس هیئت
تحقیق .
محاکمه مجرمین بتاريخ ۲۰
نوسبر ۱۹۴۵ در شهر نیورنبورگ
آلمان شروع و بتاريخ اکتابر
۱۹۴۶ خاتمه یافت محاکمه یازده
ماه طول کشید در مدت یازده ماه
هیئت محاکم ۴۰۳ جلسه نمودند .
اینک محاکمه محکومین حرب دوم
جهان که از قیمتدارترین معلومات
تاریخ بوده بعرض رسانیده میشود .

مشاهد در آن سهم گرفت موافقه
نمودند تا محکمه بین المللی را دایر
و مجرمین حرب دوم را محاکمه
نمایند مجرمین حرب عبارب بودند از:
مارشال گویرنگ ، هیس
رئیس تروپ وزیر خارجه ، مارشال
کیتل ، کالتین برونیر . روز نیبرگ
فرائنگ ، فریک شترین خیر ، شاخت
گوتا و کروپ ، دینخ ، ریدیر ، شیراخ
زاوگل یودل ، پسین ، زیس
رینکوآرت ، شپیر ، نیرات ، فریچ
و بورمان محکمه بین المللی به اثر
فیصله خود چهار نفر قاضی و چهار نفر
رؤسای هیئت تحقیق از چهار مملکت
بزرگ انتخاب نمودند .
از انگلستان : آقای لوریش
بیحث قاضی و ماکسویل فایف بیحث
رئیس تحقیق .

خوانندگان محترم معلومات دارند
بعد از حرب اول جهان تعداد تلفات
(۱۹۱۴-۱۹۱۸) جنرال های آلمان
در جریان حرب خیلی ناچیز بوده
و در ختم حرب حتی یک نفر جرمنی هم
اسیر بملاحظه نرسیده .
بر عکس حرب دوم جهان برای
جنرال های آلمان مانند حرب اول
رایگان تمام نشده بلکه از جمله ۱۵۰۰
جنرال و ادمیرال جرمنی که
در اردوی آلمان مؤظف بودند
۲۲۳ جنرال قوای بری در جریان حرب
مقتول ۶۴ نفر آن خود را انتحار
و ۲۰ نفر آن از طرف محاکم نظامی
آلمان به اعدام محکوم شدند و ۳۳
نفر آن از طرف قوای متحدین بیحث
مجرمین جنگ دوم بعد محاکمه
به اعدام محکوم شدند .

در قوای هوایی ۲۰ نفر جنرال
در جریان حرب مقتول و ۱۵ نفر خود
را انتحار و ۴ نفر بیحث مجرمین
حرب اعدام شدند در قوای بحری
تعداد تلفات ادمیرال ها به ۱۸ نفر
میرسد .

نظر به راپور جنرال قولت مان
تلفات عمومی جنرال های آلمان
در حرب دوم ۹۶۳ نفر مقتول و ۵۵۳
نفر اسیر وانمود کرده اند .

به اثر موافقه ۸ اگست ۱۹۴۵
بین چهار دولت بزرگ امریکا
اتحاد شوروی ، انگلستان و فرانسه
را بعد از ۱۹ سالک دیگر نیز بیحث



مارشال گویرنگ در حین محاکمه

مجاکمه گویرنگ :

نماینده امریکا دژیکسون: به این نکته موافقه دارید که شما یگانه شخصیت برجسته نظامی و سیاسی حکومت هیتلر بوده که بحال زنده باقیمانده میتوانید به ما راجع به هدف های حقیقی پارت نازی و سیستم داخلی پارتی معلومات دهید؟

گویرنگ: بلی من این نکته را واضح میدانم.

دژیکسون: بمجرد رسیدن شما در حکومت نازی سیستم پارلمانی را بسرعت از بین بردید.

گویرنگ: اضافه: بحکومت پارلمانی ضرورت نداشتیم.

دژیکسون: شما در سال ۱۹۴۵ اعلان کرده بودید که اردوی المان برای تعرض ب خاک شوروی احضارات میگردد.

گویرنگ: بلی من در این باره گپ زده بودم.

دژیکسون: شما فکر نمی کردید که به این تعرض کدام ضرورت موجود نبوده، و از نگاه ملت المان کار عاقلانه شمرده نمیشود.

گویرنگ: از نگاه شخص در آن لحظه من آنرا لازم دانسته و میخواستم وظیفه منم را که در چوکات اردوی المان بوده انجام دهم.

دژیکسون: شما چه وقت حس کردید که ملت المان حرب را باخت.

گویرنگ: من این موضوع را خیلی ناوقت فهمیدم و تا آن زمان همیشه فکر میکردم که حرب مساویانه خاتمه خواهد یافت.

دژیکسون: شما و ادولف هیتلر در اثنای حریق ریگخستاگ با هم ملاقات کردید؟

گویرنگ: بلی
دژیکسون: از خانه شما تاریخستاگ توئل زیر زمین موجود بود؟

گویرنگ: این موضوع حقیقت ندارد

دژیکسون: شما بیاد دارید ناشتای صبح را که به افتخار روز تولدی هیتلر در سال ۱۹۴۲ در قرارگاه ادولف هیتلر در پروشیای شرقی، در کلپ عسکری صا جمنصبان ترتیب داده شده بود؟

گویرنگ: بیاد ندارم.

دژیکسون: من به شما اسناد را که عبارت از مکتوب دعوتی جنرال گالدیره (به اسم شما بوده ارائه میکنم گویرنگ این موضوع را اولین دفعه شنیدم در (زال محکمه)

دژیکسون: شما میدانید کیست گالدیره

گویرنگ: بلی بصورت کافی

دژیکسون: میتوانی به ما توضیح نمائید که گالدیره کدام مقام را در اردوی المان اشغال نموده بود.

گویرنگ: گالدیره لوی درستیز قوای بری آسمان بوده وقتیکه حرب شروع شد من همیشه به ادولف هیتلر گوشزد میکردم که چنان لوی درستیز در اختیار داشته باشد که با تمام تخنیک و تکتیک نظامی آشنا باشد.

دژیکسون: شما و ساخت با همدیگر راجع به پروگرام تسلیح اردوی المان همکاری کردید.

گویرنگ: در فرصت مذکور من از آقای ساخت راجع به پروگرام اقتصادی المان دعوتاً بین صنایع حربی که منظور تقویه اردوی المان و طاقت نظامی آن بوده همکاری میکردیم.

دژیکسون: بین شما و ساخت کدام اختلاف راجع به تسلیح اردو موجود بود؟

گویرنگ: آقای ساخت تمام مساعی ممکنه را راجع به تسلیح ملت المان بخرچ داده صرف اختلاف بین ما در حصه میتود های آن بود.

دژیکسون: وقتیکه ساخت وظیفه تسلیح و تقویه اقتصاد المان را به عهده گرفت بحیث وزیر در کابینه شناخته می شد.

گویرنگ: بلی هتله آرزو داشت که ساخت در کابینه بحیث وزیر جلوه کند.

رئیس هیئت تحقیق اتحاد شوروی:

رودنیکو: اگر امکان موجود باشد معلومات دهید که شما بچواب مکاتبه ساخت بتاریخ ۱۸ دسامبر ۱۹۳۶ نوشته کرده بودید در ظاهر چهار سال تمام اقتصاد المان بحال فعال و حاضر به حرب در آورده شود؟
گویرنگ: بلی من اینرا نوشته کرده بودم.

رودنیکو: آیا حقیقت دارد که فیصله ها و قرارهای مهم را چه در ساحه سیاست خارجی و چه در ساحه ستراتیژیکی شخصاً هیتلر بدون مشوره همکاران انجام میداد؟

گویرنگ: این موضوع به اشکال مختلف صورت میگرفت بعضی اوقات هیتلر اسناد و دلائیل مشتبه را با نتیجه آن از مؤظفین طالب می شد مگر فیصله آخرین را مانند سر قوماندان خودش بعمل می آورد.

رودنیکو: از جواب شما فهمیده شد که هیتلر در احوال مهم از همکاران نزدیک خود مشوره و دلائیل مقنع را طالب می شد؟
گویرنگ: قسماً بلی.

رودنیکو: از همکاران نزدیک هیتلر در مسائیل قوای هوای المان کدام شخص بود؟
گویرنگ: خود بخود باید فهمیده شود که من.

رودنیکو: در مسائیل اقتصادی کدام شخص

گویرنگ: همچنان من
رودنیکو: در مسائیل سیاست خارجی هیتلر با کدام شخص مشوره میکرد؟

گویرنگ: درین حصه هیتلر تمام مسائیل خارجی را شخصاً بررسی و جوانب تخنیککی آنرا با وزیر خارجه که همکار نزدیک او بود مشوره و ازنا سهرده اسناد مشتبه را طالب می شد.

رودنیکو: یعنی رویین تروپ محکوم؟

گویرنگ: بلی آقای رویین تروپ که وزیر خارجه بوده مگر نامبرده سیاست خارجی را پلان گذاری نمیکرد رودنیکو: در حصه مسائیل استراتژیکی نظامی هیتلر با کدام اشخاص مشوره میکرد؟

گویرنگ: در ینحصه ادولف هیتلر با قوماندان های عمومی سه گانه قوای المان ولوی درستیزهای آن تماس میگرفت.

رودنیکو: میتوانید اشخاص مذکور را نام ببرید؟

گویرنگ: در حصه مسائیل قوای هوائی المان همراي خودم در حصه قوای بری همراي دگر جنرال گلازلوی درستیزو در حصه مسائیل بحری همراي اد میرال ریڈیر و اد میرال دینیخ.

رودنیکو: این قوماندان هادر اثنای مشوره نمی توانستد بالای قرارهای هیتلر تاثیر وارد کنند؟

گویرنگ: این قوماندان ها تنها زمانیکه نقاط نظر شان با ادولف هیتلر در موضوع مطرح شده موافق می بودند اظهار نظریه میکردند و بس.

رودنیکو: چه وقت شما پلان تعرض هوائی را بر علیه اتحاد شوروی به اساس پلان (بارباروس) ترتیب نمودید؟

گویرنگ: پلان تعرض قوای هوائی المان و تجمع قوا مطابق به پلان بارباروس بود نخستین هدایت هیتلر از طرف لوی درستیز قوای هوائی ترتیب و بر ایم تقدیم نمودند.

رودنیکو: در ظرف چند ماه پلان بارباروس تکمیل شد؟

گویرنگ: در حصه قوای هوائی که در رأس آن من بودم بسرعت تکمیل شد البته در حصه قوای بری وقت زیادر در بر گرفت.

رودنیکو: از اسناد معلوم میشود که هیتلر آرزوی تصرف تمام کره زمین را پلان گذاری کرده و مطابق به پلان مذکور اطریش، چکوسلواکیه

بلجیم، هالند، پولند، رومانیه، یوگوسلاویا، یونان، فرانسه، ناروی سویدن را تصرف و بسر علیه اتحاد شوروی اقدام به حرب و ۸۰ شهر خورد و بزرگ اتحاد شوروی را تخریب نمود شما بچیت معاون اول و همکار مهم آن نتوانستید با نظریه آن مخالفت می نمودید؟

گویرنگ: اگر من با نظریات هیتلر مخالفت میکردم اگر در حرب دولت المان غالب می شد در آنصورت برای قانع ساختن ادولف هیتلر هیچ دلیل نمی داشتم.

رودنیکو: شما بچیت کمیسار عمومی ممالک اشغال شده نیز موظف بودید تا از قوایمادی و انسانی آن به نفع المان استفاده می شد و اضافه از ۲ میلیون انسان ممالک اشغال شده را بغرض غلامی و کارهای مشکل به المان فرستادید؟

گویرنگ: ۲ میلیون انسان از ممالک اشغال شده بغرض غلامی نی بلکه برای کار که مورد دلچسپی مات المان بود فرستاده شده بود رودنیکو: به اساس اسناد تاریخی ۱۶ سپتامبر ۱۹۴۱ که در آن از طرف ادولف هیتلر تا کیدو امر شده که در مقابل مرگ یک نفر عکس المانی ۵۰ الی ۱۰۰ نفر کمونست شوروی اعدم شود آیا در باره این اسناد بشمار اپور داده نمی شد.

گویرنگ: تمام مسائیل خورد بمن را پور داده نمی شد تنها موضوعات خیل مهم را بمن را پور می دادند تنها اینقدر بیاد دارم که ابتدا در امر ۵۰ نفر بود بعداً هیتلر از طریق علاوه کردن یک صقر آنرا به ۵۰۰ نفر بلند برد.

رودنیکو: او امریکه از کانال هیتلر صادر می شد در مقابل مرگ یک



یک عسکر شجاع اردوی شاهانه افغان حین اجرای مساعی زمستانی

نفرالمانی ۵۰-۵۰۰ نفر شوروی باید اعدام شود و اگر از کانال شما صادر می شد چه نوع بود؟
گویرنگ: او امریکه ادولف هیتلر صادر میکرد ۵۰-۵۰ نفر اما اگر از راه من صادر می شد هم چنان ۵۰-۵۰ نفر.

رود نیکو: از اینکه در کمپ های اسیران روزانه هزارها نفر اعدام می شد شما ازین موضوع معلومات؟
گویرنگ: بخاطر اینکه موقعیت من چنان بزرگ بود که راجع به به معامله اسیران که در آن کدام مفهوم بزرگ سیاسی و نظامی مدنظر نبود و راپور داده نمی شد.

رود نیکو: راجع به تخریب و امحای شهر های اتحاد شوروی هم چنان معلومات ندارید.
گویرنگ: راجع به اسم شهر های اتحاد شوروی کدام معلومات ندارم.

رود نیکو: شما عسکر ساده نبوده بلکه مارشال و شخصیت دوم حکومت هیتلر بودید پس چگونه از چنین اوقات مهم خبر نبوده و یا جلوگیری نمی کردید؟

گویرنگ: من عسکر ساده بوده و حقیقیاً نه تنها عسکر ساده نبوده بلکه مقام بزرگ را در اردوی آلمان به عهده داشتم اما از نگاه تطبیق امر هیتلر مثال عسکر ساده را تمثیل میکردم.

رود نیکو: شما به اثر اقدام خود ملت آلمان را به شکست نظامی و سیاسی مواجه ساخته دیگر سوال بشما ندارم:

بعد از ختم محاکمه گویرنگ و کیل مدافع او شتاب زده از جریان محاکمه عدم رضایت خود را ابراز و گفت که تمام جریان به نفع هیست ها چهارگانه تحقیق صورت گرفته، هدف مشترک در مسولیت وی داشتیم من اعلام مینمایم که فیصله های محکمه عالی که اهمیت تاریخی و سیاسی بزرگ در جهان دارد عادلانه نمی باشد.

نظر به هیئت های چهارگانه که مامور تحقیق بودند:
مارشال گویرنگ بعد از هیتلر شخص دوم در دستگاه حکومتی و حزبی قرار داشت نامبرده قوماندان

عمومی قوای هوایی آلمان و معاون اول هیتلر بوده بر علاوه نامبرده بحیث رئیس پلان چهار ساله آلمان که بمقصد آن تسلیم و تقویه اردوی آلمان بوده ایفای وظیفه مینمود چنانچه نامبرده در سال ۱۹۳۶ اعلام کرد که در نتیجه پلان مذکور قدرت نظامی اردوی آلمان پنج برابر قدرت موجوده بلند خواهد شد نامبرده بالای هیتلر تاثیر بزرگ وارد کرده میتوانست گویرنگ اولین مرتبه کمپاسر را تهداب گذاری و آنرا به هملر واگذار شد که بعداً هزارها اسیران مالک مختلف در آن واحد بمرگ محکوم می شدند.

گویرنگ در تمام جلسات سری که پلان های تعرض بر علیه اطریش چکوسلواکیه، یوگوسلاویا، پولیند رومانیه، ناروی، بلجیم، فرانسه و بالاخره اتحاد شوروی طرح می شد اشترک و رول فعال را بازی کرده از سال ۱۹۳۹ الی ۱۹۴۱ گویرنگ راجع به تعقیب یهود ها و وضع جریمه های سنگین و بالاخره راجع به قتل عام آنها او امر مخصوص داده بود.



زمستان
اسسال خیلی
سر دبود و برف تا
آخرین روزهای
اخیر سال
روی زمین را
پوشانیده بود
مگر مساعی و
فعالیت افراد
اردوی شاهی طبق
معمول ادامه
داشت.



گوشه دیگر از فعالیت های زمستانی افراد فرقه ۸ ق، م .



برف و یخ بندان کدام مانعی در راه اجرای وظایف روزمره افراد تولید نکرده ، چنانچه این فوتو یک تن از افراد قطعات مارا نشان میدهد که با یک عشق و علاقه مفراط وظیفه تعیین شده خود را پیش میبرد .

نامبرده تمام امور مناطق که تحت اشغال درآمده بود تنظیم و از مواد خام و قسوا انسانی آن استفاده کرد و اسیران را مانند غلامان بکارها مشقت در آلمان استخدام مینمود .

به امر گویرنگ میلیون ها انسان مقتول و صدها شهر ویران شده نامبرده قوه و ضربه سیار هیتلر بود که در ماشین حربی هیتلر رول فعال داشت .

فیصله :- نامبرده نسبت جرم های فوق الذکر به اعدام محکوم شد .

کلمات آخرین گویرنگ :-
در جریان محاکمه چنین اسناد افشا شد که خودم از آن واقف نبودم و آن عبارت از قتل کتله وی امیران معالک اشغال شده در کمپ های اسیران بود و این قتل کتله وی به امر و هدایت من صورت نگرفته من حرب را آرزو نداشتم و نه در صدد پلان گذاری آن بودم مگر وقتیکه شروع شد تمام انرژی خود را برای موفقیت آلمان بخرچ دادم دیده شد که سه دولت بزرگ ؛ چندین سالک جهان بر علیه من - بجنگ اقدام و در نتیجه ملت آلمان به مغلوبیت مواجهه و بشما قوه حق داد که با ما حرف بزنید ،

ملت آلمان هیتلر را دوست و به آن اعتماد داشت و بهرگونه قربانی و خودکوری حاضر بودند اگر من به عملیات خود متوجه شوم یگانه جرم که به آن باید اعتراف کنم نه در مقابل شما بلکه در مقابل ملت آلمان همانا ناکامی پلان های نظامی من است .

مارشال گویرنگ سه ساعت قبل از اعدام بتاريخ ۱۵ اکتوبر ۱۹۴۶ در اطاق توقیف خانه شهر نیورنبورگ ذریعه استعمال پوتاسیوم خودکشی کرد به اینصورت ماجرای مذکور به ختم رسید .

اطلاعات دفاعی



انگلستان

پایگاه های نظامی انگلستان در نقاط مختلف جهان

۱- در اتلانتیک: انگلستان در اتلانتیک بشمول جبل الطارق دارای هفت پایگاه و تاسیسات نظامی می باشد که در بالای خاک های تحت حاکمیت آن کشور تاسیس گردیده اند و عبارتند از: مرکز حمله بحری و میدان هوایی در جبل الطارق، برمودا و بهاما، پایگاه هوایی در انتیگوا واقع در هاندوراس بریتانوی و جزیره اسنسیون و مرکز حمله بحری کالکیندرز. ازین جمله در دو پایگاه نظامی (جبل الطارق و هاندوراس) گار نیزون های قوای زمینی انگلستان نیز وجود دارند.

این شبکه پایگاه ها بنا بر موافقه پرتگال در مورد استفاده قوای انگلستان از آسور، درد ماغه سبز، و در انگولا (پایگاه هوایی برای قوای هوایی انگلستان) و بنا بر امکانات استفاده از پایگاه بحری سیمونز تاون (در افریقای جنوبی) تکمیل شده است.

۲- در مدیترانه: در حالیکه جبل الطارق بحیث یک پایگاه انگلستان در اتلانتیک قبول شود کشور مذکور در مدیترانه جز مالته و قبرس پایگاه های ندارد. مالته که حیثیت یک پایگاه بحری، هوایی (برای یک کندک طیارات کانبرا و یک کندک طیارات نیمروند) و گار نیزون را برای یک کندک قوای زمینی انگلستان دارد اکنون در نظر انگلیسها اهمیت سابقه ستراتیژیکی خود را از دست داده است.

و حالا انگلستان از آن صرف برای برقراری قوایش که در نا تو شامل می باشد و همچنان برای جلو گیری از تحت استفاده قرار گرفتن آن توسط قوای پکت وارسا و خصوصاً بحریه اتحاد شوروی در مدیترانه، کار میگیرد و آنرا در دست خود محافظه داشته است.

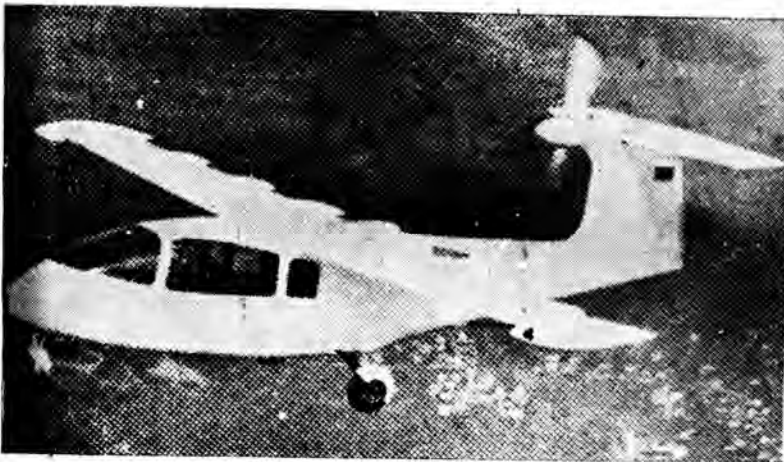
قبرس که در آن انگلستان یک پایگاه هوایی (دو کندک طیارات و لکان و یک کندک طیارات لایتننگ) و یک گار نیزون قوای زمینی (یک کندک پیاده و یک تالی تا نک) دارد از موجودیت انگلستان در پیمان ستونما یندگی میکند و طیارات انگلستان نیز به همین مقصد در آن جزیره جابجا ساخته شده است و علاوه بر این پایگاه یک منزل مهم هوایی را در بالای خط هوایی شرق دور تشکیل میدهد. حدودیکه این پایگاه در آن تاسیس شده است تحت حاکمیت انگلستان می باشد نه قبرس و انگلستان در آنجا علاوه بر قوتها نیکه ذکر یافت یک کندک پیاده و یک قوای کشف را

که بحیث قوای ملل متحد خدمت می کنند محافظه می دارد.

۳- در شرق سویز: از سواحل افریقا تا ها ننگ کانگ، انگلستان هنوز هفت پایگاه و تاسیسات را در اختیار دارد که عبارتند از:

— پایگاه بحری و گار نیزون قوای زمینی در ها ننگ کانگ (دو کندک پیاده انگلیسی، سه کندک پیاده گور که ویک کندک توپچی)، پایگاه بحری و هوایی دیدگو گراسیا که هر دو منطقه داخل مستعمرات آن کشور واقع اند.

— پایگاه بحری و هوایی سنگا پور که شامل سواقتنامه اتحاد پنج کشور انگلستان، مالیزیا، سنگا پور، استرالیا و زیلانند جدید می باشد و در آنجا اکنون انگلستان یک مفرزه معادل کندک پیاده و یک تعداد طیارات کشف بحری شامل قوای مشترک انگلیس-استرالیا-زیلانند جدید دارد علاوه بر آن یک قوه بحری شامل پنج کشتی جنگی فریگیت و یک تحت البحری انگلستان موجود است که بین سنگا پور و ها ننگ کانگ فعالیت میکند.



نمونه یکی از طیارات که در پایگاه های نظامی نیز از آن استفاده میشود

توقف گاه‌های هوایی نایروبی (در کینیا)، که یک کشور کامنولت است، شارحه (در فدراسیون امارت های خلیج فارس)، ماسیریا (سلطنت عمان) و گان (کشوریکه انگلستان با آن موافقت نامه های خصوصی را عقد کرده است). علاوه بر آن بحریه انگلستان دارای تاسیسات فرستنده در جزیره موریس (عضو کامنولت) بوده و قوای زمینی انگلستان یک گاز نیزون (یک کندک پیاده گور که رادر بورینو در دست دارد.

اتحاد شوروی

تانکهای جدید T-62:

طی چند سال آینده پنجاود و فرقه اتحاد شوروی ذریعه تانکهای محاروبی T-62 تسلیح و تجهیز خواهد شد. درین زمینه حق اولیت به سی و دو فرقه شوروی که آلمان شرقی، پولیند، چکوسلواکیه و هنگری می باشند داده خواهد شد و سپس فرقه هائیکه در قسمت های غربی اتحاد شوروی مقیم اند ذریعه این تانکهای جدید مسلح خواهند گردید. ظاهراً قوای زمینی مردم پولیند هم اکنون با تانکهای T-62 تسلیح شده است و یکتعداد کم جزو تانک های بلغاری نیز این تانک جدید را حاصل داشته اند.

تانک T-62 که برای نخستین بار بسال ۱۹۶۳ اختراع گردید جانشین سلسله تانکهای T-54 و T-55 شوروی می باشد. تانک T-62 در حالیکه از نظر شکل ظاهری مشابه تانکهای T-54 و T-55 می باشند با توپ دارنده میل صاف (بدون سدورخ) که مرمیات پروانه دار را فیر میکند و قطر آن ۱۱۵ میلیمتر است مسلح می باشد.

منابع آلمان غربی اطلاع داده اند که یک تانک جدید شوروی در دشت کالموک آزمایش شده است. این تانک جدید که بدو نام T-64 دیزاین شده است وزن آن ۴۵ تن و اسلحه عمده آن توپ و پرتاب کننده ۱۲۰ میلیمتری فکر شده است. مرتبات این تانک چهار نفر بوده و سرعت تخمینی آن ۲۵ میل (۴۲ کیلومتر) فی ساعت می باشد.

بطریه های اوبوس:

در طی سالهای اخیر تولی های هاوان ۱۲۰ میلیمتری داخل تشکیل غند های تانک و غند های پیاده موتوریزه اتحاد شوروی که در چوکات فرقه های پیاده موتوریزه موجود اند با بطریه های اوبوس دارنده اوبوس ۱۲۲ میلیمتری M38 تعویض شده اند. این اسلحه سابقاً در

جزواتم های توپچی فرقه شامل بود و اکنون بعوض آنها در توپچی فرقه توپ اوبوس ۱۲۲ میلیمتری M63 که هم وظیفه اوبوس وهم وظیفه توپ را اجرامی نمایند شامل شده اند. در عکس بطریه اوبوس ۱۲۲ میلیمتری غند پیاده موتوریزه در حال فعالیت دیده میشود. این اوبوس ذریعه زره پوش BTR67 جرمیشود که دارای عین شاسی تانک خفیف PT67 می باشد.

جمهوریت فدرالی آلمان

مفقودین حرب دوم جهان:

در پایان حرب دوم جهان به تعداد (۱۷۳۸۰۰۰) عسکر آلمانی بطور رسمی مفقود الاثر اعلام شدند. از آنوقت تا کنون صرف سر نوشت (۱۵۸۰۰۰) نفر معلوم گردید. برای مدت تقریباً سی سال یک موسسه در میونخ موسوم به مرکز خدمات جستجو با همکاری صلیب احمر بین المللی برای پیدا کردن رد این مفقودین فعالیت داشته است.

موسسه مذکور اظهار امیدواری کرده بود که بسال ۱۹۷۲ سر نوشت تعداد ۳۵۰۰۰ عسکر مفقود دیگر را معلوم خواهد کرد. درین جمله صرف چند هزار محدود سر بازان آلمانی مفقود در جبهه غرب قلمداد شده بودند و اکثر این قضایا نیز حل شده. آخرین دسته اسیران ثبت شده آلمانی از اتحاد شوروی بسال ۱۹۵۵ رها گردید. مگر بسا از قضایای مفقودی در جبهه شرق آلمان شاید هرگز حل نگردد. معهداً مرکز خدمات جستجوی میونخ اطلاع داده که مقامات اتحاد شوروی در سالهای اخیر درین مورد همکاری می نمایند.

پرسونل عسکری:

در سال ۱۹۷۲ قوای مسلح آلمان غربی دارای (۲۷۱۲۵۰) نفر پرسونل دائمی شامل ۲۱۴ نفر جنرال، ۱۲۹۸۱ نفر صاحب منصب آمر (ازرتبه جگرن

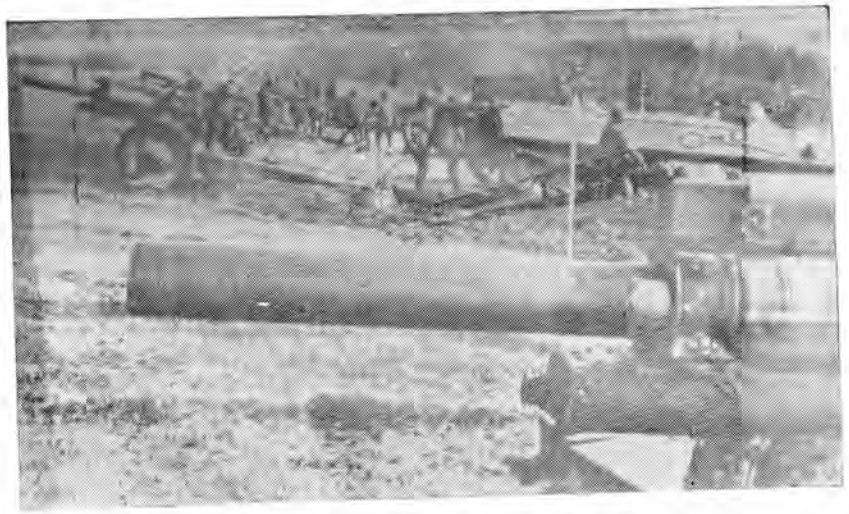


تانک T-62

امکانات صنعتی و آرزوی زنده نگهداشتن قابلیت محاروبی سربازان خود بطور طبیعی مایل به استعمال اعظمی و اسلحه و وسایطی بودند که در اختیار داشتند.

با لمقابل ویتنام شمالی نیز با آنکه با میتود حر بهای انقلابی فعالیت میکرد بطور وسیع و تدریجی ساحت استعمال وسایل نظامی خود را فراختر ساختند و طی سالهای جنگ یکی پی دیگر طیارات محاروبی، راکت های زمین به هوا و تانکها را عملاً وارد میدان محاربه ساختند. و به این ترتیب طی چند سال جنگ هر دو طرف چنان اسلحه و تکنیکی را استعمال نمودند که از نظر کمیت و کیفیت بالاتر از دوران جنگهای استعماری هند چین می باشد.

به همان ترتیبی که ویتنام شمالی فوای خود را با طیارات و وسایط دفاعی هوا شامل توپها و راکت های رهبری شده مجهز ساخت امریکائی ها در میدان های نبرد طیارات فانتوم B-52 F-105 را بکار انداخته



بطریقه ابوس ۱۲۲ ملیمتری M-38

ایالات متحده امریکا ویتنام بحیث میدان آزمایش اسلحه امریکائی

جنگ ویتنام طی سالها بتدریج وسیعتر شده رفته و در عین زمان تغییر شکل داده است و بالاخره بحالتی آمد که در آن تمام تخنیک مودرن در میدان های محاربه مورد استفاده قرار گرفت. امریکائی ها بنا بر

الی دگروال (۲۵۹۰۲ نفر صاحب منصب مادون، ۱۵۶۳۰۰ نفر خورده ضابط ۷۵۸۵۳ نفر افراد بود. علاوه بر آن ۲۱۴۷۵۰ نفر جدید الورود و پرسونل احتیاط شامل خدمت بودند که به اینصورت مجموع پرسونل اردوی حضری آن به (۴۸۶۰۰۰) نفر میرسید.

اردوی المان غربی در پی آن است که ضابطان جوان احتیاط برای ۸ الی ۱۲ سال خدمت نمایند و اگر آنها قابلیت نشان داده و درخواست نمایند صاحب منصبان دایمی شده می توانند. ترفیع ضابطان مستحق احتیاط که دو یا سه سال خدمت کرده و سن آنها کمتر از ۲۷ سال باشد سریع است. آنها علاوه بر آن برای مدتی که در پوهنتون درس می خوانند قدم حاصل میکنند. ترفیع به رتبه لمپی برید من پس از دو نیم سال خدمت و ترفیع رتبه تورن پس از پنج و نیم سال خدمت داده میشود و اگر یک ضابط احتیاط درجه علمی ماستری مطابق ستاندارد المان غربی داشته باشد راساً برتبه تورن شامل خدمت شده و پس از سه سال برتبه جگرن ترفیع کرده می تواند.



دو نفر از افراد
مخابره اردوی
آلمان غربی حین
فعالیت

و اولین فرقه نقل شونده از هوا را که در حدود ۵۰۰ هلیکوپتر داشت در آنجا وارد صحنه ساختند. گذشته از آن ایالات متحده آمریکا با مواجه شدن به مشکلات بی سابقه و خطرات جدید در ویتنام در جستجوی ابداع تکنیک جدید کشف و نظارت برآمد و این موضوع یک سلسله وسیع وسایط و آلات جدید کشف و ایقاف ادرقوای زمینی، هوایی و بحری بوجود آورد بدین مقصد ایالات متحده آمریکا وسایل کشف تحت البحری را انکشاف داد و برای اولین مرتبه آلات کشف را در امتداد منطقه غیر نظامی برای کشف نفوذ قوای ویتنام شمالی بکار انداخت امریکائی ها این آلات را در نقاط مختلف توسط طیاره در امتداد راه های نفوذ قوای ویتنام شمالی خصوصاً شاهراه هوچی من انداختند در نومبر ۱۹۶۷ يك كندك طيارات پنون اولین شبکه آلات کشف صدائی (اکوبوی) را در میان جنگلات فرو افکندند که در میان درختان توسط پراشوت های ستر و اخفا شده فرود آورده شدند و برای مدت یکماه بلاوقفه فعالیت کرده کشف صدائی در اعماق موقعیت قوای مقابل بعمل آورده معلومات را به عقب مخاברה میگردند. قابلیت این آلات بتدریج انکشاف داده شد و آلات بسیار معمول آن عبارت از یکنوع سیمومتر (آله سنجش اهتزازات) بوزن ۱۱ کیلو گرام عبارت بود که بوسیله پراشوت آزاد و ستر و اخفا شده فرود آورده شده و بایک انتن مخصوص مجهز بود این آلات در نتیجه اهتزازات زمین و صداهای محیط بفعالیت آمده و برای

مدت سه ماه با بطری های انکشاف یافته فعالیت کرده می توانند .
 با بکار انداختن این آلات کشف صدائی جهت معامله راپور های ارسال آنها يك مرکز عملیات کشف تاسیس گردید. و علاوه بر آن آلات جدید کشف در طیارات مختلف جابجا شد که در هر نوع شرایط معلومات را اخذ می نمایند .
 گذشته از آن با انکشاف سیستم کشف و ایقاف الکترونیکی و رادار های ویتنام شمالی ایالات متحده

امریکا ترتیبات مقابله با این وسایط و مختل ساختن فعالیت آنها را در طیارات خود جابجا کردند و طیارات مذکور بدون آنکه از طرف دستگاه های رادار کشف و تثبیت شوند و بدون آنکه راکت های دافع هوا بر آنها امکان صحت اصابت را داشته باشد بفعالیت خود دوام میدادند و علت عمده آن مختل ساختن و تعجیز فعالیت رادار های کشف و رادار های توجیه و وسایط دافع هوای طرف مقابل بوده است .

پرتاب دستگاههای کیهانی

(بقیه صفحه ۶۷)

این حادثه به کمک گرافیک های مخصوص نشان داده میشود برای این مقصد ساحه های مشابه مساوی سرعت «لایتناصعی» و ویکتور متمایلی در محور های کوردنیات: تاریخ پرتاب وزمان پرواز آن ترسیم می شود. از میتود های فوق الذکر بطور کلکیچه و تاریخ پرتاب دستگاه های اتوماتیکی اتحاد شوروی «وینوس ها» انتخاب گردیده است از عین پرتسیب متخصصین دانشمندان اضلاع متحده امریکا در انتخاب کلکیچه های پرتاب استفاده می نمایند .

نام غیر

عادی

و

روحیه

کودک



یکی از روان شناسان امریکائی پس از يك تحقیق مفصل به مردم توصیه کرده است که اسمهای عجیب و غریب بر روی نوزادان خود نگذارید و سعی کنید اسمی که بر روی او میگذارید مطبوع و به گوش مردم دیگر آشنا باشد، در غیر اینصورت خیلی احتمال دارد که این اسم غیر عادی در آینده در روحیه کودک اثراتی بگذارد .
 این داکتر میگوید :

از هرده بیمار روانی و عصبی . شش نفر شان دارای نامهای عجیب غیر عادی و با اصطلاح من در آوردی هستند ! يك اسم غیر عادی باعث بروز کسالت روانی نمیشود ، ولی میتواند غیر مستقیم به روز آن کمک کند ، بچه ای (خواه پسر و خواه دختر) که تشخیص دهد اسم او غیر عادیست و به گوش دیگران خوش آیند نیست. از همان اوان کودکی خود را غیر از مردم میدانند و يك حالت گوشه گیری در وی بوجود میآید . این حالت عزلت گزینی ، عامل مؤثریست که کسالت عصبی یا روانی را تسریع کند ، یعنی اینکه اگر عوامل بیماری زا در زندگی وی پیش آیند ، او با داشتن این نام و آن سابقه زودتر از دیگران تسلیم بیماری خواهد شد .

عکسهای از جریان حادثه ویتنام:



حالفین جنگ حتی بیرق امریکا را نیز سو زانند

➤ صلح این شعار بود که حتی روی کلاه آهنی افراد اردوی امریکا نیز ثبت شده بود



صحنه از محاربه ویتنام

➤ فرار اطفال ویتنامی از بمباری امریکا

جسد یکی از صاحبزادگان که در یکی از مظاهرات علیه جنگ روی سرک در گت ست کشته شد



عکسها از نیو زویک



افراد زخمی پیاده امریکا در هووی



اعدام بازاری يك مظنون ویتنامی

دلار بنوول شوی الوتکی - سولی

لمری بریدمن مورگن شنواری

باید په نظر کې ولرو چه دداسی سوال حل کونه چه ددغه شته اهدافو دتخریبولو داسبابو دغوره کسونی مسأله ده داداره کوونکی سیستم دتیب پوری اړه لری چه په کولیوکی داستعمالونی اختیار ورکړ شوی دی . په اوسنیو الوتکو کولیوکی کسره درې واړه سیستمونه ایښودل کېږی :

افته نومی (خودمختاره) ، لیری اداره کوونکی اونښی ته خپل دسه . په ډیرو لځایو کې په الوتکه - کولیوکی داداره کونی گه اداره کوونکی سیستم ایښودل کېږی په اول کې لیری اداره کوونکی سیستم کار کوی ، پس له هغی افته نومی اداره او په اخر کې په خپله ښی ته سمونکی سیستم کولی ښی ته برابر وی .

ښی ته د کولی خپل دسیستمونه داور دصحت تاسین ډیر اطمنانی کوی ، مگر څرنکه چه د عمل د اوږدوالی وختی هم دی نو د کولی دخطو سیر ډیره اندازه دافته نومی اوایلیری اداره کوونکی سیستم په واسطه اداره کېږی . دښی ته د کولی خپل دسه سیستم تش وروسته له هغی په کار پیل کوی کله چه کولی دهدف په منطقه کی په ټیټید وپیل وکړی .

الوتکه - کولی دایرو دینامیکی اوساختمانی شمی په اساس دیوی الوتکی غوندی ده چه الوتونکی دروندوالی ښی دیوه څخه ترپنځو سوتنو پوری رسیری . دمقایسی دپاره ښی ښکاره کوو چه دښکاری یو پیلوټه الوتکی الوتونکی دروالی داتوتنو په شاوخواوو کی دی . دالوتکی کولی جنکی برخه عادتاً انفجاری اومحترقه خصوصیات لری .

په اتومی موادو مجهزه جنکی برخه هم امکان لری چه په الوتکه کولی کی لځای په لځای شی . په غیر لدی د نژدینیو تاثیراتو الوتکی - کولی کولای شی چه داسی جنکی برخه وتری چه مخصوص وظایف تر سره کړی ، مثلا کشتیو دهغو دننیو برخو تخریبونه چه د اوبو سطحی څخه لاندی پت په اوبو کی وی ، او یا داوبو لاندینیو ډوبو وړو چټکو کشتیو له منځه وړنه او داسی نور .

د انفجاری جنکی برخو لرونکو کولیو چاودونسی (سرگلوله) معمولاً میخا نیکی او یا الکتریکی ټیپه او لکیدونکی حساسیت لری . ددی په څنګ کی دییل ټیپ لرونکو کولیو

لار ښول شوی الوتکی - کولی دجنکی وظایفو د اجرا کولو په اساس په تاکتیکی او ستراتژیکی کولیو بانډی ویشل کېږی . دلومړنیو داور چلولو مسافه د ډیرشو کیلو مترو څخه (پترل) ترانه سوو کیلو مترو پوری نیول شوی ده دالکه د (میتادر، دیگول) کولی د دوهمو مسافو دلسوزو کیلو مترو شاوخوا پوری ده چه مثال ښی د (سنارک) گولی دی .

الوتکی - الوتکه کولی چه دالوتنی مسافه ښی د ډیر شو څخه تر سلو کیلو مترو پوری ده کیدای شول چه په بیلو کړی وپو ښی بیلې کړی وای ځکه چه پهدف بانډی دهغوی دخط وسیر برابر ونه داسی ده چه کم نښیبه پلان لری ، په بعضو وختو کی همداسی کوی او دغه گروپ د نژدی تاثیراتو الوتکی الوتکه - کولی یعنی الوتکی تر پیدو ښی بولی .

مگر دخپل ایرو دینامیکی اوساختمانی شمو په اساس الوتکی تر پیدو ، تاکتیکی او ستراتژیکی الوتکی - کولی یوتیب دی او یو د بل تش د ساختمانی اعضاؤ په واسطه پیلوټی . پدی نسبت په روانو تشریحاتو کی به گردی دغه کولی گپی مطالعه او وکتل شی ،

لار ښوول شوی الوتکی - گولی کولای شی چه په پراخه پیماننه رنگارنگ ډیر زیات اهداف تخریب کړی . دارنګه اهداف مثلاً د نژدی تاثیراتو د الوتکی - گولیو دپاره حرارتی الکتریکی سرکوزونه ، دعسکری بحری فلوټ پیری گانی ، داورگاډی دپتلیو پلونه ، بیل ډیر خطرناک اوسهم تاسیسات ، کارخانې ، عسکری بحری اډی ، هوایی ډگرونه اوداسی نور دی .

ستراتژیکی اهمیت لرونکی اهداف هغه دی چه د ډیری قوی هوایی مدافعی په ډوبو قطارونو کی پراته وی . نو ددی دپاره چه په دغسی قوی مدافعه کی دغو اهدافوته ورننوزو او هغوی بانډی د بمباری گوزارونه وکړو او یا هغه الوتکی - گولی چه دزیاتی مسافی غوغونی قدرت نه لری په داسی شرایطو کی پری بانډی استعمال کړو چه ددغو اهدافو هوایی مدافعه نامنظمه نه وی د ډیرو لویو ضایعاتو سره مخامخ کېږو .

دداسی هدفونو د ماتونی او تخریبو دپاره کیدای شی چه هغه الوتکی - گولی استعمال شی چه که هوایی وی او که ځمکنی خو دلویو مسافو دغو څولو قدرت ولری .

چه مخصوصی جنگی برخی لری کمدای شی چه چاودنی ئی داسی وی چه دارتفاع منبع له خسواکار کوی یا هاید رسلا تیکی وی اوداسی نور .

دالوتکی - گولی وزر زیات مساحت لری اودا اجازه ورکوی چه افقی الوتنه وکپی او همدارنگه ارتفاع ونیولای شی، کوشینس کیری چه الوتکو - گولیو ته امکان پذیره زیات سرعت ورکاندی، داددی دپاره چه شکاری الوتکی ونشی کولای چه دوی په هواکی ونیوای شی .

همدا سبب دی چه اوسنی الوتکی - گولی معمولاً لندی شکله وزر لری . دغیر غخه چتکو گولیو کی امکان شته چه مثلثی اویا مستطیلی شکله وزرونه دوزر چو وولو په پلان کی ونیول شی .

دلاریودل شوو الوتکی بمونو په توپیر الوتکی - گولی په انجن هم سمبالیری چه بی له هغی دلویومسافو غوغونه نشی تسمین کمدای . اساساً دلته فشاروالا ریکیفی انجنونه دیر استعمالیری . محض په بعضو بیلو حالاتو کی دکمو مسافو غوغوونکو الوتکو - گولیو کی امکان لری چه دیکتیفی انجنونه استعمال شی .

(دکمو مسافو غوغوونکو زور تپیه الوتکو - گولیو بالعموم انجن نه درلود) .

د فشار والو ریکیفی انجنونو غخه په مهم ډول توربه ریکتیوی انجنونه استعمالیری پولسیری انجنونه نشی په کمو ارتفاعاتو کی کار کوی ، مستقیمی انجنونو اوس پدی وروستو وختو کی دغیر غخه چتکو گولیو کی داستعمالو میدان په پراخه توگه وینو .

په الوتکو گولیو کی په عمومی ډول اکثره وختونو لکه دالوتکو غونډی ساده ابرودینامیکی دولسونه (هوا پیمانی سکان) استعمالیری .

دالوتکو - گولیو داستعمالو لولو طریقې دهغوی په تپ داداره کونی دسیستم په تپ او دهدف په خصوصیاتو او داسی نورو پوری اړه لری .

دنژدینو فاصلو دتخریباتو الوتکی - گولی دیم ورونکو الوتکو په واسطه دمخلفو ارتفاعاتو غخه پر هدف بانندی راغورخول کیری . دالوتکی دکار کوونکی ډلی (پرسونل) کار تقریباً همدارنگه دی لکه دلاریوول شوو بمونو دغورخولو په حالت کی .

په لمړی محل کی هدف لټول کیری پس له هغی الوتکه جنگی کورس نیسی او الوتکه - گولی راغورخوی نور نور اتلونکی عملیات دلاریوونکی سیستم پوری اړه لری .

که چیرته گولی په کله اداره کوونکی یعنی افته نومی او گولی نښی ته خپل دسه سیستمونو بانندی سمباله وی بم غورخوونکی الوتکه وروسته دیم غورخولو دهدف دمنطقی غخه ونی . په دی حالت کی گولی باید تیک په خپل هدف بانندی په صحیح سنجول شوی نقطه اوسنجول

شوی کورس غورخول شوی وی ، او که نه وی افته نومی اداره کوونکی سیستم صحیح خپل پروگرام ترسره کوی او گولی به داسی محای ته رهنمائی کپی چه هدف دگولی دنښی ته دخپل رسه سیستم دایدو دساحی غخه پناشی .

دلیری اداره کوونکو گولیو دغورخولو په حالت کی بم غورخوونکی الوتکه دیوه پروگرام لانندی حرکت کوی او گولی نښی ته برابر وی . اساساً دالوتکی گولی په لیری اداره کونه کی داسی اداره کوونکی طریقې امکان لری چه رهنمائی کوونکی الوتکه دگولی داداره کوونی دعملیا توپه هېڅ پروگرام کی کوم ربط ونه لری اونښی ته دگولی دبرابرولی په وخت کی خوداختیاره ما نوره وکپی . دحکمینو الوتکو گولیو جنگی استعمالونه کسی دیره

دقیقه اوزیاته توجه دهغوی دتوغونی سوال ته متوجه ده مطلب دادی چه دوزرونو اوچته کوونکی قوه د هوائی جریاتو دغوغونی دسرعت د مربع سره متناسبه ده . دیو الوتکی دوزرونو اوچته کوونکی قوه چه په محای ولاره وی اوبادهم وجودونه لری په صفی مساوی کیری ، اگرچه دهرغومره لوی مساحت لرونکی وزرونه جوړشی . دی دپاره چه عادی الوتکه دالوتنی مینموم لازمی سرعت حاصل کپی شی نودالوتنی په کپی کی ډیره (چتکه منله وهی . پدی پرنسب دالوتکو - گولیو دتوغونی دپاره داډول طریقه هم امکان لری مگردالوتنی او کښینونسی ساختمانونه (با ډی اوچته کوونکی ساختمانونه او داسی نود) په ډیره زیاته اندازه دگولی ساختمان پیچیده او جنجالی کوی . په غیر لدی دارنگه گولیو به دتوغونی مخصوصو ډگرونو جوړونی ته اړتیا درلوده .

لومړنی جرمنی الوتکه - گولی (۱ - ۷) دکته پوالت په واسطه توغول کیده .

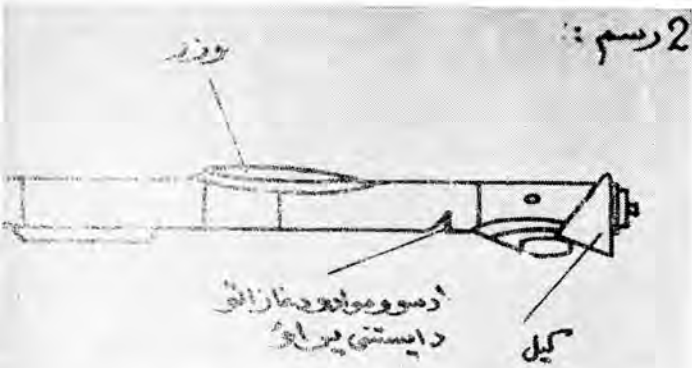
دکته پوالت یوه لویه عظیم الجسه دستگادوه چه دیوی لوی تروبی (نل) په شکل ئی پنځه شپيته متره اوږدوالی درلود او دننه ئی یولوی واشل موجودو . دی ماشین کاریگره قوه چه واشل به ئی په حرکت راوړ دیروزیاتو غلیظو او کسجینی شوو او بودتجزیه کونسی محصولات ووجه په ډیر زور سره تروبی نه ورننوتل او دکتلی نراتود دتا ئیر لانندی تجزیه کیدل . دواشل سره الوتکه - گولی تری وه چه پتلیوبانندی به ئی دکته پوالتو په کونجی کونه په یوه ساعت کی ددری سوو کیلومتره په چتکتیا سره منله کوله .

اوسنی ممکنی الوتکی - گولی یاد مخصوصو ستارتوری (چالانوونکو) انجنونوپه واسطه توغول کیری اویا د ستارتوری رایتکوونکو دستگاوو په ذریعه .

دستارتوری انجنونوپه واسطه دگولیو توغونه په دی اساس ولاره ده چه دهغوی کشش خوغو واره دگولی دوزن غخه زیات دی .

ماشین دی چه ریپکتیوی انجن لری او په پتلیو بانندی درومی. پس له هغی چه دغه کبشوونکی ماشین هغه سرعت حاصل کړی په کوم کی چه ددغی الوتکی - گولی چه دا ماشین ئی مخان پسی را کاپی دوزرونو پورته کوونکی قوه ددی دخپل وزن غخه زیات شی نوالونکه - گولی د ماشین غخه جلا کپری اومخ په وړاندی الوتنی ته دمارشی انجن دکار کولو په ذریعه دوام ورکوی .

د مثال په توگه بعضی او سنی عصری الوتکی - گولی تر مطالعی لاندی نیسو ، د نژدینیو عملیا توالو تکه - گولی « پترل » (امریکائی) په اوبو کی پو بولو یولو یو بیرو او کشتیو د تخریباتو دپاره کمارل شوی دی .



رسم 2:

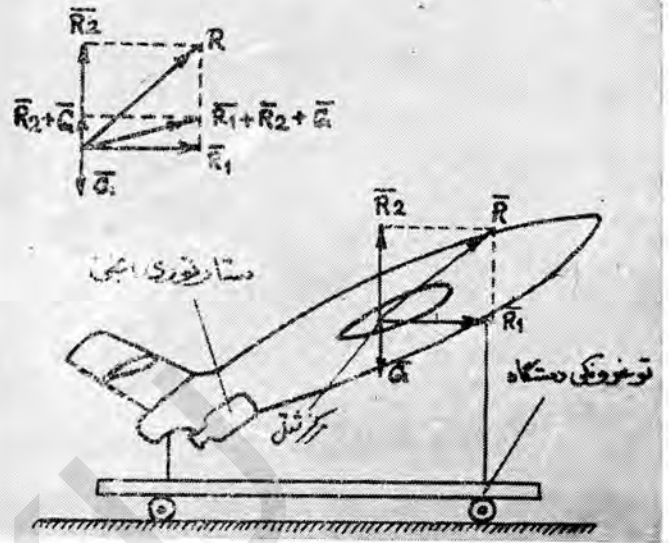
درسم تشریح : د نژدینیو عملیا تو الوتکی ، الو تکه - گولو « پترل » داشتاتی ۳۱۰ ملی متر نښی ته خپل رسه تر پید و *MK 13* ده چه وزرونه ، دلکی وروستی برخه او تورید ریپکتیوی انجن د ۵۰ کیلو گرام کششی قوی سره وروپری تپلی دی چه په دوهم رسم کی ددی گولی سخیماتیکی شکل ښودل شوی دی .

دهلف غخه ددیر شو کیلومتر ولیری والی په اندازه غورځول شوی گولی دتوربه ریپکتیوی انجن د فعالیت له برکته په پلان شوی خط وسیر بانندی حرکت کوی او دلیری اداره کوونکی سیستم اوراډیوئی ارتباطی لین په واسطه اداره کپری .

دبخر د سطحی غخه ارتفاع دمخصوص را ډیو ارتفاع سنج په ذریعه اندازه کپری او پس له هغی چه گولی دیوی معینی فاصلی په اندازه هدف ته نژدی شوه ، دارتفاع سنج د سگنال په واسطه (کله چه یوی اندازی مینموم ارتفاع ته ورسپری) وزرونه دلکی وروستی برخه او توربه ریپکتیوی انجن د گولی غخه غورځول کپری . خالی او آزاده تر پیده پس له هغی چه پر او بو تپتیری ونښی ته دخپل رسه سیستم په واسطه هدف ولورته رهنمائی کپری . ددی گولیو د حمل د پاره بمبارتانی الوتکی اویا هلیکوپترونه استخدا مپری . په دریم رسم کی بیرو ضد گز مه ئی الوتکه *BMC* امریکائی *P2V-6 M* « نپتون » ده چه دوه « پترل » گولی وری .

ستارتوری انجن په الوتکه - گولی کی داسی مخای په مخای کپری چه دانجن دککش وکتوردگولی دمرکز ثقل غخه تیر شی او دهغی دمحور سره ئی یوه زاویه جوړه کپری وی .

رسم 1:



درسم تشریح : دستارتوری انجن دکومک په واسطه د محکمئی الوتکی - گولی د توغونی شمه .

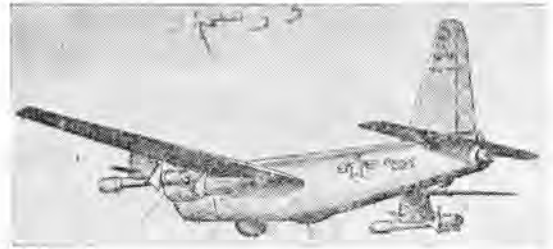
که چه ته دستارتوری انجن دککش دقوی وکتور په اجزاو تجزیه کړو لکه غنکه چه په رسم کی لیدل کپری نو که دککش قوه زیاته کړو کیدای شی چه دی نتیجی ته ورسپری وچه دهغی مرکب R_2 دهغی دوزن G غخه زیات شی .

که قوی جمع کړو و قانع کپری وچه $R_2 > G$ په شرايطو دتولوقوو محصله چه پړگولی بانندی تاثیر کوی پورته خوا مایل روانه ده .

بنآ الوتکه - گولی د لږ غه ارتفاع نیولو سره وړاندی درومی .

پس له هغی چه هغه سرعت ونیسی چه دوزرونو اوچته کوونکی قوه ددی کفایت وکپری چه گولی وړاندی په خپله والوتلای شی نوستارتوری انجن د الوتکی - گولی غخه غورځول کپری او وړاندی دمارشی انجن د فعالیت په اساس لکه دعادی الوتکی په شان چه د پږ غخه پورته شی دهلف ولورته خپله الوتنه کوی . توغونکی دستگاهی په یوه مخصوص متحرک پلاتفورم بانندی درول کپری چه ترانسپورت ئی هم دیوه مخصوص تیا گچ پواسطه صورت مومی .

ددرونو قاره پیمانو الوتکو - گولیو د توغونی د پاره کیدای شی چه دوهمه طریقه استعمال شی کوم چه مخصوص دایمی ثابتو دستگاهو ته اړه لری ، د دستگاه یو کبشوونکی



در رسم تشریح *P2V-6M* الوتکه چه د « پترل » په کولیو مجیزه ده
د ۱۹۵۷ع کال څخه را پدی خوا دا کولی نوری نه تولیدیږي .

درسم تشریح: د «راسکل» کولی د الوتنی په حال کی د مخکنیو الوتکو کولیو مثال چه د تا کتیکی مسئولو دخل د پاره کمارل شوی دی «ماتادر» او «ریگول» کولی کیدای شی .

د «ماتادر» د کولی دری مودلونه معلوم دی . لومړی مودل *TM-61A* اندکس لری او د ۱۹۵۴ع کال په آخر کی د سلاح په حیث فوآوته داخل شول. ددغی کولی د حرکت اداره کوته د مخکنیو رادار وپسه واسطه صورت مومی چه د حرکت په خط و سیر کی موقعیت نیسی. پدی ترتیب ددغو کولیو د تاثير مسافه د اخیستن رادار د مستقیمی لیدنی د حدودو تراندازی پوری محدودده. توغونه ئی د داروئی ستار توری انجمن په کمک چه د ۲۳ څخه تر ۲۵ تنو پوری د کشش قوه لری او دوه دری ئی نیسی کار کوی صورت نیسی.

د ستار توری انجن د کار په پای کی کولی په یوه ساعت کی ۳۲۰ کیلومتره چتکتیا پیدا کوی او نورنو د مارشی تود به ریکتیوی انجن د کار کولو په مرسته خپلی الوتنی ته دوام ورکوی .

د متحده اضلاعوزیاتی عسکری هوائی قواوی د «ماتادر» په کولیو مسلح دی ، پدی وروستیو وختو کی په مودل *TM-61C* کولیو باندی مسلح شویدی. د لومړنی مودل سره ددغه مودل بیلتون په دی کی دی چه د هغوی په تنه کی د سوزونکو موادو د تا نکیدو د مخای په مخای کونی د پاره اضا فگی مخایونه جوړ شوی دی او د لاربنوونی سیستم ئی ډیر زیات مکمل او عصری دی چه د های پارابولی رادیولیدنی د پرنسیب په اساس ولاړدی. *TM-61C* کولی په ۱۹۵۷ع کال د اپریل په میاشت کی د *TM-61A* کولیو په عوض قواوته داخل شوی دی.

د « پترل » د کولی اساسی خصوصیات :

توغوونکی وزن	۱۷۲۰ کیلوگرام
بشپړ اوږ دوالی	۷،۳ متر
دوزرو نو سور	۴ متر
د الوتنی چتکتیا	۸۳۰ کیلومتر ساعت
د مسافی اوږ دوالی	۳۰ کیلومتر

په دغه تپ کولی « راسکل » (*RASCAL*) کولی ده .

د ۱۶۰ کیلومتر ولیری مسافی د پاره سنجول شوی او د ۱۲ څخه تر ۱۶ کیلومترولو والی په اندازه راغور ځول کیږی . کولی په دریو کومره ئی مایعی ریکتیوی انجن باندی سجال ده چه مکسیموم کشش ئی ۲۷۳۰ کیلوگرامه دی . پس له هغی چه کولی د وړونکی الوتکی څخه وشلیږی نودنه کونجی شووانجنونو سره الوتنه کوی او وروسته بیا مایعی دیکتیوی انجن کونجی کیږی په کار پیل کوی او کولی د ۳۰ کیلومتر و د شاو خوا و پوری ارتفاع نیسی .

د خط و سیر په لور په نقطه کی ئی سرعت په یوه ساعت (کپی) کی تر ۲۰۰۰ کیلومتر و پوری رسیری وروسته کولی داسی پلان ته راځی چه د هغی په نتیجه کی ئی سرعت لوړیږی . د اداری سیستم ئی افته نومی دی او اصلاحات ئی د اکسیلرومرونو په ذریعه کیږی .

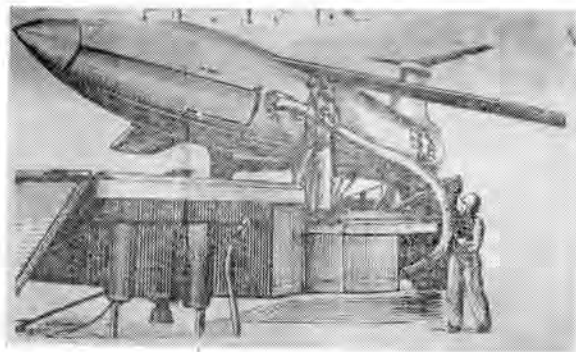
د « راسکل » د کولی دورنی د پاره *B-47* او *B-52* الوتکی استعمالیږی .

د « راسکل » د کولی اساسی خصوصیات :

توغوونکی وزن ئی	۵۹۰۰ کیلوگرام
بشپړ اوږ دوالی ئی	۴،۶ متر
دوزرو نو سوری	۹،۸ متر

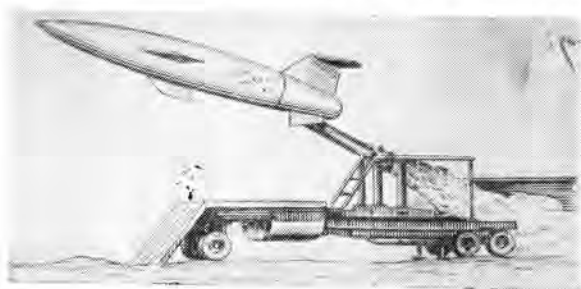
د الوتنی چتکتیا ئی (هدف ته دنژدی کیدنی په حالت کی)
۳۵۰۰ کیلومتر ساعت
د مسافی اوږ دوالی ئی ۱۶۰ کیلومتر

مارشی انجمن دسوزیدونکو موادودغاز اتودایستنی د پاره پراو (سوری) دلکچی په وروستنی برخه کسی وجود لری . دکولی پر حرکت پانندی اداره لرنه دراپیو لیدونکی سیستم په واسطه ددو پلرد افکت استعمال په اساس چه عطا لئی او کیمیان لیدونکی سیستم ورسر ، کدبا استعمال شوی دی ترسره کیری .



د - ۷۶-۷۶ TM مودل « ماتا در » کولی توغونه اساسا ددی نورو مخکنیو مودلونو غوندی اجرا کیری ، مگر په خپل ساختمان کی ډیر زیانه مکمله ده .

د رسم تشریح : په توغونکی دستگاه باندی د TM - 61 A مودل «ماتادر» کو .



ډیر زیات مکمل تر ۷۶-۷۶ TM مودل «ماتادر» کولی دی چه د TM-61 B مودل غځه ئی انکشاف کړی دی . د «ماتادر» ۷۶-۷۶ TM مودل کولی دمخکینو مودلونو غځه ډیر زیات پیلتون لری ، ځکه چه دامودل لوی ابعاد او د ډیرو وزن لرونکی دی چه وزرونه ئی غونډلای شی اود اداره کونی کلسیستم باندی مجهزه ده . کولی د لنډی شکله وزرونو اولور موقعیته کړ خو ونکو ستا بیلیناتور سره لوتکی شمه لری . کیل ثابت دی ، کړخوونکی رولونه نه لری . دکولی د سمت او غځنیز حرکت اداره کونو د مخصوصو انحراف کوونکو پاڼو دکومگ په واسطه چه دوزرونو په پاسنی سطحه کی غای په غای شوی دی صورت نیسی . دکولی تنه ډډریو برخو غځه جوړه شوی ده . مخکیننی برخه چه دا جنگی برخه ده او کیدای شی چه عادی اویا اتومی دارو لری .

د رسم تشریح : د «ماتادر» دکولی توغونه

شپږ توغونونکی دستگاهی یو کنهک تشکیلوی چه په خپل تشکیل کی داسی جزو تام په غځنک کی چه دتوغونکو دستگاهی د استعمال اوساتنی وظیفه ورپه غاړه ده ، اداره کوونکی ، مخا براتی او کومکی جزو تامونه هم لری . د تاکتیکی «ماتادر» دکولیو دری کنه که یوغونو تشکیلوی نو په دی اساس یوغونو ۱۸ توغونکی دستگاهی لری . دتوغونو دپاره دکولی برابرونه دکولی دسامانو د غونډونو سره یوځای یو نیم ساعت وخت نیسی . ۷۶-۷۶ TM کولیو سریال تولید د ۱۹۵۷ ع کال په آخر کی شروع شوی اود عسکری هوانی قواؤ په جزو تامونو کی د دوی داخلونه د ۱۹۵۸ ع کال غځه پیل شوه .



د «ماتادر» دکولیو اساسی خصوصیات :

TM-76	TM-61A	د کولیو تیپ
۶۲۵۰	۵۴۵۰	توغونکی وزن ئی (بی له ستار- توری د اروئی ریکیتیوی انجن غځه په کیلو گرام
۱۳۶۰	۱۳۶۰	دجگی برخی وزن په (کیلوگرام)
۱۳۴۵	۱۲	بڼیچ اوږدوالی ئی په متر
۷	۸۴۵	دوزرونو سورئی په (متر)
۱۴۳۵	۱۴۳۷	د تنی قطر ئی په (متر)
۱۰۵۰	۱۱۰۰	د الوتنی چټکتیا ئی $\frac{Km}{h}$
۹۶۵	۸۰۰	د مسافی اوږدوالی ئی په (کیلومتر)

د رسم تشریح : د ماتادر کولی چه په خپله دستگاه باندی درول شوی ده .

د مخکینینو مودلونو سره د مقایسی په لحاظ ددی کولی مخکینینی برخه ډیره اوږده ده . په منځنی برخه کی دسوزیدونکو موادو تانکی گانی اود کولی د حرکت اداره کوونکی ترتیبات پراته دی . تیپ ئی دتوربه ریکیتیوی

د امریکې د متحده ایالاتو عسکری بحری فلوٹ بیړی ، لاندینی کښتی اوساحلی اډی پدی وختوکی د «ریگول» I په نامه الوتکو- کولیو بانندی مجهزی دی، دخپل ایرو دینامیکي شمو په اساس د «ماتادر» دکولیو څخه داقتی هواپیمانی سکان د فقدان په نسبت بیلتون لری . ددی کولیو اندازه کونه داپلی ون او گروونکو رولونو په ذریعه صورت نیسی چه په کیل بانندی موقعیت لری . دوزرونو کنسول غونډیپری چه داکار د ابو لاندی ډوبی کښتی په عرشه کی په مخصوص اوبه نه تیریدونکی ظرف کی د کولی خوندی کونه ډیر آسانه کوی .

پدی ترتیب دتوغونی لځای په دکولی حمل ونقل کونه دکشتی په واسطه په داسی حالت کی صورت نیوای شی چه کشتی په اوبوکی ډیره ډوبه پتهرانه وی .

دکولی توغونه ددی اوږدی سمت نیونکی ټونگی سره دوؤ ستار توری دار وئی انجنونو په کومک صورت نیسی مارشی انجن توربه رییکتیوی دی دتول پرواز په موده کی کار کوی . جنگی برخه سره لدی چه انفجار خواصه عادی انفلاقی مواد په کی لځای په لځای کیپری اتومی دارو بانندی هم کیدای شی .

دکولی پرحرکت بانندی اداره لرنه دلیری اداره کونکی سیستم داستعمالونی په کومک سره کیپری اداره کونی په آخری برخوکی دکولی په خپله نښی ته رسوونکی سیستم چالانیری «ریگول» I کولی په ۱۹۵۵ ع کال کی اردوته ننوتی ، چه داوبولاندینی کشتی ، کریسرونه الوتکی وړونگی اونوری دعسکری بحری فلوٹ بیړی گانی په وربانندی مجهزی شوی دی . ددوی توغونه هم دعسکری بحری فلوٹ د ساحلی اډو څخه صورت نیسی په ۱۹۵۸ ع کال د اگست په میاشت کی د دغو کولیو تولید ډیر زیات کم شوی دی او بلکل به هغه وخت ددوی تولید بندشی چه څنگه د «ریگول» II کولی په اردوکی ومنلی شی .

د «ریگول» II الوتکه - کولی د «ریگول» I څخه تر گړدو دمخه په دی بیلیری چه داواز څخه ئی چټکتیا زیاته ، او داور دتاثیر مسافه ئی خورا اوږده ده دایرو دینامیکي شمی او د اداره کونکو اورگانو د موقعیت په اساس دوهم مودل دلیری څخه تش داقتی هواپیمانی

سکان به لرلو سره توپیر لری چه دتنی په مخکښینی برخه کی ئی واقع او دغو څخه چټکو سرعتونو کی د توازن د بهتری ډپاره ضروری دی .

د مارشی تور به رییکتیوی انجن دغاذا تودالیستی دریچه (دریچه) ئی د «ریگول» کولی غوندی دتنی په مخکښینی برخه کی نه ده واقع بلکه لاندی خوا تقریباً دکولی په منځنی برخه کی موقعیت لری . کله چه دمکسیموم مسافنی درسونی ډپاره توغول کیپری دکولی دوزرونو لاندینی دسوزیدونکو موادو ټانکی گانی زور ندیپری . دکولی دتوغونی ډپاره دوه داروئی ستار توری رییکتیوی انجنونه استعمالیږی ، د اداره کونی سیستم انتخابی سوال ئی تر اوسه پوری پوره ندی حل شوی ، چه دوه فقری ئی تر نظر لاندی نیولی دی : عطالطی سیستم او د TM-76

د «ماتادر» دکولی مشابده اداره کونکی سیستم دی .

جنگی برخه ئی ترمه زهره وی داور لری .

د «ریگول» II کولیو د سریال دجملی څخه لومړنی توغونه په ۱۹۵۷ ع کال دنومبر په میاشت کی وشوه .

«ریگول» II کولیو بانندی به هغه بیړی گانی مجهزی شی چه اوس په «ریگول» I کولیو بانندی مجهزی دی .

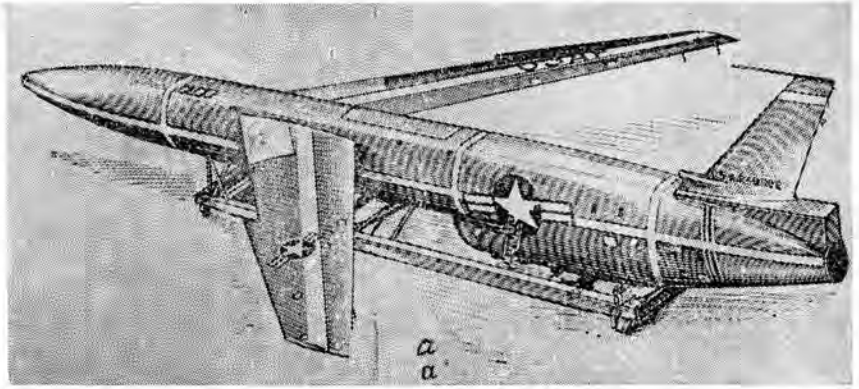
داوبولاندی تلونکی بیړی چه «هالیبات» نومیږی او دانومی انجن په ذریعه کار کوی مخصوصی د «ریگول» II گونیو دورنی او حمل ډپاره جووی شوی دی .

«ریگول» دکولی اساسی خصوصیات :

د کولی تیپ	I «ریگول»	II «ریگول»
توغونکی وزن (د داروئی رییکتیوی انجن دوزن څخه په پرته) په (کیلوگرام)	۶۶۰۰	۱۰۴۰۰
دجنگی برخنی وزن ئی په (کیلوگرام)	۱۳۶۰	-
پشپړ اوږدوالی ئی په (متر)	۱۰	۱۷۴۴
دوزرونو سورئی په (متر)	۷۴۱	۶
سرعت ئی په کیلو متر	۱۱۰۰	۲۰۰۰
داور دتاثیر دمسافنی اوږدوالی ئی په (کیلو متر)	۸۰۰	۱۶۰۰
		دوزرو لاندینیو سوزیدونکو موادو دټانکیو سره

دستراتیژیکی محکمینیو الوتکو- کولیو مثال امریکائی

قاره پیمنا «سنارک» کولی کیدای شی .



د کولی دتني غو که ئی برخه په ترسه زهروی موادو باندي سمباله ده . کله چه کولی پر ههدف باندي در اتيښدو حالت ته راښي د کولی دغو کی داروئی برخه جلا او مستقیماً په خپله پر ههدف باندي رالویږي . د کولی دتني په منځني برخه کی دخاورو دتیلو ټانکی گانې او اداره کوونکی اپاراتوره پرته ده چه دعطالطی او کیهان لیدونکی گډ سیستم څخه جوړه شوی ده . د کولی دتني دلکی په برخه کی مارشی انجن لځای په لځای کول کیږي .

د ۱۹۵۷ ع کال دمای د میاشتی څخه د « سنارک » د کولیو سریال تولید شروع شوی دی ، او په قواؤ کی د ۱۹۵۸ ع کال د جنوری په میاشت کی ورننوتل . د ۱۹۵۷ ع کال د نوومبر د میاشت څخه د اتلانتيک د بحر سواحلو کی د دغو کولیو د لومړنیو توغونو نکو مواضعو جوړونه شروع شوی ده .

استره اینرځی (نجومی عطالطی) سیستم داداره کونی ډیر زیات صحت تأمینوی ، مگر د « سنارک » د کولی لوی کمبود دادی چه په هوا کی دهغوی نیونه ډیره ساده او آسانه ده لځکه چه دادغیر د سرعت څخه ټیټه الوتنه کوی اود ارتفاع جگ والی ئی داوسنیو بشکاری الوتکو دارتفاع څخه کم دی .

د « سنارک » د کولی اساسی خصوصیات :

۲۲۰۰۰	تو غوونکی وزن ئی (بی له ستار توری انجن او سوزید و نکو مواد و زورنډ و ټانکیو څخه) په کیلوگرام
۱۲۶۰	دجنگی برخي وزن ئی په کیلومتر
۲۱	بشپړ اوږ دوالی ئی په متر
۱۳	دوزو نو سوړ ئی په متر
۱۷۶	دتني قطر ئی په متر
۹۶۰	سرعت ئی په کیلوگرام
۸۰۰۰	د مسافې اوږدوالی ئی په کیلومتر

د رسم تشریح : ستراټیژیکی الوتکه - کولی « سنارک »

a : د کولی عمومی شکل

b : د کولی توغونه

c : د کولی څخه دستار توری انجنونو جلا کیږنه .

د « سنارک » کولی د الوتکی شمی په اساسی جوړه شوی ده . او اقی هوا پیمائی سکان نه لری ، اداره کوونکی اورگان ئی دایلی ون او اداره کوونکو دولونو څخه عبارت دی .

کولی د مخکینی اوږدی رهنمائی کوونکی ټونگی دایښودنی سره د دوو داروئی ستار توری ریښکتیوی انجنونو په کومک باندي توغول کیږي .

توربه ریښکتیوی مارشی انجن پس له ستارته د پنځلسو کیلومتر وار تفاع نیونه تکمیلوی . دارتفاع د نیونی په پای کی کولی سقفی الوتنه کوی یعنی د سوزیدونکو موادو د کاراوسونی په اثر ارتفاع زیاتوی چه پر ههدف باندي دارتفاع ۱۶ ۷ کیلومتر و ته رسیږي (په دی شرط چه کړد سوزیدونکی موادو سوزیږي) ،

د بشپړی مسافې داوږدوالی دوهنی دپاره دوزرولاندي د سوزیدونکو موادو دوه ټانکی زړول کیږي چه وروسته تر هغی چه سوزیدونکی مواد ئی خلاصی شی د کولی څخه راغور غول کیږي .

م و خو اندگان

یکتعداد علاقمندان مجله اردو و با لخاصه ضابطان جوان که تحصیلات عالی خود را در خارج بپایه اکمال رسانده اند مضامینی را از جراید خارجی ترجمه نموده و اغلب بمشکلات گوناگون بر می خورند بعضی از ما پرسیده اند که ترجمه چگونه باید باشد در این اواخر مضمون جالبی زیر عنوان (ترجمه و محدودیت های آن) در مجله سخن بطبع رسیده بود که مترجم آن جلالآب روان فرهادی سفیر کبیر افغانی در فرانسه میباشند چون این مضمون از لحاظ موضوعات ترجمه بسیار جامع و جالب است و نیز بسوالات اکثر علاقمندان جواب صحیح داده میتواند، آن را در مجله اردو نقل و بطبع رساندیم امید است برای مترجمین جوان ما سرمشق اساسی در کار ترجمه شده بتواند؛

مقدمه: در خزان ۱۳۴۶ در مقدمه یک کتاب ترجمه یکی از دوستان دانشمند خود سید خلیل الله هاشمیان ترجمه را به دو نوع تفریق کرده بودیم: یکی ترجمه لفظ فقره به فقره یعنی ترجمه میکانیکی و دیگر ترجمه ادبی. نوع اول در جهان بسیار به کار میرود و آن ترجمه است از روی انا تومی. مترجم در آن مانند

میگانیسین اجزای یک دستگاه را به هم می پیوندد. امروز در جهان ما نند این ترجمه را توسط ماشین نیز انجام میدهند. مگر ترجمه ماشینی از نظر ادبی به کلی بی ارزش شناخته شده است. ماشین اگر کارش به آسمان هم بکشد باز هم خد متگار ترکیب و اصطلاح و حتی بنده لفظ می باشد و نه خد متگار معنی حقیقی. این کار را جز از مغز بشر نمیتوان توقع داشت.

اکنون در جهان غرب و پیشرفته تر جهان دارای تمرین بین زبانهای معمول مثلاً بین اسپانیائی و آلمانی بین ایتالیائی و صربی بین دانمارکی و انگلیسی بین روسی و فرانسوی به سرعت و حتی هم زمان ترجمه شفاهی میکنند. این ترجمه البته مطلب و مفهوم را میرساند.

بین زبانهای پیشرفته تمدن از یک سو و زبانهای جهان سوم از سوی دیگر نظر به دلایل تاریخی و بشری و زبان شناسی (که این جا موقع بحث آن نیست) هنوز عین ارتباط مشخص و اتوماتیک ترجمه از کلمه به کلمه و از ترکیب به ترکیب بیکسان ساخته نشده است تا ترجمه آن به پایه ترجمه بین زبانهای غربی رسیده باشد.

در مقدمه ترجمه آن کتاب اضافه کرده بودیم که ترجمه ادبی نوع دوم و اصل ترجمه است که فقط ترجمه اتوماتیک و اتوماتیک نیست ترجمه ادبی کار سخن است و چون کار سخن در میان آید دانش محض و قدرت ذهن کافی نیست و هنر و هنر مندی بکار می آید. اگر متن ترجمه مانند یک دستگاه فعال و مگر فاقد هنر باشد اگر چه بچرخد باز هم ترجمه نیست و حاصل آن بی روح خواهد بود. از نگاه، هنر سخن ارزنده دستگاه آهنین نیست گرچه چرخنده باشد بیابان خشکیده نیست گرچه پهناور باشد جسم متحرک نیست که مغز مصنوعی داشته باشد. بلکه سخن ارزنده بهشتی جا ندارد است که آواز تپش دل و نفس کشیدن آن بگوش می رسد. مترجم از نظر ادب زمانی شایسته نام مترجم است که نه تنها دانشمند بلکه هنر مند باشد وی از مرحله ترجمه کلمه به کلمه و ترکیب به ترکیب پافرا تر می گذارد گنجینه هر دوزبان را شناخته سروارید ها را از خرمسره تفریق میکنند و سخن را به سخن ترجمه میکنند. ترجمه او مفهوم را نه تنها به مغز و فکر خواننده بلکه به جان و دل او میرساند (روژه کای یوا) عضو اکادمی فرانسه

نویسنده و بشر شناس (متولد ۱۹۱۳) به ادب امروز چه در زبان خود و چه در زبانهای اسپانیایی و پرتغالی احاطه دارد. سالهای طولانی را وقف معرفی آثار نویسندگان زبانهای اسپانیایی و پرتغالی (که اکثر از اهل امریکائی لاتین هستند) کرده است. از توکیو تا هاوانا و از دهلی تا بوینس آیرس بارها سفر کرده از معنی نقش بال پروانه گرفته تا زبان نقش سنگ و رمز بازی و قمارهای مردمان جهان را مورد بررسی قرار داده درباره آنها کتب عمده نوشته است. وی در بهار ۱۳۵۰ در تالار دانشگاه کابل خطابه تحت عنوان حدود ترجمه ایراد کرد که ترجمه آنرا نظریخواهش خودش بزبان فارسی تمهیه کردم درینجا آن ترجمه را بخوانندگان این مجله تقدیم می‌دارم:

«روایت چنان است که در برج بابل همه زبانها را با هم آمیختند. در چنین احوال آنچه را از جمله هنرهایش از همه صدمه دیده باشد ادبیات بوده است واقعاً رقص (یعنی هنر حرکت) موسیقی (یعنی هنر آوازاها) معماری (یعنی هنر عمارت) هیکل تراش (یعنی هنر اشکال و هماهنگی و اشکال تمثیل کننده) و بالاخره نفاشی (یعنی ترکیب موزون خطوط و رنگها) همه از یک فرهنگ به فرهنگ دیگر قابل انتقال هستند. این انتقال گرچه باید آماده شود مگر احتیاجی بوسیله واسطه ندارد. این هنر در زبان جهانی گویا هستند. کافیت اثر زاده آن درج و ثبت شود و آرزوی آن نقل شود ترجمه آن لازم نمی‌افتد. صفحه گر اما فون عکاسی رنگه همه پیمای را انتقال میدهد که جوهر آن نزد ما مخصوص و مفهوم است. موزه‌ها البوم‌ها مراکز صفحات گر اما فون بطور عاجل تصویر ثمرات هنرهای نفیسه همه جهان را میسر میگرداند. برعکس ادبیات ازین سهولت انتقال محروم افتاده. سبب

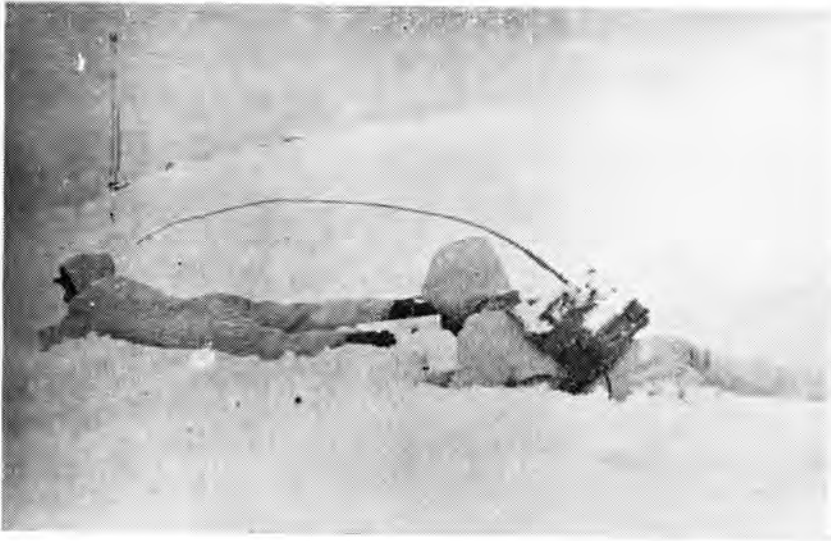
آنست که وسیله انتقال ادبیات مجموع اشارات مختلف یعنی زبانها هستند که اکثر با یکدیگر قرابتی ندارند. اگر کسی بخواهد در باره هیکل تراش مطابق شیوه دیگری یا یک تابلو با نقش دیوار که از روی منظره دیگر باشد یا موسیقی که از روی نوار و آهنگ مجموعه نا آشنا ترکیب شده باشد ارزیابی کند آنگاه او را یک مدت شاگردی و آموزش بسنده خواهد بود. اما خواندن یا شنیدن یک متن جان کیتس (شاعر انگلیسی) یا سروانتس (نویسنده اسپانیولی) یا لی - تالی - پو (نویسنده چینی) یا کالیداس (هندی) کفایت نمیکند بلکه باید به معنی آن پی بود. پس باید که آن متن ترجمه شده باشد آنگاه پس از آن مرحله آموزش فرا میرسد. پیش از مرحله ترجمه اصل و جوهر آن اثر محجوب است و خود بیانگر پیام خود نیست. هر کس کلید آن رایعنی زمان نگارش آنرا شناسد به معنی آن پی نمیرد. با درک این مطلب ساده نتیجه مهم مکتشف میشود و آن لزوم ترجمه است که عمل نهایت دشوار کم بهره پیچیده و فریبنده است و دشواریهای بزرگ را در بر دارد. ترجمه کردن مانند کشف کردن زبان ر مزو کلمات مکتوم است. در

حالی که آن زبان نزد زندگان متداول نباشد و بصورت مجموع اشارات معما آمیز جلوه کند آنگاه واقعاً زبان رمز میشود. چنانچه هیر و گلیف مصریان و اشکال خط میخی و حتی تا هنوز خط مردم مایان (سرخ پوستان امریکای مرکزی). کشف قرائت حروف الفبا نیز یک مرحله ابتدائی است چنانچه امروز خط مردم اتروسک را (که از زمان قرن هشت قبل از مسیح در ایتالیا میزیستند) میتوانند خوانند مگر کس به معنی آن پی نمیرد و کس نمیداند آن زبان بکدام زبان دیگر بسته است تا آن زبان دیگر در فهم آن مارا یا ور شود کتیبه‌های آن بمقدار اندک امکان ترجمه آن از داخل نیز موجود نیست.

این مسئله که مربوط زبانهای باستانی است در مورد زبانهای زنده امروز رخ نمیدهد. در این زبانها متکلمان و مخاطبان تبادل مطلب میکنند بمعنی سخن یکدیگر پی میبرند و زبانرا بحیث وسیله بکار می‌اندازند. فهرست مصطلحات معادل و یا قریب را ترتیب میدهند و باین صورت قاموس دو زبان را که آلت ترجمه است ایجاد میکنند اما این اقدام نیز تنها به مقصد رساندن اطلاع از روش



فعالیت قرآنگاه در قمرینات زمستانی فرقه ۸



افراد مخا بره قطعات فرقه ۸ در برفباران زمستان وظیفه خود را انجام میدهند

دارد. ولی برای فهم اثر ادبی کافی نیست زیرا اثر ادبی مجموعه مقاصد و ترکیب (ساده یا دانشمندانه) و سایل مناسب رساندن مفهوم است که بعضی از آن (خصوصاً در مورد زبان های فاقد خط) از روی آواز یا لهجه و آهنگ یا حرکت و اشاره و یا تقلید و تمثیل بیانی میشود بطوریکه انتقال تحریری آن فقط استخوان بندی آن اثر را تمثیل میکند درحالیکه آن اثر با لهجه قرائت شده یا به آهنگی آمده یا در قالب حرکت و رقص افتاده و یا چون تیاتر تمثیل شده و یا به تقلید آمده است. معلوم است که ادبیات پیش از خط بمیان آمده است پس باید در پهلوی تحریر آواز اصلی ترجمه و ثبت آواز و تصویر بشکل سمعی و بصری افزوده شود. چنانکه امروز همچنین میکنند.

بعضی موارد نهائی و استثنائی است مانند آن زبان ها که خط ندارند یا آن خطها که به زبان آن در زمان پیشین سخن گفته میشد و اکنون آن زبان ها از استعمال افتاده اند. در اینجا فقط صورت ساده این موضوع را بیان میکنم که خوشبختانه معمول تر است و آن مقابله زبان هائست که تحریر و تقریر دارد و بسیار مردم

به آن سخن میگویند و آنرا می نویسند چون انگلیسی، اسپانیائی، روسی، عربی چینی و غیره.

در مورد مطالب روز مره و تاحدی در مورد آثار علمی و فنی (که بابتگر حقایق دارای ارزش جهانی هستند) مشکلات چنان نیست که جرأت مترجم را سلب کند. مگر در مورد ادبیات (که در آن هر خط حاوی نیت و مقصدی بوده و این مقصد خلق مفهوم نه فقط اشاره به آن میباشد.) کار آسان نیست.

تصور نشود لغات گنجینه حافظویا احساسات بسان فهرست با کاتالوک کلمات معادل هستند نه بصورت میکا نیکی یکی در مقابل دیگر بتوانند استعمال شوند در دو زبان کلمات زیاد موجود است که در زبان دیگر معادل ندارند حتی بعضی از این کلمات ساده اند. مثلاً البته میتوانیم کلمه برف را به کشور کنگو و یا کلمه بهار را به کشور برزیل از فرانسه صادر کنیم اما در آن سرزمین های بی زمستان و بی تابستان این کلمه ها معنائی ندارند حتی اگر بکوشیم مطلب آنرا شرح دهیم. ده سال پیش دخترک یک شاعر برزیلی به نام (انی بال مچا دو) برای صرف نهار بمنزل ما در فرانسه آمد او را پدرش نزد ما فرستاده بود.

ماه آوریل بود. دخترک خیال میکرد همه درختان مرده اند مگر چون دید برگ ها و غنچه ها بر درختان دیده میشوند بسیار متعجب ماند چند غنچه و پندک را در قطی گکی انداخته توسط طیاره به پدر خود فرستاده بود تا پدر بداند که در اروپا درختان دوباره زنده میشوند. طبعاً آن دخترک کلمه بهار را می شناخت زیرا در زبان



رفتار در برف، منظره از فعالیت افراد در قول اردوی مرکزی

نیز ترجمه کرده اند). مگر این کار درست نیست زیرا حقیقت وحی شده تغییر می یابد و از جانب دیگر ابلیس فریبنده بصورت (سگ آبی) ماهیت مار را تمثیل نمی کند زیرا مار با سمبارت بهر سو می پیچد حیل و خدعه بکار میبرد. گونه خیانت است و آسیب خاصی میتواند برساند که وسیله آن زهر مار است.

ترجمه های تورات و انجیل در هر جا بمشکلات بی پایان از همین گونه برخورد است همه این مشکلات زاده اقلیم، ماهیت نباتات، حیوانات و اوضاع رودخانه ها و دریاها نیست بلکه نتیجه قوانین و اصول ادب عرف در هر محیط یا اینکه نتیجه تشبیهات متداوله و ضرب المثل ها می باشد که همه بر حکمت رواج ها، اخلاق، طرز اقتصاد، دشمن و موسسات هر محیط اتکاء دارد در (پرو) (کشور امریکای جنوبی) شاهنشاهی انسکا که زمانی تمدن درخشان داشت و ناتوان شده بود، بدست اسپا نیولی ها فتح گردید. آنگاه سخن از مسیحی ساختن ایشان به میان آمد. اسپراتوری انکا فقط اصل مالکیت اجتماعی را می شناخت. بنا بر این مالکیت فردی، پول



فعالیت جزواتم موتر دار فرقه ۸ بر روی برف

مشکل بزرگتر اینست که ابلیس به شکل مار ظاهر شده و در سرزمین یخ بسته دایره قطبی مار وجود ندارد البته میتوان شرح داد که مار خزنده ایست بی پای و بی بال و بی شمپهر اما این همه در نگاه آن مردم شگفت به نظر میرسد. راه حل دیگر این خواهد بود که بجای مار نام یک حیوان محلی برده شود مثلا (سگ آبی) (حیوان ناحیه قطب شمال که به فرانسوی (فوک) و به انگلیسی (سیل) نامیده میشود در فارسی (خوک دریائی)

پرتقالی (که مردم برزیل به آن سخن میگویند) این کلمه موجود است مگر بهار را بچشم ندیده بود چون آنرا نخستین بار دید نمی دانست که همان بهار است که نام آنرا در زبان خود آموخته است همچنین کودکان مکتب که هنوز در افریقای غربی درسنگال و ساحل عاج زبان فرانسوی می آموزند چون اشعار را از بر میکنند متحیر میشوند ماه اوریل و می چرا دران شعرها مقام برجسته دارد. از خود می پرسند آیا این کلمات چه کیف خاصی دارند که موجب چنین احساساتی نزد اهل فرانسه میشوند در حالیکه همین کلمات در طول دوران رستن گیاهان مناطق استوایی هیچ مقامی ندارند. تفاوت اقلیم موجب تفاوت های حیوانات و نباتات میشود. مبلغان مسیحی چون کوشیده اند مردمان مقیم قلب شمال را بر موز فصل اول تورات در باب تدوین آشنا سازند با مشکلات زو برو شده اند و آن شرح حیل ابلیس در لباس مار در جنات عدن است. جنات و بوستانها در اقلیمی که وجود نمی پذیرد چگونه شرح داده شود.



منظره دیگری از تمرینات زرهپوش فرقه ۸ در زمستان



صحنه دیگر از فعالیت قرارگاه در زمستان

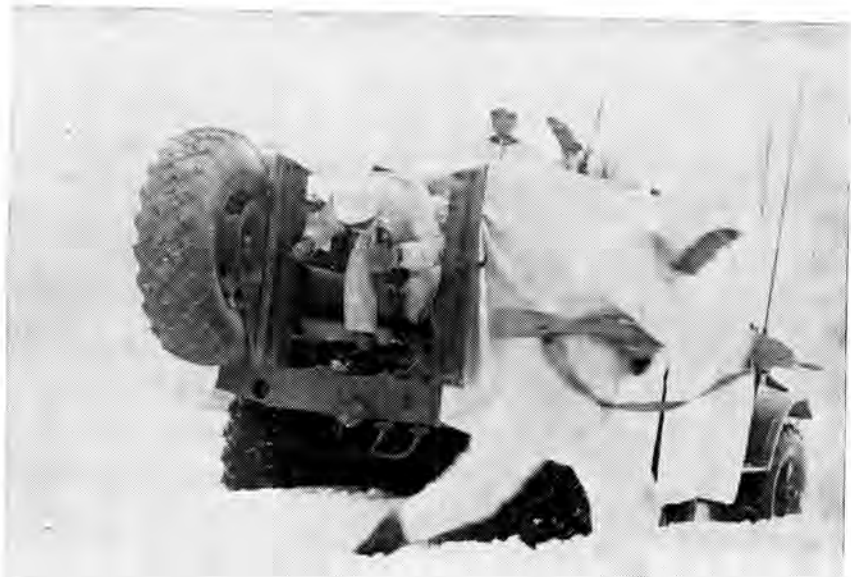
وسود خواری در آن وجود نداشت پس چگونه مط لب تورات وانجیل در باره خدمتگار بدنیت که ثروت خواجه خود را دفن می کند و خدمتگار خوش نیت که آرا به ثمر می اندازد، به ایشان شرح داده می شد؟ همان بود که در آن جامعه توسط اسپانیائی ها پول و بانکداری وارد گردید و رنه چسان می توان خدمتگار را مورد ملامت قرارداد که پول را در بانک نگذاشته است، هم چنین در امریکای شمالی، سرخپوستان بیابان اریزونا (که در آنجا ناچیزترین گیاه مقدس است و هرروز آبیاری، وازشربادها نگهبانی می شود و مورد مراقبت زیاد قرار می گیرد) مثال گیاه نیک و گیاه زشت (که باید پرکنده شود) ناموزون شناخته شد. سرخپوستان بیابان اریزونا از اینکه دین مسیح برکنند گیاهان را توصیه می کند، اظهار بیزاری کردند. لازم افتاد که مثال معادل، برای تشبیه، اختراع و به ایشان تدریس گردد، تا اینکه مسیحیت در نگاه ایشان قابل احترام شود. در همه زمینه ها چنین موانع موجود است: در حایان سپیدی نشانه سوگوار است، در غرب سپیدی

رمز پاکیزگی است. مترجمی از مردم مدیترانه، دریک رومان جاپان این جمله را درمی یابد: «زن جوانی وارد گردید، و سرتاپا سپید پوشیده بود». اگر چنانکه سست ترجمه کنند احساس فضای سوگواری را که نویسنده جاپانی در نظر داشته است در زبان غربی افاده نمی کنند. باید ترجمه شود، که «سرتاپا سیاه پوشیده بود». و یکنور هوگودر یکی از اشعار

خود از «لباس راستی صدقانه و جامه کسان سپید» سخن می گوید. اگر چنانکه هست به جاپانی ترجمه شود خوانندگان آن دیار بی جا تصور می کنند که آن شخص را عزیزی مرده است. البته چاره دیگر همانا یاد داشت کردن در پاروقی صفحات خواهد بود؛ ولی این کار به جریان سخن صدمه می رساند، و استعمال این حیل هم نباید از حد بگذرد. هر قدر متن ادبی تر باشد، چنین ابهامات بیشتر می شود. در «غزل غزل های سلیمان» (که در تورات آمده است) در ستایش معشوقه گفته شده که «چون ماه زیباست» و البته نزد مردم خاور زمین این ستایش بزرگ است مگر هیچ زیبا روی غربی اگر این تشبیه بوی راجع گردد، و مهپاره نامیده شود شادمان نمی گردد. در مدحیه اثر کوی وی دو (شاعر اسپانیولی قرن ۱۷) در تجلیل یکی از سرداران گفته شده است که «ماه در خون کشیده شد» و این اشارت است بر یکی از جنگها که در آن ترکان مغلوب شدند، و سپاهیان ایشان به خاک و خون افتادند.



انتقال سلاح در تمرینات زمستانی قطعات مرکزی



صحنه از فعالیت قطعات موتوردار اردو در زمستان

حتی اشتباهات به حیث غلط مشهور قایم و حاکم می شود، و آنچه مشهور است حکم اصل را می گیرد. انتقال این معانی مانند سمت موسمی با دها اثر دارد، و با مرور سالها، مجموع ترجمه های سابق همه با همه وزن خود، بر ترجمه های آینده لنگر می ریزد، و دلیل آن به عقیده من روشن است: تنها «کلمات» در ترجمه دشواری به میان نمی آورد، کلمات را می توان تبدیل، یا تعدیل یا تفسیر کرد، اما مطالب یا حالات که آن کلمات آن را می رساند، از یک زبان به زبان دیگر غیر قابل انتقال است.

پس، میتوان دریافت که تعیین کلمات معادل بصورت میکانیک چیز نیست، و تعیین تعادل بین صورت فهم یک جامعه و جامعه دیگر، از مفهوم واحد، چیزی دیگر، درین مورد، خطر آن موجود است که نه تنها حساسیت خاص مؤلف، بلکه همه مشخصات یک تمدن کامل، مورد تاخت و تاز قرار گیرد. نام کوچه ها بیانگر این حقیقت و شاهد آنست که ساده ترین ترجمه هم بهترین ترجمه نیست، و اگر بخواهیم صادق باشیم، باید از آن کناره جوئیم. مثلاً البته

اسپانیائی نگوئیم و ترجمه کنیم، معنای اریبی آن در ذهن اکثریت خوانندگان کشور های دیگر وارد نمی شود زیرا نمی دانند مطلب از کدام ماه ژوئیه تاریخی، و یا مقصد از کدام سی و سه جوانمرد فداکار است. در پترسبورگ قدیم (لنینگراد امروزی) خیابانی بنام نیفسکی ۳ وجود دارد و اگر چنین ترجمه شود، ترجمه خطرناک خواهد بود، زیرا خواننده تصور خواهد کرد که مقصد از تجلیل نام شهزاده الکساندر نیفسکی قهرمان ملی می باشد، که شاید نام او به گوش خواننده رسیده باشد. اگر زبان روسی را نداند، آنگاه کلمه را تشریح نمی تواند داد، که مراد از آن فقط خیابان نیوا می باشد، و نیوارودخانه مشهوریست که خیابان به آن منتهی می شود. پس آیا باید ترجمه یا عدم ترجمه، که به این اندازه مورد مشاجره است، اصلاح شود؟ من به این نظر نیستیم، زیرا آثا، معروف زبان روسی خواننده را به نام خیابان نیفسکی آشنا ساخته است، و اگر مترجمی آن را «خیابان رود نیوا» ترجمه کند، آنگاه خواننده تصور خواهد کرد که مقصد جای دیگری است. در کار ترجمه،

اگر ترجمه تحت اللفظی باشد آنگاه به خون کشیده شدن ماه جز آنکه معنی شعر را تاریک بسازد، اثری ندارد. باید به جای ماه هلال ترجمه شود (که در زبان اسپانیائی زیاد به کار نمی رود، و اشاره به علامت پرچم ترکان عثمانیست). این است حال زار شعر اسپانیائی تا چه رسد به شعر چینی که هر بیت آن اشاره به تصویرات شامل اشعار ناستانی شعرای مشهور چینی می باشد، و باید همه آنها را شناخت تا به آن شعر پی برد.

بنا برین در هر مجموعه اشارات در هر زبان هیچ کلمه، هر قدر معمول باشد، مفهوم کامل کلمه بیگانه مر بوط را ادا نمی کند، بلکه حتماً معانی غیر آن را می رساند. با اهمیت خاطرات جنگهایی که بین آلمان و فرانسه واقع شده، در نگاه یک شاعر آلمانی، رودخانه راین غیر از آن است که در نگاه افراد نظامی فرانسه می باشد. نام کوچه ها نیز شاهد همین حقیقت است. در زبان فرانسوی «کوچه صلح» و «میدان ستاره» موجود است، و در زبان انگلیسی محله سکات لند یعنی «سکاتلند یارد» اما ترجمه کوچه صلح و میدان ستاره به زبان انگلیسی یا ترجمه سکاتلند یارد به زبان فرانسوی معمول نیست، و کسی آن را مرتکب نمی شود. این مقامات هر کدام، از خود تاریخی و حقیقتی خاص و شهرتی دارد که مر بوط به معنی نام آن نمی باشد، و اگر ترجمه شود، همه مشخصات آن از میان می رود. در بوینس آیرس (مرکز آرژانتین) کوچه ای بنام تفرجگاه ماه ژوئیه، که در آن میخانه های ملاحان است وجود دارد، و کوچه به نام سی و سه نفر (زیرا سی و سه مرد وطنخواه قهرمانانه جنگیده بودند و نام کوچه به مقصد تذکار ایشان گذاشته شده است). ولی اگر نام این کوچه ها را در وقت ترجمه به زبان

اگر یک مثال عملی دیگر بدیم ، میتوانم بگویم که مردم اندونزی البته حاضر ندهملت یا پادشاه لیرا در تیاتر «سایه‌ها» که نزد ایشان معمول است ، تمثیل کنند ، مگر چون صحنه هادر آن یک ربع ساعت دوام می‌کند ، پس مجبور خواهند شد که بسیار از آنرا قطع کنند و بی باکانه آنرا ساده سازند .

بعضی ابتکارات دیگر ، سودمند تمام می‌شود . دسته تیاتر رسمی جمهوریت سنگال ، مکیت اثر شکسپیر را بزبان فرانسوی (از روی ترجمه ای بقلم فرانسوا ویکتور هوگو) نمایش می‌دهد . درین ترجمه ، حداقل تبدیل بمیان آمده تا آنکه تمثیل بشکل درام جنگل افریقائی گردیده است . به اینصورت ، همان متن کهنه ، قدرت و حشیا نه‌خود را باز می‌یابد . زنان جادوگر که در اثر شکسپیر بصورت هیولا های تخیلی می‌آمدند ، در اینجا ، بطور مؤثر ، مطابق شعور افریقائیان سحر پرداز می‌کنند ، سحریکه مؤثر ، دهشت ناک و بسی نیر و منداست .

خیالات و تصورات به این حساب ، خود بخود ، امر واقع می‌شوند ، و سبب تحمیر تماشاگر نمی‌گردند . شگفت انگیز و حقیقی از هم جدا نمی‌گردند در اینجا اقتباس بمنزله احیای مجدد و در عین زمان آب حیات و چشمه جوانی می‌باشد .

البته اصل متن شکسپیر ، بطور استثنائی و از حسن اتفاق ، برای این صورت تطبیق متناسب بود .

نباید اشتباه کرد . اینکه ترجمه باید مطابق با حقیقت باشد ، در تاریخ تازه است . در اروپا ، در پایان قرن هژده و آغاز قرن نوزده ، درین مورد اصرار شده است . قبل از آن ، اگر متون مقدس (که در آن احترام کلام ربانی مدنظر بود) استثناء قرار داده شود ، در دیگر موارد این دستور رسمی نبود . ترجمه لفظ بلفظ ، که عین متن



رفتار در برف . در فرقه ۸

از طرف دیگر این معانی حتی در داخل یک زبان در حال خود متغیر می‌باشند .

در هر قرن کتاب « ایلیاد » اثر هومر را از یونانی و کتاب « اینی پید » را از ویرژیل از زبان لاتینی و کتاب « الف لیله و لیله » را از زبان عربی ترجمه کرده اند و عمل ترجمه با آنها تکرار شده است . در هر قرن و زمان در حالی که ترجمه با متن زبان اصلی نزدیک نیست ، اما در زمان مترجم ، مطابق فرهنگ آن زمان آمده است . همچنین ، هرگاه یک اثر بر صحنه تیاتر تمثیل شود ، آنگاه ضرورت های بر صحنه آوردن آنقدر حاکم می‌گردد ، که تفریق و تعیین حدود بین ترجمه و اقتباس دشوار می‌گردد ، و در حقیقت همان اقتباس به عنوان ترجمه شناخته می‌شود . در اولین ترجمه های فرانسوی درام های شکسپیر این آثار را به شکل تراژدی های کلاسیک آورده اند و حتی قالب سه وا حد (یعنی واحد وقت واحد زمان و واحد عمل) را که در تیاتر کلاسیک فرانسه مورد رعایت بود ، بر آن تحمیل کرده اند برعکس ، چون در بریتانیا آثار راسین را از فرانسوی ترجمه می‌کردند .

در زبان آلمانی « ویلهلم شتراسه » معنی کوچک ویلهلم را دارد ، و اگر بزبان فرانسوی « کوچک گیوم » ترجمه شود ، ظاهر آدرست می‌آید ، زیرا کوچک ها بنام پادشاهان در زبان فرانسوی نیز مسمی شده اند ، اما اگر چنین ترجمه شود ، آنگاه دانسته نمی‌شود که این کوچک مقر وزارت خارجه و مرکز دیپلوماسی آلمان نازی در برلین بوده ، و مقصد مؤلف در زبان آلمانی از ذکر آن احیای همان خاطره هاست .

اکنون از بحث تفصیلات ، سوی حساسیت عمومی یک فرهنگ یا یک زمانه می‌آئیم . وسایل معانی و بیان ، در همه زبانها ، عین یک هدف را ندارد و گاهی اشاره آن مختلف می‌باشد . در جائی حذف کلمات می‌آید ، در جائی تأکید ، و جائی چشم پوشی ، و در محلی اندک شمردن ، و در جائی باشکوه گفتن ، و در محلی تکرار و در جائی اشاره ، در جائی اغراق و در جائی کنایه و ایما ، و در حقیقت هر عنصر معانی و بیان فضای ادبی دیگری دارد ، که نمیتوان بدون حزم و احتیاط آنرا از یک زبان بزبان دیگر منتقل کرد .

را؛ بدون تزئینات یا تنقیصات یا تبدلات
عمدی می آورد، هنوز به چند کشور
و یا اقلاً به چند محیط دانشگاهی
محدود است.

حتی این محیطها همه بیکسان پابند
آن نیستند. من شخصاً در این باره
مثالی دارم، چنانکه بایک مرد دینی
مسیحی لبنانی مکاتبه داشتم. وی
موظف بود بیک رساله ارسطو را از
یونانی کلاسیک عبری ترجمه کند.
این کار زیر نظر یونسکو عملی می شد
ترتیب آنرا دادم تا کسی ترجمه او را
مراقبت کند.

مطلع گردیدم که در اکثر موارد
متن ترجمه مورد تغییر واقع شده است.
تحریر خود را در این باره به مترجم
نوشتم. مترجم از تحریر من متحیر شد،
و نوشت:

«اگرچه ارسطو حکیم بزرگ بود
مگر از زمان باستان باین سو؛ حکمت
و فلسفه بسی راه ترقی پیموده، چنانکه
اگر ارسطو امروز زنده می بود، آن
اشتباهات را که در اثر وی آمده است
و امروز کودک مدرسه آنرا اصلاح
میتواند کرد، خود اصلاح می نمود،
و آنرا مطابق معرفت امروز مرتب
می ساخت، باین صورت وارد کردن
اصلاحات در ترجمه اثر ارسطو، رعایت
صداقت و احترام نام او می
باشد». آنگاه ملتفت گردیدم. که
مفهوم ترجمه مطابق فکر آن لبنانی
بیک شکل دیگر، تا زمان دوره
فیلولوژیک (یعنی رعایت لفظ) معمول
بوده است. در ادای مطالب شاید افکار
را اصلاح نمی کردند، مگر صورت
ایراد آنرا حتماً اصلاح میکردند.

امروز پس از آنکه شیوه «رعایت
لفظ» غلبه کرد، پیروی دقیق اصل
متن نخستین، لازمه ترجمه شناخته
می شود؛ یکی رعایت معنی در مورد
متن، که معنی آن اهم است حتمی و غیر
قابل تردید بشمار می آید، و دیگر
وفادار بودن به آهنگ و اسلوب و به
تشبیهات و تمثیلات و به همه آنچه ساز

و برگ و نازگی بیان است لازم شناخته
می شود.

باین صورت گاهی چنان واقع
میگردد که معنی ترجمه لفظ به لفظ
اهمیت اولی میبازد. در اروپای
غربی عقیده راسخ دارند، ترجمه
کردن اشعار منظوم به نثر عیبی
ندارد. من باین عقیده اعتراف ندارم
زیرا باین صورت، البته معنی شعر
ترجمه میشود، در حالیکه معنی شعر
همه آن شعر نیست، و ترجمه شعر اگر
به نثر باشد شعر نیست. البته از طرف
دیگر اگر ترجمه شعر بشعر باشد،
آنگاه مترجم باید بعضی مقارنه ها
را قبول کند، تا آنکه در زبان خودش
شعر درست بیاید. نتیجه ای که
بدست می آید البته نه آهنگ و نه
وزن شعر اصلی را دارد، بلکه شعری
دیگر است، که اثر مترجم می باشد،
و کمتر اثر شاعر اصلی است.

در این صورت گویا شعر جدیدی
بقلم آمد است. البته این حقیقت
دارد. اما باید فکر کرد که دوباره
نگاشتن دشوارتر از تازه نگاشتن است.
واقعاً مترجم باید در زبان خود،
مسایل مختلف انطباق شکل، معنی
لغات، روابط، معنی، آهنگ، و وزن
و قافیه، و حالات شورانگیز را افاده

کند، که مؤلف در زبان خود حل
کرده بود. و نیز مجبور است وفادار
با شد و مطابق به اصل، یعنی حق ندارد
خود اختراع کند و راه حل تازه ای
کشف کند بلکه آنچه را مؤلف در یک
نظام «لغوی-نحوی-صوتی» و اوزان
دیگری با آزادی انتخاب کرده بود،
مکلف است اتخاذ نماید.

این بحث سریع و جسورانه را
بر مسایل نظری و عملی ترجمه، خاصه
ترجمه ادبی، با ذکر این مسأله ختم
می کنم، در این مختصر کوشیدم،
متنوع بودن این مسایل را معرفی
کنم، و به دوستان افغانی خود شرح
دهم که مشکل اساسی مشکل کلمات
و زبان نیست، بلکه
مشکل مطالب غیر قابل انطباق و
تجارب غیر قابل تقارب حاوی هر زبان
می باشد. درین مختصر شرح دادم که
هدف مترجمان، چه در زمان گذشته
و چه در عصر امروز، نه ثابت و پایدار
است و نه جهانی.

در پایان کلام، ازین بست در
ترجمه شعر سخن گفتم، زیرا با شرح این
بند بست، با دقت مزید، بهترین ترجمه
را میتوان تشخیص کرد. در قدیم ترجمه
تحت اللفظ را با ترجمه زیبا (که مطابق



تطبیق در برف در قطعات قول از دوی مرکزی

به اصل نیست) مقایله میگرداند. بعقیده من اصل مطلب در اینجا نیست. ترجمه از روی معنی لغات هر قدر دقیق باشد فقط معنی لغات را افاده میکند، و خطر آن دارد که مقاصد هنری مؤلف و عموماً معانی و ابداعات متن (که گاهی جوهر اصلی آن میباشد) از میان برود. گاهی این واقعه در مورد یک ضرب المثل معمولی و یا یک شعر تصنیفی موسیقی رخ میدهد.

برعکس اگر مقصد ترجمه آن باشد که دلکشه افق شود، آنگاه فاقد پیام اصلی میگردد و تنها صورت آن زیبا جلوه میکند، چنان زیبایی که زودگذر و فقط مطابق ذوق زمان میباشد. وفاداری حقیقی به متن اصلی (چنانکه پیش از پیش من در مییابم) تعیین مقصد و هدف اولی مؤلف است، و بجداقل، ارزیابی درست تاثیراتی است، که با خواندن اثر وی بکمال دقت و حساسیت نصیب شده است. باقی هر چه هست، تکمیل عملیات است، که جز مهارت ترجمه و دانش میباشد.

چندسال پیش یک مجله از چندین کس سؤال کرد که «مزایای بهترین ترجمه را بگوئید». در این مقاله، من به تکرار عبارتی که خود به آن مجله داده بودم قناعت میکنم. جواب داده بودم: «خوب ترجمه کردن اثر نویسنده یونانی پندار یا نویسنده ایتالیائی دانتیه یا نویسنده روسی پوشکین در زبان انگلیسی همان خواهد بود که اگر این نویسندگان بجای یونانی، ایتالیائی یا روسی، امکانات ادبی زبان انگلیسی را بدست میداشتند خود آن را مینوشتند، و باقی هم برین قیاس باشد خوب ترجمه کردن، اختراع کردن متن است، چه از روی لغت چه از روی نحو و جمله بندی و چه از روی اصول نگارش چنانکه نویسنده اصلی، اگر زبان مادری وی زبان مترجم میباشد به زبان خودش آنرا

مینوشت. این چنین انتقال مطلب از یک زبان به زبان دیگر، مستلزم دانش، فهم و قدرت تصور و خیال است که در نظر من، شرط بهترین ترجمه میباشد من نمیگویم که درست ترجمه کردن ممکن است، بلکه میگویم، مترجم خوب همانست که به آستان آن قدم می گذارد.

شاعلی محمد محفوظ یا رمند اینک
قسمتی از مضمون شه را در اینجا
به نشر میسپاریم

از دوری تو رنج میبرم

تو با نگاه های آسمانیت که هر لحظه از آن پر تو نور امید و آرزو می درخشد بنگاهم نگاه میگردی و آهسته لبخند میزدی من برخسار گلگونت خیره میشدم حسن و زیبایی تو مرآمد هوش و در عالم رؤیای شیرین میکشاند. زیرا بغیر تو کسی دیگری را آرزو نداشتم تو را می پرستیدم. دریغا - که این ایام زود گذر بود و تو مثل کبوتر وحشی پرواز کردی دور شدی مرا از یاد برده بیاد نسیمان و فراموشی سپرده ای مگر بخاطر داشته باشی که من تا آخرین دقائق حیات در فکر و اندیشه تو بوده و لحظه فراموشت نمیکنم و بیاد تو هستم برو - بدنیال هوسهای زودگذرت مگر گمشده خود را با زیبایی پر و هر جا که پای دل هوسناکت میرود - برو گوش دل بمرده ها و نویدهای مردم بگذار - به امید آن روزی هستم که پشیمان شوی شتابان بسویم باز آئی مرا یاد کنی. زیرا آن وفاداری که در عشقت از من بخاطر داری از دیگری نخواهی داشت هرگز در فکر و اندیشه مباش من دلی را که بتو داده ام بکسی دیگر نخواهم داد خدا این دل را از مغناطیس ساخت تا فقط یک عشق و

یک معشوقه را بسوی خود بخواند .
آخر برای عشق های ما زندگی خیلی کوتاه است در یک زندگی بیش از یک عشق واقعی نمیتوان داشت دل ما را آفریده اند که یکبار دوست داشته باشد - یکبار هم بمیرد. ای پرستوی بهاری - ای پرستوی زیبا قشنگ و خوش لحن برو به خالیگاه سقف اتاق شایسته نازنینم لانه گذار در راز و نیاز را بکش - به نغمات دل انگیزت بگو که من در فکر و اندیشه او بوده و لحظه از فکرش غافل نمیشوم .

ای مرغ سحر - ای عندلیب خوش نوا
ای بلبل خوش نوای هزار داستان
تو از من خوشبخت تر و سعادتمند تر هستی
زیرا میتوانی پرواز کنی و بهر کجا که
میخواهی بروی. پس پرواز کن و
بالهای نقره قامت را بکش - برو
بر بام خانه او بنشین و باو بگو که چطور
بفکرش بوده و در آتش عشقش میسوزم
ای نسیم سحری - ای نسیم جانفزا
و دل انگیز آهسته از پهلوئی آن
سرو گل اندام بگذر و گونه های
لطیف و گلغلمش را نوازش کن لبان
و رخسار گلگون او را غرق بوسه کن
پیغام عشق پاک و مقدس و قلب دردناک
و اندوهگینم را باو بازگویی .
بلی - باو بگو که او دایم بیاد تست
بیاد لبش را مرهم گذار - دردم
را تسکین بخش .

خدا یا . ای خالق بی همتا آنکس
را که دلم آرزو میکند آن شایسته نازنینم
را زودتر بمن برسان زیرا دل من گوش
پندش تو ندارد .

آه . . . زیبا - بیا و فریادرس و یار
و یاور من باش بان همه زیبایی و
شایستگی و دلربائی خود به بزم آراسته
مایا .

تاله مرا شنو بنزد من شتاب تادلم
را دریایی من جان شیرین خود را
بی مضایقه در راه تو می سپارم و سعادت
ابدی را برای تو خواستارم .

در یک ماه

اخیر

جدید وظیفه دارد تا امیال و آرزوهای مردم خویش را در نظر گرفته و برای تحقق بخشیدن آنها سعی و تلاش نماید در این دور انتخابات دوتن از اعضای فعال گویستها یعنی وزرای خارجه و عدلیه در انتخابات شکست خوردند چون اعضای کابینه در فرانسه از بین اعضای پارلمان انتخاب میشود این دوتن در کابینه جدید عضویت خود را از دست داده اند که بدین ترتیب دوتن از وزرای درجه اول کابینه سابق در کابینه جدید عضویت نخواهد داشت .

انتخابات اخیر ریاست جمهوری فرانسه نشان دهنده آنست که یک درز بزرگ و اساسی بین مردم فرانسه ایجاد شده است و گالیستها متیقن هستند که از بین بردن این درز یک کار ساده و آسان نیست مگر آنکه حکومت جدید پروگرام های وسیعی در جهت نو سازی و تحول در فرانسه تنظیم نمایند حزب گالیستها که از مدت پانزده سال بدین طرف زمام امور را بدست دارد فعلا به این نقطه متوجه شده اند که مردم فرانسه مثل سابق از حزب شان طرفداری ندارند و حال وقت آن رسیده که این حزب در پروگرام کار خودش تجدید نظر نماید و آرزو و امیال تمام گروه های سیاسی و مردم خود را در نظر بگیرد پیش از آنکه انتخابات ریاست جمهوری فرانسه به پایان رسد چنان حدس زده میشود که اگر جناح چپ فرانسه اکثریت را در پارلمان فرانسه بدست آورند در صدد خواهند شد تا قانون اساسی فرانسه را تغییر داد و یک رژیم جدید در فرانسه بوجود خواهند آورد ولی با موفقیت گالیستها این حدسیات از بین رقت و تمام نیروهای دست راست و حزب برسر اقتدار که حکومت جدید را تشکیل میدهند کوشش خواهند کرد که پروگرام وسیعی برای خنثی ساختن فعالیت های گروه های چپ در فرانسه رویدست گیرند .

از چند روز بدین طرف در ترکیه برای جانشین جودت سونای

انتخابات ریاست جمهوری در فرانسه، انتخابات رئیس جمهور جدید در ترکیه، کشته شدن سه نفر پیلوت غربی در سودان از طرف فدائیان فلسطین سقوط طیاره لیبنائی از طرف حکومت متجاوز اسرائیل و آغاز یک دوره صلح در جنوب شرق آسیا و دورنمای مشکل شرق میانه در سال ۱۹۷۳ از جمله واقعات مهم ماه گذشته بود که درین جا مورد تفسیر قرار میگیرد .

انتخابات فرانسه که در اوایل ماه مارچ در دو مرحله صورت گرفت نشان داد که هنوز هم مردم فرانسه پالیسی عمومی حزب برسر اقتدار آن کشور را تأیید نموده اند اگر چه پیش از انتخابات حدس زده میشد که در این دور انتخابات چپنه متحد احزاب چپ که در آن سوسیالیستها، کمونستها و چپ های دیگر فرانسه اشتراک دارند پیروز خواهند شد ولی نتایج انتخابات اخیر نشان داد که گویستها باز هم به پشتیبانی احزاب راست دیگر فرانسه یک اکثریت قابل ملاحظه را در پارلمان بدست آورده اند و گویستها باز هم برای یک دوره دیگر در فرانسه قدرت را بدست خواهد داشت .

جبهه متحد احزاب چپ فرانسه که بصورت مجموعی ۱۷۶ چوکی پارلمان جدید فرانسه را بدست آورده اند یک فراکسیون نوی را در پارلمان فرانسه تشکیل داده اند و حزب برسر اقتدار ناپیک سلسله مشکلات اساسی با موجودیت فراکسیون چپ در پارلمان مواجه خواهد شد و در وقت تصویب و گذراندن لوایح در پارلمان این مشکلات زیاد خواهد بود . چنانچه صدراعظم فرانسه بعد از نتایج انتخابات در یک مصاحبه مطبوعاتی اظهار داشت قرار یکه از نتایج انتخابات معلوم میشود اکثریت مردم فرانسه آرزو دارند تا در فرانسه تغییرات اساسی رونما گردد و اکثریت مردم فرانسه آرزو دارند تا حکومت روحیه نو سازی و تحول را در فرانسه به عهده گیرد و حکومت

که دوره ریاست جمهوری اش به پایان رسیده فعالیت های سیاسی از طرف نظامیان و احزاب مختلف آن کشور جریان داشت و قرار آخرین خبرها هیچ یک از طرفین موفق نشدند تا کاندید خویش را برای احراز کرسی ریاست جمهوری ترکیه به مقام ریاست جمهوری برسانند.

جنرال فاروق گورلر کاندید اردوی ترکیه برای مقام ریاست جمهوری که چندی قبل از پست خود بحیث لوی درستیز ترکیه استعفا داده بود در پارلمان آنکشور نتوانست آرای لازمه را برای احراز مقام ریاست جمهوری بدست آورد و تکیه اربرون که از طرف حزب اکثریت عدالت برای کسب مقام ریاست جمهوری کاندید شده بود از جنرال فاروق در پارلمان ترکیه سبقت داشت ولی وی هم نتوانست آرای لازمه را بدست آورد.

پارلمان ترکیه که برای جانشینی رئیس جمهور جدید چندین روز جلسه نمود موفق نشد شخصی را برای ریاست جمهوری ترکیه انتخاب نمایند و گمان میرفت تا یک هرج و مرج نازمه در ترکیه رونما شود. اما قراریکه شایع شد حزب اکثریت عدالت پیشنهادی به پارلمان ترکیه نمود که تا دوره کاررئیس جمهور فعلی آنکشور برای مدت دو سال دیگر تمدید شود.

ناآرامی های سیاسی از چند سال بدین طرف در کشور ترکیه روز بروز تقویه شده میرود تا حال در ظرف دو سه سال چند مراتبه نظامیان آنکشور امور حکومت آنکشور را بکف گرفته اند که ازین وضع احزاب چپ و دیگر احزاب چندان راضی نیستند و در صدد آنند تا در ترکیه حکومتی رویکار باشد که در آن نظامیان مداخله نداشته باشد ولی نظامیان استدلال نموده میگویند که احزاب ترکیه و حکومت در بعضی موارد استثنائی نمیتوانند منافع کشور را طبق خواسته های مردم آنجامه عمل ببوشانند روی این دلیل در امور حکومت مداخله میکنند

اعضای سپتمبر سیاه سفیر امریکا و نایب اوریک دیپلمات بلژیک را در سفارت عربستان سعودی مقیم سودان در اواسط ماه حوت بقتل رساندند. اعضای سپتمبر سیاه در یک شب هنگامیکه در سفارت عربستان دعوتی برپا بود آنرا اشغال نموده و در ضمن آن چند دیپلمات را که در آن سفیر عربستان و یک دیپلمات کشور اردن نیز بود بطور گروگان نزد خود نگه داشتند و در ضمن آن رهائی قاتل را برت کنیدی و تمام فلسطینی های که در اردن و اسرائیل اسیر بودند خواستار شدند ولی وقتیکه بخواسته های آنها جواب رد داده شد سه دیپلمات غربی را کشته و خود را به مقامات سوذانی تسلیم نمودند.

طوریکه از هدف تشکیل سپتمبر سیاه آشکار است آنها میخواهند تا از راه تشدد سیاسی حقوق غصب شده خود

را دوباره بدست آرند اگر چه عمل دهشت افگنی یک عمل قبیح است ولی به نظر نگارنده در بعضی موارد استثنائی آنرا مجاز میدانم چه همین فلسطینی ها بودند که بزور سر نیزه و گلوله از خاک اصلی شان از طرف اسرائیل و حامیانش بیرون کشیده شدند و تا حال در صحراهای سوزان و ریگی آواره و سرگردان میگردند و صدها نفر کشته و قربانی داده اند. ولی هیچ یک از موسسات بین المللی و قدرت های بزرگ در اعاده حقوق از دست رفته شان کوچک ترین اقدامی نکرده اند ولی در جهت از بین بردن منافع شان به طرفداری اسرائیل قوت های بزرگ غربی همیشه کوشیده اند و برای اسرائیل همین قدرتها اسلحه و مهمات مخرب جنگی تهیه کرده تا فلسطینی ها را از بین ببرند دیگر حالا فدائیان فلسطینی حق دارند به هر ترتیبی که شود حقوق از دست رفته خود را بدست آرند. و فعلا اعضای سپتمبر سیاه که از جان خود گذشته اند به هر کاریکه بخواهند دست بزنند و هیچ قوه هم نمیتواند که جبر و حرکت و خشم آنها را بگیرد چه وقتیکه یک نفر از سر خود تیرشود میتواند هر کاریکه بخواهد انجام میدهد. و حالا وظیفه موسسه ملل متحد و قدرتهای بزرگ است که دست بکار بشوند و بحال مردم فلسطین دل بسوزانند تا نظیر واقعات المپای مونشن و سودان دیگر تکرار نشود.

بحران شرق میانه با سقوط طیاره لبیائی از طرف حکومت متجاوز اسرائیل داخل مرحله خطرناکی شده از آوانیکه متارکه در جنوب شرق آسیانه به امضاء رسید چنین حدسیاتی در محافل سیاسی پیشبینی میشد که الحال وقت آن رسیده که راجع به مشکل شرق میانه مذاکرات اساسی شروع خواهد شد و کم از کم راه حلی که بتواند کمی تشنج را در شرق میانه کاهش بدهد بوجود خواهد آمد اما بایک حرکت غیر انسانی و ضد میثاق های بین المللی حکومت اسرائیل جنایتی را مرتکب شد که در تاریخ هوانوردی جهان سابقه ندارد.

و تمام کوششها و تلاش ها که برای حل پر اہم شرق میانه از طرف ایالات متحده و دیگر قدرتهای بزرگ شروع شده بود بایک عمل خائنانه اسرائیل از بین رفت. حکومت اسرائیل که از طرفداری جدی ایالات متحده برخوردار است با هر عملی که بخواهد بر ضد عربها انجام دهد خود داری نمیکند حملات پی در پی اسرائیل در حصص مختلف لبنان و سوریه مبین این حقیقت است. و سقوط طیاره لبیائی از طرف اسرائیل یک اقدام ضد کشور لبیا میباشد اگر چه لبیا با اسرائیل هم سرحد نیست و اسرائیل نمیتواند بنا به بهانه مناقشات سرحدی به آنکشور حمله کند اما طراحان پالیسی عمومی اسرائیل در طرح نقشه افتادند

تا به هر ترتیبی شود از کشور لیبیا انتقام بگیرند و سقوط
طیاره مسافر بردار لیبیائی بصورت حتم یک پلان طرح
شده قبلی اسرائیل محسوب شده میتواند.

چه رهبر لیبیا معمر القذافی از وقت رویکار شد نش تا
حال از مبارزین فلسطین بصورت فعال پشتیبانی نموده و
هم به کشورهای دیگر عربی که با اسرائیل در حال
خصوصت بسر میبرند کمک های مالی و نظامی قراوانی
نموده است و هم کشور لیبیا در یک اتحاد مثلث با مصر و
سوریه داخل شده که هدف این اتحاد مثلث رهایی سرزمین
های اشغالی عربی از طرف اسرائیل و دفاع از حقوق مردم
فلسطین میباشد.

معمر القذافی رئیس دولت لیبیا حالت موجوده را در
شرق میانه شدیداً تقبیح نموده و در تمام بیانیه ها و بازدید
های سیاسی بالای یک نکته فشار می آورد و آن اینست که
یگانه راه رهایی سرزمین های عربی از چنگ اسرائیل و
اعاده حقوق فلسطینی ها جنگ است و بس وی میگوید باید
در این جنگ با اسرائیل تمام عربها تحت یک قوماندانی
مشترک اشترک ورزند. از هممنروست که اسرائیلی ها
رهبر لیبیا را دشمن درجه یک خود پنداشته و
تسا حال چندین مراتبه زعمای اسرائیل به
مصر پیشنهاد نموده اند که اگر جمهوریت عربی مصر خواسته
باشد که مشکل شرق میانه بصورت مسالمت آمیز حل شود
باید بر روابط خود با لیبیا تجدید نظر نماید یعنی از دوستی
بسیار نزدیک با لیبیا حر فتنظر نماید.

تطبیق مواد اوربند تحت یک کمیسیون بین المللی در
ویتنام جریان دارد. اگر چه تا حال چندین مراتبه از

مقررات اوربند در ویتنام تخلف صورت گرفته ولی آنقدر
مهم نبوده که فضا را بار دیگر در این منطقه متشنج گرداند
یکجده زیادی اسیران جنگی ایالات متحده امریکا از طرف
ویتنام شمالی و ویتگانگها رها ساخته شده و هم چنان در
همین مدت عساکر زیادی ایالات متحده از ویتنام خارج شده
اند. و کار پاک نمودن بنا در ویتنام شمالی که از طرف
ایالات متحده نقب گذاری شده بود روبه اختتام است.

قراویکه مشاهده میشود در کشورهای دیگر جنوب
شرق آسیا از قبیل کمبودیا و لاوس نیز تلاش های جاریست
تا یک متارکه دوامدار بین طرفهای متخاصم بوجود بیاید.

فعالیک موضوع مهم دیگر که در ویتنام جلب توجه
میکنند عبارت از اعمار مجدد است که بین ایالات متحده
امریکا و مقامات ویتنام شمالی تحت مطالعه میباشد. اگر
چه در متن متارکه که بین طرفهای معامله در کنفرانس
صلح پاریس به امضاء رسیده این نکته اشاره شده است اما
بصورت واضح ذکر نگردیده که امریکا به کدام پیمانانه
برای ویتنام شمالی در اعمار مجدد آنکشور کمک
خواهد کرد.

از طرف دیگر برای حکومت ایالات متحده مشکل است
تا نظر موافق کانگرس را جهت کمک به ویتنام شمالی
بگیرد چه بعضی از اعضای کانگرس امریکا بدین عقیده
هستند چطور ممکن است به کشوری که سالها همراه آن در
جنگ بودیم کمک بدهیم. اما قراویکه وزیر خارجه ایالات
متحده در یک کنفرانس مطبوعاتی اظهار داشته که او
امیدوار است و متیقن است که کانگرس امریکا به این
پیشنهاد حکومت جواب مثبت خواهد داد.

خدا

یکی از افکار مورد توجه و محبوب من اینست که خدا خود
را در مردمان فرزانه و نیک و متواضع و بخشنده و بزرگ
و صاحب علو طبع بر نوع بشر متجلی میسازد. (لاواتر)
حقیقت بروی زمین برای شناخته شدن شایسته تر از خدا
و نفس خود مانیست. (ح- بایلی)

دشمن خدا هرگز دوست واقعی بشر نمی شود. (بانگ)
در گفته های افلاطون کلامی در توصیف خدا است که
در عین شکوه بسیار خیال انگیز است و آن این که «حقیقت
جسم او است و نور سایه او».

اگر خدا خود بوجود وجودی ناگزیر نمی بود، چنان
بنظر میرسید که باید برای سود و خیر بشریت آنرا بسازند.
(تیلو ستون)

تفکر

تفکر دیر بینه عادت دی او حکمت له تفکر خخه
زیزید لی دی. (...)

که د فلاسفه دا پریشانه افکار نه وای نن ورخ به هم
انسانانو لکه په زرگونو کلونو تر مخه د توحش په حال کنبی
په سمخو کنبی ژوند کولای. (انا تول فرانس)

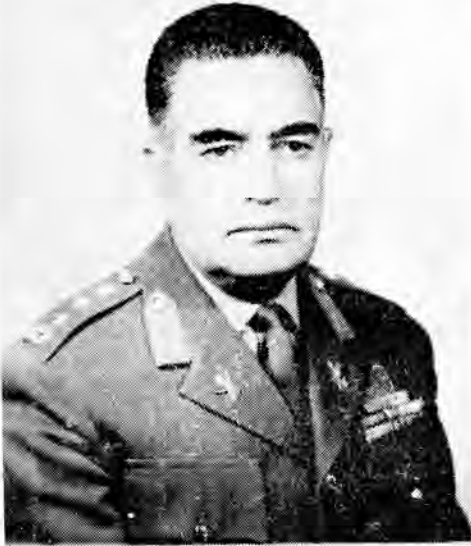
فکر د تول بشر نماینده دی چه له خارج خخه د کبودی
او د داخل خخه د تاریکی پر ضد مبارزه کوی.

پد اسی حال کنبی چه د عقل او تفکر دوررکی خراغ
رنالزیز زیاتیری خویوه خلیلدونکی وړانکه شی او د توری
تباری شپی، تیاره محوه او ورکه کری.

وفات ډگر جنرال مرحوم

عبدالرزاق میوند

قوماندان حربی پوهنتون



مرحوم ډگر جنرال عبدالرزاق میوند

خدمت کرده است. اودر آن مسلک دوستانی دارد، کار نامه هائی بجا گذاشته خاطراتی دارد، شاگردان، ارادتمندان و آشنایان بیشماری دارد و باین ترتیب او را با مسلک و وظیفه اش چنان پیوندهای ناگسستنی است که نامش در تاریخ آن مسلک جاویدان می ماند همانطوریکه اردو به منزله خانواده عسکری عبدالرزاق خان فقیه است.

پس من به نمایندگی اردوی شاهی بایک جهان تأثر وفات او را ضایعه میدانم که اردو و سالها در اندوه آن سوگوار خواهد بود.

دگر جنرال لوی درستیز افزودند: گفتم که من با میوند مرحوم ازدوران کودکی آشنائی داشتم. اودردوران مکتب شاگرد زحمت کش با اخلاق نجیب و با استعداد و در دوران خدمت صاحب منصب صادق با وجدان و پرهیزگار، زحمتکش، مطیع ولایت و در دوران پختگی قوماندان با تجربه پرکار، صادق و مهربان بود که تمام منسوبین اردوی شاهانه این اوصاف او را هرگز فراموش نخواهند کرد.

دگر جنرال غلام فاروق علاوه کردند:

اما چه میتوان کرد که هر آغازی

در مرگ مرحوم ډگر جنرال عبدالرزاق میوند تنها خانواده او سوگوار نیست بلکه این مائمی است که دلهای زیادی را داغدار ساخته و بسا حلقه ها را در اندوه این ماتم فرو برده است.

من از روزگاری مرحوم میوند را میشناختم که با هم یکجا بمکتب می رفتیم و در دنیائی از احساسات نورسیده جوانی با همدیگر دوست شدیم... این پیوند دوستی که از صبحگاه زندگی میوند آغاز یافت تا کنون ادامه داشت. ما با هم دوران مکتب را بپایان رساندیم. با هم در راه خدمت به اردوی شاهانه کمر بستیم و در حدود چهل سال گذشته از نزدیک در اردو همکاری و دوستی داشتیم.

همه میدانند که دوستی و آشنائی چهل ساله آنقدر خاطرات بجا میگذارد که جزئی از سرگذشت انسان میشود و اینکه در سرگذشت و داستان زندگی من، میوند خاطره بزرگ آشنائی و همکاری است. وقتی کسی بیشتر از چهل سال عمر خود را وقف خدمت در یک مسلک کرده باشد میتواند گفت که او بیشتر از خانواده اش به مسلکی مربوط است که در آن

دگر جنرال عبدالرزاق میوند قوماندان حربی پوهنتون در اثر حمله قلبی شام روز ۴ شنبه ۱۸/۱۱/۵۱ بعمر شصت سالگی در منزلش وفات یافت.

جنازه آن مرحوم ساعت ۲۰-۱۶ روز پنجشنبه ۱۹ دلو با تشریفات و مراسم خاص عسکری در شهدای صالحین بخاک سپرده شد.

در مراسم تشییع جنازه و تدفین مرحوم میوند و الاحضرت شهزاده احمد شاه، و الاحضرت شهزاده شاه محمود، و الاحضرت شهزاده محمد داؤد پشتونیار، و الاحضرت مارشال شاه ولیخان غازی فاتح کابل، و الاحضرت جنرال سردار عبدالولی، رؤسای هر دو جرگه شوری، بعضی از اعضای حکومت، برخی از قضات ستره محکمه، عده از جنرالها و صاحب منصبان اردوی شاهانه، مامورین عالیرتبه، آتشه های نظامی سفارت کبرای ممالک متجا به مقیم کابل و علاتمندان آن مرحوم اشتراک ورزیده بودند.

دگر جنرال غلام فاروق لوی درستیز ضمن ابراز تأثرات عمیق خود به خانواده و علاتمندان مرحوم میوند گفتند:

را پایانی در پیش است همانطوریکه طلوع آفتاب را غروبی در بی است. ما بحکم عقیده و ایمان به اراده و خواست خداوند یکتا تسلیم هستیم و به قول خداوند بزرگ وقتی مهلت فرا رسید تاخیر و تقدم در آن رخ نمی دهد و غیر ذات پاک خداوند تمام موجودات فنا پذیر اند.

بقای بقای خداست و ملک

ملک خدای

و ما چاره نداریم جز اینکه دست دعا بدرگاه خالق بی چون دراز کنیم و استدعا نمائیم که روح میوند فقید را شاد داشته او را در جوار رحمت بیکران خود جا دهد و به خانواده او که عزیزی را از دست داده اند صبر و استقامت نصیب کنند تا اندوه این ماتم بزرگ را تحمل نمایند و اردوی شاهانه را سر بازان فداکار و قوماندانان برجسته چون میوند فقید نصیب کند که کارنامه هایشان در دامن اردوی شاهانه جا بیدان بدرخشد. سوانح مرحوم دگر جنرال عبدالرزاق میوند توسط تورن جنرال عبدالجبار ملکیار پیژندوال وزارت دفاع ملی قرائت شد. درین مراسم تورن جنرال متقاعد محمدعلی ابوی بوکالت از خانواده مرحوم میوند امتنان خود را بوالاحضرت شهزادگان گرامی و سایر مشایعین که در مراسم تشییع و تدفین اشترك ورزیده بودند ابراز کردند.

مرحوم دگر جنرال میوند در سال ۱۲۹۱ شمسی در گذر قاضی فیض الله کابل متولد گردیده و بعد از فراغت از لیسه حبیبیه شامل حربی پوهنتون شد.

مرحوم در سال ۱۳۱۳ از حربی پوهنتون به رتبه تورن فارغ التحصیل و در اردو در فرقه شاهی شامل وظیفه شد و بعداً نظر بابر از لیاقت و معاونی حربی پیونشی مقرر گردیده در سال ۱۳۱۶ بضابطی تدریسات حربی پوهنتون مؤظف شد.

در سال ۱۳۱۷ نظر به لیاقت در

وظایف مختلفه برای تحصیل ارکان تجربی به ترکیه اعزام گردید، در سال ۱۳۲۰ به رتبه جگرن ترفیع نمود و در سال ۱۳۲۲ بعد از فراغ تحصیل مؤفقا نه بوطن عودت کرد و در بست ریاست حرکات وزارت دفاع ملی مقرر گردید.

مرحوم میوند در سال ۱۳۲۵ به رتبه دگرمن ترفیع و به ریاست ارکان فرقه نمبر ۲ قول اردوی مرکز مقرر شد. در سال ۱۳۲۶ بوکالت فرقه مدکور مؤظف گردیده و در سال ۱۳۲۷ بحیث آتشنه نظامی افغانی در پاکستان و در سال ۱۳۲۹ به رتبه دگروال ترفیع و در بست ریاست ارکان حربیه عمومی (ستردستیز) حیث مسدیر عمومی حرکات مقرر شد.

دگر جنرال میوند در سال ۱۳۳۴ به رتبه برید جنرال ترفیع و بحیث قوماندان لوای ۲۳ قول اردوی مرکزی مقرر و در سال ۱۳۳۵ بصفت آتشنه نظامی سفارت کبرای افغانی متعین اتحاد شوروی مؤظفیت یافت و در سال ۱۳۳۶ به رتبه تورن جنرال ارتقا جسته و در سال ۱۳۴۲ بحیث رئیس ابراسیون وزارت دفاع ملی مقرر گردید.

مرحوم میوند در سال ۱۳۴۴ بحیث قوماندان حربی پوهنتون عز تقرر حاصل نموده و در سال ۱۳۴۸ نظر به ابراز لیاقت در انجام وظایف محوله به رتبه دگر جنرال ترفیع کرد. مرحوم دگر جنرال میوند در دوره های خدمت خود بداخل اردوی شاهانه به تالیف آثار مختلف جهت تدریس عسکری پرداخته است. دگر جنرال مرحوم بمقابل وطن شاه و وظیفه نهایت صادق و باوقا بود. مرحوم میوند بگرفتن مدالها و نشان های ذیل در دوره خدمات خود نایل شده بود:

۱- مدال ورتیا برونز

۲- مدال ورتیا نکلی

۳- مدال ورتیا نکلی

۴- مدال ورتیا مطلا

۵- مدال رشتین مطلا

۶- نشان بریال درجه دوم

۵- مدال رشتین مطلا

۷- نشان استور درجه دوم

۹- نشان استور درجه اول

همچنین مرحوم میوند باخذ تقدیر نامه درجه اول نیز نایل گردیده بود.

دگر جنرال غلام فاروق لوی درستیز ضمن مصاحبه باخبر نگار ما از وفات السنک مرحوم دگر جنرال عبدالرزاق میوند که قریب چهل سال با ایشان همکاری بودند ابراز تأثر نموده از شخصیت و خدمات آن مرحوم با قدر دانی و نیکی یاد کردند.

مجله اردو بحیث ارگان نشراتی ستردستیز وزارت دفاع ملی از وفات آن مرحومی ناثر خود راعمیقا اظهار داشته و با قدر دانی از خدمات فراموش ناشدنی ایشان، از زحمات و فداکاریهای آن مرد فعال تجلیل و تکریم مینماید و از فقدان چنان شخصیت نظامی و علمی ابراز تألم نموده و آرزو مند است تا کارنامه ها و اثر های قوماندان فقید حربی پوهنتون بحیث سرمشقی خوبی بازهم تطبیق شده و نام مرحومی که دلش بعشق و وظیفه و محبت وطن در جریده عالم ثبت خواهد بود جاودان بماند.

وفات این مرد زحمتکش که روزگاری را در خدمت اردو با تمام نیروی خویش صرف کرده بود تا اثر عمیقی را فراهم کرد. مرحوم دگر جنرال عبدالرزاق میوند که سالهای اخیر عمرش را بصفت قوماندان بزرگترین مرکز علمی و آموزشی اردو یعنی پوهنتون حربی بسر رسانید شخصیت محبوبی بود که در بین حلقه های مختلف عسکری و ملکی مورد احترام و تکریم قرار داشت و با عشق و علاقه ایکه بووظیفه داشت پوهنتون را همواره بحیث کانون علمی و فرهنگی اردوی شاهی افغانستان تجلی می بخشید و در بلند بردن سطح ارتقای دانش و پژوهش عسکری سعی و تلاش فوق العاده را انجام میداد.

صاحب منصبانیه در طول سال ۱۳۵۱



با مجله اردو همکاری نموده‌اند

- | | | |
|---|--------------------------------------|---|
| شماره: ۶ | - عمر دی دیربشه پادشاه | ۱- تورن جنرال عبدالروف رسول آتشفه نظامی |
| ۷: « | - شوری در افغانستان | سفر تکبیر ای افغانی در ایران : |
| ۸: « | - شهادت نادرشاه کبیر | - بنیان گذاران قوای مدافعه ملی شماره: ۷-۱۰ و ۱۱ |
| ۹: « | - خدمات عام المنفعه اردو | ۲- برید جنرال محمد سالم میرنی : |
| ۱۱ و ۱۰: « | - سال ۱۹۷۳ و صلح جهان | - نگاه بی جنگ دوم جهانی شماره: ۴-۵ |
| ۱۲: « | - مسأله ویتنام و صلح در هند چین | ۳- دگروال ارکان حرب محمد یحیی نوروز : |
| شماره: ۱ | ۱۰- جگرن سیدنصرالدین آمر تدقیق: | - قابلیت انتقال از راه هوا و دورنمای شماره: ۱ |
| شماره: ۶ | - بهار و زندگی | آینده آن |
| شماره: ۶ | - درود بروان پاکشهادی راه آزادی | ۴- دگروال محمد عثمان اندیشه از ریاست محاکمات: |
| ۱۱- جگرن عبدالمحمد شیرزی انجنیر اعاشه آمریت | | - فعلا کدام مسوولیت ندارد شماره: ۲ |
| پلان : | | - استاد میگفت . . . شماره: ۳ |
| شماره: ۲ | - آیا تاریخ یک علم مثبت است ؟ | ۵- دگروال عبدالقدوس صاحبزاده مدیر مکلفیت ولایت |
| شماره: ۷ | - دافغان اولس قیام | زابل : |
| ۱۲- جگرن محمد یونس شمکنی عضو اکادمی تخنیک | | - موری دیره می یادیری شماره: ۳ |
| شماره: ۱ | - ویتکانگیان و پیژنی | - استقلال شماره: ۶ |
| شماره: ۲ | - په جگړه کی د قوماندان رول | ۶- دگروال محمد سرور رئیس دیوان حرب قوای |
| «: ۳ | - دگر یلا حرکاتو ضد فعالیت | مزار شریف : |
| «: ۴ | - دنړی د دوهمی جگړی د تاریخ یوه پانه | - ارتباط توپوگرافی با تخنیک و انجنیری شماره: ۵ |
| «: ۶ | - دنړی په هیوادونو په آزادی کبپی | ۷- دگروال غلام بی کاشفی عضو ریاست تفتیش: |
| «: ۷ | - د تحول او پرمختگ پیری | - تفتیش، مقتش و تفتیش شونندگان شماره: ۴ |
| شماره: ۷ | - دپارتنیزانانو د خبر رسانی . . . | ۸- دگر من غلام محمد عضو ریاست مخا بره : |
| «: ۸ | - ما فوق د مادون هنداره ده | - بارادیو از نزدیک آشنا شویم شماره: ۲ |
| «: ۱۱ و ۱۰ | - تخنیکسی بسودنه او روزنه | - دریافت عارضه رادیو و اصلاح آن شماره: ۴-۸ |
| «: ۱۲ | - هغه څه چه یو تن پارنیزان کوی | - اتم در خدمت بشر «: ۶ |
| ۱۳- جگرن محمد یوسف پغمانی استاد پوهنتون حربی: | | - استفاده از اشعه لازر «: ۱۱ و ۱۰ |
| شماره: ۳ | - فعالیت ماهرانه در تاریکی شب | ۹- جگرن فیض محمد عاطفی مدیر مجله اردو : |
| «: ۴ | - مدافعه محل مقاومت | - سال نو، آرزوهای نو و جهان نو شماره: ۱ |
| «: ۶ | - حرکات منطقه یلنز | - صلح و ایمان «: ۲ |
| ۱۴- جگرن حاجی فتح محمد نورزانی عضو مدیریت | | - چگیده های هنر «: ۱ الی ۱۲ |
| پشتو: | | - ما و خوانندگان «: ۲ الی ۱۲ |
| ۱: « | - افریقای جنوبی | - استر داد آزادی «: ۳ |
| ۳: « | - هند چین را بشناسید | - اردو در خدمت اجتماع «: ۴ |
| ۷: « | - افغانستان سرزمین مردان تاریخی | - شرافت سربازی «: ۵ |
| | | - نهر و مند باد درخت بارور استقلال «: ۶ |

- دیوگندا دجمهوریت پیژندنه شماره: ۱۱۹۱۰
- ۱۵- جگړن سید شیرین از ریاست لوژستیک :
- مارشال بزرگیکه در حرب دوم جهانی پنج نشان قهرمانی گرفت شماره: ۲ تا ۵ - ۸ تا ۱۲
- مجاربات عصری از ماچه میخواهد؟ شماره: ۷
- ۱۶- جگړن گلاجان پیتونچار مدیر تدریسات کورس آ: - دتخلی او ترمیم پوستی فعالیت شماره: ۳
- ۱۷- جگړن توپچی فضل ربی استاد پوهنتون حربی: - باصقین او دهنی تطبیق او اهمیت شماره: ۴
- خپلواکی دهر ملت طبیعی او قانونی حق دی شماره: ۶
- دستا لینگراد مدافعه شماره: ۹
- ۱۳- جگړن نورالدین آرزوئی استاد حربی بیوونخی. تنظیم و تعدیل ترکیب و حجم مایع وجود شماره: ۷
- فزیو لوژی هوانوردی شماره: ۱۲
- ۱۹- جگړن خان زمان دپلوم انجنیر - ماشین الکترو دیتنا تور شماره: ۴
- ۲۰- جگړن غلام رضا - انکشاف نقب و نقب گذاری. شماره: ۱۱۹۱۰
- ۲۱: جگړن سیدهاشم کامه وال از قوای هوانی: - بیلانس قوای نظامی شماره: ۲
- قوای هوابی در حربهای گذشته شماره: ۳
- موافقت نامه های مهم توریید سلاح ممالک بزرگ شماره: ۴
- ۲۲- جگړن ارکان حرب علی احمد جلالی: - روابط بین قوه، سیاست و ستراتیژی شماره: ۱ الی ۳
- وضعیت قوای هوانی در خلیج شماره: ۳
- مفهوم دفاع ملی شماره: ۶
- عامل جیو ستراتیجک شماره: ۸
- جهان غرب و شرق میانه شماره: ۱۱ الی ۱۱
- اطلاعات دفاعی شماره: ۱۲ الی ۱۲
- نظریات کلاروویچ در عصر حاضر شماره: ۱۱۹۱۰
- یک آغاز بزرگ در راه صلح ویتنام شماره: ۱۲
- ۲۳- جگړن دپاوم انجنیر عبداللطیف از قوای هوانی: - طیارات اتومی برای آینده شماره: ۱-۲
- نامه از یک دختر قهرمان شماره: ۳
- مسیر پیشرفت هیلکو پترها شماره: ۴-۵
- فعالیت انجنهای جت و استقامت ورزشی یاد شماره: ۷
- خطرات موجودیت آب شماره: ۸
- تاریخچه مختصر طیارات میگ شماره: ۱۱ الی ۱۱
- مانع و هرابلم حرارتی... شماره: ۱۲
- ۲۴- جگړن دکتور قمرالدین اکسیری: - روماتیزم حاد مفصلی و کاردیت شماره: ۱
- چگونه احساسات شما... شماره: ۲
- هیپر تانسینون پالمونر شماره: ۳
- دیابت بی مزه شماره: ۴

- شماره: ۶ - ماو آزادی
- ۷:» - ریزش موی ستر
- ۲۵- جگړون دکتور حقیظ الله نادری: - شناخت جرایم اطفال شماره: ۴
- ۱۱۹۱۰:» - انفلوآنزا
- ۲۶- جگړون حبیب الرحمن مزار وال: - د فلسطین بی کوره ولس شماره: ۲-۴-۷-۱۲
- دژوند بقایا آزادی په خاطر مبارزه شماره: ۶
- ۲۷- جگړون غلام سخی اتمراستاد بیوونخی احتیاط: - مانور په اتومی اونتی مدرنو مجاربا توکینی شماره: ۱
- نهضت های ضد صهیونستی عربها شماره: ۴
- ره آورد سفر رئیس جمهور امریکا شماره: ۵
- حماسه یک دوشیزه شماره: ۶
- انتقام یاد هشت افگنی شماره: ۸
- ۲۸- جگړون نور محمد رسولی محصل افغانی در امریکا: - فتح برلن شماره: ۵
- سترود آزادی شماره: ۶
- ۲۹- جگړون زر محمد: - دذروی وسلو په مقابل کینی شماره: ۴
- داتومی وپرانکو کشف شماره: ۷
- صحرائی دوزو متریکی آلات شماره: ۹
- قرآتومی چاودنی وروسته شماره: ۱۱۹۱۰
- ۳۰- جگړون سید سلطان محمد از قوای هوانی: - ولی د امریکا دالوتکو بمباری شماره: ۴
- دهوانی د سپلین شماره: ۶
- ۳۱- تورن سید نعیم علمی مدیرتعلیم و تربیه خدمات تخنیکي: - احمد شاه بابا شماره: ۶
- ۳۲- تورن سید جلال: - جهان و آزادی شماره: ۱
- قیام و آزادی شماره: ۲
- جیو پولیتیکز شماره: ۱۱ الی ۱۱
- ۳۳: تورن میر حسام الدین محتشمی عضو تالیف و ترجمه: - لویاشین مرد استثنائی قتل شماره: ۱
- فعالیت ورزشی شماره: ۱
- ورزش و اهمیت ورزش شماره: ۱۱ الی ۱۱
- دو پهلوان جوان اردو شماره: ۴
- نظر فعالیت های سپورتی اردو شماره: ۵
- نظر دیگران راجع به استقلال کشور شماره: ۶
- مطالب جالب راجع به قتل شماره: ۷
- بازی قرن و قهرمان بزرگ شماره: ۷
- یک مسابقه دوستانه و تماشائی شماره: ۸
- بیستمین مسابقات اولمپیک مونسن شماره: ۹
- هاکی شماره: ۱۲

- ۳۴- تورن عبدالغیاث بیدار عضو آمریت [تدقیق :
 جهان دریکماه اخیر شماره: ۲ الی ۱۲
 - شپارسمه اپولو په سپورمی کی :» ۲
 - کوچنی اسیران :» ۳
 - زمونږ خلک او آزادی :» ۶
 - سرزمین آزادگان :» ۶
- ۳۵- تورن گل زړک محدران استاد حربی پوهنتون :
 - دوروستاری قوه شماره: ۲
 - دسیمه نيزامنیت په تأمین کی :» ۱۱۹۱۰
 ۳۶- تورن غلام سخی جاجی از قوای زره دار :
 - تعلیم و تربیه بلوک تانک شماره: ۳
- ۳۷- تورن فرید شاه محدران از قطعه مخابره قول
 اردوی مرکزی :
 - استعمال صدا جهت دیدن داخل جسم شماره: ۳
 - عمارت بزرگ آ، بی، ام شماره: ۸
 ۳۸- تورن عبدالمالک استاد کورس آ :
 - تعرض در شهر شماره: ۸
 ۳۹- تورن محمد انور استاد حربی پوهنتون :
 - فعالیت بلوک تانک شماره: ۲
 - فعالیت محاربوی جزو تاسهای فرود آورده شده :» ۹
 ۴۰- تورن محمد امین وردک از پوهنتون حربی :
 - تانکها وزره پوشها در مدافعه شماره: ۴
 - کندک پیاده در محاربیه تصادفی :» ۷
 - تعرض در شب :» ۷
- ۴۱- تورن محمد هاشم منگل از حربی پوهنتون :
 - مانور قوت ها در تعرض شماره: ۳
 - په نوورسک کبئی... :» ۹
 - تورن انجنیر شریف الله
 - تحقیقات بیشتر راجع به اعمار ساختمانهای قشری شماره: ۵
 ۴۲- تورن محمد یوسف ازرق :
 - خورشید یا مرکز منظومه شمسی شماره: ۵
 ۴۳- تورن عبدالمجید از قوای زره دار :
 - تعرض کندک تانک شماره: ۱
 ۴۴- تورن نجیب الله محصل افغانی در اتحاد شوروی :
 - جراحت هشتم شماره: ۱-۲
 ۴۵- دیپلوم انجنیر تورن غلام رسول از قوای ۹۹ راکت :
 - انواع انفجار ذروی شماره: ۸
 - توپچی در قرن راکت :» ۱۱۹۱۰
 ۴۶- تورن شمس الدین ظریف صدیقی :
 - قلب شما، صحت شماست شماره: ۱
 - بازدید از شفاخانه های اردو :» ۱
 - جمعیت های هلال احمر و صلیب سرخ :» ۲
 - اردو در خدمت اجتماع از شماره ۲ الی ۱۱
 - تجلیل از مقام مادر :» ۳
- ۴- مجادله بانا راحتی ها ورنجها شماره: ۴
 ۵- زلزله :» ۵
 - اهمیت مطالعه :» ۵
 - کوپراتیف عسکری در خدمت خانواده ها :» ۵
 - دلاوران آریانا :» ۶
 - ما و اطفال :» ۶
 - خلاصه وقایع مهم قرن بیستم :» ۶
 - هفته سره میاشت :» ۷
 - افتتاح پنجاه و چهارمین جشن استقلال :» ۷
 - تجلیل روز طفل :» ۷
 - جنگ جهانی دوم :» ۷
 - مؤسسه ملل متحد و تأمین صلح :» ۸
 - آرامش روحی در جامعه عسکری شماره: ۹
 - بازدید از شفاخانه مرکزی اردو شماره: ۱۱۹۱۰
 - مراسم توزیع شهادتنامه ها شماره: ۱۱۹۱۰
 - تأمین صلح جهانی و مسأله تقلیل قوا شماره: ۱۱۹۱۰
 - در جستجوی زندگی بهتر شماره: ۱۲
- ۴۸ : تورن محمد معروف پیلوت و رانگه محصل افغانی
 در لندن :
 - طیارات تجربوی و کشف شماره: ۱
 - انکشافات جدید شماره: ۲
 - طیارات مسافر بردار شماره: ۳
 - طیاره لاتیننگ شماره: ۶
 - طیارات ترانسپورت قوای هوایی شماره: ۷
 - معرفی طیارات جدید اضلاع متحده امریکا شماره: ۸
 ۴۹- تورن غلام حضرت فردا انجنیر قوای هوای :
 - هجوم به هسته شماره: ۱
 - سیستم اتومات شماره: ۱۲
 ۵۰- لمری بریدن دیپلوم انجنیر محمد اکبر سروری از
 قوای ۹۹ راکت :
 - تحلیل و تشکیل پکت های نظامی جهان شماره: ۱-۵
 - سیستم مدافعه ضد هوایی شماره: ۳
 - قوای نظامی بحری فرانسه تا سال ۱۹۸۰ شماره: ۴
 - راکت ها کدام وظایف را انجام میدهند شماره: ۵
 - راکت های رهبری شده اضلاع متحده شماره: ۵
 - استفاده از اشعه لایزر در مخابره عصری شماره: ۶
 - تمایل و پیشرفت دستگا های رادار تکنیکی شماره: ۷
 - اساسات فزیک ساختن سلاح ذروی شماره: ۸-۱۱۹۱۰
 - تازه ترین معلومات علمی در جهان شماره: ۹
 - اتوماتیکی ساختن اداره نشست طیارات شماره: ۹
 - عملیات قوای هوایی شماره: ۱۱۹۱۰
 - قوتها و مساهات مدافعه ضد کشتی تحت البحر شماره: ۱۲
 - پرتاب دستگا های کیهانی شماره: ۱۲

- ۵۱- لمړی برید من دکتور محمد انور ترابی :
 - میتود های جلوگیری از تولید مثل شماره ۳
 ۵۲- لمړی برید من دکتور سید عبدالغنی خور من یار
 - غر نکه کولای شوچه مصنوعی تنفس.. شماره: ۱
 ۵۳- لمړی برید من دکتور محمد داؤد بارکزائی
 - پرنسیب وتشکیلات طبی شماره: ۸-۹
 - تداوی ووقایع سوختگی هادرسفر وحضرت شماره: ۱۱۹۱۰
 - اسلحه دستجمعی وتأثیرات آن شماره: ۱۲
 ۵۴- لمړی برید من دکتور شیر احمد زاهدی
 - کلام وتشوشات آن شماره: ۹-۱۱۹۱۰
 ۵۵- دیپلوم انجنر لمړی برید من عسکر مورگن شنواری
 از خدمات تخنیکي:
 - لاریپودل شوی گولی سریره شماره ۹
 - لاریپودل شوی گولی وپیژنی شماره: ۱۱۹۱۰
 - لاریپودل شوی الوتکی شماره ۱۲
 ۵۶- لمړی برید من عبدالحلیم منیب:
 - رحمة للعلمین شماره: ۲
 ۵۷ لمړی برید من سید ابراهیم تویمس:
 - حادثه فزیکي - انعکاس وانکسار شماره: ۴
 - طول موج عامل اصلی شماره: ۵
 ۵۸ لمړی برید من عابد الرحمن صافی:
 - مانور در مدافعه شماره: ۵
 ۵۹- لمړی برید من محمد رحیم ازقطعه اطفائی اردو:
 - حریق بلای خانمانسوز شماره: ۹
 ۶۰- لمړی برید من عبدالحلیم حکیم از حربی پوهنتون:
 - پلی کندک د سیند غاړی په مدافعه کی شماره: ۹
 ۶۱- دوهم برید من عبدالرووف:
 جنگ کوریا شماره: ۵
 ذوات محترمیکه بامجله اردو همکاری قلمی داشته اند
 ۶۲- دکتور عبدالحکیم طیبی سفیر کبیر افغانی در دهلی:
 - سلطان محمود غزنوی وفتح سومنات شماره: ۱
 ۶۳- بشیر کبیر:
 - نگاه اجمال بر مناسبات آلمان شماره: ۷ الی ۹
 بلوکاد (محاصره) شماره: ۱۰ الی ۱۲
 ۶۴- پوهنیار جلال الدین صدیقی استاد ژورنالیزم
 پوهنتون کابل:
 - قوتهای مخصوص اردو شماره: ۱
 - آرشمیدس چطور از خاک خود دفاع کرد؟ « شماره: ۳
 ۶۵- بناغلی اونگوت از دایرة المعارف:
 - درسا لهای نبرد شماره: ۱-۳-۵
 ۶۶- بناغلی محمد مصطفی میرزی . شماره: ۱ الی ۹
 - لنهوی شماره: ۱۰ الی ۱۲
 ۶۷- بناغلی محمد اسمعیل اختیاری از هوائی ملکی:
 - مخابرة نیموس ۳ بامونیک شماره: ۲

- تجهیز طیارات باتوپ ولکن شماره: ۳
 - لباس بسته کاران سفاین قضائی شماره: ۴
 - انکشاف سفاین کیمهانی شوروی شماره: ۵
 - قلب مصنوعی شماره: ۶
 - استیشن های مداری شماره: ۹
 - سن انتقالی از جوانی به پیری شماره: ۱۱۹۱۰
 ۶۸- بناغلی محمد سلیمان صاحبیان محصل انجینری
 پوهنتون کابل:
 - استفاده از انرژی آفتاب شماره: ۲
 - داستان مرد گرسته شماره: ۴
 - آخرین برگ شماره: ۹
 ۶۹- بناغلی سید فضل احمد چخا نسوری از هوائی ملکی:
 - اتحاد شوروی و خلائی موجوده شماره: ۵
 ۷۰: بناغلی محمد صدیق رهپو معلم:
 - مادر عسکر شماره: ۵
 - عسکر کوچک شماره: ۶
 - دسته گلی بر مزار شهید شماره: ۸
 - درسهای از جنگ ویتنام شماره: ۱۰ و ۱۱
 ۷۱- بناغلی آقا محمد بیغرض مصحح مطبوعه دفاع ملی:
 - په شان دادینه او ثبات شماره: ۱۰ و ۱۱
 - رحم، مهربانی او عطفوت شماره: ۱۲
 ۷۲- بناغلی بهرام خور من لمحی از اکادمی پولیس:
 - د افغانستان تیرو و گروته کتنه شماره: ۶
 ۷۳- بناغلی غلام حضرت زرم لوال از وزارت معارف
 - تشعشع رادیوئی شماره: ۱
 اتم چیست شماره: ۴
 ۷۴- بناغلی احمد صدیق حیا از دارالتحریر شاهی
 - بهار وطن شماره: ۲
 ۷۵- بناغلی عبدالقدیر لیسانسه زراعت
 - اهمیت هور کرافت شماره: ۱
 ۷۶- بناغلی نسیم گل معلم پهنو:
 - د ناامیدی او یاس سره مبارزه و کړی شماره: ۲
 ۷۷- میرمن حاذقه هروی
 - مسدس شماره: ۵
 ۷۸- پیغله هما صدیق طرزی لیسانسه تعلیم و تربیه
 - رنگ زندگی شماره: ۱
 - تردید شماره: ۲
 - همه مادرها را دوست میدارم شماره: ۳
 ۷۹- پیغله نورجهان صاحبیان
 - مجاهدین شماره: ۱
 - مینی او شجاعت شماره: ۹

وفات صالحه امین اعتمادی



این بانوی روشنفکر و جوان که سالها در حلقه مطبوعات کشور بحیث مدیره مسئول مجله میرمن عهده دار و وظیفه سنگین آن نشریه قیمتدار بود سرانجام بایکجهان حسرت و آرزو جان بجان آفرین سپرد.

وفات مرحومه صالحه امین اعتمادی در مجامع نسوان کشور و روشنفکران محیط و بالخاصه در اجتماع اهل مطبوعات و وطن اسباب تاثر و اندوه فراوان را فراهم ساخت. مرحومه در دوران تصدی نشریه (میرمن) که یگانه مجله وزین و آبرومند موسسه نسوان و نماینده طرز تفکر و ذهنیت بانوان کشور است و اغلب در مطبعه دفاع ملی طبع و نشر میشد باکوشش و تلاش پیگیر و با نشر مقالات ارزنده و پرورن و ذوق و سلیقه کامل برای تنویر اذهان طبقه نسوان و وطن خدمات پسزائی انجام داد و سلسله مجلات میرمن، بذات خود یادگار پرافتخاری بان مرحومه و بازماندگانش خواهد بود. خدای پاک روحش را شاد و بقمایل و بستگان محترممش صبر جمیل عنایت فرماید.

دملی دفاع وزارت - ستر درستیز

دنشریاتو لوی مدیریت - دار دو مجله

مجله اردو (نشریه ماهانه)

سال پنجاه و دوم

نمبر مسلسل: 612

ماه حوت 1351

شماره: دوازدهم

شرح اشتراك:

150 = افغانی

سالانه برای صاحب منصبان و اشخاص ملکی:

12/50 = افغانی

قیمت فی شماره:

70901

نمبر حساب در افغانستان بانک:

کابل - افغانستان

آدرس: - مجله اردو - مطبعة دفاع ملی

نمبر تلیفون مدیر مجله: 23208

AFGHAN MILITARY REVIEW

(Monthly Magazine)

Address: URDU MUJELLA, Military Press, Kabul, Afghanistan

Tel: 24574 & 23208

Subscription rate for foriegners & abroad = 15US. dollars

Volume, 52, Serial No, 612 Number, 12

Feb. & March 1973